

۹۵۵۹  
۱۹۳۵

کتابخانه دانشگاه

۱۳۱۴

طبرستان

۱۳۱۴

۱۳۵۲

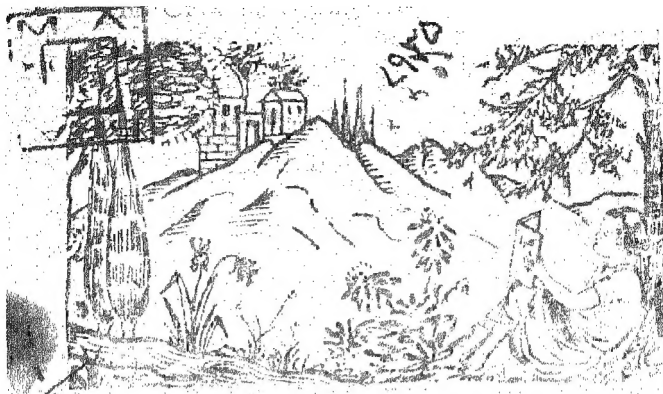
۱۹۳۵



M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE7935



انچه با آخرین شماره مخصوص یادگار جنگ

## ایران را پایان جنگ و صلح

جنگ کونی بر اثر جانشانی و کوشش کشورهای بزرگ و کوچک  
منطق با تسلیم و این نفع حق و حقیقت منتهی گردید سیاست کشور  
گشایی و زورگویی باز برای باز هم مغلوب شد، فرشته صلح که  
شش سال بال و پر بسته گرفته و سیر را ترک کرده بود دوباره باز  
گشته و چهره زیبای خود را بر مردم ستوده و زجر کشیده گیتی نمودار  
ساعت وای متذکره این جنگ خونین و خونریزیهای مدهش و  
خواباننده برای جهانیان چه آثاری باقی گذاشت  
کشورهایی که ویران گردید و رشته انتظام امور مادی آنها  
از هم گسیخت، شهرهایی که با خاک یکسان شد و بصورت آثار  
باستانی چندین هزار سال پیش درآمد، میلیونها خانواده بدون سرپرست  
و بیخانمان که هستی خود را از دست دادند، برهنگی و گرسنگی

CHECKED 1996-97

زبانهای فاحش مالی که جبران آنها کار بس دشوار است و بالاخره  
خرابیه و بدبختیه و مشقانی که گریبانگیر نسل بشر گردید همگی  
نتیجه سیاست جا برانه کشور هائست که اینک خود آنها پیش از  
دیگران آسیب دیده اند و آتشی که روشن کردند و در آن سوختند  
ماحصل حرص و خود خواهی شومست که آنها را باین روز سیاه نشانید  
و بیکمده کشورهای کوچک بیگناه هم آسیب رسانیدند که از جمله  
آنها ایران دلبند ماست که هر چند سر بازارش در جنگ شرکت  
نکردند ولی به نسبت خود بیش از سایر ملل متفق در راه پیروزی  
فداکاری نمود و متحمل خسارات و مضایق مالی و اقتصادی فراوانی  
گردید که فقط یک تعارف دیپلماتی یا با سم «پل پیروزی» نامیده  
شد و دیگر هیچ (۱)

کشورهای متفق باتوصل بهرگز شده اقدامات مقتضی برآشده اند  
که از وقوع نظائر این جنگ که دنیائی را بدبختی گشاید و عدالت  
جهانی را بخطر انداخت جلوگیری نمایند. امید است این اقدامات  
کشورهای متفق و تشکیل سازمان امنیت جهانی که دولت ایران  
از خزان شرکت دارد به حصول موفقیت کامل مقرون سازد و هر سایه  
این سازمان گیتی تا مدت مدیدی از آسیب جنگ برکنار ماند و  
کشورهای بزرگ و کوچک متفق برای احسان شرایط و بطن و صبر  
جنگ و جبران مافات بر سبیل عقد پیمانهای اقتصادی و کمکهای واقعی  
و غیر مادی بهرگز فراموشی پیدا کنند تا در نتیجه اقوام کشورهای محروم دیده  
نمانند و تقاضای برآوردی بکنند و کم از کم بار فشارهای طاقت فرسای  
جنگ برآید و ولی متأسفانه با رقابتیهای سیاسی که ظهور نموده  
است نویندی و نگرانی شده است.

کشور ما ایران در ملی جنگ گزینی جسم خود متحمل خسارات  
بسیاری شده است و فداکاری مهمی برای پیروزی متفقین نمود  
نموده است. کمک راه ترانزیتی ایران بمشقی و استقامتی که از  
لحاظ جنگی متفقین بمقدور خودشان از این راه حیاتی بایل پیروزی

کرده اند محتاج بشدند و توصیف نیست زیرا فداکاری که کلیه افراد ملت ایران در این خصوص نموده و زبانه های مالی که دیده و فقرو پریشانی که با آن بسختی دست بگریبان بوده و محرومیت هائی که در طی جنگ داشته و هنوز هم دارند بر هیچیک از ملل متفق پوشیده نیست و امیدواریم متفقین ما که چندین سال تمام قوای خود را در راه برقراری آزادی و عدالت بر علیه زورگویی و تعدی بملل کوچک در سراسر جهان بکار برده اند امیدواریم معنی و حقیقت داشته و این فداکاری ها و محرومیت های فوق العاده ملت ایران را فراموش نکرده باشند و ایران را از ذریافت کرباه راه آهن و سهمیه غرامات و کمکهای مؤثر اقتصادی و مالی که وعده داده اند بی نصیب ننمایند و همانا فقط از این طریق ممکن است ایران و ایرانی که در راه پیروزی ملل متفق از هستی ساقط شده است و منابع اقتصادی و مؤسسات صنعتی و جنگی و بالاخره دار و ندار خود را در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم متفقین

نزدیک نمود درباره بتواند تجدید قوا نموده و قد علم نماید.

اینان با پایان یافتن جنگ امیدوار است که دوران بحران و مشقتهاى ملت ایران نیز پایان یابد و این پریشانی و بدبختی که از لحاظ وضع اقتصادی و گرانى فوق العاده کالا هنوز مردم ایران با آن دست بگریبانند خامه بافته و پس از سالها سختی و مشقت گشایش کلی و آسایش عمومی در زندگى طبقات حاصل شده و بتوانند تسکین راحتی بکشند و ضمناً با وعده و ندرتهائى که متفقین بها داده اند تعلیم ایران هر چه زودتر متوجه تعلیم سراسر ایران از قوای متفقین ما گردد و با فراهم ساختن هر گونه تسهیلاتی از لحاظ آزادی عمل و عدم دخالت در امور داخلی ما کمکی نیازگشت اوضاع کشور بحال عادی خود شده و گشایشی در کلیه کارهای کشور حاصل گردد.

علیه السلام علیه السلام



## تعالیم اسلام و صلح جهان



دومین جنگ جهانسوز با شکست ژاپون پایان یافت ولی تأثیرات مادی و معنوی آن از چند جهت باقی و در حقیقت همان افکار نابغوانی و مطامع فریبده که موجب جنگ عالمگیر بوده در مملکت اجتماعات و روحیه افراد در تالطم و جامعه بشر باعث امیدواریهای هواخواهان صلح مقدرات تلخ و تاریکی در سر راه دارد.

جامعه بشر بیمار است. ضعیف است این بیمار در این بار هم در ره بهران را ملی کرده و ظلم از خطر مرگ رسته و ولی جسم آن بی اندازه در مبارزه میکروبهای مهاجم تعین گشته و تا مدتی محسوس هم قوه عقلی او تحت تاثیر حوادث ضعیف و پریشان شده است.

جامعه بشر از جنگ زیانهای بیشماری دیده و خواهد دید. ضرر جنگ تنها گشتارهای بی حساب انهدام شهرها و مدنیتها گسیخته شدن نظامات خانوادگی و اجتماعی، پندایش انواع امراض و فقر و مسکنت عمومی و در بدری جانها و افراد و مملکتها و نفس نیست بلکه ناوضع مدتها و اختراعات موجب و بیمارهای روحی و عقلی فراوان است که خواهی نخواهی آثار مستقیم آن تا چند نسل پیاپی خواهد ماند.

اگر بین جنگ عناصر قوی و سالم جماعات را می بیند شهمنشهای دانا و دانشمند را معدوم می سازد ایمان و اخلاق را که عقاید قوم و مستقیم را مشوش میسازد و در جوامع بشری اهم از غالب و مغلوب اضطراب فکری ایجاد میکند.

ملل غالب تصور میکنند که جهان و سر و پشت انسان در دست آنان است. در نتیجه این تصور عبود و مواعید خود را فراموش میکنند و آن آزادی و سعادتی را که برای خود و جانیان آرزو مند بودند از لوح خاطر محو میسازند و در فکر استفاده از قدرت و توانائی صوری برآمده موجبات تحول عقیده و حسن نیت خویش را فراهم میآورند و همین معنی است که در کلام مجید بدان اشاره شده که «و اَوْ رَحْمَانِهِمْ وَ كَشَفْنَا عَنْهُمْ غِشَّهُمْ لِنَبْلُوهُمْ هَلْ يُطِيعُونَ». تاریخ از اینگونه حوادث و پرده های مکرر زیاد در صفحه خاطر ثبت نموده است ولی البته امروز از لحاظ ترقی عقلی و مدنی و تعارف متمدنی طرز فکر ملل متمدنه نباید مشابه اقوام منحطه باشد. تا وقتی که مایه خولیای جهانگیری بهر نام و عنوان از مغز اجتماعات دور نشود جنگ بانه مفاسد و زبان محسوس و وقت انگیز دوام خواهد یافت و یقین است که در این نبرد دایم و ساطع غلبه و استیلا و کشور گشائی به نسبت مقتضیات زمان متفاوت میشود ولی در همین حال بناوب غالب و مغلوب جای خود را در مرحله موفقیت و شکست بگر میسپارند.

در این جنگ خونین و مستمر عالم انسانی ناچار است با تحمیل خسارات مادی و معنوی همواره تمام عناصر فکری و اقتصادی خود را متوجه جنگ نماید و همیشه فرزندان عالم را برای مسلح و کشتارگاه پرورش دهد.

دوام چنین وضعی که همه از کادر دینی و موجودیت انسانی را منتهی خود قرار داده و آنرا است و بیش بینی میشود که انقضای لازم بشر نزدیک و آبره زمین از موجودات زنده تهی خواهد شد. ما از لحاظ مقتضیات دینی نگران چنین پیش آمده ای نیستیم و میدانیم جهان را حاکمی باشد خدا نام. و (طریقت مشابهت دوری

و هوس زيانكاران را نخواهد نمود و لواييع الحق احوالهم لغسنت السموات  
والارض ومن فيهن « متفكرين و دوستداران عدالت هر روز در ایجاد  
روش و طريقه تازه درخور مقتضيات و افكار مساعد روز برای  
تأمين صلح جهان مساعي فراوان ميذول ميدارند ولي در عين تقدير  
از اين اقدامات بايد متوجه شد كه تا مباني تعليم و تربيت عمومي  
در همه كشورها در ظاهر و باطن بر اصول تعليمات ديني و عواطف انساني  
استوار نگردد دمدم طوفانهاي مهيب سياسي مانع از اجراي  
داد گستري و اصول عام المنفعه كه ضامن صلح و سعادت بشر باشد  
خواهد شد.

در تلو ديانتهاي آسماني تعاليم دين انسان از لحاظ پرورش  
عواطف انساني جلوه و ميراث خاصي دارد و در تأمين و تثبيت صلح  
عمومي و رفع عواطف اختلاف با اصول جامع سعي جميل بكار برده است.  
يكي از علل بروز اختلاف و موجبات جنگ فكر بر تری و تعالی  
و قومي است كه ميتوان گفت اين فكر يا اين مالبخوليا مصدر اصلي  
جنگهاي تاريخي بوده و هست.

ديانت اسلام همه افراد بشر را بدون تفاوت نژاد در يك رتبه  
و مقام و مزاياي برای جامعه يا قوم مخصوصي قائل نشده و تقسيم بنديهاي  
اجتماعي و پيدايش نسل و طائفه و قبیله را عامل معرفت و شناسائي  
و حسيّن تفاهم میان افراد ناس قرار داده است. « يا ايها الناس انما  
خلقناكم من ذكر و انثی و جعلناكم شعوباً و قبائل لتعارفوا »

بايد اين نکته تعليم شود كه میان اقوام انساني و نژادها  
فريق و امتيازی در خلقت صوري و عمومي نيست و تصور اينكه بعضي  
از نژادها با جماعات از مواهب خدا داد محروم مانده و شعور ادراك  
و قواي خلقی خاص قوم يا نژاد واحدی شده و ديگران در سطح  
نازاي قرار گرفته اند تصور و گمان باطلی است.

در هر قوم و نژاد و در هر ملت و جامعه با توجه بطبقه بندی و مجموعه نفوسی که سازنده اجتماع میباشند مدارج عقول مختلف و متفاوت است ولی در عین حال هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که بتوان گفت هویت اجتماعی يك نژاد از حیث خلقت بطور کلی کمتر یا بالاتر از دیگران است .

در هر قوم و هر نژادی رذائل و فضائل وجود دارد و محققین گفته اند اگر برجستگان معارف جماعات را کنار بگذارند توده همه ملل در مراتب عقلی باهم یکسان میباشند .

سیاست خدعه آمیزی که پیشوایان نازی بقصد تفرقه میان نژادها ابداع و اختراع کرده بودند جز يك سلسله وهمیات و تخیلات بی اساس چیز دیگری نبود .

نازیها برای کرسی نشینان مفاخر موهوم خودشان مبادی تاریخ و لغت و علوم و نژاد شناسی را از سیر فنی و دانش منحرف نمودند و معمولات بی پایه و غلطی را وارد فرهنگ ساختند .

آنها بقوه محالطه میخواستند امتیازاتی در خون و خلقت برای خود زیر عنوان - آلمان فوق همه - ثابت نمایند و موضوعات و مسائلی را طرح کردند که بازوال خودشان یادگار مشهور و سرمشق فاسدی بجای گذاردند .

نازیها و شاگردان این مکتب از ترکیب بندی ظاهر جسم و ماده ملوّه نوری دیوست و چشم و اسب و شنگل بینی و بزرگی و کوچکی جمجمه و مساحت و تنگی پیشانی باندی و کوتاهی اندام مدارج عقلی را اندازه میگرفتند و در تمام موارد سخی داشتند همه مزایای صوری و معنوی را هم بخود انحصار دهند .

تردید نیست که موقعیت جغرافیائی و عوالم محیط طرز تفکر و میزان فرهنگ در تکوین مایه عقلی و خمود یا ظهور آن اثر کلی

دارد لیکن هیچگاه نژاد و جنسی از لحاظ رنگ پوست و علامت  
صوری واجد علم لدنی نبوده و قومیت مرادف با مدنیت نشده  
و فرهنگ اکتسابی نشان داده که نژاد سیاه و زرد را هم میتواند  
بنیای ادراک و مشاعر اقوام سفید پوست برساند.

در هر جنسی از صفات اولیه فطریه و صفات بارز ترقی وجود  
دارد و این بحث هنوز بهائی نرسیده که مشملدار علم و معرفت  
یا موجب مدنیت کدام نژاد و مذهب دانش کجا بوده است.

بهر اندازه کاوشهای تاریخی پیش میرود زیاد تر مشهود میگردد  
که اقوام بازمانده از کاروان ترقی سابقه درخشانی در تاریخ مدنیت دارند.

بحکم موازین دین مبین عدل خداوندی شامل حال کلیه عباد  
و بندگان بوده و هست بمقاد «علم الانسان ما لم يعلم» مواهب ایزدی  
و تعلیمات آسمانی و ودایع عقلی خاص نژاد مبین نبوده و خداوند  
رؤف مهربان فیض خود را عام نموده است امتیاز عقلی نژاد مبین  
بر سایر نژادها و اغفال جماعات بنام لغت و سابقه مدنیت و آتش  
انروزی باین عناوین و ایجاد عداوت و خصومت که غالباً در گردش  
زمان سلاح جهانگیران بوده بارها و هم و مستی آن به ثبوت رسیده  
و دیگر این ماجرا جوتیها نباید بر نامه بشر بمتمدن و آزادیشوای  
واقع شود.

اسلام همه اقوام و نژادها را شایسته ترقی و تعالی دانسته  
و استفاده از حق زندگانی و نعمات الهی و عدالت طبیعی را اساس  
سیاست اجتماعی قرار داده و هموم را درباره یکدیگر عدل و انسان  
نویسیه و تاکید نموده است.

بنابراین نخستین اصل اصلاح اوضاع آشفته جهان و تنظیم  
عقبات عدالت و امنیت و تأمین صلح عمومی بسته باین است  
مناخیزایی برتری و سیادت قومی و نژادی از مفرها خارج شود.  
این فکر بهر صورت درآیند و در تحت هر عنوان بعضی

حاکمیت و موجودیت اجتماعات لطیفه وارد سازد نتایج تلخ آن  
یکسان است باید جماعات را آزاد گذارد و بهیچ عنوان در مقدرات  
آنها دخالت ننمود .

یکی از علل ترقی و تأمین آزادی و قوت روح دموکراسی  
در دول متحده امریکا شکست سیاست مستعمراتی در آن منطقه  
بوده است در امریکا نوادهای مختلف که هر کدام دارای نواقصی  
و یا مزایایی بوده اند باهم تألیف و ترکیب یافته و بدون اینکه  
دسته و قوم خاصی در صدد تطهیر و برتری خود باشد با حفظ آداب  
و تقالید موروثی بهم آمیخته و سر مشق عدالت و مظهر آزادی  
قرار گرفته اند .

اگر باید دنیا روی آرامش بخود به بیند و افراد بشر از  
زندگانی لرزان و پریشان نجات پیدا کنند باید ترقی و سرنوشت  
هر کشوری را بعقل و استعداد اهالی آن واگذار کرد .

البته هر کشوری بموقع خود از لحاظ اجرای اصل عدالت  
و تساوی حقوق و تأمین آزادی فردی عهده دار وظایف دشوار است  
که در سر فصل آن حل معضلات اقتصادی و توازن زندگانی طبقاتی  
قرار گرفته و این اصلاحات هم باید باز عایت حقوق عمومی بعمل آید .  
ما از نظر زندگانی اجتماعی خودمان نیازمند هیچگونه

تعلیم و سرمشقی نمیشیم و چنانچه زیاد تر با حکام و فراعض و سبیل  
چنین مبین مراجعه کنیم همه مشکلات و معضلات زندگانی خود را  
با بهترین برنامه و روش و ضابطه نقش می توانیم مرتفع سازیم و ای  
بشر و طبیعت که سابق را نادیده نگذاشته و هوی و هوس و اغراض  
و خود کلامی را جایگزین اصول و اواص و نواصی چنین قرار  
ندهم و البته در این صورت موجودات انحطاط فکری و اجتماعی را  
غراهم آورده و بناچار پیش آمد هایی که نباید بآن مواجه شویم پیش  
خود خواهیم دید .

مدرس مسئول روزنامه ندای آسمانی - مشهد جناب زنده

بمناسبت تسلیم ژاين و پايان جنگ جهاني

## پیام اعلی حضرت همايوني

دربرابر راديو

روز ۴۵ مرداد ۱۳۳۴

—۵۵—

ساعت ۷ و نیم بعد از ظهر روز پنجشنبه اعلی حضرت  
همایونی بمناسبت پایان جنگ جهانی پیام زیر را  
دربرابر راديو ایراد فرمودند :

\*\*\*

خوشبختانه با خبر تسلیم ژاين جنگ عالمگیر پايان رسيد و  
دنیا از نوید صلح غرق شادی و مسرت است :  
همه میدانند که از این جنگ دنیا چه صدمات و جراحات بزرگی  
وارد شد و جبران آن مستلزم چقدر کوشش و مجاهدت خواهد بود  
حالا که این آتش جهانبوز خاموش شده و بهدفع اصلی خود که  
برقراری صلح و آرامش است نائل گردیده ایم با کمال خوشوقتی  
در جشن شرکت مینمائیم و تمام ملل مخصوصاً متفقین بزرگ پنجگانه  
تبریک میگوئیم و بملت ایران که در این نبرد عظیم شریک بوده  
و پیروزمند و سربلند شده است خوشبختی و سعادت را بشارت میدهم.  
در عین حال قلب و روح ما باید شکر گزار و متوجه رحمت  
واسع الهی باشد که در این شدائد بمانعبر و توانائی عنایت فرمود  
و میتوانیم از نتایج پیروزی متمتع و بهره مند شویم.  
تصمیماتی که برای بسط عدالت و حفظ حقوق ملل و استقرار  
مبانی صلح در کنفرانس سانفرانسیسکو اتخاذ شده وسیله گرانمایاست  
که همه را بقیه موجبات سعادت معطش و امیدوار مینماید همه  
باید این تصمیمات را با اشتیاق کامل پیروی کرده و از مشارکت

در اجرای آن دقیقه‌ای فرو گزار نکنند. کشور ما نیز که تا به حال  
 دچار مشکلات جنگ بود از این بیمد باید با کمال فعالیت در جبهه‌ها



اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی

سمات وارنده و تهیه سمات آتیه خود سعی و کوشش نماید و طرح



زندگی جدیدی برپرد که همانطوریکه مکرر گفته و تأکید کرده‌ام  
و باز هم تکرار میکنم با اتکاء و اعتماد بنفس استقلال و حاکمیت  
خود را محفوظ بدارد و برای جامعه ایرانی حد اقل احتیاجات را  
بطوریکه با تمدن جهان رفیق دهد فراهم کند و این منظور عمای نمیشود  
مگر اینکه پایه عدالت قضائی و اجتماعی را محکم نماید تا در سایه  
آن اشخاص صالح و شایسته و مردم خیرخواه و باایمان تشویق و ترویج  
شوند و لوازم ترقی و سعادت و رفاهیت تأمین گردد.

بشهادت تاریخ هر وقت برای کشور ما مضایق و عذائیدی رخ  
نموده همیشه مشکلات بر طرف شده است. همت و غیرت و فداکاری  
ملی ایران را اعظمیت تاریخی خود رسانیده و از کوشش و مجاهدت  
فرو گزار نشده است. حالاً هم موقع تجدید این امتحان تاریخی است.  
سعادت و موفقیت همگی را از خداوند تعالی مسألت داریم.



ارشد مارشال و یول نایب السلطنه هندوستان

بمناسبت تسلیم ژاپن و پایان جنگ

## بیانات آقای نخست وزیر در مقابل رادیو

آقای صدرنخست وزیر در ساعت ۷ و نیم بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۵ مرداد بمناسبت پیروزی متفقین و پایان جنگ سخنرانی زیر را در برابر رادیو ایراد نمودند :

هم میهنان عزیز و گرامی :

در این موقع که آخرین نیرو از کشور های دشمن در مقابل سربازان دلیر متفقین بزرگ مسافر فروذ آورده تسلیم و دولت مهاجم ژاپن که ما هم با آن دولت در حال جنگ بودیم رسماً با اطلاع چهار دولت امریکا ، اتحاد جماهیر شوروی ، بریتانیای کبیر ، چین و دولت های متفق ما رسانید که شرایط کنفرانس بوتسدام را قبول و بکلیه قوای خود دستور داده که عملیات جنگی را قطع و اسلحه را تسلیم نمایند . اینجانب با افتخار و خوشحالی و مسرت زیاد رسماً خبر خاتمه جنگ جهانی و بشارت و فتح و پیروزی نهایی را با دست مبارک شما میهنانم و سربازان خوشوقت که در این ایام نود و یکمی بستی و حقیقت این اقبال را داشته ام که بتوانم یک چنین مرده روح بخشی را که نوید استقرار آزادی و روزگارهای بس طولانی از خوشی و سعادت برای ما و برای تمامی مردم جهان است بجهت هموطنان عزیز خود از دور و نزدیک آنگهی دهم و خاطر آشفته همه را تسکین داده آورده و راحت و شاد سازم .

بیش از هشت سال است که هجوم بر آزادی شده و ما چهار جنگ و خونریزی و آسایش و امنیت مسلوب و هزاران هزار هزاران هر روز بظانک هلاکت میانه افتاده ما کن سادگان ها مؤسسات و شهر ها و در نتیجه آثار تمدن بشری ویران و درو بخشی صورت و اگر این شامعه و کشمکش باز هم ادامه میافت البته چندین میلیون نفری بر همه تلفات افزوده شده و باز بناچار بسیاری از تاجایی و کوششی اینده بشری بتوجه خاک میخورد .

شکر خدا را که در اثر تدبیر و وفات و بردباری سران  
کشورهای بزرگ دوست و متفق ما و با شهامت و شجاعت و فداکاری  
سربازان دلیر آنها، شیفتگان آزادی و عدالت، پایان روزهای  
تیره و سخت طلسم سعادتی بشری نمودار و جنگ نامانوسوز عالم  
با فتح و پیروزی نهائی خانه و آزادی و عدالت ظاهر بافت از هم  
اکنون باید در سراسر دنیا بشکرانه پیروزی همه بوم کمک و مساعدت  
نمایم و در ترمیم خرابی ها و اصلاح امور کشور های متفق رنج  
کشیده و زحمت دیده بشکوشیم و مردم بدبخت را در صحنه این  
کشور ها که در اثر شوم جنگ بدی و سختی دیده اند در همه جا  
با جدیت و صمیمیت خوشی و رفاه و سعادت زاهدانی نصیب دهیم.  
هموطنان عزیز: همه میدانند و همه هم دیده و شاهدند که  
در امتداد این جنگ شما این طبعی سخاوتمند و دچار خدمات  
میده اید و در راه پیروزی همه التماس میماند که شنیده و از هیچ نوع  
کوشش و مساعدت مضایقه نکنید و این وسران معظم متفقین ملاحظه  
باین مراتب اذعان نموده و محلی تردید هیچ فردی از اقرار نیست  
که شما آنچه در حد قدرت خود داشته اید بکف امتلاسی گذارید و  
که وسائل پیشرفت و موفقیت در این راه فراهم شود.

امثال یقین بدانید که ایام سختی و بدبختی سرری شده بروز  
بروز باید برای رفاه و آسایش شما بهر آن اندازه سعی و زورش ها  
بشود و امید هم هست که هر روز نسبت روز مقابل در سایه اتحاد  
و اتحاد که انتظار آن را البته بیش از پیش دارم بتوانیم وسائل  
رفاه و آسایش شما و امنیت کامل کشور را فراهم و پیوسته با اصلاح  
امور موقعیت حاصل نمایم در این راه هم شرط اصلی کمک و مساعدت  
خود شما است که مقتضی است در این موقع تا بتوانید سعی نمائید  
همه با هم نزدیک شده از مخالفتها و تقارهای پیاپی که اصلاح کشور  
نیست کنار نهاده و یکدل و یکجهت برای سعادت مردم و امنیت  
کشور بر اساس احترام آزادی و عدالت با هم متفق و متحد شویم.

تا به منظور خود بر سیم و ریشه های سختی و بدبختی را از جا برکنیم که :

« آری باتفاق جهان میتوان گرفت »

هر چند هموطنان عزیز من از اعلامیه تهران که با مضای سران دول معظم متفق رسیده و استقلال تام و تمام ایران را متضمن و متعهد شده اند مستحضر هستند در این موقع که جنگ خاتمه یافته لازم دانستم بکمر تپه دیگر از متفقین عزیز خودمان جهت اعلامیه خاصی که فقط بین تمام ملل متفق منحصرأ برای ایران در کنفرانس تهران صادر شده است شخصاً و بنام ملت ایران سیاستگزاری نمایم حال که بابتضت کشور از قشون متفقین تغایه میشود و چون جنگ با تمام رسیده امیدوارم این تخلیه همانطور که تمام ایرانیان انتظار دارند مقدمه ای برای تخلیه تمام کشور باشد و اوضاع ایران نیز که توأم با اوضاع عالم است بحال عادی برگشت نماید و آسایش و عدالت در جهان با کمک متفقین بزرگ ما مستقر گردد .

امر دیگریکه باعث خوشوقتی عالم بشریت است و کشور ایران نیز فی سبب می باشد و هموطنان عزیزم نسبت به آن علاقه کامل دارند تشایبی است که از کنفرانس دول متفق در سانفرانسیسکو گرفته شده و اعلامیه حضرت همایون شاهنشاه معظم ما نیز در فرمایشهای ملوکانه دیروز بدان اشاره فرمودند نمایندگان ایران در این کنفرانس شن گشت چسبته و بقدر سهم خویش در استقرار «بانی صلح عالم کملک» نمودند و منشوری را که با مضای پنجاه دولت متفق رسیده و ضامن صلح آتی عالم میباشد همراه خود بایران آوردند .

من سعی خواهم نمود کشور ما یکی از اولین دولتی باشد که این منشور صلح را تصویب نموده به هموطنان عزیزم اعلام نمایم این منشوری که ضامن صلح و امنیت است هر چه زود تر برای تصویب پنجاه شورای ملل تقدیم نمایم .

در خاتمه به هموطنان و بخاندانده های اشخاصی که بواسطه اثرات شرم جنگ عالمگیره بتی باز داشت و از عزیزان و خویشاوندان خود دور مانده بودند و اینک آسوده و آزادانه با خاندانده های خود پس میگردند تبریک میگویم .

## بیانات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

### و سفیر کمیسر انگلستان در ضیافت دربار شاهنشاهی در کاخ سعدآباد

—۴۴—

بهمناسبت حصول پیروزی قطعی و پایان دومین جنگ عمومی  
دنیا از طرف دربار شاهنشاهی ضیافت مجللی در کاخ سعید سعدآباد  
داده شد.

برحسب دعوتی که از طرف ارتیس تشریفات سلطنتی شده بود  
آقایان وزیران و رئیس مجلس شورای ملی کلیه سفراء و وزرای  
مختار و نمایندگان سیاسی خارجی مقیم تهران از ساعت ۸ و نیم بعد از  
ظهر یا خانم های خود در کاخ سعید سعدآباد حضور بهم رسانیدند.  
در ساعت ۹ بعد از ظهر مدعوین برای صرف شام واهنشاهی شده  
و در پیشگاه ملوکانه شام صرف گردید. در سربز شام اعلیحضرت  
همایون شاهنشاهی نطق زیر را ایراد فرمودند:

آقای سفیر کمیسر:

خیلی خوشوقتم که امشب از نمایندگان محترم مالی پندیرانی  
میکنم که شیفه آزادی بوده و با نهایت شجاعت برخیزد کشورهای  
متجاوز یعنی دشمنان عدالت و دموکراسی قیام نمودند.

ما در اینجا برای جشن پایان پیروزی متدانه جنگ خانماندازی  
جمع شده ایم که نوع بشر را دچار مصائب بشمار کرده بود.

کشور ایران مقتدر است از اینکه در حدود و مسائل خود برای  
موقیعت متفقین بزرگ شویش و عموم مالی متدنه همکاری کرده

و ما یقین داریم جان و مالی که بیدریغ در این راه ایثار شده تحت  
لواء سازمان ملل متحده صلح پایداری را برقرار و احترام حقوق  
تمام ملل را از بزرگ باکوچك و قوی یا ضعیف تأمین خواهد نمود .  
در این موقع جام خود را به سلامتی رؤسای کشورهای ملل  
بزرگ که به نیرومندی کامل با قوای اهریمنی مبارزه کرده اند بلند  
کرده و سعادت و کامیابی آنها را صمیمانه آرزو مینمایم .

بسلطین و رؤسای کشورهای ملل متحد و ممالک دوسنی هم  
که نمایندگان آنها در سر این میز حضور دارند درود میفرستم .  
البته در این موقع جشن و شادی قهرمانان و شهدای این جنگ را  
نیز که با کمال شجاعت جان خود را برای خدمت آزادی و رستگاری  
بشر فدا کرده اند نمیتوانیم فراموش کنیم و من اینک احساسات قلبی  
خود را با رواج پاك آنها هدیه میکنم .

از خداوند متعال درخواست دارم که در گیتی یکدوره آرامش  
و امنیت طولانی برقرار فرماید تا رفاه حال و کامیابی کامل اهالی  
تمام کشورها تأمین شود .

پس از پایان بیانات اعلی حضرت همایون شاهنشاهی سرریز  
بولارد مفیر کبیر انگلستان در تهران با سمت مقدم السقرائی باسخ  
زیرا ایراد نمودند :

شاهنشاهی :

این بنده که از روزهای اول جنگ در ایران بوده ام ،  
خوشوقتم از اینکه این اقتضای تعجب من شده است تا هر جم احساسات  
نمایندگان سیاسی خارجی ، در پاسخ نطق اعلی حضرت همایونی باشم  
تمام کسانی که در این مجلس حضور دارند از اظهار خوشوقتی

اعلیحضرت همایونی را درباره اینکه جنگی که مصائب فراوان وارد آورده پایان یافته و از احترامی که برای آنانکه در راه آزادی جان داده اند، قائل شده‌اید، از ته قلب منعکس میسازند تنها مایه تسلی در برابر اینهمه مصائب و شداید و در برابر از بین رفتن اینهمه مردم، امیدواری باین است که سیستم امنیت دنیا که آنرا ملل متفق از جمله ایران - تنظیم کرده اند بیشتر از سلف خود یعنی مجمع اتفاق ملل در جلوگیری از تهاجم و توفیق یابد امیدواری به اینکه در تحت این سیستم، چنانکه اعلیحضرت همایونی نیز اشاره فرموده، صلح دائمی، احترام بحقوق، تمام ملل چه بزرگ و چه کوچک بوجود آید.

من بنام تمام نمایندگان سیاسی خارجی در اینجا جام خود را به سلامتی اعلیحضرت همایونی و برای خوشبختی کشور شما که مطمئن هستیم بر مشکلات بعد از جنگ فائق خواهد آمد بلند میکنم.

#### شب نشینی

پس از صرف شام شب نشینی آغاز گردید و بر حسب دعوتی که بعمل آمده بود هیئت رئیس مجلس شورای ملی، معاونین وزارتخانه‌ها، رجال، دبیران و وابسته‌های نظامی سفارتخانه‌ها، افسران ارشد ارتش شاهنشاهی از ساعت ۱۰ بعد از ظهر در کاخ سفید سمع آباد حضور بهر رسانیدند. از طرف رئیس تشریفات سلطنتی از آقایان مدعوین در معوضه جلو کاخ پذیرائی بعمل آمد. در ساعت ۱۱ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بیاغ تشریف فرما شدند و برفه افتتاح گردید، ذات‌ملوکانه نسبت بموم‌مدعوین اظهار تفقد و مهر بانی نموده و در ساعت ۱۲ بکاخ مراجعت فرمودند. این پذیرائی و شب نشینی که در يك محیط گرم و صمیمانه انجام گردید تا مدتی بعد از نیمه شب دوام داشت.

بیانات آقای نخست وزیر  
در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی  
روز ۲۵ مرداد ۱۳۲۴

بانهایت مسرت و خشنودی رسماً باستحضار آقایان نمایندگان  
محترم مجلس شورای ملی می‌رسانم :

دولت مهاجم ژاپن تسلیم گردید . پس از ۸ سال جنگ  
و تجاوز های بر خلاف حق و عدالت و برخلاف عهود و اصول  
بین المللی بالاخره ژاپن در برابر سربازان دلیر و مشعلداران  
آزادی و عدالت که جان بر کف برای حفظ شرافت و حقوق  
بشریستادگی میکردند سر تسلیم فرود آورده و زانو بر زمین زد  
(صحیح است) .

دولت ژاپن در پایان روز ۳۳ مرداد ماه جاری رسماً بااطلاع  
بچهار دولت ، دول متفق ما امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و  
بریتانیای کبیر و چین رسانیده که شرایط کنفرانس بوتسدام را قبول  
نموده و فرماندهان ارتش و کلیه قوای کشور خود در هر نقطه‌ای  
که هستند دستور داده است عملیات جنگی را قطع و اسلحه را تسلیم  
نمایند . باین ترتیب آخرین دولت متجاوز دشمن ما و دشمن متفقین  
ما در برابر پرچم آزادی و دموکراسی سر تسلیم فرود آورد و  
پسروزی جهانی بفتح مال متفق اعلام و تأمین میگردد (صحیح است)  
(صحیح است)

اینجانب بر حسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بنام دولت  
و ملت ایران که بحقیقت اصولی که پیشروان دول بزرگ دموکراسی  
هدف مشترک خود قرار داده ایمان و اعتقاد کامل دارند و در راه



قیل باین منظور مقدس از هیچگونه کمک و همراهی دریغ ننکرده  
است (صحیح است صحیح است)

این پیروزی بزرگ را که فتح و ظفر، حق و عدالت بافتخار  
و سر بلندی بهمه ملل متفق شیفته آزادی مخصوصاً بهچار دولت  
بزرگ امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و انگلیستان و چین صمیمانه  
شادباش میگویم و موفقیت آنها را در حفظ صلح جهانی و تأمین آزادی  
و استقلال ملل خواستارم.

عظمت و اهمیت بشر با آزادی و اجرای عدالت است و اگر  
این دواصل برای افراد و ملل و کشورها در سراسر جهان مورد  
ستایش و احترام نباشد و وسیله حفاظت آن تأمین نگردد همه این  
کوششها و جدت ها عبث و بیهوده بوده شتون و حیثیات جامعه  
بشری در خطر واقع میگردد.

شکر خدا را که شهامت و مردانگی، فداکاری و از خود  
گذشتگی سربازان دلیر شجاع دولت های دوست و متفق ما شتون  
و مقام ستوی بشر و تمدن دنیا را که در نتیجه هزاران سال زحمات  
و میزاحمت های زیاد بدست آمده و بازم باید در راه تکامل آن  
سعی و کوشش شود از خطر نابودی و فنا نجات داد و همه واجب  
و مستقیم است برای سیاستگزاری از دلاوران بیباک و با ایمانی که  
در راه این مقصود و در این جنگ خانمانسوز جهانی بھالك هالك  
افتادند اصول مقدسه آزادی بشر و احترام استقلال نام و تمام ملل  
و کشورها را مخصوصاً آن کشورها که برای حصول این منظور  
در مدت طولانی جنگ متحمل زحمات و سدمات شده اند محترم  
شمردیم و همیشه هم برای آزادی و اجرای عدالت در سراسر جهان  
از بذل تمامی فداکاری مضایقت نورزیم (صحیح است صحیح است)  
کف زدن متقد حضار)

نطق آقای رئیس مجلس شورای ملی

سه ماه و شش روز قبل در همین مجلس خبر شادی بخش

و مسرت اثر خاتمه جنگ اروپا با اطلاع فاطمه ملت ایران رسید در آن روز یکی از بزرگترین ملل متجاوز گیتی در برابر قوای پیروزمند متفقین در افتاد و از پای درآمد لیکن هنوز مات متجاوز دیگری که سالها پیش از شروع جنگ اروپا با اثره قتال را در صحنه آسیا برافروخته بود چنان به پیکار خویش ادامه میداد در آن هنگام ما همه از صمیم قلب آرزو داشتیم که این کانون ستیزه و جنگ نیز هرچه زودتر از جهان برچیده شده و آتش جنگ و قتال در سراسر گیتی یکباره خاموش گردد و عدالت و مساوات و آزادی و برابری جایگزین ظلم و وحشت و خود سری و استبداد بشود هر چند حصول این آرزو با قوت عزم و نیرو و اراده سران ملل متفق و شهامت و شجاعت افسران و سربازان آنها و کوشش و نداکاری خستگی ناپذیر آنان و بسط عدل و نصف تعمیم اصول صحیح و سلم امری محقق و مسلم بود بسیاری جای خرسندی است که این مهم زودتر از آنچه انتظار میرفت صورت تحقق پذیرفت و آتش جنگ پیش از آنکه پنداشته میشد فرو نشست امروز با نهایت مسرت و با قلبی بر از تکریم و احترام نسبت به سران ملل متفق که بر اثر کوشش و تدبیر آنان این آخرین آشیانه متفقین و کینه جنگ نیز ویران گشته است مرده شکست قطعی و خیر تسلیم بدون قید و شرط و بدون و فرا رسیدن دروان صلح را که جامعه بشری مستحیات در انتظار آن رنج میرسد بمجلس و ملت ایران اعلام میکنم

ملت ایران بسیار مباهی و متفکر است که در راه پیروزی ملل متفق نسبت به توانائی خود از هیچگونه بذل مجتهد در هیچ نوزیده و سهمی بسزا داشته است هنگامیکه هنوز سرانوشته جنگ و قتال جنگجوی تیره و تاریک بنظر میروید و شرافت سیاست جهان روشنی امیددی از هیچ جانب و دیدار نبوده و بلکه بالعمکس قوای نیرومند

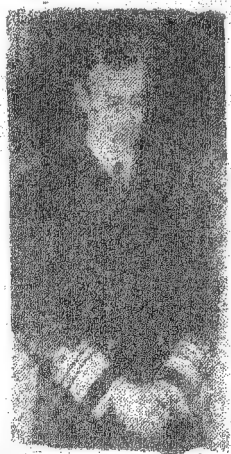
خیم دامنه سلطه و نفوذ خود را بدروازه های ایران کشیده داشت  
کشور و ملت ما بدون هیچ تردید و یا درنگ و تعلل با کمال میل  
و علاقه در صف نیرومند ملل متفق قرار گرفت و با دولت متجاوز  
آلمان و هندستان اروپائی او از در پیکار درآمد و در همان هنگام  
سیاست خود را در قبال دولت ژاپون نیز روشن ساخت و در طی  
این مدت مدید در این جهاد آزادی کلیه افراد ملت ایران هر يك  
در شغل و مقام خود مانند سربازانی فداکار با نهایت صمیمیت و با عری  
راسخ و ایمانی استوار و با بذل موجود که کمال جود است در راه  
پیروزی ملل متفق عملا شرکت کرده اند (صحیح است صحیح  
نست) بهر حال امروز که بیاری خداوند قادر متعال جنگ جهانی  
پایان یافته است و دیومرک و وحشت از بهشت زمین رخت بر بسته و فرشته  
صلح و آزادی بر فراز جهان بال گشوده است نخستین آرزوی ما  
اینست که این اتحاد ملل بزرگ جهان که موجب حصول چنین پیروزی  
بزرگی گشته است همچنان با کمال صمیمیت و و داد ادامه یابد زیرا  
ایستیان کامل داریم همانطور که بدون این سازش ممکن نبود  
قوای شگرف خصم بدین سرعت منضم و نابود شود و دوران  
صلح و وفا فرا رسد بیشک بدون این یگانگی و اتفاق حفظ صلحی  
که در راه آن ملل گیتی اینهمه قربانی داده و رنج بردیده و مواد  
ساخته اند امکان پذیر نمیتواند بود.

آرزوی دیگر ما آنست که ملل بزرگ جهان همانطور که  
فرمانشور ملل متفق پیشینی و تأیید شده است اساس صلح آینده  
را بر شالوده حسن تفاهم و حفظ معاهدات و موافق و احترام با قوال  
و تعهدات و رعایت حقوق و حمایت ملل ضعیف در برابر دول قوی  
و مراعات حقوق اساسی بشر چنان استوار سازند که تا جهان بر پاست  
هیچگونه رخنه ای در بنیاد آن راه نیابد و صلحی دائم و حقیقی و عادلانه

شائبه هر گونه تزویر و ربا و عنف و جور بوجود آید و مانند فاصله  
 بین دو جنگ اخیر جهان حالت صلح مسلح بخود نگیرد البته با توجه  
 بمقاد منشور ملل متفق در کنفرانس سانفرانسیسکو که خوشبختانه  
 برخلاف جنگ گذشته در این بار قبل از پایان جنگ تهیه و تدوین  
 گردیده و با رعایت اصول و مقررات سازمانی که از آن پیش بینی  
 شده و با علاقه و ایمانی که کلیه ملل جهان پس از تحمل مصدات  
 این جنگ خانمانسوز بحفظ این اصول و مبانی که خود آزادانه بتدوین  
 آن مبادرت جسته اند ابراز میدارند مخصوصاً با علاقه ای که ملت  
 امریکا بخلاف جنگ گذشته در همکاری با سایر ملل نسبت بسازمان  
 بین المللی جدید از خود نشان میدهد حصول این آرزو ممکن و محقق  
 بنظر میرسد و رجاء و اتق داریم که با این ترتیب و با تجاربی که  
 ملل بزرگ گیتی از نواقص سازمان جامعه ملل سابق دارند خطاهای  
 آن سازمان و اغماض دول بزرگ در برابر تعدی ملل متجاوز نسبت  
 بمملات ضعیف بار دیگر تکرار نخواهد شد و نیز آرزو مندیم که درقبال  
 فداکاریها و مجاهدات ملت و کشور ایران در طی این جنگ و مصائبیکه  
 در این راه با کمال صمیمیت متحمل شده است هنگام صلح درجه کوشش  
 و سهم بزرگ این کشور در راه حصول پیروزی محفوظ بماند و مقام  
 شایسته ای که مناسب با سابقه درخشان تاریخی این ملت باستانی  
 است در جهان سیاست ملحوظ افتد.

در وهله نخست با احترام و ایمانی که نسبت باقوال و تعهدات  
 متفقین معظم خود داریم و با توجه بمقاد اعلامیه سران سه دولت  
 بزرگ درانجمن تهران آرزو مندیم که قوای متفقین اینک که بیاری  
 میدانند متعال جنگ بکلی پایان پذیرفته هرچه زودتر خاك ایران  
 را ترك نمایند. در ختام سخن از جانب دولت و مجلس و ملت ایران  
 بپردان پاك شهدای راه آزادی بشر که در جبهه های مختلف و پشت

جنبه‌ها برای استقرار اصول آزادی و مساوات و رفع ظلم قوی  
از ضعف جنگیده و جان داده‌اند درود می‌فرستیم و همچنین درود  
فراوان بروان پاك پریزیدنت روزولت که ملت امریکا برابری او  
چنگ را آغاز کرده و بیابان رسانیده نثار میکنیم (صحیح است)  
و بهترین تحیات قلبی و تبریکات مجلس و ملت ایران را بمرآن آن دول  
بزرگ مخصوصاً پریزیدنت ترومن، ژنرال اسموس استالین، مستر اتلی  
و مستر چرچیل تقدیم مینمایم و از خداوند مسئلت میکنم که این بلغمه  
بزرگ را خاتمه بلایا و این مصیبت عظیم را آخرین مصائب انواع  
بشر قرار دهد و همواره صاحب و سلم در جهان پایدار و برقرار بماند  
(صحیح است) برای سپاسگزاری و ابراز شادمانی در این جشن  
جهانی که ملت ایران نیز در آن با کمال اشتیاق و میل شرکت  
نموده است با اجازه آقایان نماینده محترم جلسه را تعطیل و جلسه  
آینده را بعداً اعلام میکنیم (صحیح است) گفتن متذکره (صحیح است)



در باسالار فونت پاتن فرمانده نیروی جنوب خاوری آقایان سر آرازم

## نطق هیرو هیتو امپراتور ژاپن در مجلس شورای ملی ژاپن

هیرو هیتو امپراتور ژاپن پس از تسلیم ژاپن در جلسه فوق العاده مجلس شورای ژاپن حضور یافت .

از طرف ژنرال ماک آرتور فرمانده کل نیروی امریکا در ژاپن هم به خبرنگاران جراید متفقین اجازه داده شد در مجلس حضور یابند . بعلاوه در تالار مجلس عددهی از افسران و سربازان متفقین دیده میشدند امپراتور پس از چند سال اینک برای نخستین بار بمنظور ایراد نطق شخصاً بمجلس رفته است . پس از جلوس بر تخت زرین که خیلی بالاتر از کرسی ریاست مجلس وضع شده بود امپراتور خطاب بمجلس سنا و شورای چنین اظهار داشت :

منظور ما اینست در این هنگام که جنگ پایان رسیده ملت ما اشکالات بیشمار و گرفتاریهای فوق العادهی را که قهرآبا آن مواجه خواهد گردید مرتفع سازد .

ملت باید بطوری رفتار نماید که مفاخر سیاست ملی ژاپن اعتماد عموم جهانیان را تحصیل نماید و با کمال درستی و متانت حالت مسالمت آمیزی برقرار کند و بدین ترتیب بر پیشرفت و ترقی جامعه انسانیّت کمک نماید .

فکر و خیال ما پیوسته مشغول همین مقصود و هدف میباشد . شما باید در خارج کشور با کمال ایمان و عقیده تعهدات امپراتوری ژاپن را مراعات نموده و سائل سازش و دوستی با عموم ملل را تشریف نمایند و نیز در داخل کشور برای ترمیم و اصلاح کلیه شؤون کشور مساعی لازمه را بمنظور داربد تمام افراد ملت باید بدون وقفه مشغول کار شده مبنای و اساس دولت را مستحکم نمایند .

برای کمک به خانواده های سربازان متوفی و حمایت از  
زخمیها و بیماران و تهیه رفاهیت افسران و سربازانی که اخیراً رخصت



گردد، به اندوخته چینی

برای کمک به اشخاصی

که دچار مصائب

چنگ شده اند از

هیچ اقدامی مضایقه

نباید بشود.

ما به وزیران

خود امر کرده ایم

اصول و شرایط

سیاست خارجی و

داخلی ما را و همچنین

چیزان واقعی را

که به اتخاذ تصمیمات

فوق العاده منتهی

گسسته شده است

تشریح نماید.

#### هیرو هیتو امپراتور ژاپن

ما به قضای میل و اراده خود و به قضای سیاست امپراتوری

دایر ایجاد شومنی بر روی اساس و اصول متین اخلاق و عدلیت

در سده شومین برآمد با موافقت دولت به این مقصود نایل گردید.

و به اتفاق ملیونها اتباع خود با مجاهدت فوق العاده که تاکنون

نظیرش دیده نشده باشند متحصلاً در راه خدمت به کشور که خواهم است

شاهزاده میکاگوتوکی نخست وزیر ژاپن فردا در مجلس

و قاعده را که به قبول تمام محبت پوتسدام منتهی گردیده تشریح

خواهد نمود.

نطق نخست وزیر ژاپن

پنروز بعد از نطق امپراتور ژاپن نخست وزیر آن کشور در مجلس شورایی نطق مفصلی ایراد نموده که قسمت اعظم آن ستایش از امپراتور ژاپن در خصوص کوشش‌هایی که وی برای پایان دادن جنگ مبذول داشته بوده است نخست وزیر اظهار داشت که امپراتور برای رهایی میلیونها نفوس ژاپن از گرسنگی و بدبختی جنگ خاتمه داد تا بتواند نسل آئینه را حفظ کند.

دولت ژاپن موقعی که در سال ۱۹۴۱ تصمیم گرفت با آمریکا و انگلستان اعلان جنگ دهد امپراتور فوق‌العاده اندوهناک گردید و موقعی که شرایط بوتسدام را دولت ژاپن قبول کرد یقین داشت که این شرایط از حق حاکمیت امپراتور ژاپن نخواهد کاست.

نخست وزیر ژاپن سپس علنی که موجب شکست آن کشور گردید تشریح نموده و گفت که نمیتوان مسئولیت این شکست را بدوش يك نفر انداخت زیرا ژاپن قبل از به کار رفتن بمب اتمی از طرف نیروی هوایی آمریکا بر بندر یوکوشیما و جزیره تاکازاکی که تلفات و خسارات عظیمی وارد نمود شکست خورده و امور نظامی و اقتصادیش بدون ترتیب شده بود.

وی سپس گفت که باید به سلامت آزادی عقیده و حق رأی داد و دولت ژاپن در نظر دارد کتابچه قوانین آزادی را از میان بردارد.





انور و انوار بالماق در سالروز کی نصرت و توفیق ما بقدرت و کرم حق تعالی

## از واقعه پرتل هاربر تا واقعه ناو میسوری

سال ۱۹۴۱

روز هفتم دسامبر ۱۹۴۱ هنگای کبه نمایندگان سیاسی ژاپن در واشنگتن مشغول مذاکره بودند. هواپیماهای ژاپنی بر «پرتل هاربر» پایگاه مهم دریائی امریکا و مانیل و شانگهای و مالاکا و سبام و هونگ کونگ حمله کردند.

در نتیجه این تروبر و ابتکار عملیات را موقتاً بدست گرفتند زیرا نیروی دریائی متفقین نتوانست در آغاز کار بر ناوگان ژاپنی نفوذ پیدا کند.

روز هشتم دسامبر امریکا و کشورهای مشرق‌المنافع بریتانیا و چین بر علیه ژاپن اعلان جنگ دادند و همان‌وقت نیز چین بر علیه آلمان و ایتالیا و سه روز بعدش ایتالیا و آلمان بر علیه دولت متحده امریکا رسماً وارد جنگ شدند.

روز دهم دسامبر که دو نبرد ناو بزرگ انگلیسی بنام «پریسماف و یای» «پریسماف» در کرانه غالاکاس غرق شدند و از این راه ضربه سختی بر پیشر نیروی دریائی بریتانیا وارد آمد. از آن پس ژاپنها دنباله عملیات خود را ادامه داده و یکسلسله ضربات پیاپی بر جزیره هائیی که برای متفقین ارزش سوق الجیشی و سیاسی داشت وارد آوردند.

روز ۲۲ دسامبر نیروهای ژاپنی بر جزایر فیلیپین که ۸۰ تا ۱۰۰ هزار سرباز در آنجا متمرکز بودند هجوم گرانباری بردند و روز بعد جزیره «ویک» از طرف ژاپنها اشغال شد و در تاریخ دوم ژانویه ۱۹۴۲ ماژیلای پایتخت لوزن سقوط کرد.

در جهت دیگر نیز ژاپنها «تاراگان» را در کناره برشو  
تصرف کردند. در ۲۳ ژانویه هجومهایی از طرف نیروهای ژاپنی  
بر جزایر سلیمان، گینه جدید و بریتانیای جدید برده شد.  
بدینمه نوال در طرف کمتر از دو ماه ژاپنها حلقه ای از مواضع  
دفاعی برای خود تشکیل دادند.

### سال ۱۹۴۳

هنگامیکه عملیات سوق الجیشی نیروهای دریایی ژاپن در  
اقیانوس آرام ادامه داشت نیروهای زمینی و هوایی آن کشور در  
ظرف مدت کوتاهی مراکز حماس و حیاتی متفقین را در مالاکا،  
برمه، سوماترا و جاوه ویران ساختند. در ۱۴ فوریه ۱۹۴۲ پالمبانک  
واقع در سوماترا اشغال شد و روز بعد امپراتوری بریتانیا یکی از  
مراکز مهم حیاتی خود یعنی سنگاپور را از دست داد در این اوان  
فتح و پیروزی بی دریغ نصیب دشمن میشد. در ۱۶ فوریه ژاپنها  
بجزیره بالی و روز بعد بنمبور پیاده شدند. جزیره جاوه نیز در ۲۹  
فوریه اشغال شد و روز ۸ مارس ژاپنها در «سالاموا» واقع  
در گینه جدید نیرو پیاده نمودند.

شهر و بندر مهم رانگون در تاریخ ۹ مارس تسلیم شد و  
دسته های سربازان جیتی مجبور شدند که توئنگورادو سی ام مارس  
رها نمایند.

در وقت ژنرال مک آرتور باسترابط در تاریخ ۱۷ مارس و همان  
هوایی بر توکیر در ۸ آوریل بمنزله اولین موفقیت نیروهای متفقین  
در بیکار خاور دور بود با این حال روز اول ماه مه مانده تخیله  
و عقب نشینی نیروهای انگلیسی بطرف هند آغاز گردید.  
دسته های سربازان انگلیسی و هندی که در برابر یک دشمن  
نیرومند قرار گرفته بودند موفق شدند ۸۰ در صد نیروی خود را  
عقب بکشانند.

در ۴ مه ژاپنها بکرچیدر پیاده شدند و تفوق نیروی دریایی که تا آنروز ژاپنها از آن برخوردار بودند موجب تسهیل این عملیات گردید. لکن حمله ناوگان ژاپنی از طرف واحد های نیروی دریایی امریکا بزودی متوقف ماند و علی نبردی که چهار روز در دریای کورال بطول انجامید هفت کشتی بزرگ ژاپن به تحقیق و دو کشتی با احتمال غرق شد و متجاوز از بیست کشتی ژاپنی آسیب دید.

در ۱۲ ژوئن ژاپنها جزایر کیسکواتورا در مجمع الجزایر آلئوسین اشغال نمودند و روز بیست و یکم ژوئیه در گینه جدید (در محل یونا) نیرو پیاده کردند. سپس در تاریخ ۷ اوت نیروهای امریکائی ژاپنها را اشغال نموده بگودال کانال پیاده شدند و در ۲۶ اوت دسته های سربازان استرالیائی و امریکائی از ژاپنها که میخواهستند در انتها الیه جنوب شرقی خلیج میلن (در گینه جدید) پیاده شوند پذیرائی بسپار «گرمی» بعمل آوردند. در ۳۱ اوت متفقین باولین فتح زمینی خود در خاور دور نائل شده منطقه خلیج میلن را یکسره از وجود دشمن پاک کردند.

روز دهم سپتامبر ژاپنها از اون استانی رینج در گینه جدید عبور کرده بفاصله ۵۰ میلی بندر مورسبی رسیدند و اگر براین بندر دست می یافتند سواحل استرالیا بخطر می افتاد لکن نیروهای استرالیائی خطر را رفع نموده ژاپنها را مجبور به عقب نشینی در گینه جدید نمودند و از آن زمان ابتکار عملیات نصیب متفقین گردید. ژاپنها در گودال کانال نیز عقب نشینی اختیار کردند. در این موقع ستونهای سربازان استرالیائی و امریکائی بهم پیوسته بطرف یونا پیش می رفتند دسته های سربازان استرالیائی روز ۲۶ نوامبر گونا را تصرف آوردند و در تاریخ ۱۹ دسامبر سربازان انگلیسی از روز هند عبور کرده وارد خاک برمه شدند.

## سال ۱۹۴۳

روز ۱۱ ماه مه دسته های سربازان امریکائی در جزیره اتواز جزایر التوسین پیاده شدند و در ۲۸ اوت مقاومت ژاپنیها در نیوجرجیا یکسره پایان یافت.

روز چهارم سپتامبر دسته های سربازان متفقین در مشرق لی پیاده شدند و چتر بازان نیز پشت خطوط دشمن فرود آمدند و ضمن این عملیات ۲۰ هزار سرباز ژاپنی را در لی و سالاموا محاصره نمودند. در ۱۶ سپتامبر لی بدست متفقین افتاد نیروهای استرالایائی نیز پس از پیاده شدن در عقب مواضع ژاپنیها فینشافان را تصرف آوردند.

در اواخر ماه نوامبر متفقین تسلط کامل بر خلیج مهم هوون یافتند در همان اوقات نیروهای امریکائی در جزایر ناروا و ماکین واقع در مجمع الجزایر ژاپلرت پیاده شدند. پیاده شدن نیروهای امریکائی در جزایر ماوشال (۳۱ ژانویه ۴۴) موجب تسهیل پیشروی متفقین را بسوی قلب امپراتوری ژاپن فراهم آورد.

## سال ۱۹۴۴

در این ضمن قوای انگلیسی در برمه با وجود مقاومت دشمن پیشروی خود ادامه میدادند و هنگامیکه باد های موسمی در آغاز ماه مه وزیدن گرفت مواضع مستحکم دفاعی در سلسله جبال مایو و در جبهه اراکان برای خود تهیه نمودند. ستون تند روینگیست نیروهای ژاپنی را عدام تقصیر میکرد و در همین حال قوای چینی و امریکائی نیز از کوههای کرمون سرازیر شده بسوی میسکینسا حرکت کردند لیکن در جبهه مایپور ژاپنیها از رودخانه سینسورین عبور کرده و نیروهای انگلیسی را مجبور به عقب نشینی از تپه های نورند و در نتیجه کوهها به خطی افتاد. روز چهارم مه دو شهر ایپال

و کوهها بعد از پایداری شدید سربازان انگلیسی از طرف ژاپنها محاصره شد ولی دسته های سربازان ژاپنی که در این منطقه از بقیه ارتش ژاپن دور افتادند دچار قحطی و بیماری گردیدند در اواخر ماه ژوئن تهدیدی که از طرف ژاپنها بهند وارد میآمد مرتفع شد و پیشرفت نیروهای چینی و امریکائی منجر به تصرف فرودگاه میتسکینا در روز ۱۷ مه و تسخیر موسکانک در ۲۶ ژوئن گردید و بالاخره خود شهر میتسکینا نیز که بزرگترین پایگاه ژاپنها در برمه شمالی بود در ۳ اوت بدست متفقین افتاد. روز ۱۴ ژوئن نیروهای امریکائی بسایبان حمله بردند و این شهر در تاریخ ۸ ژویه سقوط کرد. در تمایب سقوط سایبان تینیان نیز در ۳۱ ژویه و گوارا ۹ اوت به تصرف متفقین در آمد.

از ژویه تا اکتبر ۱۹۴۴ هواپیماهای ناو نشین و واحدهای نیروی دریائی مدام آماجهای جزایر فیلیپین را بمباران کردند روز نهم اکتبر نیروهای امریکائی به جزیره لیت پیاده شدند و در ظرف یک هفته یازده شهر از چنک دشمن را هائی یافت و سه فرودگاه نیز به تصرف امریکائها در آمد. تلفات ژاپنها در دوازده روز اول از سبب هزار نفر تجاوز کرد بالاخره نیروهای ژاپنی آخرین کوشش خود را برای جلوگیری از پیشرفتهای متفقین بعمل آوردند و راهی از راه آکتر نیروی دریائی ژاپن اهمیت خود را بکلی از دست داد و از آن پس ارتباط بین ژاپن و دستوراتش بیش از پیش دشوار گردید.

در ماه اکتبر سربازان چینی، انگلیسی، هندی و آفریقای جنوبی در برمه پیشرفتهائی نائل شدند روز ۱۸ اکتبر «تیدیم» تسخیر گردید و بعد از یک حمله شدید «فورت وایت» نیز سقوط کرد. سپس واحدهای سربازان آفریقای شرقی از رودخانه چینلوی عبور کردند و نیروهای انگلیسی نیز در جنوب راه آهن میتسکینا ماندند و پیشروی

آغاز نمودند. روز ۱۴ دسامبر سربازان لشکر ۳۶ انگلیسی از حیطه ایراودی گذشتند و «مونجیو» واقع در محل تقاطع جاده دیو و برمه نیز در تاریخ ۲۱ ژانویه بدست نیروهای چینی سقوط کرد و بدین منوال جاده زمینی چین بعد از دو سال و نیم آزاد گردید.

در این اوقات ارتش چهاردهم با وجود شرایط دشواری در جهت ماندن به پیشرفت شایانی نمود و روز ۲۱ فوریه بر کر مهم میکتیلا رسید. ضمن این عملیات هواپیماهای متفقین نیز مراکز جنگی ژاپن از قبیل کارخانه های هواپیما سازی امورا و میتسوبیشی و سایر صنایع جنگی را در ناگويا و توکیو ویران ساختند. در ماههای اول سال ۱۹۴۵ دایره عملیات نیروهای متفقین توسعه یافت و در این موقع هدف آنها انهدام آماجهای جزیره هانشو بود. در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۴۴ متفقین بیش از پیش به جزایر اصلی ژاپن نزدیک شدند و جزیره ایوجیما واقع در ۷۵۰ میلی خاک ژاپن مورد حمله نیروهای دریائی و هوائی آمریکا قرار گرفت روز ۱۸ فوریه ۱۹۴۵ نیروهای دریائی آمریکا در این جزیره مهم پیاده شدند و در روز بعد موتویاما شهر عمده آن را تصرف نمودند.

در این اثنا پیشروی در فیلیپین نیز مرتباً مداومت داشت و روز ۱۵ دسامبر نیروهای آمریکائی جزیره میندورا پیاده شدند و در ظرف يك هفته فردگاههای مهمی را که فقط ۷۵۰ میل بمائلا فاصله دارد تصرف آوردند. در روز ۹ ژانویه آمریکائیا جزیره لوزن نیز که از مهمترین جزایر فیلیپین میباشد نیرو پیاده کردند و در اثر استراتژی ماهرانه ای يك ستون تندرو از سربازان آمریکائی ۱۲۰ میل راه در ظرف شش روز طی کرده وارد مائلا پایتخت فیلیپین گردیدند.

نیروهای انگلیسی که در برمه مشغول پیکار بودند روز هشتم ماه مارس وارد مانداله شدند و ۱۲ روز بعد در «دوفرین» را که آخرین موضع دفاع ژاپنها در داخله شهر بود تصرف آوردند. دسته های ارتش ۱۴ ژنرال سلیم بدون آنکه مجالی بدشمن بدهند پیشرفته را اکنون را در سوم ماه مه نجات دادند. ارتش ژاپن که دچار مضيقه خواربار شده بود و راهی برای تهیه آذوقه نداشت بسرعت از هم گسیخته شده و تا مدت ۴ ماه ارتش ۱۴ انگلیسی مشغول رفت و روب بقایای آن بود. در این ایام بادهای موسمی شدیدی نیز میوزید و عملیات جنگی را دشوار میکرد.

فتوحات متفقین در کلیه جبهه ها یکی بعد از دیگری فرا میرسید در تاریخ ۹ مارس دسته های سربازان امریکائی بجزیره مینداناو پیاده شدند و روز ۱۷ مارس اشغال جزایر ایوجیما خاتمه یافت دریاسالار نینیتو بدون آنکه وقت خود را صرف استخلاص کلیه اراضی فیلیپین نماید بجزیره اوکیناوا واقع در مجمع الجزایر ریوکیو حمله برد و با تاجا نیرو پیاده کرد و بیک سلسله عملیات مهم دوجین (ژمینی و دریائی) مبادرت ورزید.

در اول ماه آوریل یعنی شش ماه بعد از این عملیات طلی یک پیکار شدید هوائی و دریائی که در آن ابتکار عملیات کاملاً در دست متفقین بود ژاپنها ۳۹۰ هواپیما و شش ناو جنگی از دست دادند. ناها پایتخت اوکیناوا در روز شانزدهم ماه مه مستخر شد و مقاومت منظم سپاهیان ژاپن در این جزیره در تاریخ ۲۱ ژوئن پایان یافت. دو هفته بعد یعنی روز پنجم ژوئیه ژنرال مک آرتور استخلاص سرتاسر جزایر فیلیپین را رسماً اعلام نمود. عملیات هوائی متفقین بر جزایر اصلی ژاپن در نتیجه تصرف ایوجیما و جزایر فیلیپین و اوکیناوا رو به شدت و تازید نهاد چنانکه روز نهم مارس طی یک حمله هوائی هزارتن بمب آتش زا بر مناطق صنعتی توکیو ریخته شد و ۱۴۰۰۰ هواپیما امریکائی طی یک پرواز دسته جمعی ناگويا سومین



شهر ژاپن را ویران ساختند. دامنه این عملیات تا آخر ماه مه توسعه  
بسیار یافت بطوریکه در اولین حمله هوایی «برو کوه‌ها» بزرگترین  
بندر ژاپن ۲۲۰ بمب آتشباریخته شد. در اول ماه مه بمباران  
استرالیا بجزیره تاراگان واقع در ساحل شرقی برتو پیاده شدند  
و روز نهم ژوئن لشکر استرالیا در یک موقع بجزیره دایا بومین  
و برتوی شمالی (در خلیج بروئی) نیرو پیاده کرد. در نتیجه ورود  
عده دیگری بایالت پایان و در تاریخ ۲ ژوئیه نیروهای متفقین توانستند  
منابع نفت شیر این ناحیه را تصرف آورند.

در روزهای ۱۴ و ۱۵ ژوئیه ناوگان سوم آمریکایی جزایر  
اصلی ژاپن را بار دیگر بمباران نمودند و در روز بعد در اثر  
الحاق واحدهای نیروی دریایی انگلیس با آنها بزرگترین عملیاتی  
که در صحنه بیکر اقیانوس آرام سابقه نداشت مبادرت ورزیدند  
بدین معنی که حمله بسیار گرانبای بر توکیو برده مواضع جنگی  
و صنعتی آن شهر را ویران ساختند. یک هفته بعد دوهزار هواپیما  
از خشکی و از ناوهای هواپیما بر پرواز کرده جزایر ژاپن را  
بشدت بمباران نمودند. در اثر عملیات بعضی از شهرهای ژاپن  
بعلوی ویران شد که دیگر قابل ترمیم نیست. در این اوقات در این  
وامارات نشان می‌داد که اراده ژاپنها بیامداری نقش بر آب شده تا اینکه  
در روز ۶ اوت نخستین بمب اتمی بر هیروشیما افکنده شد و ژاپنها را  
دستخوش و بهشت واضعتر از پیش نمود. در روز بعد با ورود دولت  
شوروی در جنگ خاور دور نیز شریک دیگری بر وجه مترازل و ژاپنها  
وارد آمد. در تاریخ ۶ اوت دومین بمب اتمی ببنر ناگازاکی  
انداخته شد و آخرین امید ژاپنها را منهدم ساخت. نمود روز بعد  
را دیو توکیو باین اعلام کرده که ژاپن تسلیم شده و اعلامیه انجمن صلح را  
بپذیرفته است. در میان صلح روز دوم سپتامبر بر روی برد ناو آمریکایی  
«میسوری» که در خلیج توکیو لشکر انداخته بود رسماً با امضاء رسید.  
ترجمه: محمد علی نظری



سنگاپور در اواخر ماه ژانویه این ایستگاه گرانپها از دست انگلیس ها  
بدر رفت و بیدرنك پس از آن پیروزی های برق آسای ژاپن  
در کایه جزایر اقیانوس ساکن آغاز گردید .

تلفات سنگینی در منطقه مالاکا و مخصوصاً در سنگاپور بر  
قوای امپراتوری انگلیس وارد آمد و شکست نیروی انگلیس در این  
منطقه یکی از بدترین شکستهای ارتش انگلیس بود .

اینك پس از سه سال و نیم مجدداً منطقه حیاتی شبه جزیره مالاکا  
آزاد شد و ناوهای انگلیس به سنگاپور باز گردید .

طوریست که رادیو دهلی خبر داده بدوا زره دار کشتی بانرا  
وزره دار سوفیستیک باراهستانی يك ناوشکن ژاپنی از میان مینهای  
ژاپن عبور نموده و در بندر سنگاپور لشکر انداخت و پاك کردن  
آبهای منطقه مالاکا از وجود مین بسرعت ادامه یافت و نیروی  
زمینی انگلیس نیز پس از چند روز وارد این بندر شد .

ژنرال مالك آرتور بهرمانده كل نیروی ژاپن در سنگاپور  
دستور داد كه نسبت بهرمانده كل ناوگان انگلیس هر چند خاوری  
كه اینك با زره دار کشتی بانرا وارد سنگاپور شده است یاری  
و مساعدت نماید .

آژادی سنگاپور پس از سه سال و نیم یکی از بزرگترین وقایع  
برای امپراتوری انگلیس بشمار میرود زیرا بدون سنگاپور محال  
است كه انگلیس بتواند موقعیت دیرین خود را در خلیج و دور حفظ  
کند و این كك قابل توجه است كه چگونه انگلیسها از جزیره بریتانیا  
در باطن اروپا و خاور آسیای شرقی آنطرف دنیا دست انداخته اند .

## متفقین با ژاپن چگونه رفتار خواهند کرد ؟



### آیا ژاپن هم سر نوشت آلمان را پیدا میکند ؟

اکنون که نیروی های متفقین در خاک ژاپن پیاده شده و باشغال خاک آن کشور پرداخته اند موضوعی که پیش از هر چیزی جلب توجه میکند معامله ای است که متفقین با ژاپن خواهند کرد و مخصوصاً این مسئله که آیا سر نوشت ژاپن هم مانند آلمان خواهد شد یا اینسکه متفقین سیاست دیگری را نسبت به ژاپنیا اتخاذ خواهند کرد فوق العاده مورد توجه محافل سیاسی دنیا قرار گرفته « ویلی هرچ لوت » سیاستمدار آمریکائی که از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۸ در ژاپن اقامت داشته است طی مقاله زیر اطلاعاتی در این خصوص و در باره نظریات امریکا نسبت به ژاپن بخوانندگان محترم میدهد .

نخستین چیزی را که باید در نظر داشت این است که ژاپنیا را با تمام ممایی که دارند نمیتوان نابود نمود و ما امریکائیها و همچنین افراد سایر کشورهای متفق مجبوریم بعد ها نیز با آنها زندگی نمائیم و بدین ترتیب برای زندگی با آنها از هم اکنون باید تکیه را در نظر گرفته و راه حل را بیابیم .

نخستین نکته ای را که من باید با تامل طولانی که با ملت ژاپن داشته ام حاصل نشان کنم اینست که ژاپنیا برخلاف شیائات منتشره متعلق فوق العاده زیاد غنییب و شربیی نیستند و در خون و اعصاب آنها چیز فوق العاده ای وجود ندارد که آنها را بی رحم تر و شقی تر از مردم دیگر کرده باشد منتفی نیست آنها در چند ساله اخیر سادری بوده که آنها را اینطور بار آورده است . اگر این



بی تردید زبان در آن کشور بیشتر در میان ارتش و این بوده  
است و طبقات غیر نظامی کمتر بدین کار اقدام میکنند . بدین ترتیب  
یا بکار بکردن يك روش صحیح و عاقلانه این عده را میتوان  
از عقاید قدیمی خود منحرف کرد و افکار آنها را متوجه آزادیخواهی  
و دموکراسی نمود .

در قدم اول برای انجام این مقصود باید دولت زبان را  
و ادب کرد که اصول قدیمی سیاسی خود را زیر پای گذارده و کشور  
خوش را بر طبق اصول آزادی و دموکراسی اداره نماید . اگر  
دولتی در زبان توانست که این مقصود را عملی نماید زمام امور  
بدست وی میسر شده و گرنه تا مدتی دولتهای متفق خود زمام  
زبان را مانند آلمان در دست گیرند .

پس باید بوسیله تبلیغات یعنی انتشار روزنامه ها و کتابهای  
مختلف و همچنین رادیو ملت زبان را با محیط خارجی و کشورهای  
دیگر جهان مربوط کرد و آنها را با عقاید سیاسی جهان خارجی  
آشنا کرد و کم کم فکر آزادیخواهی را در آنها بوسه آورد .  
بطوریکه همه ای از مسائل سیاسی جدید میزند و سپس  
آنها هم مناسب است اگر طبقات مجزای و فقی زبان ظاهراً برای  
بازرانی مردم که از این آگاهی برای مردم دموکراسی است و عقیده  
به حریات عامه است و اگر در انگلستان از این موضوع نباید دلگشایی  
شود و باید از این آگاهی برای باز کردن افکار مردم و گشایش  
فکر ایشان هم استفاده کرد و اینها را با یکدیگر و با عقاید  
آنها که در زبان قدیمی خود را سرافراز نمیدانند .

در مجموع میتوان گفت که در این سلسله تبلیغات باید از زبان پادشاه  
و از آنها که استعجاب مردم را برانگیزد استفاده بیشتری نمود و باید  
در این سلسله امپراتوری زبان هم

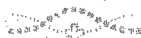
شده و سلطنت از خانواده آنها منتزع گردد بالا اقل امپراتور فعلی  
ژاپن خلع گردد و این موضوع هم علت دارد .

امپراتور در ژاپن بطور کلی مافوق تمام مقام های لشکری  
و کشوری و احزاب و مذہب است و نفوذ فوق العاده ای در تمام  
قسمتها دارد ولی امپراتور فعلی ژاپون طوری رفتار کرده که  
بمنواله عروسکی در دست زمامداران لشکری آن کشور شده  
و زمامداران لشکری ژاپن از نفوذ فوق العاده امپراتور در شاون  
کشور سوء استفاده کرده او را آلت اجرای مقاصد و نقشه های  
چون آمیز خود قرار دادند . همین موضوع است که امریکائیا  
و سایر ملل متفکر را بر علیه وی برانگیخته و برای اینکه چنین وضعی  
تجدید نشود آنها را تشویق به برکناری او کرده است .

این عقیده در امریکا طرفدار زیادی دارد که باید بر سر  
امپراتور فعلی ژاپن را بجای او بر تخت آن کشور نشاند و نیابت  
او را بیکى از رجال معتدل ژاپن داد و مراقبت نمود که از مقام  
فوق العاده او سوء استفاده ای در آن کشور نشود .

ولی اصولا بطور کلی برای این که روزی از مقام امپراتور  
ژاپن سوء استفاده نشود و بخصوص نفوذ مذہبی او ملت ژاپن را  
و انداز باقدام چون آمیزی ننماید باید بمدها در طی اشغال ژاپون  
سعی شود که با روشن کردن افکار مردم ، از نفوذ مذہبی امپراتور  
کاسته گردد .

برای اجرای این نقشه ها بالا اقل بعقیده من سه چهارم قرن  
پس از تاسوئیس در حدود ۷۵ سال وقت لازمست و در طرف  
ایستاد با بهترین باید خاک ژاپون را اشغال نماید با این که مقرراتی  
وضع کنید که بر نامه بالا اجرا شود .



## خلع سلاح ژاپن

بزرگترین خلع سلاح تاریخ بدون ریختن يك قطره خون و شليك يك گلوله پایان یافت

شب ۲۴ مهرماه ۱۳۲۴ ژنرال ماك آرتر فرمانده نیروی اشغالگر متفقین در ژاپن در برابر رادیوی توکیو راجع به خلع سلاح هفت میلیون تن نیروی ژاپن که دیروز با نهایت موفقیت پایان یافت نطق مهمی ایراد نمود و طی آن اظهار داشت که بزرگترین خلع سلاح تاریخ با نهایت موفقیت پایان یافت و اینك ژاپن از جرگه ملتهای بزرگ دنیا خارج شد. از لحاظ يك دولت نظامی بكلی نابود گردیده و هرگاه بخواهد در میان ملتهای دنیا مقامی داشته باشد باید بیدرنگ راه صلح و صداقت پوید. ژنرال ماك آرتر اظهار



ژنرال ماك آرتر

داشت که خلع سلاح ۷ میلیون تن نیروی ژاپنی يك اقدام بسیار خطرناك و از جمله حوادث بزرگ تاریخی بشمار میرود. لکن این اقدام خطرناك بدون آنكه يك قطره خون زمین ریخته و يك

گلوله شليك گردد انجام یافت و هرگز چنین تسلیم شرم آوری در تاریخ مشاهده نشده است این حادثه نه تنها از لحاظ طبیعی ژاپن را





باشنایی از میان می‌رود و بجای آن ملت متکبر و متعصب که داعی  
سیادت در آسیا را داشت يك ملت ۷۰ میلیونی فقیر و بینوا قرار  
میگیرد که معلوم نیست سر انجامش چه خواهد شد.

باید دانست که خود ژاپن یکی از کشورهای بسیار فقیر  
جهان است که تمام قدرت و عظمت پیشین خویش را مدیون توانائی  
سیاسی و حیثیت خود در آسیا بود ژاپن جز مقداری گوگرد و  
مقتضری مس از فلزات گرانبهای جهان مخصوصاً آهن هیچ نصیبی  
ندارد و کانه‌های زغالش بهیچ روی احتیاجات کشور را تأمین نمی‌کند  
و از لحاظ نفت نیز در مضیقه است و از تمام خاکش که تقریباً يك  
برابر ونیم انگلستان است فقط صدی ۱۵ بهره برداری میشود و قسمت  
اعظم احتیاجات آن از واردات تأمین میگردد اکنون که تمام مستعمرات  
ژاپن از دستش خارج شده و کلیه قدرت نظامی و سیاسی آن از میان  
رفته است معلوم نیست که در آینده زندگی خود را چگونه ادامه  
خواهد داد و رژیم دموکراسی در این کشور مفلوک که حتی قبل از  
هشکست خانواده های پشماری از فرط گرمسنگی دختر های خود را  
می‌فروختند چگونه برقرار خواهد شد ؟

البته همانطوری که ژنرال ماك آرثر در نطق خود گفته  
ژاپن از هر که ملتهای بزرگ دنیا کاملاً خارج شد و از لحاظ يك  
دولت نظامی نابود گردید ولی رحم و شفقت حکم میکند که متفقین  
اکنون بکودکان ژاپنی و خانواده های پشماری که اصلاً گناهی  
در بر افروختن آتش جنگ کثوفی نداشته و دستخوش مطامع يك  
دسته میلیتاریست شده قرار گرفته بودند کمک کنند و اکنون باید  
دید که در این راه تاجه اندازه موفقیت حاصل خواهند کرد ؟

## روحیه فعلی ملت ژاپن

«دو گر اسی» معنی این مردم زودپوست شده

— ۵۵ —

اکنون که ارتش ژاپن شکست خورده و بلاشرط تسلیم متفقین گشته روحیه مردم آنکشور چه میباشد؟

صرفنظر از کلیه مسائل و مراحل دیگر ملت ژاپن فعلاً تحت فشار مستقیم يك موضوع میباشد. و آنرا باید مسئله خواربار و تقاضیه دانست.

بعلاوه دولت ژاپن نسبت به مردم خود برانب از نازی های آلمان سخت گیرتر بوده و بنوعی ایشان را مراقبت مینمود که بهیچوجه از دنیای خارج اطلاعی حاصل نمیکردند. ژاپنیها هنگامیکه ارتشهای پیش میرفت اخبار دروغ میشنیدند و از زمانی هم که ورق برگشت و اوضاع عمومی چنانکه به نفع متفقین پیش میرفت خبرهایی دروغ نرا از اولی بگوششان میرسید. روزنامه های ژاپنی اکنون سعی میکنند که دلایل و اسباب شکست را برای خوانندگان خویش واضح و آشکار سازند ولی جز يك دلیل نمیتوانند موضوع دیگری را پیش کشند. آنهم فقط و فقط خرابی سازمان دواتی و سخت گیریهای سال ستمکار آن بوده است.

### انکار نمیتوان کرد

اگر به تمام جهانیان هم بگوییم که ارتش بیروز ژاپن پس

از مدتی عقب نشست ولی باز بعضی مقاومت میکرد و بر اثر انفجار يك يادو بمب اتمی تسلیم گشت حقایق را از نظر توده ملت ژاپن نمیتوانیم پوشیده داریم. زیرا او وارد در جریان خود بوده و با وجود مجاهدت کامل پلیس و جاسوسان داخلی معینا به بیشتر امور و اعمال دولت آگاه است.

### بهتر از دیگران

ارستو کراتهای ژاپونی که لیدرهای ادبی، صنعتی، اداری و سیاسی آنکشور ازین ایشان انتخاب شده و میشودیش از دیگران و بهتر از هرکسی بوضع حقیقی میهن در سابق اطلاع دارند و بخوبی میدانند چگونه و چرا ارتش معظم ژاپن برانو در آمد.

### روزنامه و رادیو

علاقه منی که فعلا اشخاص با نفوذ و تقریباً عموم مردم ژاپن نسبت برادیو و روزنامه پیدا کرده اند در این کشور بی سابقه است و بطور خلاصه از قول ایشان میتوان گفت:

باید حقایق بطور واضح برای مردم تشریح شود و هرکسی خود را آماده شنیدن اخبار، چه خوب و چه بد بنماید. اکنون که ارتش و عمالش از بین رفته اند با ما است که بطرف رادیو و روزنامه هجوم آوریم و بدانیم که این وسیله و وسائل دیگر نظیر آنها را (دموکراسی) مینامند. بدون تردید باید بچنین امری علاقه نشان دهیم زیرا تنها راهی است که ما را بدنیای خارج مربوط نموده و بعلاوه میتوانیم بهتر به خواسته ها و افکار متفکرین پی ببریم.

### پیامنهائی:

روزنامه آساهی که از روزنامه های معروف ژاپن است در

یکی از شماره‌های اخیر خود نوشته « آنچه را که ما اکنون باید بشناسیم داده و دریابیم آنستکه سابق مردم امید و علاقه بی نظیری بآینده داشته و از همین رو بود که کاینه‌های سابق نیز آنچه را مایل بودند انجام می‌دادند و به آرزو ها و پیشنهادات ملت واقعی نمی نهادند.

« سازمان و روش کار سابق باید از بین رفته و در عوض تمسک‌یافتن داده شود که نزدیکی کامل بین عموم افراد زبانی بوجود شود و بعلاوه حسن خویشخواهی از بعضی ها دور و علاقه به صلاح و دوستی در تمام مردم این کشور رسوخ نماید.

« دولتی که در آینده بر روی کار می‌آید و عموم زمامداران را باید باین حقایق متوسل شوند و ژاین را از این راه که بنگاه طریق آزادی و زندگی در دنیای فرداست هدایت و راهنمایی نمایند.»

### دعوت‌گراسی

فرد زبانی از اهالی ژاین خواهان دموکراسی می‌باشد. و از روزیکه سانسور روزنامه‌ها تا حدی مرتفع شد این اشخاص دست فعالیت زدند و روزنامه‌ها منتشر نموده اند. مهمترین این روزنامه‌ای که خواهان ایشان است روزنامه (پوهی نور پوهی) می‌باشد که در یکسبت از مقاله خود در روز ۲۹ اوت گذشته چنین نوشته ( مدت اشغال ژاین و اقامت سربازان متفقین در این کشور بسبب این است که بجه موقع یک حکومت دموکرات و دلبور بر روی کار خواهد آمد. لیدر های متفقین زمانی دستور اخراج سربازان خود را صادر خواهند نمود که (دیست) ژاین این مانی و ارلمان انگلیس و با کنگره امریکا برای ملت خود کار کرده و در راه آدامش جهان فتنه‌های مؤثری برانند در آنروز است که ژاین نیز برای شرکت در جلسات عمل ملتی دعوت خواهد شد.

## بر خلاف

مهمترین اختلافی که ژاپن امروز با آلمان شکست خورده دارد آنست که کشور زرد پوستان دارای يك وزیر امور خارجه و سیاست خارجی میباشد. بعلاوه نخست وزیر آن کشور شاهزاده هیگاشی کولن در نخستین سخنرانی خویش راجع به سیاست ژاپن نسبت به چین همسایه بزرگ گفته بود: «ما باید نسبت به چین سیاست خویش را عوض نموده و آنچه را که گذشته است تصحیح نماییم. علاوه ما به چین زیاد است و از این پس دوستی و یگانگی خویش هست خواهیم گمارد».

## معبد مشروطه خواهی

اگر گفته شود که بسیاری از ملت ژاپن بسوی معبد دموکراسی میآیند دروغ نیست. چه، خیلی ها در صددند بهر وسیله که شده وضع وروش کار دول غربی را سرمشق خویش قرار دهند. و هر چه بتوانند، خویشان را به دول دموکرات و مللی که سالها این مرام نیکو را سرمشق زندگی خود قرار داده اند نزدیک نمایند.

## چندی

عقیده همین شده راجع به چین آنست که باید خصوصیت و دشمنی سابق را کنار گذارد و از این پس توسط «اتحادیه روحی» بایشان نزدیک گردید. مقصود از این اتحادیه آنست که چون هر دو کشور در شرق دنیا قرار گرفته زود پوست هم هستند و مهمتر آنکه بسیاری از عادات و رسومشان هم نظیر یکدیگر است لذا بهتر و بیشتر از سایر ملل میتوانند همکاری کنند.

وضع عمومی ژاپن و روحیه افراد آن فعلا با حقایقی که در این مقاله گفته شد چندان اختلافی ندارد. و تردیدی نیست که در آینده بیشتر بکنه این حقایق میتوان پی برد.

# متن عهدنامه شوروی و چین

## دولت شوروی حاکمیت چین را بر منچوری

### بر رسمیت شناخت

متن عهدنامه شوروی و چین که یکی از بزرگترین و مهم‌ترین



مستند های بین المللی  
است و از چند هفته  
پیش توجه کایه محافل  
دنیا را بخود جلب  
نموده بوده اینک  
ایشان یافته و در سر  
تا سر جهان تواند  
نوشته‌اش قراران  
نموده است زیرا بر  
خلاف انتظار محافل  
بلژیکی که گمان می  
نمودند که صلحکام منافع  
چین کشود های  
آنگلوساکسن و  
شوروی از طرف  
و چین و روسیه از  
طرف دیگر اندازه  
ای شدید است که

استالین

با نیروی امید حصول سازش بین آنها نیروی این عهد نامه ثابت

کرد که کلیه مسائل مربوط بندو کشور با نهایت تدبیر حل گردیده و بهلاوه طوری تنظیم یافته است کشور های انگلیس و امریکا نمیتوانند نسبت به آن کمترین ایرادی داشته باشند . بموجب این عهد نامه که اعتبار آن سی سال است دو کشور متعهد گردیده اند که جداً از خطر بروز حمله و تجاوز احتمالی زاین جلوگیری نمایند و بمحض شروع حمله زاین متفقاً از آن جلوگیری نمایند . بهلاوه در زمان صلح مناسبات خود را بر روی اصل کامله الوداد قرار دهند و در کلیه شئون اقتصادی با هم همکاری نمایند و بدینقرار صلح و آرامش آسیا را کاملاً تضمین نمایند .

بر طبق این عهد نامه کلیه مسائل مهم آسیا که ممکن بود روزی موجب تولید اشکالاتی گردد حل گردیده و مخصوصاً قضیه منچوری که یکی از بفرنج ترین مسائل سیاسی جهان بود تصفی گردیده است زیرا بر طبق این عهد نامه دولت اتحاد جماهیر شوروی رسماً با کمیت چین را بر منچوری بر سمیت شناخته و حاضر شده است که بمحض خامه عملیات جنگی اداره امور منچوری را نیز چین واگذار نماید .

موضوع مفولستان داخلی نیز کاملاً حل گردیده است زیرا دولت چین استقلال آنرا بر سمیت شناخته است .

یکی از مسائل مهمی که بر طبق این عهد نامه کاملاً فیصل یافته است موضوع کمونیستهای چین است زیرا دولت اتحاد جماهیر شوروی بر طبق این عهد نامه فقط دولت مارشال پچانك كای شاك را بعنوان بگدولت ملی شناخته و رسماً متعهد گردیده است که در امور منطقه سرین کیمانك یعنی منطقه کمونیستهای چین هیچ روی مداخله ننمایند و بدینطریق کمونیستهای چین هیچ چاره ای جز آن ندارند که بهر قیمت که هست با دولت مارشال پچانك كای شاك



بسازند و بدیهی است که دولتمندان انگلیس و آمریکا از هر حیث  
 با این ترتیب موافق میباشند .

گذشته از این در عهد نامه برای تقویت و تشدید همکاری  
 بین دو کشور مواد مهمی گنجانیده شده است که از آن جمله یکی  
 استفاده از راه آهن و بنادر منچوری است که بیش از پیش موجب  
 توسعه حسن تفاهم بین دو کشور خواهد گردید .

تنها موضوعی که در عهد نامه اخیر شوروی و چین بدان اشاره  
 نشده است موضوع کره است که ظاهراً باید در یک انجمن بین المللی  
 حل گردد .



مارشال چیانگ کای شک

بطوریکه رادبوی  
 لندن اطلاع داد نیروی  
 آمریکائی نیز در اشغال  
 کره شرکت جسته و این  
 موضوع تا میسر سازند که واجبی  
 به اداره موقتی کره نیز  
 بفرستند چهار دولت سازش  
 حاصل شده است .

رادبوی شمالی هم خبر  
 داد که ماهی شش تونیک لیبر  
 کمیونستهای چین درخواست  
 مارشال چیانگ کای شک را  
 برای مذاکره در اطراف

تایپن و سانت چوین پذیرفته و بعد از آن بطرف مقر مارشال چیانگ کای -  
 شک حرکت کردند و حال آنکه چند روز پیش شخصاً از ملاقات چیانگ -



دکتر سوانک لخت وزیر چین

کای - شک خود داری نمود و به اعزام يك تن نماینده اکتفا کرد  
 این موضوع میسر ماند که عهد نامه شوروی و چین کلیه موانع را  
 که در راه تأمین وحدت چین وجود داشت از میان برداشته است  
 بالاخره چین پس از ۸ سال تحویل دشوار ترین مضائق اینک  
 در بر تو عهد نامه جدید شوروی و چین تبدیل به یکی از بزرگترین  
 کشور های آسیا گردیده است و میتواند بکمال اتحاد جماهیر  
 شوروی و امریکا صلح و آرامش را در سرتاسر قاره آسیا  
 برقرار سازد .

دو هر صورت عهد نامه شوروی و چین یکی از بزرگترین  
 منافع های میامی است که در تأمین صلح و آرامش آینده جهان  
 تأثیر فراوان دارد و به همین جهت است که امضای این عهد نامه در کلیه  
 کشورهای شفق صلح و آرامش تولید خوشوقتی فراوان نموده است .



استاد محترم علامه شاد پادشاه افغانستان

## ازدهای سیاه

### تشکیلات آدمکشی ژانینها

سازمانیکه برنامه خود را انجام میدهد و کسی  
از نام افراد آن اطلاعی ندارد

—۵۵—

از جمله موضوعاتی که پس از تسلیم بلا شرط ژانین بر متفقین  
کاملاً آشکار گشت انجمن و تشکیلاتی بود بنام «ازدهای سیاه» که  
به اعمال فجیحی چون قتل نفس و آدم کشی اقدام مینمود.  
ژانینها در حدود دویست سازمان آدم کشی داشته اند که  
از ده های سیاه یکی از آنها میباشد ولی این يك از تمام بیشتر  
قابل توجه و امان نظر است چه هیچيك از افراد آن همكاران  
خویش را نمیشناسند و هنگام قتل هم فقط با سه یا چهار نفر از ایشان  
روبرو میگردد.

### نه هزار گسی

عضویت ازدهای سیاه شرایط بخصوصی داشته و نظامنامه های  
ویژه ای جهت استخدام دارد، مثلاً فقط افسران رشیده و قوی  
نیروهای زمینی و دریایی که اداره کنندگان حقیقی ژانین هستند،  
اجازه دخول در این سازمان دارند. این اشخاص یعنی اعضای این  
سازمان معتقدند که خداوند ژانین را فقط برای آقاایی و ریاست  
آفریده تا بر این وظیفه ملتی زود بومست چون ایشان است که عقیده  
و مقصود خدا را عملی سازند و بعدی در اعتقادات خویش راجع  
بهمن خود با برجا میباشند که از استعمال بمب اتمی نهرا سیده و  
تعمیم به ادامه نبرد داشتند.

شاید همدنی تصور نمایند که اعضاء این کمیته ساری که هنوز کسی از نام و هویتشان اطلاعی ندارد در این چند سال جنگ مشغول عملیات بوده و اکنون که زاین بلاشرط تسلیم گشته است تشکیلات آنها هم از بین میرود !

این عقیده کاملاً غلط است و باید آنها را از اشتباه در آورد چه مقصود اصلی از بوجود آوردن و تربیت این افراد فقط آن بوده که همیشه چه در زمان صلح و چه در دوران جنگ از زیر شروع بکار کرده و آنچه میتوانند موانعی در پیش پای مخالفین زاین گذارند و در همین حال زاین را همیشه برای نبرد آماده سازند تا بالاخره روزی تفوق خود را بدست آورند .

### اعمال همدنی

همانطور که کسی از نام اعضاء کمیته ازدهای سیاه اطلاعی ندارد بهمان نسبت احدی نیست که تاریخ تأسیس آنرا بداند .

کمیته ازدهای سیاه بود که در سال ۱۹۰۴ میلادی زاین را بهان روسیه انداخت و علت این امر نفرت شدیدی است که افراد آن نسبت باین حاکمیت اخیر دارند .

بد نیست برای مزیت خوانندگان بعضی از اعمال کمیته را در این مقاله شرح دهیم :

#### نوع نخستین و زاین

در سال ۱۳۲۱ نخست وزیر زاین بنام هارامیک معامله مشروبات با انگلیس و انگلیس در واسطه گن اعضاء آمد .

کمیته ازدهای سیاه دریافت که این معامله را به چیزی جز اسرار و بی اعتباری برای زاین نمیتوان تلقی کرد ، زیرا در راه الوهیت زاین در شرکت آن موانعی ایجاد کرده لذا چند روز بعد (هارامیک) قتل رسید و معامله ای بدست کسی دیگر افتاد .

در حال بعد یعنی هنگامیکه هارامیک گوشه مقام ریاست وزراء را

اشغال نمود ، با کنتفرانس لندن دایر بر تجدید نیروی دریائی موافقت نمود . ولی فوراً از طرف کمیته اژدهای سیاه بدیار عدم رهسپار گشت . یکی دیگر از نخست وزیران ژاپن اینوکامی هم در دست این افراد کشته شد زیرا عقیده داشت که باید باچین ساخته واز دردوستی وارد شد .

### دیگران :

از جمله اشخاص قابل ملاحظه دیگری که توسط این سازمان مخفی نابود گشتند « بارون دان » یکی از صاحبان صنایع بزرگ ژاپن بود که با عملیات خویش سبب بحران ژاپن در منچوری شد ولی هنوز نامه خود را خوب بموقع اجراء نگذاشته بود که دریکی از خیابانهای توکیو هدف تیری نامعلوم گردید .

دولت ژاپن تصمیم گرفته به روحی که ممکن باشد قاتل را بدست آورد . و به همین علت بیش از یک میلیون افراد ژاپنی تحت استنطاق در آمدند ولی قاتل کشف نگردید به علاوه قضاة داد گستری و وزراء کابینه نیز دست از اقدام کشیدند ، چه هر کدام بنوبه خود از کمیته امنیت میترسیدند .

### کلامه کوبلانی قاتل !

در گذشته سابق اعضاء هیئت رئیس کمیته اژدهای سیاه در اوژاکا (منچین ژاپن) بود که نامرتب در مواقع بخصوصی همدیگر و املاقات کرده و تصمیمات لازمه را میگرفتند .

این اشخاص شکل های بلند و عجیبی بر تن میزدند که از کلامه خود کوبلانی قاتل کمتر مسبب استعجاب و تعجب نمیگشت و هر کسی بنابر تعداد مقتولین خود و خدعاتی که بکمیته کرده دارای عناوین مخصوصی بود در عداوت این افراد باید عده ای سر باز ، ناوی معلوم ، میاستنداز و بالاخره اشخاص معمولی را نام برد که همه جان خود را برای پیشرفت مقاصد کمیته در دست گرفته و به بزرگی و اقتدار ژاپن عقیده راسخ داشته و البته هنوز هم دارند .

### بزرگترین فعالیت

در ماه فوریه ۱۹۳۶ بزرگترین فعالیت های ازدهای سیاه بظهور رسید یعنی یکی از اعضا آن بنام سرهنگ (ایزوا) بملیت کشتن افسر ارشد خود به پای میز محاکمه خوانده شد و تنها دلیلی که در مقابل گفته های قضات داشت علاقه خود بود به (افتخار و شرافت ژاپن) بود ولی محکوم شد. همین امر سبب گشت که دوستان و همکاران او نقشه اصلی خود را که کشتن تمام اعضاء کابینه بود عملی سازند.

### هولیوود

قبل از شرح عملیات ایشان باید دانست که هدف کمیته ازدهای سیاه همیشه اشخاص پیرو آنهاست که انقلابی را پیش بردارند می باشد.

هریک از وزرا را کابینه بتجوی خود را از انتظار منتفی نداشت تا میباید گفته شود داستان فرار نخست وزیر آن زمان که در ایالات (اوکلا) بود ورد زبانها و طرف توجه کمیانی های فیالمپرناری هولیوود واقع شد.

### تجوی

قائمین شوهر خواهر او را اشتباهاً بجای نخست وزیر کشتند ولی شواهد اعلام داشت که نخست وزیر بقتل رسیده و برای جسد شوهر خواهر او باجم رئیس الوزرا و تشریح جنازه رسمی نمودن می شد. او کلاً در تاریخ جنازه خویش شرکت نکرد و همین بهر از دایره انتظار و حیرت متجلی بهائی یافت.

پس از چندی این موضوع کشف و در ایالات او کلاً بواسطه این خدمه عالی طرف توجه عموم قرار گرفت ولی فرمان امپراتوری که از آن بود که باید از مقام خویش استعفا دهد (زیرا ازدهای بزرگ او را مرده میدانست).

## این دفعه

این دفعه اژدهای سیاه فعالیت زیادتری نمود و بیش از بازنده نفر از اشخاصی را که هدف قرار داده بود بوضع فجیعی بقتل رسانید. بعضی ها تصور میکردند که شاید با از بین رفتن این بازنده نفر برنامه عملیات کمیته نیز پایان یافته است. ولی تردیدی ندارد که اشتباه میکردند زیرا در سالهای اخیر نه تنها کار آنها کم نشد بلکه دامنه وسیعتری هم یافته قسمتی از افراد کمیته به چین مسافرت کردند و عده زیادی از میهن پرستان آن کشور را که جدا مخالف با ژاپن بودند نابود ساختند.

## باروسیه انیمشود

کمیته تصمیم گرفت که منچوری و سرحدات شوروی را در دایره عملیات خویش وارد سازد ولی پس از مدتی دریافت که روسیه شوخی بردار نیست و افسران آنرا نمیتوان کشت. در سال ۱۹۳۹ که روسیه مقتدر میشد عده معینی از ژنرالها و سیاستمداران ژاپنی با همکاری با آلمان و در نتیجه یافتن نفوذ در آسوی جهان مخالفت ورزیدند اما این سیاست دیر نپایید زیرا یکی پس از دیگری فوت (۱) کرد. بالاخره باروی داخن اتفاق (بیرل هاربور) قدرت و نفوذ کمیته اژدهای سیاه دوباره هویدا و تثبیت گشت.

## محققین چهطور

حال که ژاپن بلاشرط تسلیم گردیده و کاملاً شکست خورده است و هر روز بر تعداد افراد نیروهای فاتح در آنکشور افزوده میگردد آیا محققین خواهند توانست که سری از سر این کمیته درآورند و با کشف افراد آن ، اژدهای سیاه را نابود سازند ؟  
جواب این سؤال را چند سال دیگر مطالعه فرمائید.



## نحوالاتی که بمب اتمی در سیاست جهان وارد نموده است

بمب اتمی عصر جدیدی را در تاریخ بشر آغاز کرده است. چه دارنده آن امریکا فعلاً بر سایر دول دیگر تفوق داشته و در صورت تمایل، چنانکه خواهد توانست، که دشمن را در همان روزهای نخست وادار به تسلیم نماید. چنانکه کشور ژاپن با آن همه قدرت و عظمت پس از یکبار رفتن دومین بمب اتمی اسلحه را بر زمین گذاشت و دست از جنگ کشید. عدم هو ازنه

درست است که بشر در علم و صنعت هر روز به ترقیات و اکتشافاتی ناانگاشته وانی باید دید آیا در اخلاق و عادات اجتماعی و سیاسی هم ترقی کرده است؟

اگر با نظر دقت به تاریخ چند سال اخیر نگاه کنیم به تدریجی می بینیم. یعنی در مباحثیم که از «رئیس» یعنی نهضت علوم جدید در اروپا، دیدم صنایع و کارخانجات و آنچه مربوط به این دو است ترقی و پیشرفت فوق العاده زیادی نموده است ولی به مثقاله بشر نه تنها این اندازه از حیث اخلاق سیاسی و اجتماعی و انسانیت بالا نرفته بلکه سطح آن بهمان نسبت سابق باقی مانده است. چه فایده؟

درست است که متاکرین و هلدان اجتماعی بی نهایت مغرب داشته اند.

درست است که کاتب بر اوانی در این باره به خط رسیده و منش گشته است اما متوجهانه باید اذعان نمود که صنایع عمومی اخلاق در میان حلقه دشمن و شمالی بیشتر از صنایع علوم و صنایع است.

سیاست در دنیای کنونی هنوز هم با بند تمایلات و احساسات بشری است و اگر چه سیاست در نظر بعض دول مسیر معینی دارد و هر کس بروی کار آید مجبور بر اندن کشتی مملکت از همان راه است معینا مشاهده میشود که همین ناخدا یان بمجرد یافتن فرصت از مسیر اصلی منحرف میگردند و بعلاوه نوسانات و انحرافات آن کشتی ها را فقط اشخاص تیز بین و حساس در می یابند نه اشخاص دیگر .

### معنی پیروزی

پیروزی زمانی حاصل میشود که احساسات فردی در سیاست از بین رفته و جای خود را به تمایلات اجتماعی دهد .  
مقصود از کلمه پیروزی معنی آن است بطور اعم . یعنی پیروزی بر هر چیز و موضوعی ، نه تنها کامیابی در جنگ .

### حیوان جنگجو

بشر همیشه يك حیوان مغرّب و جنگجویی بوده است . مضافا اینکه تا کنون قدرت تخریب کلی نداشته و توانسته که عالم را فنا سازد . . اما اکنون آن زمان رسیده و دوره ای که در آن زندگی میکنیم آخرین نقطه آمال حیوانی بشر یعنی نابودی و خرابی میباشد . همان بشریکه روزی با چوب و نیزه میجنگید اکنون قدرت فنای جهان را دارد ، و از آنجائیکه پس از کشف یا اختراع چیزی در بعضی از شئون اجتماعی بشر تحولاتی ایجاد میگردد ، اکنون نیز بر اثر اختراع بمب اتمی تغییرات و تحولاتی در امور سیاسی عالم بطور کلی پیدا خواهد شد . و با اصطلاح اکنون دوره است که بشر بیک « رسیدگی سیاسی » دست بزند .

ما هم ببله ؟

در کشورهای دموکرات ، بشر معمولی یعنی هر فردی مدتی وقت خود را صرف فکر در باره امور سیاسی مینماید و شاید

استاد شده و آنرا قسمتی از شکل اصلی خود قرار دهند. در مقابل، در بعضی از کشورها چون آلمان و ایتالیا این عقیده کلیت نیافته و مردم بیشتر این امر یعنی مسئله سیاست را برعهده چند نفر میگذارند. آنان نیز فراست و فراخور عقل و فهم خویش کارها را از پیش میبرند.

تبلی یا اشتباه؟

شکست در سیاست ممکنست بر اثر دلایل و اسباب زیادی چون تبلی، و مهم تر از آن، اشتباه هویدا گردد. ولی بیشتر بواسطه دلایل اخلاقی و روحی شخص سانس بروز میکند. (لرد اکتون) ضرب المثلی دارد که در بین انگلیس ها بسیار معروف و متداول و از این قرار است:

«تمام نیروها متماثل و مجبور به اضطرار هستند. یک قدرت تنها و باز مانع تنهایی خویش را بخودی خود از بین میبرد. تمام مردان بزرگ بد هستند. ولی اگر بتوانیم بگوئیم که تمام جاویدین بد هستند گویا بهتر باشد اگر چه موقع تر و بیشتری قابل توجه میباشد.

### بازی سیاست

تنها وسیله بازرسی قدرت و عظمت یک بشر قوی نیروی مقاومت افراد دیگر است. بعضی ها معتقدند که سیاست کار و بازی کثیفی است. و شاید حقیقتاً هم همینطور باشد. ولی باید کردن کثافت سیاست نیز مثل تمام بازیهای دیگر چارهائی دارد. و آن اطلاعات و فرمانبرداری بازیکنان آن است از قواعد و قوانین بازی.

### پاینداری اجتماعات

اگر قدرتی بخودی خود همان روند هرطور باشد بالآخر موجب تسخیر و استواری میگردد. قریب بازیهای قتال (اشخاصی که شهوت قدرت داشتند) بودند که از دی گاه (چرخ و مشقات باسن و اداره می نمودند. ولی گاه را هم زیاد بگردن آنها نیاورد انداخت. تصمیم اصلی موجب آن عیبی است که امروزه نمیشود جنگی تا و یا

بنامهای دیگر نامیده میشوند و در آن اردو بدون ذریعی مقاومت و ایستادگی مجبور به اسارت مشقت، گرسنگی، رنج، کمک و چشیدن ضربات محکم شلاق شدند تنها دلیل این عده جمله «مامجبور باطاعت و انقیاد بودیم» است که در حقیقت معنا و مفهوم صحیحی ندارد.

**هقدس یا بزرگ ؟**

عده‌ای سیاستمداران را اشخاص مقدس و بزرگی میدانند. این عقیده کاملاً غلط است. اگر چه سیاستمداران از قدرت و نفوذ خویش لذت برده و از آن بنفع مملکت خود استفاده میکنند و مفهوم دیگر بزرگ هستند ولی اعمال ایشان تقدسی را نشان نمیدهد. علاوه، شغل این مردان سیاست است و واضعاً هر کس پس از انجام کار خود از اینکه هم باری از دوشش برداشته شده و هم مشکلی را از میان برده است باطناً مسرور و دلشاد میگردد.

بزرگترین اختلافی که بین سیاستمداران و اشخاص معمولی وجود دارد اینست که دسته اول قدرت امتزاج هوش و فکر خود را با امور سیاسی دارند در حالیکه دسته دوم فاقد این نیرو میباشند. ولی امروز هر چه افراد دیگر بیشتر در باره امور سیاسی فکر و دخالت کنند بهمان نسبت هم قدرت سیاستمداران کاسته میگردد مگر آنکه سیاستمداران نیز سطح معلومات و اطلاعات خود را بالا ببرند.

### **کار مشکل**

امروز سیاست برای هر کسی کاری سمحت و پر زحمات است چه باید مدتی از وقت خود را صرف آن نماید. با رفقای خود بیگانه. اگر از این میدان با مظهریت پیش آمد که نامی توین اشخاص عهد خویش میگردد و الا برای همیشه محو و نابود میشود. مهملات سیاستمداران و آنهاییکه در این راه قدم میگذارند باید شغل خود (سیاست) را بهای دانسته و تمایلات فردی را فراموش کنند. اینست مفهوم حقیقی عصر به عصر آتی و تهولاتی که در رویداد بشر و دوره گردان های سیاست جهان وارد نموده است.

## زخون گیرند و خون ریزند بر خون

ز کید انجم و بیرنگ کردون  
سلامت کم شد و شد مرگ افزون  
همی شد با بشر ، دنیا ی خون ریز  
بکین و — هم سپهر مظلوم دوت  
بهر سو میل خون گردید جاری  
و خون غلطان (بهدرا) رود جیخون  
زمین یکسر مضطرب از خون مظلوم  
غریب لجه خوفت دشت و هامون  
بدشت اندر هزار - از کشته پشته  
بسی (اجساد) تا گردیده مدفون  
(نه آبست) آنکه بتوان ریخت بر خاک  
فرو سازید - این خونت این خون  
(بعینا نهد سلاح خود سلحشور  
نگردد آشکار این راز مکنون  
و فیل و مهر عد از شان زایل  
میرد صدق شد بر مگر و افسون  
(فعل نامی است باقی از عدالت)  
بماند دهر بد از عدل و قانون  
(شد از قانون عالم عمل متروک  
تو بخدای که گیتی گفته مجنون)

بلا از آسمان گردیده نازل  
 بقدر و قامت مخلوق موزون  
 (بشر شد بر قتال و ظلم تحریص  
 جهان از نو بغشم و جنگ کانون)  
 ز کف دادند مال و مکنت و جان  
 همه در مانده و ناچیز و منبوت  
 همه از زندگسی مأیوس و ناکام  
 همه بر یکدگر مقروض و مدیون  
 (یکی از دیگری) درخوف و مرعوب  
 از آن يك آن یکی مشکوک و مظنون  
 (نه آن تیرك سلاح جنگ سازد  
 نه فکرم دیگری بر صلح مقرون)  
 نه کس گردد ز فعل خود بشیمان  
 ز وسعت عالمی در رنج و محزون  
 نه نفیرت این کند بر جان عقریت  
 نه آن يك لمن بر شیطان مامون  
 ز جایزه هزاران (بمب) باریک  
 به شیب لشکر زنی بر هم شیبشون  
 بسه آب صلح باید شست خون را  
 کسه خونی را نمیشویند با خون  
 خداوند! ترجم کن بسه مخلوق  
 ز فکرم خلق قرما جنگ بیرون  
 نما صادر پس آسایش خلق  
 ز لوح هرش فرمان مامون

و ( دولت ) این دعا فرما اجابت  
که تا دنیا شود محفوظ و مأمون  
ز بسند گشتن این چاهه نقر  
زهر جانب رسید این مژده اکنون :

و ( بمب آتی ) وز سمی امریک  
جهان شد بر اساس صلح مقرون  
اگر این ( تخته ) افتد دست مخلوق  
بگردد زیر و در دنیا و وارون ! ..

از آن پس در زمین نایماند  
نه گیتی ماند و نه دشت و هامون  
پس دنیا چنین گردیده آرام  
هی عالم ( بدین صلح ) است مرمون  
( عرب گوید که الملك و عقیق )

روایت میکنند از اول « هارون »  
( برای صحت مریضی طبعیان )  
ز خون گیرند و خون ریزند بر خون  
مستقام المانده دولت



## باهر ضربتی سر یکنفر از گردن جدا میشد!

داستانیکه «کاپورال فرنان کرون» حکایت میکند بخوبی نشان میدهد که ژاپنها و خشیکری را نسبت به اسرائی که بدست میآورند تا چه حد اعمال میکنند.

کاپورال کرون مجبور شده است کاملاً لغت در کنار خندق پهلوی (۵۰) نفر از هموطنان خودش زانو بزند؛ در حالیکه میر غضب ژاپنی با يك شمشیر سنگین سر این افراد را یکی یکی قطع کرده و بدن آنها را در خندق میانداخته است.

کاپورال کرون خود از مرك نجات یافته و اینك آنچه را که دیده است برای خوانندگان حکایت میکند:

\*\*\*

«روز نهم مارس سال گذشته من در «دونك نانك» از بندر گوچك هندو چین نزدیک لانگون بودم. مدت سه روز تمام بود که ما در مقابل محاصره ژاپنها ایستادگی میکردیم ولی چون ژاپنها کسکهای جدیدی دریافت کرده بودند در خطوط مارخنه نمودند ما متحمل تلفات سنگینی شدیم؛ نه آب داشتیم و نه اسلحه و مهمات، بنا بر این مجبور به تسلیم گشتیم. سر تیمپ ژاپنی به سروان ما تبریک گفت و دفاع شجاعانه او را ستوده وی را دعوت کرد تا با افسران ژاپنی جای صرف کند.



نازه سروان دسته ما سر میز نشسته بود که يك افسر ژابنی با قنداق هفت تیر بگردن او نواخت . پس از آنکه او نقش زمین گشت يك افسر دیگر ژابنی گلوله ای در سر او خالی کرد و ما در آنوقع حاضر بودیم . دورا دور مارا سربازان و افسران ژابنی که کاملاً مسلح بودند محاصره کردند . بنابراین ما از تقدیری که در انتظارمان بود بدینوسیله آگاه شدیم .

گروه ما عبارت از نه نفر اروپائی ، چهل نفر تیرانداز هندی و چینی و دو زن از اهل آنامیت بود .

ما را بکلبه مأموزین گمرک که در آن نزدیکی بود هدایت نموده و مجبورمان کردند که هر چه لباس داشتیم از تن در آوریم . هنگام غروب مارا بکنار جنگلی هدایت کردند . هر آنجا يك صندوق نسبتاً مولانی در انتظار ما بود . وقتی بآنجا رسیدیم پشه‌های همه ما را بهم متصل کرده و ما را وادار کردند که در کنار صندوق زانو بزنیم .

وایح بآنچه که بعد بیش آمد فقط باید بگویم وحشتناک بود . از زیر چشم من مشاهده کردم که من غضب با شمشیری که بدست دارد نزدیک میشود .

هنگامیکه به سرومطان من رسید اولین ضربت را نواخت من از پشت جدا شدم و در غایت افتاد . او بلا فاصله خود را جمع کرده نفر دوم را زد . من نیز تیریب یکی پس از دیگری من از بدن جدا شده و در میان غلغله یافتان . با هر ضربه یکی يك من در میان خندان میخاند و با هر ضربه یکی مقول آید فریاد میرود . در زنده باد فرانسه !

هنگامیکه میر غضب نزدیک من رسید من چشمم را بستم .  
عضلات گردنم را منقبض کردم و کمی سر را پایین بردم . این  
حرکت غریزی مرا نجات داد و من حس کردم که ضربت بسیار قوی  
بر سر من اصابت کرد و بلا فاصله در خندن غلتیدم .

ده دقیقه بعد همه چیز در اطراف من ساکت بود . من با  
احتیاط برخاستم و مشاهده کردم که ژاپنیها رفته بودند . اول من  
بوستان و همکاران سفید پوست خود را صدا زدم هیچکس جواب  
نداد بیهوش شدم . وقتی بخود آمدم تاریکی همه جا را  
پراگرفته بود . چند کیلومتر دورتر از آن قتلگاه دهقانان هندوچینی  
من جا و خوراک دادند و از من مواظبت کردند . بعد وقتی قدری  
نوت گرفتم یک گروه از فوآئی که بطرف چین میرفت ملحق  
شدم .

اینست داستان این افسر فرانسوی که در لحظه اعدام خودش  
حاضر بوده است . وحشیگری چه بنام صلیب شکسته چه بنام  
بگری باشد همه جا وحشیگری است و سه ماهی بیشتر نگذشت  
که ژاپن نیز بدوست و متفق خودش آلمان ملحق گردید .



# وقایع مهم پنجسال جنگ

## در خاور دور

۱۹۴۱

دسامبر ۲ - نیروهای دریایی و هوایی ژاپن به تکیه گاه دریایی پرتل هار بور در جزایر هاوایی بدون اعلان جنگ حمله نمودند و پنج ناو جنگی و سه ناوشکن و یک مین گذار و یک کشتی هدفه گیر را غرق کرده و سه ناو جنگی و سه رزمناو و یک کشتی هواپیما بر و یک کشتی تعمیر آسیب زیاد وارد آوردند و قریب سه هزار نفر کشته یا مقبوض شدند. ژاپنی ها نیز به گوام و سایر جزایر فیلیپین حمله بردند.

۸ - کنگره آمریکا اعلان جنگ به ژاپن داد.

۸ - ژاپنها در لوزون و جزایر فیلیپین پیاده شدند.

۱۳ - ژاپنها گوام را تسخیر کردند.

۲۶ - ژاپنها جزیره ویک را تصرف کردند.

۱۹۴۲

ژانویه ۲ - ژاپنها وارد سائپا شدند.

۲۴ - ژاپنها در جزیره سلیمان و بریتانیای جدید پیاده شدند.

و استرالیا و کانادا و آمریکا غوری میزدند.

مارس ۱۱ - در اشکن یک کشتی وارد استرالیا شد و فرماندهی

فرماندهی متفقین را برانداخت و آردان جنوب شرقی پخش شد گرفت.

آوریل ۴ - در جزیره باتان متوجه گرفت و ژاپنها ۲۱ هزار

امریکایی را فیلیپین را تسخیر کردند.

مهر ۱۱ - هواپیماهای سرانگلی دولتی به توکیو و پرتل و

کوبه و آنگویا در جزایر جنگ نمودند.

۴ - ۸ تا ۸ جنگ دریائی مرجان در گرفت ۱۵ ناو جنگی ژاپن و يك هواپیما بر و ۴ ناوشکن غرق شدند امریکاییها يك هواپیما بر و يك ناوشکن و يك نفت کش از کف دادند.  
۲۵ - بر لشکر استیلول امریکائی اعتراف به شکست متفقین در برمه نمود.

ژوئن ۴ تا ۶ - جنگ میدوی شروع شد ۴ هواپیما بر ژاپونی و سه ناوشکن و ۳ رزمناو غرق شد و ۲۷۵ هواپیما منهدم و قریب ۵ هزار ژاپونی کشته یا غرق شدند. تلفات امریکاییها عبارت بود از ۳۰۰ نفر و ۱ هواپیما و ۱ ناوشکن.

۱۲ - ژاپونیا در جزایر آتو و کیسکا در جزایر آلئوسین پیاده شدند.

اوت ۷ - افراد نیروی دریائی اولین حمله متقابل خود را شروع نمودند و در گودال کانال و تولاکی در جزایر سلیمان در اقیانوس آرام جنوبی پیاده شدند.

اکتبر - ۲۵ - ۲۶ - در جنگ جزایر سانتا گروز ژاپنیا يك رزمناو و ۳ هواپیما بر و ۲ ناوشکن از دست دادند و ۵ رزمناو آنها آسیب دید تلفات امریکائی ها عبارت بود از ۱ هواپیما بر و يك ناوشکن که هردو آسیب دیدند.

نوامبر ۸ - نیروی امریکائی که با هواپیما حمل شده بود در نزدیکی یونا در گینه پیاده شد.

۱۳ تا ۱۵ - در جنگ دریائی گودال کانال ژاپنیا ۲۸ کشتی شامل دو ناو جنگی و ۸ رزمناو و ۶ ناوشکن و ۸ کشتی حمل و نقل و ۴ کشتی باربر از کف دادند و دو ناو جنگی و يك رزمناو و ۲ ناوشکن آنها آسیب دید.

تلفات امریکاییها عبارت بود از ۲ رزمناو و ۷ ناوشکن.

دسامبر - ۱۵ - متفقین بونا را در گینه جدید تصرف نمودند

۱۹۴۳

۴ - ۷ - تصرف امپینکارا در جزایر آلتوسین بوسیله نیروی

امریکائی اعلام شد

ژویه - ۵ - نیروی امریکائی به جورجیای جدید لشکر

کشی نمودند.

اوت - ۱۵ - نیروی متفقین به ولالاولا در سواومون حمله

برده و بدون مقاومت ژابونیا کیستکارا در آلتوسین تصرف کردند

سپتامبر - ۱۲ - سالاموا در گینه جدید بدست متفقین افتاد

۱۶ - لانه در گینه جدید بدست متفقین تسخیر شد.

اکتبر ۲ - استرالیا و فنیچ هافن را در گینه جدید گرفتند

۳۱ - نیروی دریائی امریکا یوگن ویل حمله بردند.

نوامبر - ۲۰ - نیروی دریائی امریکا بتارا و او ما کین

حمله کردند.

دسامبر - ۱ - روزوات و پیرچیل و چانکای شک منشور

آتلانتیک را از قاهره امضاء نمودند و متعهد شدند که جزایر

اقیانوس آرام را از زاین بگردانند و تمام اراضی چین را که شامل

منچوریستان مشرق و اراضی ها بزور و اجبار از چین گرفته بودند

را به دولت چین پس بدهند.

۲۶ - نیروهای دریائی امریکا در صافه کانگشی نورونتانوای

جدید پیاده شدند.

۱۹۴۴

ژانویه - ۲ - نیروی امریکائی در سالیاور در گینه جدید

پیاده شدند.

فوریه - ۱۱ - نیروهای زمینی و دریائی امریکا در کراوالین و رورا

در جزایر مارشال پیاده شدند.

۱۷ - نیروی امریکا در انسی و توك در جزایر مارشال  
بیاده شدند.

۲۹ - جزایر آد میرالنی مورد حمله متفقین واقع شد.  
مارس - ۲۲ - نیروی سرلشکر ماك آرتور در ۱۵۰ مایلی  
ساحل گینه جدید از اتیاب تا هلندیا پیاده شده و قریب ۳۰ هزار  
نفر ژاپونی را محاصره کردند.

۲۳ - ژاپونیا بهندوستان هجوم بردند و به ۲۲ میللی  
ایمفال رسیدند.

مه - ۱۱ - ژاپونیا تمام خط آهن هانکو به پکن را  
تسخیر نمودند.

۱۸ - نیروی ماك آرتور واکدیرا تسخیر کردند.  
امریکاییها به بیاك حمله نمودند.

ژوئن - ۷ - نیروهای چینی جاده برمه را قطع نموده و  
لامنك را تسخیر کردند.

۱۵ - نیروهای دریائی امریکا به سائپان در جزایر ماریان  
پیاده شدند.

ژویه - ۱۹ - کابینه ژنرال تویو در توکیو استعفا داد.

۲۰ - امریکا ایپا به گوام برگشتند.

۲۸ - نیروهای امریکائی به تینیان در جزایر ماریان  
پیاده شدند.

اوت - ۱ - متفقین ۱۰ میل از ساحل هانساپور را در گینه جدید  
تسخیر کردند.

۴ - اعلامیه متفقین صادر شد مبنی بر اینکه نیروهای متفقین  
در شمال شرقی هند و شمال برمه قریب ۹ لشکر ژاپونی را نابود  
ساخته و ۴۷ هزار نفر را کشتند.

سپتامبر - ۱۵ - نیروی آمریکا در مورواتی و پالو پیاده شدند

اکتبر - ۱۹ - نیروی انگلیسی تیدیم را در برمه تسخیر نمودند

۲۰ - نیروی ملک آرتور در فیلیپین در لانه پیاده شدند

۲۲ تا ۲۷ در جنگ دوم دریای فیلیپین ژاپنها ۲ تاو جنگی

و ۴ هواپیما بر تو ۹ رزمناو و ۴ ناوشکن از دست دادند

نوامبر - ۱۳ - حملات ژاپنها در چین ارتش هوایی آمریکائی را

مجبور نمود که تکیه گاه خود را در لیو چلو منهدم نماید

۲۴ - حملات هوایی شدید بر ضد توکیو از سائپان آغاز شد

### ۱۹۴۵

ژانویه - ۹ - نیروی آمریکائی به آوزون برگشتند

۱۲ - نیروی دریائی و هوایی خاور دور ۴ کشتی ژاپنی را

شرق و ۲۸ کشتی را سده رسانده و ۱۱۲ هواپیما دشمن را در

آبهای هند و چین فراموش نمودند

۹۷ - نیروهای چینی موئن را در برمه دو باره مسخر نموده

و پیاده برمه را از هند به چین کاملاً افتتاح نمودند

فوریه - ۱ - هواپیماهای آمریکائی انگلیز گاههای مشغول

ژاپن را در سینکاپور شرق کردند

۴ - نیروهای آمریکائی دو باره پالو پیاده شدند

۱۰ - نیروهای هوایی آمریکائی به ناحیه توکیو حمله بردند

۱۶ - در آویریا انگلیز کشتی شد

آوریل - ۱ - نیروی دریائی و هوایی آمریکا و چین

در سائپان در جزایر مارشال و تاراکان در بریتانیا شدند

۲ - انگلیسها در جزایر مارشال برمه را تسخیر کردند

۳ - کاپیتان ژان تسیرم کرد و چینی بر اندام ونگ باز نمود

تسیرم آلمان اعلام نمود

مژده - ۲۹ - جزیره اوکیناوا به دست آمریکائیها تسخیر شد

## اسلحه مهم دیگری که از بمب اتمی مخوف تر است

مسئله قروض جنگ و نقش قانون  
وام و اجاره

— ۵۵ —

در جنگ يك اسلحه مخوف دیگری را بغیر از بمب اتمی که باید  
فوق العاده طرف توجه قرار گیرد از یاد میبریم . این اسلحه  
اخیر مسئله اقتصادی و کمکهای مالی است که با قانون وام و اجاره  
آغاز گشته و اساس قرارداد (برتون وودز) را بنا نهاد .

### نقشه امریکا

در نقش مهمی که قانون وام و اجاره در جنگ بازی کرد  
تردیدی نتوان داشت چه : مسلح و آماده نمودن ملل و در نتیجه  
کسب پیروزی بدون آن امکان پذیر نبود . کمک های اقتصادی  
و مالی کشور های مقبده امریکا تنها سلاحی بود که بالاخره آلمان  
و ژاپن را از پای در آورد .

### انگلیس ایشی از همه

بغیر از روسیه هیچ کشوری در جهان اندازه بریتانیا از این  
قانون استفاده نکرد . ولی يك موضوع دیگری را هم باید در مد  
نظر نگاه داشت و آن اینست که انرژی و نیرویی که از کلمه اتمی  
انگلیسی در این چند سال جنگ دیده شد تا کنون در تاریخ بشر  
بی سابقه بوده است یعنی مشاهده نگشته که ملتی باین اندازه در عساکر  
خود و ناوودی به یکدیگر نزدیک شده را از کلیه حقوق و آرزوهای  
خود برای در آغوش کشیدن صلح دست بکشند .



بعضی آغاز جنگ کلبه مساعی اقتصادی انگلیس مسیر خود را عوض کرد بدین معنی که اگر سابقاً هر کسی بفتح خویش جدید میبود از این پس تمام برای يك هدف معینی کوشش نمودند . هر فردی سعی مینمودند که بصادرات انگلیس مساعدت بیشتر کرده و از هم وطن خود پیشی جوید تا در نتیجه بتوان بر میزان واردات افزود و آنچه را برای خاتمه جنگ و برگرداندن اوضاع بهال عادی خود از کشور بزرگی چون دول متحده امریکا ابتیاع نمود .

تسلیمات

ولی از روزیکه قانون وام و اجاره عمل گشت و نخست انگلیس از آن برخوردار شد ، دیگر لزومی نداشت که بصادرات آن کشور افزوده شود تا قیمت هر چیزی که وارد میشود یا بوسیله نهاتر یا توسط پول پرداخته گردد . با درك همین امر بود که این باب انرژی و نیروی کار ملت انگلیس متوجه مسئله دیگری چون ساختن اسلحه و تسلیمات جنگی گردید .

امروزه احتیاج وارداتی انگلیس بهمان اندازه که سابقاً بوده است میباشد . زیرا آنچه بر حسب قانون وام و اجاره به بریتانیا بر ستاده شد بدون ذره ای اتلاف صرف مخارج جنگ و پیروزی گردید .

### یافت رابع

صادرات انگلستان در سال ۱۹۱۴ درست برابر با يك پهادم اعلامه بود که در سال ۱۹۲۸ ( سال قبل از جنگ بین المللی شوم ) از آن مائکت خارج گردید . این مقدار هم فقط از احتیاج به صادرات میباشد که دول دیگر فوق العاده زیاد محتاج و به علاوه انگلستان نیز برای درست آوردن دلار متعوز بهبود بود .

### سوال ۱

اگر انگلستان بتواند میزان صادرات خویش را زمان قبل

از جنگ ( سال ۱۹۳۸ ) برساند مجبور است که قریب به پنجاه در صد بر آنچه در آن سال صادر میگشت بیفزاید . حال چطور انگلستان خواهد توانست که در انجام این عمل موفقیت حاصل نماید و میزان صادرات خویش را ترقی دهد ؟

تنها جوابی که بشوال فوق میتوان داد آنستکه این مقصود در دنیای بحقیقت مییوندد که بازرگانی خارجی امپراتوری رابج بوده و توسعه زیاد داشته باشد .

اگر سیستم اقتصادی بین المللی که در سده نوزدهم وجود داشت دوباره خود نمائی کند یعنی بازرگانی خارجی با قرارداد های مشکل ، با مالیات های گزاف با کمرک های طاقف فرسا و بالاخره با تعرفه های بیفایده و بیجا امکان پذیر باشد امپراتوری نامبرده هم هرگز نخواهد توانست قدمی برای بهبود اوضاع اقتصادی خویش بردارد .

تا دوسه سال دیگر انگلستان خواهد توانست که با مساهمی بینظیری که در دوران جنگ از خود نشان داد ، میزان صادرات خود را بطوری تعادل دهد که بتواند قیمت واردات را بپردازد . ولی از نظر اصول باید دانست که بکمک و مساعدت زیادی برای تعادل کلی فرستاده ها و واردات خویش محتاج است .

وضع هیپنیک از ملی متفق مثل این کشور مضطرب و بیقرار نیست . چه هر کدام دارای موقعیت خاصی بوده و بمالوده فرض هیپنیک از ایشان باین اندازه نمیباشد البته هر یک از آنها نیز محتاج اعتباراتی برای توازن واردات و صادرات خویش میباشند و برای ابتکار محققاً سرمایه هایی تخصیص خواهند داد . ولی مسئله قابل ملاحظه آنست که انجام این امر بدست دول خواهد بود و با آنهاست که با اوضاع اقتصادی خویش کاملاً رسیدگی کنند .

## رئیس یا پیشوا

اگر دولت کشورهای متعدد آمریکا شخصاً با وضع اقتصادی جهان رسیدگی نکند مهلاً لمبدری و پیشوائی آنها را تقبل خواهد نمود. این امر تنها کاری است که انجامش از عهده دولت نامبرده برآمده و البته در دنیائی عملی میگردد که اتحاد و یگانگی در آن حکمفرما باشد و تا ملل کوچک بتوانند خود را از بلای جنگ رها ساخته و زندگی خویش را بحال عادی عودت دهند.

## مواع جدید

اگر مساعدت اقتصادی انگلیس را هم ذکر نمایم باید زمینه مساعدی را هم که برای آن لازمست ایجاد نمود. خطرات و مواع بزرگی که فعلاً در راه همکاری جهان خود نمائی میکند باید از میان برداشته شود. یکی از این عایق ها فروش مضمومی است که بارهائی از کشورهای آمریکا نیز در این دسته است با هم پیشوائی از مصالح غیر اقتصادی داخلی خویش در پیش گرفته اند.

مواع بزرگ دیگری را هم باید از میان برداشت. این واقع اخیر پس از جنگ بین الهائی اول خود نمائی میکرد و اکنون نیز در سطح سیاست خود نمائی میکند و بدون تردید اگر در صدد خاموشی از آن برآید باز عوام نخواهد شد.

## قرارداد جهانی اولی

هزاره هم مدتی از کشورهای جهان از فروش جنگ بین الهائی اول مدیون دولت آمریکا میباشند. ولی مطالبی که فعلاً تحت عنوان قانون وام و اجاره بسیار ملل تازه شده است بی اندازه بیشتر میباشد. انگلستان مصالح مستقیمی برای کسب بیروزی دریافت داشت

و به علاوه منافع غیر مستقیمی هم تحت عناوین مخصوص چون کمک های  
دوستانه ، و غیره بدست آورده است .

اگر زمانی امر « قروض جنگی » آسمان اقتصادی جهان را  
ترك گویند و آنرا صاف بگذارد ، عموم ملل جهان خواهند توانست  
که وضع اقتصادی خود را خوب و سطح آنرا بالا ببرند .

یعنی قدرت آنرا دارند که دو باره دست باستقراض زنده  
ولی با اقتصاد بون جهان است که گرد هم جمع آیند و شرایط جدیدی  
چون مقدار کم ، مدت کوتاه و مزایای بیشتر وضع نمایند ولی  
مسئله قروض این دو جنگ و بخصوص جنگ اخیر بعدی جالب توجه  
است که دقت عموم دول را متوجه خویش ساخته و بدون شك  
تأثیرات باید آنرا حل کرد .



خانم مارشال چانگ کای شیک و رئیس جمهور چین

## آیا ممکن بود جنگ اخیر روی ندهد ؟ بقلم کنت استورزا وزیر خارجه ایتالیا

—۴۰—

اکنون که جنگ مغرب و مشرق پایان یافته ما میتوانیم بخود اجازه نگاه کردن به عقب را بدهیم .

بایک بیلان پنجاه و سه میلیون مرده و هزار شهر خراب شده فرانسه ایتالیا لهستان و انگلستان خوبست که دنیا از مساعی که در ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ بکار رفت تا جنگ واقع نگردد و یا محدود گردد مطلع گردد .

آنچه که من در اینجا باطلاع خوانندگان میسانم نشان خواهد داد که افسانه اینکه « شد فاشیستها » که محرک جنگ بودند زیرا امید داشتند که رژیم روم و برلین در نتیجه آن سقوط خواهد کرد غلط است .

### آنها نمیتوانستند بفهمند

در آغاز سال ۱۹۳۹ اعلام اوداد هیتلر جنگ برای همه کس غیر قابل تردید شد . روشن بود که دو تابستان دست به پا خواهند زد و بهانه ابرام لهستان خواهد بود . تقویم آنها در (۱۹۳۹) موجود بود و سرریز می داشت .

ولی چه باز کرد ؟ هیتلر و موسولینی که در مقابل احساسات بشر دوستی و همکاری اروپائی چیزی در خود حس نمیکردند هر گواهی بشهادت انگلیس و یا فرانسه را در آن موقع دلائل ضعف و ترس می بینیدند و کم کم بلاخره آنها باین نتیجه میرسیدند که در مقابل شوق سالک شریف و شور شده ای داشته و این نظیر را موسولینی اغلب در میان دوستان صمیمی خود اظهار و ابراز میداشت .

ولی آیا با وجود این موضوع جائز بود که باخطر نابودی تمدن رو برو شد ؟

این افکار مرا بخود مشغول میداشت و میدانم که مردم دیگری نیز با این افکار مدتها بسر برده اند .

در یکی از روزهای ماه ژانویه ۱۹۳۹ يك نویسنده کاتولیک ایتالیائی که از طرفداران جدی و صمیمی صلح بود بدیدن من آمد او از طرف کاردینال وردیه از من پرسید که آیا نظرم را راجع بیک اقدام قطعی از طرف پاپ پی یازدهم نزد دو دیکتاتور چیست و حتی بمن گفت که اگر این نظر پی یازدهم را پسندیده ام راجع بآن با نخست وزیر فرانسه صحبت کنم .

### اقدامات نزد دالادیه

من نه تنها از جنگ بلکه از فکر اینکه ممکن است در نتیجه يك شکست خانه خراب کن برای فاشیسم به ایتالیا باز گردم قبول کردم که در این موضوع با دالادیه صحبت کنم و باو گفتم :

« چیزی باخبر عمر پی یازدهم نمائیم است و این موضوع تمام و نفوذ او را بیشتر میکند . پی پی از آنکه دو اوائل فکرهایی راجع به فاشیسم کرد اکنون عقیده دارد که او را فریب نداده اند اگر بطور مخفیانه از او بخواهیم که بدو ظالم پیغام فرستاده و چنان استیزاز کوچک هم با این امتیاز خود ببرد و در مقابل از آنها بخواهیم که تشکیل يك کنفرانس راجع به خلع اسلحه را قبول کنند فعلا این عمل ضرور محصور تمام خواهد شد .

پس از مدتی مذاکره دالادیه تصمیم گرفت که کار دینال وردیه را مستقیما به واتیکان بفرستد .

«کاردینال روز می ژانویه با اطلاعات و دستورهای کافی بدانشانها

رسید . با وجود آنکه سخت بی‌بازدهم ناخوش بود فوراً او را پذیرفت و با صدای بسیار ضعیفی از کاردینال وردیه خواست که متن نطقی را در این موضوع حاضر کند تا او در نطق خودش در کلیسای سنت یوزر روز دوازدهم فوریه بیان نماید .

برای این نطق او کلیه اسقف های ممالک رسمی را در رم طلبیده و باب میخواست تنفر خود را از فاشیسم در آن با اطلاع جهانیان برساند . بدینسانه باب روز دهم فوریه مرد .

چند ساعت قبل از مرگش این کلمات را در حال اختصار مطمیب معالجش گفته بود :

« دکتر مرا تا روز دوازدهم زنده نگاهدار زیرا مطالب مهمی را در امروز باید بگویم . . . »

در هنگام تعیین باب جدید اوضاع بی‌المانی سخت تر و تیره تر شد و از طرفی يك باب تازه کار آنچه را که يك پیر مرد مسن نمیتوانست انجام دهد نمیتوانست بکند .

### موريس سارو از اين موضوع اطلاع داشت

باب بگويم كه تنها فرانسوي كه من در اين موضوع و ملاكرايت خودم باالاديه بااوسمن گفتم موريس سارو مدير روزنامه «پريس دو پاريس» بود .

در آن هنگام من در ماه نو مقاله برای او مینوشتم و این مرتبه يك نكته ای كه هر كس خیال میکرد دشمن و قاتل کلیش هالست من گفت :

در سبب تكرار نویسی من نزد بالادیه میروم و بااوسمن میگویم كه هر چه بود تر و زنده را برم بفرستد . چه بهتر اگر در این موضوع ناوی از دست باب بر آید .

من آرتیب دو شخصیت بزرگه جمهوری فرانسه و يك

کاردینال خوش قلب و يك يادو ايتاليای تمام مساعی خود را بكار  
مبپردند تا بد بختی بين المللی که ورود آنرا حسن میکردند  
واقع شود .

### هـ ن پشاه نامه نوشتن

هنگامیکه روشن شد که رایش آلمانی که صد در صد از  
هیتر پشینیانی میکرد تصمیم گرفته است که هرطوری شده ماجرایی  
که در ۱۹۳۸ شروع کرده بود ادامه دهد : تنها امیدی که دیدم  
آن بود که ایتالیا در این کشمکش داخل نشود .

من با نقشه هایی که طرح کرده بودم دست با اقدامات زدم قسمتی از  
نقشه های خود را بیهوده باطلاع آقای زورژ بونه و سپس روز ۳۰  
مه ۱۹۴۰ در نامه ای به پادشاه ایتالیا اظهار داشتم .

در نامه مفصلا به پادشاه ایتالیا تذکر دادم که بالاخره فتح  
نهائی نصیب دموکراسیها خواهد شد و نامه خود را از سنت مار گریس  
نزد يك تولون برای او فرستادم .

ویکتور امانوئل بمن جواب نداد و ده روز بعد اعلان جنگ  
ایتالیا را بر علیه فرانسه و انگلستان امضا کرد .

وقتیکه در نوامبر سال (۱۹۴۳) بمن پیشنهاد کرد که کابینه  
وزرا را تشکیل دهم باو گفتم بيك شرط حاضرم و آن اینست که  
او استعفا دهد . زیرا استعفاى او فقط میتواندست به پشینیان ثابت کند  
که ایتالیای جدیدی شروع برزندگی کرده است .

در مذاکرات مختصری که با دوک داکارون وزیر دربار حامل  
پیامهای شاه کردم از او پرسیدم که از شاه میخواهد چرا به نامه من  
جواب نداد : او آنقدر ضلوعن بود که آلمان دنیا را میگیرد .  
از روز نامه فرانسى سوار



## اِبلَافیه وزارت امور خارجه ایران

—۵۵—

مراسله ای بشرح زیر از طرف وزارت امور خارجه به سفارت  
کبرای شوروی نوشته شده است :

«جناب آقای میخائیل الکسیویچ ما کسیهوف سفیر کبیر دوات  
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی»

خبر تسلیم بلا شرط ژاپن و امضای ترک متخاصمه با آن دولت  
در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ باعث شو شوقی بسی نهالت دوات  
شاهنشاهی و عموم ملت ایران گردید و بشومستاد باز دیگر موقع  
میدیده که برای تسلیم آخرین دشمن ماودشمن متفقین خودمقی توانست  
دولت ملت ایران را بجنابالی اظهار دارم و ارتش نیرومند شوروی  
و متفقین دیگر ما که موفق بشکست قطعی ژاپن شده اند محرابانه  
شادمانی گویم.

در اسوق یادآور می‌شوم که مراسله که در تاریخ تسلیم  
آلمان و قدم جنگ در اروپا با آن کشور در ۱۳۲۴/۹/۱۹ شماره  
(۱۹۷۹) نوشته شده و بموجب آن اعلام گردیده بود که «بوشن  
فشیون متفقین ما دیگر در ایران ضرورتی ندارد و متفقین است  
مالک ایران را ترک نمایند تا کشور را ضایع عادی بر گردد تاکنون  
بلا موجب مانده است»

دولت و ملت ایران نظم بینالمللی و صلحی که موجود  
است اظهار داشت که بپشتنهاد حرکت ایران تا اکنون با حسن قبول  
اتحاد شده اند.

رویت شامل نشان می‌دارد. مطابق بپای سه گانه مدت عشق  
ماهی که در طی آن بعد از مبارکه جنگ فشیون متفقین باید ایران را

تغلیه کرده باشند از روز یکشنبه دوم سپتامبر ۱۹۴۵ که روز  
امضای متارکه با ژاپن است شروع میگردد.

علیهذا وزارت امور خارجه بنام دولت شاهنشاهی و ملت  
ایران که با تمام وسایلی که در دست داشت صادقانه و صمیمانه عملیات  
جنگی متفقین کمک نموده انتظار دارد که مطابق فصل پنجم پیمان  
سه گانه در تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ خاک ایران بکلی تغلیه شده  
و دیگر حتی بکنفرانزوای هوایی یا زمینی یا دریایی متفقین در خاک  
و آبهای ایران باقی نمانده باشد.

این تاریخ تاریخ تغلیه حتمی ایران است که بایستی بموجب  
مقررات پیمان سه گانه عملی شود و هر اقدامی هم که مطابق یادداشت  
شماره (۱۱۱۹) در تغلیه قبل از اینموقع بشود امتنان بیشتری را  
برای ملت ایران در بر خواهد داشت.

موقع را مختتم نموده احترامات فائقه را تجدید مینماید  
وزیر امور خارجه : اوشیروان سپهبدی

و نیز مراسله ای بدین شرح به سفارت کبرای انگلستان نوشته

شده است :

« جناب آقای سرریدر بولارد سفیر کبیر دولت اعلیحضرت

پادشاه انگلستان »

« خبر تسلیم بلا شرط ژاپن و امضای ترك معاهده با آن

دولت در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ باعث خوشوقتی بی نهایت دولت  
شاهنشاهی و عموم ملت ایران گردید و بدوستانوار دیگر موقع  
میدهد که برای تسلیم آخرین دشمن ما و دشمن متفقین شونده آن  
تخت دولت و ملت ایران را بهمانهائی اظهار دارم و بارتش نیرومند  
انگلستان و متفقین دیگر ما که موفق بشکست قطعی ژاپن شده اند  
صمیمانه شادباشی گویم »

در این موقع یادآور میشوم که مراسله که در تاریخ شانیم آلمان و  
ختم جنگ در اروپا با آن کشور در ۱۳۲۴/۲/۲۹ شماره (۱۱۱۹)  
نوشته شده و بموجب آن اعلام گردیده بود که بودن قشون متفقین  
ما دیگر در ایران ضرورتی ندارد و مقتضی است خاک ایران را تخلیه  
نمایند تا کشور بحال عادی برگردد تا کنون بلا جواب مانده است  
دولت و ملت ایران نظر یکمال دوستی و صمیمیتی که موجود  
است انتظار داشت که پیشنهاد دولت ایران تا کنون با حسن قبول  
انجام شده باشد

اینگ خاکر نشان مینماید مطابق پیمان سه گانه مدت شش  
ماهی که در طی آن بعد از متارکه جنگ قشون متفقین باید ایران را  
تخلیه کرده باشند از روز یکشنبه دوم سپتامبر ۱۹۴۵ که روز امضای  
متارکه با زاین است شروع میگردد

تایید وزارت امور خارجه بشام دولت شاهنشاهی و ملت  
ایران که با تمام وسائلی که در دست داشت صداقت و صمیمانه  
بیشرفت عملیات جنگی متفقین کمک نموده انتظار دارد که مطابق  
تفسیر پنجم پیمان سه گانه در تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ خاک ایران  
بکلی تخلیه شده و دیگر حتی یک نفر از قوای هوایی یا زمینی یا  
در آبی متفقین در خاک و آبهای ایران باقی نمانده باشد

این تاریخ تاریخ ستی تخلیه ایران است که ایستای بموجب  
قرارداد پیمان سه گانه جاری شود و هر اقدامی هم که مطابق با دداشت  
شماره (۱۱۱۹) در تخلیه قبل از این موقع بشود امتنان بیشتری را  
برای ملت ایران در بر خواهد داشت

موقع را مغتنم شمرده احترامات خاتمه را تقدیم مینماید  
وزیر امور خارجه : اوشیروان سپهرچی  
رئیس شعبه ایران : مرسله چنانچه ای نیز سفارت کبرای  
ایران را فرستاده شده است

## تخلیه ایران در نظر ایدن وزیر خارجه سابق انگلستان

رادیو لندن - مستر ایدن وزیر خارجه سابق انگلستان در نطق مفصلی که پس از سخنرانی «بوین» وزیر خارجه فعلی در مجلس عوام ایراد کرد راجع بایران اظهار داشته است :

این کشور در کمال وفا داری پیمانهای را که با انگلستان و شوروی برای قادر ساختن این دو کشور از استفاده از خاک آن در مدت جنگ بسته بود ، انجام داده است .

من خیال میکنم راست باشد اگر بگویم که قبول شده است که موضوع تخلیه ایران در انجمن وزرای خارجه که در ماه دیگر تشکیل میشود مورد مذاکره قرار خواهد گرفت .

اگر این موضوع در انجمن وزرای خارجه مورد مذاکره قرار گیرد خوبست زیرا جنگ ژاین پایان رسیده و دیگر بهانه ای برای ماندن ما در این کشور وجود ندارد . بدون شك ما میل داریم هرچه زودتر از این کشور خارج شویم . فقط ما يك هلاقه در ایران داریم و آن اینست که این کشور را خوشبخت ، متعادل و نیرومند بینیم چیزی که ما اصلا در این کشور نمی خواهیم ، باز گشتن وجود مناطق نفوذ و مسائلی که ما را برای يك نسل در این کشور منقور ساخته است ، میباشد . من امید دارم که سیاست تخلیه ایران بوسیله متعین عملی خواهد شد .



# اعلامیه سفارت انگلیس در تهران

## رهائی گنجه بازداشت شدگان

—۵۰۹—

بدین وسیله اعلان میشود که نظر پایان جنگ  
با ژان ایرانی که توسط مقامات متفقین بازداشت  
شده بودند آزاد گردیده اند.

بطوری که مردم استعمار دارند چندی قبل جزایات توطئه‌ای  
که جاسوسان و چتر بازان آلمانی و عده ای از ایرانیان که فریب  
تلقیات آلمان را خورده بودند بر علیه متفقین که ایران هم یکی  
از آنها بود ترتیب داده بودند منتشر شد.

برای آنکه دامنه این توطئه مسترد شود همه قابل ملاحظه‌ای  
از ایرانیان درخواست متفقین بواسطه شواهد ایران بازداشت شدند.  
باری ای از آنان که کمتر خطرناک بودند بتدریج آزاد شدند و پس  
از آنکه جاک آلمان تمام شد عده کثیری آزاد گردیدند.

مردم ایران مخصوصاً پس از آنکه مقامات شوروی اظهار  
داشتند هیچگونه ایرانی نسبت بازداشت شدن بقیه آزاد شدگان ندارند  
انتظار داشتند که ایشان فوراً بر خس گردند ولی چون ایران و  
انگلیستان هنوز با ژان در حال جنگ بودند بنابر این مقامات آلمانی  
انگلیس چنین احساس کردند که لازم بوده درازمه نفر از بازداشت  
شدگان که در توطئه فوق الذکر و یا در دستکاری با سفارات و این  
خبر ایران شرکت داشته و یا دانشی فنی در جهت متفقین ایران  
داشته بودند در بازداشت بمانند و خوشبختانه باین یافتن جاکه ژان  
رهائی این بازداشت شدگان را از امکان بزرگ ساخت.

## پیام رئیس جمهوری امریکا

بشاه و ملت ایران

—۵۵—

آقای ترومن رئیس جمهور امریکا بوسیله آقای شایسته وزیر مختار سابق ایران در امریکا پیامی با عالیحضرت همایونی و ملت ایران فرستاده و در پیام مزبور اعلام داشته است که کشور ایران بزودی از قزای متفقین تعلیه خواهد شد و وزیر امور خارجه امریکا دستور دارد که در انجمن وزرای خارجه سه دولت در لندن برای تعلیه ایران جدیت کامل بنماید . بعلاوه رئیس جمهوری ایالت نکته را تذکر دادند که در دنیای بعد از جنگ هیچ کشوری حق دخالت

در امور داخلی ایران ندارد و دولت امریکا هم برای برانداختن نفوذ و دخالت خارجی از این کشور همه گونه پشتیبانی و مساعدت خواهد نمود .



مختار ایران

این خبری بوده که شوسه روز قبل جراید تهران دادند و چون از يك مقام رسمی بما داده نشده است اندازه صحیح و جزئیات مطالب آتی بر ما معلوم

نیست ولی چون چند روز از انتشار آن گذشته و نه دربار شاهشاهی و نه سفارت امریکا و نه وزارت امور خارجه ما هیچیک

آنها تکذیب نکرده اند ما آنها را صریح میدانیم و از آقای رئیس  
جمهوری امریکا بسیار متشکریم که خدمات ذیقیمت و فداکاریهای  
مارا برای پیروزی متفقین فراموش نکرده و بما اطمینان میدهد که  
این خدمات و فداکاریها را برای زوال استقلال خود نکرده ایم  
يك چیزی که موجب تعجب من است و هرچه فکر میکنم  
چیزی از آن نمیفهم مسئله تخلیه ایران از نیروی متفقین است  
که تا کنون بهر طرف و تعارف گذشته است.

متفقین با ما قراردادی دارند که بعد از خاتمه جنگ نیروی  
خود را از ایران ببرند. و اگر ضرورت ایجاب کند منتهی تا شش  
ماه بعد از جنگ حق دارند آنها را در ایران نگاهدارند مگر حالا  
نظرشان عوض شده یا چیز تازه ای رخ داده است که در بردن نیروی  
خود تردید میکنند؟

من تعجب میکنم که يك مسئله باین سادگی چرا موجب اهمیت  
گفتگو و هیاهو شده و عجب نیست که در نزاع های سیاسی داخلی  
ما نیز این مسئله پیراهن عثمان شده و لیدر های اکثریت آنها سند  
و عمان برستی و دلیل حق بجائی خود قرار میدهند؟ و وقتی آدم  
میگوید چرا مجلس خراب است یا چرا فلان وکیل برجسته اکثریت  
دزدی میکند یا چرا شما میخواهید وضع فعلی را نگه دارید و ملت  
ایران را از حق حاکمیت خود محروم و باز چند نفر دزد شهان را  
برایشان تعین کنید میگویند باید نیروی متفقین از ایران بیرون  
روند تا فدای کاکای بی استخوانان. که رستم پای بود در سیستان.

دزدی فلان قاپوچی با عوض کردن سند و امضایات فلان  
شهرستان یا یا یا فلان وکیل استعمارچی با فلان خان و گذاشتن  
و گرسختن خانه و املاک و جیره و خوار بار مردم بوجود و عدم

نیروی متفقین چه ربطی دارد و کیست آن بی شرفی که  
مخالف رفتن نیروی بیگانه از ایران است و نام خود را  
ایرانی مینهد؟

جنگ تمام شده و نیروی بیگانه باید از ایران  
بیرون برود و بیرون هم خواهند رفت. هر يك از  
متفقین ما در این قسمت تعادل ورزند ما را در صمیمیت  
و حسن نیت خود ظنین خواهند کرد و چون ما یقین داریم  
که هیچ يك از دو همسایه معظم ما هیچگونه نظر سوءي بفرمان  
ندارند تردیدی نداریم که تعادل نخواهند ورزید و بزودی نیروی  
خود را از مملکت ما بیرون خواهند کشید و پیمانهای موجود و  
اقوال سران سه دولت در این خصوص برای ماستندی محکم و وثیقه‌ای  
خلل ناپذیر است.

پیام رئیس معظم جمهوری امریکا يك سند محکم  
دیگری است که ما باستحضار بآن میتوانیم امیدوار باشیم که  
بعد از بیرون رفتن نیروی متفقین هم ضعف ما و قوت دیگران  
موجب نخواهد شد که کسی در امور ما دخالت کند.

ولی چیزی که قدری موجب فکر و تأمل میشود اینست که  
چرا کسانی که سیاست یکطرفی ایشان از آفتاب روشن تر است و  
روزنامه‌های منسوب آقای سید ضیاء الدین که رنگ بسیار سیبری  
دارند پیام آقای رئیس جمهور امریکا آب و تاب میدهند و خیلی  
پیش از اینهم یکی از ایشان چنین خبری از قول رئیس سابق جمهور  
امریکا جعل کرد.

بعد از جنگ بین المللی گذشته که باز امریکا مخالف دخالت  
دیگران در امور ایران بود و سفارت امریکا در تهران بر ضد



قرار داد وثوق الدوله و استعمار ایران بیانیه منتشر ساخت کسی  
که حملات بیانیی سفارت امریکا کرد و او را بیاد اسرا گرفت که  
چرا باین قرار داد یعنی استعمار میهن مداخلت نمیکند جناب آقای  
سید ضیاء الدین و روزنامه رعیت بود.

این بار چرا ایشان اظهار وجد و شرف میکنند که امریکا  
طرفدار عدم دخالت دیگران در امور ایران است و آن کسانی که  
حلقه خارجی بگوش دارند نیز چرا از این سخن منور میشوند  
آیا جنگ عالم سوز ریشه های خیانت را در سینه بستگان  
سفارت های خارجی نیز سوزانیده و یا مقصود از عدم دخالت  
بنظر ایشان اینست که سیاست محمود در این خصوص تنها و بلا  
منازع باشد ؟

اگر کسانی که تا کنون زندگانی و حیاتی خود را فقط مبرهن  
سیاست سفارتی بوده اند از گذشته پشیمان شده و بخواهند از امروز  
با خوش خاطر خودشان ایران برگردند اسباب خوشوقتی است  
زیرا ما بیکس خوششان که خود را مردم لایقی میدانند و تصور  
نمیکند چو با خیانت و جاسوسی دیگران نمیتوانند صاحب دستگاه  
و نفوذی بشوند ایشانرا مردم لایقی میدانیم و تاسف ما فقط از این  
باید است که چرا هیچ نیروی غالب اینها مردم اعمال و پشتکار  
نداری هستند و اگر از راه راست بروند زودتر بمقصود میرسند و  
آنگاه خود پس میتوانند خدمات شایسته بکنند پس آنگاه برای کمال  
این عناصر از کارهای حق خود نادان حاصل کرده و بیکر خدمت  
معمول خود بقتل روز خوشیاتی ایران است.

وای اگر هنوز سیاست بکه طریقی خود را می بینند و از عدم  
دخالت دیگران در امور ایران این بفرمود که امریکا خوب و نیک  
و بی نیامی خود را حاضر کرده است که سیاست را خود ایران  
ایشانرا در ایران حفظ کند و نظر - اشتباه میکنند.

حوادث گذشته و عقل و منطق شهادت میدهند که امریکا  
چنین نظری ندارد و معنی هم ندارد که داشته باشد، مگر امریکا  
مرض دارد که فرزندان خود را بکشتن بدهد و برای دیگران  
مسئمرات درست کند ؟

بر فرض بحال که امریکا چنین نظری هم داشته باشد هر  
کس اندک غریزه میهن پرستی دارد باید بداند که سیاست یکطرفی  
برای کشور ما بسیار خطرناک است و این همه آشوب و انقلاب که  
در نقاط مختلفه کشور برپاست غالباً زائیده سیاست یکطرفی است  
» (سرمد) که کیهان شماره ۷۵۶ مورخ هجدهم شهریور ۱۳۳۴ «



مارشال آنتونسکو نخست وزیر و فرمانده  
کل قوای سابق رومانی

اثر طبع : آقای ملک الشعرای بهار      انتقاد قرار داد ۱۹۰۷ میلادی  
انگلش و روس در تقسیم ایران

## پیام به سرادوار گری

— — —

سوی لندن گذر ای باک نسیم سحری  
سخن از من بر کو به > سرادوار گری < (۱)

کای خردمند وزیری که برورده جهان  
چون تو دستور خردمند وزیر هنری

نقشه «پترو» (۲) بر فکر تو نشی بر آب  
رای «پرمارک» (۳) بر رای تودائی بهری

و توان جیش بالئون نگشتی گر بود  
بر فراز هرمان نام تو در جاوه گری

ماشتی بازی بر او نهاد تو دو کف نشدی  
سموی آراس وادیون لشکر آلمان سفری

انگلش از تو میخواست در آمریک مله  
بسته میقتد و اشکش به بر نشا گری

با آلمانار پوشیده از تو پوشی هرا  
بر تو بر سینه شدی بهجت رو سیاه گری

(۱) سرادوار گری وزیر خارجه دولت انگلیس در آنوقت که  
هنگام قرار داد ۱۹۰۷ بوده و به عهد ایران گور شده

(۲) بازی که بر باد شاه در وقت و مصالح روسیه  
(۳) در اعظم تاهی آلمان

ور بمنچوری بلتیک تو بُد رهبر روس  
 نشد از این جیش «گرو باتکین» (۱) کبری  
 بود اگر فکر تو با عاقله «منچو» یار  
 انقلابیون بر شاه نکشتمند جری  
 ور بدی رأی تو دایر بحیات ایران  
 اینهمه ناله نمیمانند بدین بسی اثری  
 مثل است اینکه چو بر مرد شود تیره جهان  
 آنکند کش نه بکار آید از کارگری  
 تو بدین دانش افسوس که چون بیخردان  
 کردی آنکار که جز افسوس ازوی نبری  
 در گشودی در صد ساله فرو بسته هند  
 بر رخ روس و ترمسیدی از در بهری  
 بچه گرگت در آغوش پیوردی و نیست  
 این مماشاقه جز از بیخودی و بیخبری  
 بیخودانه پنهانی زبردست حریف  
 در نهادی سر تسلیم زهی خیزه سری  
 تو خود از تبت و ایران و ز افغانستان  
 ساختی پیش ره خصم بنای سه دری  
 از در موهلی بگشودی ره تا زابل  
 وز دو تبت تسلیم شدی تا به هری  
 زین سپس بهر نگهداری این هر سه طریق  
 نیم ملارد قشودت باید بهری و سری

(۱) سردار روسی که در جنگ منچوری از این شکست خورد.

بیش از قایت هند انگلیس گردد صرف  
 عاقبت قایتی نیست بجز خون جگری  
 انگلیس آن ضرری را که اذین پیمان بُرد  
 تو ندانستی و دانش بدوی و حضری  
 نه همین زیر پای روس شود ایران پست  
 بلکه افغانی و براف شود و کاشفری  
 و همیگونی روس از سر پیمان نرود  
 و و بتاریخ نسگر تا کده عچایت نگری  
 در پس ظلم سیاسی ننگد پیمانت کار  
 این نه من گویم کاین هست (طایع بشری  
 خاصه چون روس که او شفته باشد برهنه  
 همچو شاهین که بود شفته بر کوه دری  
 و نه روس از پس یکدونه چرا در ایران  
 راند قزاق و نه انگلیس بداد نگری  
 در خراسان که همین رهرو هند است چرا  
 کرد این مایه قشون بی سبب و راهبری  
 فتنه ها از جدا کرد و جدا آخر کار  
 ارد تشویش بمان کار بدان مستوری  
 سپاه روس از بهر کسوف تاریک خسی  
 پیش از یستوار آمد چو نسگر شوری  
 مملکت کوی مشرق ما تن بود ایستاد  
 سپاه روس بهر ساندن بادین بی توری  
 سر ایشان هرند است و توتاشان هند  
 هند خواهند بانی نوع تسلط بخوری

ویژه گر پای بیفشاری تا از خط روس  
 خط آهن بسوی هند کنند رهسپری  
 به عدو خط ترن ره را نزدیک کنند  
 تا تو دیگر نروی راه باین پر خطری  
 سند بس معتبری ایران بدو در ره هند  
 و ه که بر داشته شد سد بدین معتبری  
 باد نرین با حاجت که با حاجت برداشت  
 برده از کار و فرو بست رخ برهنری  
 با حاج و بنرض کردی کاری که بدو  
 طعنه را اند هرب دشتی و ترك تفری  
 حجب از آن خاطر دانای تو و آنرای رزین  
 که در این مسئله زد بپنده خود را بگری  
 زهی آن خاطر دانای رزین تو زهی  
 فری آن فکر توانای متین تو فری  
 نام نیکو به از این چیست که گویند بدهر  
 هند و ایران شده ویران ز سراد و ارد گری





ارنست بوین وزیر خارجه دولت کارگری انگلیس طی نطقی که سیاست خارجی دولت جدید انگلستان را تشریح نمود راجع به یونان چنین اظهار داشت « نظریه امپراتوری انگلیس اینست که دولتی بایدار و آزادیخواه در آن کشور روی کار بیاید که بتواند انتحایات را در کمال آزادی صورت بدهد . » جای تأسف است که یونانیها همواره وقت گرانهای خویش را با تغییر دولت‌ها میگذرانند . امریکا و انگلستان و فرانسه متعهد شده اند که در امر انتحایات آینده یونان نظارت کنند .

## ۴ - موضوع مهاجرت اقلیت‌های آلمانی از کشور های چکسلواکی و لهستان

طبق خبرگزاری رویتر که چون دولت لهستان در نظر داشت پانزده میلیون آلمانی و دولت چکسلواکی نیز میخواست سه میلیون و نیم آنها را از کشور خود اخراج کنند ترومن ، اتلی - استالین از آنها خواش کرده اند که جابجا کردن آلمانیها را فعلاً موقوف نمایند ولی آلمانیها از دانزیگ و سیلزی اخراج میشوند مخصوصاً وضع آنها در سیلزی سخت بوده و لهستانیها در نتیجه فشار صنعت آنها را وادار میکنند بیرون بروند و آلمانیها را و طلبانه مبارزی را ترك میگویند .

با حضور نخست وزیر و وزیر امور خارجه چکسلواکی در لندن دولتها موضوع اخراج آلمانیهای مقیم آن کشور در کشورش و ردای خارجه مورد بحث قرار گرفته است .

## ۴ - مسئله تخلیه ایران از قوای متفقین

در پیامی که مستر ترومن رئیس جمهور امریکا بوسیله آقای شایسته وزیر مختار ایران در واشنگتن بشاه و ملت ایران فرستاده رسماً اظهار گردیده که وزیر خارجه امریکا دستور داده که در



انجمن وزیران خارجه در لندن برای تغایه ایران با فشاری کند.  
روزنامه اکونومیست چاپ لندن نیز طرح مسئله تغایه ایران  
از نیروی متفقین را در کنفرانس وزیران خارجه تأیید نموده است.  
بنابر این امید کامل میرود که ایران بزودی از قوای درون متفق  
تغایه گشته و بحرانی که از مدتی قبل در ایران پیش آمده  
پایان یابد.

#### ۴- بغازها و کشتیرانی آزاد در هندوستان

در یادداشتی که پندی پیش دولت شوروی بر ولت ترکیه  
داده خود را در این بازرس بغازها ذبیح دانسته و مانند سایر دولتهای  
بزرگ استفاده کشتیرانی در دریای مدیترانه را خواستار است.  
از دیگر روسی مستر برین وزیر خارجه انگلیس حوزه دریای  
مدیترانه را برای امپراتوری انگلیس دارای اهمیت قراران میدهد  
و گفته است که دولت بریتانیا باید نواحی را که میباید و حتی این  
مسئله نیز به نظر وزیران امور خارجه وابسته است.

#### تأیید کشتیرانی آزاد ایتالیا

این مسئله دومین بار از وینایات انجمن صلح است ولی از آنجا که  
در کنفرانس بینالمللی در باره کلیات تصمیم گرفته شده انداز است  
تصمیم که مورد پسند ایران قرار گیرد.

کنفرانس وزیران امور خارجه که براساسی درباره کنفرانس  
بر تمام میباید در این مورد در مورد مستشاران ایتالیا تصمیم گرفته  
شود.

#### تأیید کشتیرانی آزاد

موانعی که براساس آن کشور وزیر امور خارجه ایتالیا به پشتیبانی  
از این طرح تمام حکومت را در دست دارد مورد قبول مقامات

انگلیسی و امریکائی واقع شده و دو دولت اخیر الذکر آنرا برسمیت شناختند.

وزیران امور خارجه در مجمع خود در لندن طریقه‌ای برای اداره امور اتریش پیشنهاد نموده و مورد تصویب سه دولت بزرگ قرار گرفته و سیاست آنها در اتریش روشن گردیده.

#### ۷ - فلسطین و اختلاف عربها و یهودیها

سالمات که در باره حکومت فلسطین میان عربها و یهودیها اختلاف نظرهایی وجود دارد که هرچندی بزد و خورد و خونریزی میکشد و این مسئله از جنبه داخلی گذشته و جنبه بین المللی پیدا کرده است.

بنح دولت بزرگ برای پایان دادن باین بحران و شورش در آینده بر آن شده‌اند که راه حلی برای سازش عربها و یهودیها بیابند.

#### ۸ - دعاوی مرزی فرانسه و بلژیک و هلند

از آنجا که دولتهای فرانسه و بلژیک و هلند در باره مرزهای خود با آلمان ادعایی دارند و اداره امور آلمان اینک بدست چهار دولت بزرگ متفقین امریکا و انگلیس و شوروی و فرانسه میباشد لذا صلاحیت رسیدگی باین دعاوی نیز با آنهاست که بایستی در کنفرانس وزیران خارجه آنها بررسی شود.

#### ۹ - اقتصادیات اروپا بویژه خواربار در زمستان

کشورهایی که از زیر تصرف و اشغال آلمان بیرون آمده از لحاظ خواربار و به خصوص سوختنی مانند نفت و زغال در تنگناستند و از آنجا که دولتهای متفق در زمستان گذشته از سوختنی و سوختنی از کشور فرانسه که بتازگی از دست آلمانی‌ها شده بود آزمایشهای تلخی دادند لذا از هم اکنون در صد تأمین خواربار و بویژه سوخت کشورهای اروپا بوجه و در نظر دارند که برای این منظور بزرگ با یکدیگر همکاری نمایند.

## جَازات جنایتکاران جنگ در دادرسیهای مخصوص

—۵۵—

سه نوع دادرسی برای مجازات جنایتکاران نازی و فاشیست از طرف متفقین تعیین شده است :

۱- دادرسی بین‌المللی - محاکمه جنایتکاران بزرگ و اعضاء گارد معروف نازی و فاشیست که مرتکب جنایات بزرگ شده‌اند اگر پیشنهاد دول متفق مورد موافقت انگلستان و روسیه و فرانسه واقع شود در يك دادرسی بین‌المللی صورت خواهد گرفت .

۲- دادرسیهای ملی - این دادرسیها با امور محاکمه اختصاصی خواهند بود که نسبت به اهالی يك مملکت مرتکب خیانت و جرم شده‌اند .

۳- دادرسیهای نظامی - در مناطق تصرفی انگلیس و امریکا در آلمان دادرسیهای نظامی برای شروع محاکمات جنایتکاران تشکیل شده است این محاکمات مربوط به جنایاتی مانند آدم‌کشی با چوب‌دستی آزاد و گرسنگی دادن آسرای انگلیسی و امریکایی می‌باشد این محاکمات به مسئله اختصاصی آلمان و زمین‌زدی شروع خواهند شد .

نکته دولت امریکای که بوسیلهٔ هیئتسون دادستان دیوان‌عالی آمریکا تهیه شده اینست که تمام راهزنان و قزاقانی که بوسیلهٔ آن اطفال و کهنان و سوارانهای جاسوسی و نظامی دیگر ممکن است از تنبیه و مجازات فرار کنند بینه و محصور شود طبق این پیشنهاد چون

ممکن است ثبوت جرم در باره افراد میسر نباشد بایستی اینگونه اشخاص را بعنوان شرکت در جرم و همدستی در توطئه مجاکمه نمود. قرار است نمایندگان چهار دولت بزودی برای مطالعه این پیشنهاد جلسه ای تشکیل دهند انگلیسها بقدری مطمئن از قبول این نقشه هستند که بسرعت مشغول جمع آوری اطلاعات و اسناد و مدارک لازم بر ضد این سازمانها میباشند.

عملاً صورت بیش از ۴ هزار نفر که اکثر آنها آلمانی هستند بوسیله کمیته جنایتکاران جنگ تهیه شده ولی البته هدهه مقصرین خیلی بیش از اینها است.

باین ترتیب مجاکمه اشخاصی که جزء جنایتکاران بزرگ نیستند و جرم آنها مربوط به محل مینمی نیست بوسیله دادسرای نظامی بین المللی عملی خواهد شد و این دادسرا در تاریخچه تکامل و سازمانهای دادگستری تازگی دارد.

انگلیسها در وهله اول نسبت به قبول آن مشکوک بودند زیرا تصور میکردند وفق دادن دستگاه دادگستری چهار مملکت مختلف اشکالات زیادی در بر دارد فرانسوی ها از اول موافق با این نقشه بودند و فقط میترسیدند که اسم فرانسه از صورت جدول بزرگ خارج شود دربارۀ نظم رسمی روسیه هنوز اطلاعات موثقی در دست نیست دولت روسیه از شرکت در کمیسیون جنایتکاران جنگ که در لندن تشکیل شد خود داری نبود و طبق اظهاراتی که رادیکو مسکو و روزنامه رسمی اینوزیتا بر ضد سیاست ترسیمی آمیز سایر متفقین نسبت به جنایتکاران جنگ نموده اند ظاهراً تغییر در رویه روسها پیدا نخواهد شد ولی رویه اطمینان بخش انگلیسها در این خصوص و هجده آنها در باره کفرانس چهار دولت نشان میدهد که احتمال توافق با روسها وجود دارد.

نقشه امر یکانیها روی این اصل تنظیم شده که حد وسطی  
بین دستگاه دادگستری روسها و انگلیسها ایجاد شود.

جزئیات آن البته باید با نظر دولت روسیه حل و تعیین گردد  
پیشنهاد شده است که نمایندگان نظامی و کشور چهار دولت با یک  
دیگر نماینده دول متفق دیگر هیئت قضاوت دادسرا را تشکیل دهند  
که ریاست آنها به نوبه یکی از نمایندگان چهار دولت معول شود  
هر فرد متهم حق خواهد داشت برای خود وکیل مدافع انتخاب  
کند و خودش آزادانه از خود دفاع نماید.

دادسرا های ملی که مأمور محاکمه عده زیادی از جنایتکاران  
جنگ خواهد بود در هر مملکت صورت معینی خواهد داشت و بیشتر  
شبهه به دادسرا های نظامی خواهند بود که کمیته جنایتکاران جنگ  
حق محاکمه نسبت به آن ندارد. ولی بی نفوذ هم نیست زیرا ارتشهای  
انگلیس و امریکا اینگونه جنایتکاران را تسلیم دادسرا های ملی  
خواهند کرد مگر اینکه جرم آنها طبق صورتی که بوسه کمسیون  
مللی متفق جنایتکاران جنگ تهیه شده تقریباً بشود رسیده باشند.



مارشال روکومانوف سردار روس

## جناب آقای اتلی

توده ضعیف و فقیر ورنجبر ایرانی که اکثریت غالب و بلکه نهصد و نود و نه نفر از هر يك هزار نفر ایرانی را تشکیل میدهد موقعیت حزب کارگر انگلستان را در انتخابات اخیر آن کشور از صمیم قلب شاد باش میگویند و اگر بدین موده جان فشاند حقا

رواست ، چرا که  
میداند افراد برجسته  
این حزب در عین  
حالی که آتش حب  
وطن کانون دل آنها  
را گرم میدارد و  
بسمادت و عظمت  
کشور انگلستان  
منتهای عشق و علاقه  
را دارا و ولی شالوده  
و بنیان کاخ رفیس  
وین پرستی خود را  
هرگز بر روی  
انزال و بنیان خراب  
استقلال منتهای دیگر  
منتهای کمالی که  
سوی ابق درخشان  
تاریخی دارند



مبعور اتلی نخست وزیر انگلیس

از راه خرابی و ذلت و فقر و محضت دیگران خواهان نبیاشند .  
ملت ایران میدانند که سران محترم حزب کارگر انگلیس  
به اصلی که شاعر بزرگ ایرانی برای سمادت و آسایش نوع بشر  
قائل گردیده و میفرماید : « بنی آدم اعضای یکدیگرند » که  
در آفرینش زیك گوهرند » چو عضوی بدمد آورد روزگار »  
دگر عضوها را نماند قرار » معتقد بوده و بدون شك همانطور  
که میل دارند طبقات پایین ملت انگلیس در حال نعمت و رفاه  
و آسایش باشند ، خواهان آسایش و رفاه ملت‌های دیگر نیز بوده  
و آنچه را که بر خود و توده زنجیر ملت خود روا میدارند بر  
توده های زحمتکش ملت‌های دیگر نیز روا خواهند داشت .

جناب آقای اتلی ! ملت انگلیس را میتوان مادر تمدن دنیا  
گفت و همانطور که يك روز ملت ایران مشعلدار تمدن دنیای  
قدیم بود و در قرون اخیر هم این ملت با عظمت را میتوان مشعلدار  
تمدن کنونی دنیا نامید و اگر از حق و انصاف بنگه‌فیریم ملت  
انگلستان از لحاظ خدماتی که از راه نشر تعلیم ، معاشی ، حکومت  
مشروطه یعنی اصول آزادی و برابری و عدالت و بسط دایرة علوم  
و فرهنگ جدید در بین افراد ملل دیگر کرده حق دارد که خود را  
مفتخر بلقب و عنوان « مادر تمدن نوین دنیا » و انگلستان را امپراتور  
این تمدن بداند . این تنها عیبی که تاکنون در کار سیاست‌مداری  
این ملت بوده همین بوده است که کلیه افکار و حواس سیاستمداران  
در تمامی اعصار و قرون اخیر متوجه يك مبدء و مقصد بوده و آن  
جدداً کار استفاده از ملت‌های دیگر دنیا بنفع ملت انگلیس  
و مخصوصاً طبقه حاکمه آن ملت بوده است .

نتیجه این طرز فکر و شیخ عمل سیاستمداران آن کشور  
بزرگ همین بود که ملت‌های بزرگ دیگر از کاروان تمدن دنیای جدید

عقب مانده و این عقب افتادگی بیشتر مسبب سوء استفاده ملت‌های غالب گردیده، کار ضعف و توانائی ملل عقب مانده را بجائی رساند که یکمده از آنها بدون چونت و چیرا طوق عبودیت ملت انگلیس و برخی از ملل دیگر اروپائی را برگردن گرفته و عده دیگر در سكرات مرك و معو و اضمهلال افتاده و افراد آنها در لجه‌های فقر و نكبت و جاهل و نادانی همواره غوطه‌ور باشند و اگر هم روزی عده معدودی از آن افراد بر اثر عوامل از قبیل مسافرت بسرزمین اروپا و فرا گرفتن علوم جدید و آشنائی با اصول تمدن نوین سر از خواب غفلت برداشته و خواستند به نشر همان مبادی که باعث ترقی دنیای جدید گردیده در ممالك خود بپردازند سیاست استعمار طلبی همسایگان آنها اجازه چنین قیام و نهضتی را به آنها نداده و در نتیجه ملت‌های مزبور، مخصوصاً ما ملت‌های مشرق زمین همواره در درکات پستی و ذلت و نادانی باقی مانده و بلکه روز بروز بیشتر مراحل قوس نزولی این درکات را طی نمائیم.

جناب آقای اتلی! چنانچه ظواهر امر و وعده و بشارتهای شما در طی بیانات اولیه شما نشان میدهد شما سعی خواهید کرد که در درجه اول طبقات رنجور و کارگر انگلیس از نعمت سعادت زندگی بهره‌مند گردیده و در درجه دوم صلح و سعادت پایداری بر جهان بشریت فرمائید.

شما وعده میدهند که صنایع انگلیسی مخصوصاً صنایع سنگین را ملی و اصول مالکیت را با اصلاح یا ملقی کرده و بالاخره با حکومت سوسیالیستی با تمام معنی در سر زمین کشور انگلیس برقرار فرمائید.

ما از اینکه توده کارگر و طبقات زحمتکش انگلستان باین



سعادت عظیم نائل میگرددند روی اصل محبت و صمیمیتی که نسبت  
به این ملت نجیب و اصیل و با تربیت و خدمتگزار به جامعه علم و  
ادب دنیا داریم بی نهایت شاد و مشغوف و مسرور هستیم، ولی از  
شما که قائم این نهضت نوین و این قیام مقدس هستید انتظار داریم  
که این سعادت و خوشی و لذت و نعمت و استفاده را تنها منحصر  
به ملت اصیل انگلیس نفرمائید، سعی کنید همانطور که اساس  
مرام سوسیالیستی است ملتهای ضعیف دیگر نیز که اکثریت غالب  
افراد آنها در آتش فقر و مسکنت و بدبختی و مخصوصاً در میان  
شعله ظلم و ستم بیدادگران آزمند میسوزند و بالغ بر سه قرن  
است فریاد ناله و استغاثه آنها در فضای آسمان جهان انسانیت  
طنین انداز است و احدی بناله مظلومانه آنها گوش نمیدهد از همان  
زمانی که امروز یافتار کرده باین ملت انگلیس برخوردار میشود  
اینها نیز برخوردار گردیده و خلاصه آنکه آنچه را امروز برای  
آسایش و رفاه ملت خودتان میخواهید برای ملت های دیگر نیز  
بخواهید، اگر شما مصدر بهترین خدمتی به جهان انسانیت گردیدید  
آقای اتلی - ما بشما قول میدهم که گذشته از آنکه ریشه فقر و  
رنج و محنت و بدبختی را از صفحه زمین بر خواهید کشید و تمامی  
افراد بشری را بر سر منزل سعادت و رفاه و احیای خواهید ساخت  
بلکه بزرگترین نام تاریخی را برای خود در صفحات تاریخ عمومی  
دنیا باقی گذارید در شمار یکی از بزرگترین مسالمتین عالم بشری  
پندار خواهید داشت.

ولی منابه آقای اتلی - متوجه باشید که برخلاف زمامداران  
گذشته ملت خودشان شراب میان ملت ایران را که روئی آقا و  
فرمانروای دنیای عصری شود برده و امروز بر اثر سوء سیاست و  
بیانیت کاری زمامداران خودشان و عدم حسن نیت زمامداران گذشته

کشور شما باین روز سیاه سفالت و بیچارگی افتاده از نظر لطف و عدالت پروری خود فراموش نفرموده و مخصوصاً به یکا یک افراد هیئت سیاسی دولت خودتان که مأموریت اداره امور سیاست انگلستان را در ایران دارند توصیه فرمائید که بر عکس گذشته که همواره بوسیله تیشه پیداد اشرف و سرمایه داران ایرانی ریشه سعادت و رفاه افراد طبقات زحمتکش دوم و سوم ایرانی را از بین و بن بر میکنند و در زمره نوکران و خدمتگزاران صدیق و صمیمی دولت انگلستان بشمار میرفتند، از این پس با افراد طبقات دوم و سوم مزبور دست محبت و برادری و یگانگی داده آنها را در راه احقاق حق از دست رفته و بالاخر در راه تبدیل اصول زندگی و تأمین عدالت اجتماعی خودشان یاری نموده و بدست امثال و ثوبی الدوله ها و سید ضیاء الدین های خائن وطن فروش کاسخ استقلال کشور و آسایش ملت ایران را مست و متزلزل و مشرف بانهدام ننمایند.

اگر شما این کار را کردید، بشما قول میدهم معصومه مهر و محبت شما را ما بر روی شالوده قلب پاک و بیگانه خودمان قرار دهیم.

روحانیه اصفهان



## دليل ترس مجبور از حمله بانگليس چه بود؟ سبب نجات انگلستان و پروزي متفقين

—۵۵—

وقايع و سرگذشتهاي جاسوسي لازم نيست حاوي ماجراهاي عاشقانه باشد تاثيرين و عجيب باشد بلكه اهميت آن در تأثير آنست . بايد ديد كدام جاسوسي مؤثر تر بود و نتايج بزرگتر بخشوده است . شريكه اينك از نظر خوانندگان ميگذرد از آنگونه وقايع است كه موجب نجات يك کشور و احراز پروزي گرديد و يك جهت اهميت و عجيب بودن آن اين است كه در اينجا يك جاسوس زبردست مجبور كه بجهانيت يك دولت در طرف وار دانگلستان شده است رو دست متعكفي خورده و چنان گيج شده كه گزارش او انگلستان را نجات داده و پوست از سر تصور كنده است .

شرح ذيل كه جريان اين جاسوسي عجيب است بقلم يك مأمور شهني انگليسي نوشته شده و اخيراً در مطبوعات انگلستان انتشار يافته است :

\*\*\*

در اكتوبر ۱۹۴۰ دولت زامال فرانكوي پيشواي اسپانيا از دولت انگلستان تقاضا كرد كه اجازه دهند يك نفر مأمور بفرستد به اسپانيا برود و وضع پيشامدگان انگلستان را در زمان جنگ مورد مطالعه قرار دهد .

پروزي معلوم شد كه اين شخص يك نفر فالاويست اسپانيائي در مرموط با حزب فاشيست ايتاليا است و در نقش جويان اسپانيائي شريك و تأثيري داشته است .

وزارت امور خارجه انگلستان این تقاضا را پذیرفت و اجازه داد که وی وارد جزیره بریتانیا شود ولی دولت انگلستان این شخص را خوب میشناخت و یقین میدانست که پشت پرده این مأموریت ساده و مشروع مأموریت‌های دیگری دارد و مسلماً هر چیز در انگلستان پیمند بدون شبهه از آن نسخه‌ها یکی را به برچسگادن و دیگری را برم برای هینلز و موسلینی خواهد فرستاد.

بنابر این دستورهای لازم داده شد و ما مأمور پذیرایی و راهنمایی او گردیدیم.

ما جاسوس بودیم و او هم جاسوس بود بدین جهت از او خوشمان می‌آمد و مجال بزرگی بدست آورده بودیم که بریش يك جاسوس خارجی بخندیم. من و چند تن دیگر از همکارانم لباس پیش آهنکی ملبس شده بودیم. از او استقبال کردیم او را يك مهمانخانه عالی بردیم و اطاق مناسبی برای او تهیه کردیم یعنی تهیه کرده بودیم در آن اطاق چند میکرفون برای انتقال کوچکترین صداها و سیم کشی‌های بسیار ولی کاملاً پنهان و پوشیده از نظر تهیه شده و این عمل آنقدر خوب اجرا شده بود که میتوان گفت نابدان موقع پیسابقه بود.

وقتی که وارد شدیم لیگور زیادی با ما شوراندیم که خوب گنجش کرد، وسایل تفریحش را فراهم آوردیم و چندین زن رند طراز را بر او گماردیم تا کاملاً مشغول و سرگرمش کنند.

همانخانه ای برای او انتخاب کرده بودیم که نزدیک يك پناهگاه ضد حملات هوایی بود و در آن موقع ما تقریباً وسائل دفاع ضد حملات هوایی هیچ نداشتیم فقط در تمام این ناحیه وسیع سه آشیانه آتشبارهای سنگین وجود داشت. یکی از این آتشبارها را ایسر و صدا به «گرمین پارک» (باغ سبز) که در بروی آن

مهمانخانه بود انتقال دادند و به متصدی آن دستور داده شد که همین که بمباران از طرف دشمن ولو توسط يك هواپیما شروع شد و حتی اگر هواپیمائی در تیررس نبود در مدتی مدید با نهایت شدت و بلا انقطاع شلیك كند .

چون در آن موقع شبی نبود که لااقل يك دفعه هواپیماهای دشمن در حدود لندن دیده نشوند و بدینجهت توپهای آشیانه رو بروی مهمانخانه همه شب با غرش گوش خراشی صكه زمین را بارزه در میآورد و مهمانخانه را تكان میداد صدا میکرد و بیچاره جاسوس که بیشتر اوقات خود را در پناهگاه بسر میبرد با مشاهده این احوال و شنیدن این صدا های عجیب تصور میکرد که همه جای لندن همین طور است و همه نقاطش با همین شدت در مقابل حملات هوائی دفاع میکنند غافل از این که هر چه بود همین بود و در نقاط دیگر نه توانی بود و نه وسیله دفاعی .

چون این صدا ها را شنید يك دفعه دانش خواست آشیانه توپ را دین کند تا اجازه صادر شود بمسدت برق و هنگامیکه آقای جاسوس در پناهگاه یا در معرض شوخی عده زن ها بود توپهای دوشه نعلك دیگر را با آنها آوردند و چون توپچی نعلك هوائی هم نداشتیم عده زیادی از پیشاهنگان را لباس توپچی گری پوشانیدیم و در آنها بنظر گذاشتیم آتش و این آشیانه را دید و با كمال غرور و باو گفتیم در هر گوشه و هر گوشه پس اگر چه اندر چنین بناهایی هست .  
بعد از اینكه و بنظر بر داریم ناو آنها از دوهای پیشاهنگان را نشان دادند .

ولی كار ها هم بد وفق مرام در مدت شده بود ، در تمام انگلستان در آن موقع فقط يك لشكر ناقص وجود داشت که برای کشور در حکم هیچ و برای يك ناحیه و يك شهر خیلی کوچک

خیلی زیاد بود. این لشکر را در ویندسور تمرکز دادند و هرچه تانک و ارابه جنگی هم داشتیم در آنجا جمع آمده بود — مردم گمان میبردند این امر اتفاقی است ولی برعکس طبق پیش بینیهای قبلی و با حساب صحیح فراهم شده بود.

تمام افراد نگهبانان و افسران آن لشکر بسیار نیرومند و درشت هیكل و تندرست بودند و از این حیث هر نقصی که داشت با کمک گرفتن از مردم غیر هادی برطرف شده بود.

رفیق جاسوسمان با حیرت و اتعاب باین دسته ها نگریست و ما با منتهای بی اعتنائی و مناعت باو گفتیم این فقط یکدسته کوچک است که فعلاً در دفاع از کشور احتیاجی بآن نیست و اینک بمنوان دسته نظامی مخصوص تشریفات دربار شاهنشاهی در اینجا متمرکز شده است پیدا بود که بیچاره متعجب شده است ولی بروی خود نمیآورد و پیوسته آب دهانش را فرو میبرد.

این نقش هم خوب گرفت و این بینوای زرنك گمان برد که واقعا انگلستان ده ها لشکر عظیم دارد که میتواند از لشکری قوی و مجهز و از اینهمه تانک و توپ و غیره چشم پوشد! در صورتیکه در هر کشور هیچ چیز جز همان مختصر نداشته ایم.

جاسوس فالانزیمت طبق اصول جاسوسی که ما خوب از بر بودیم سعی میکرد خود تقاضایی نکند تا مورد سوء ظن ما نشود و منتظر میماند که چیزی را از دهان خودمان بگیرد و مورد تقاضا قرار دهد. ما هم درس خود را خوب بلد بودیم از اینگونه حرف ها زیاد در دهان او میگذاشتیم. مثلاً يك موقع مناسب طوری حرف زدیم که او رغبت نمود را بهماشای بنادرگاه های جنگی انگلستان اظهار داشت.

این موضوع پیش بینی شده و کلیه ناوگان بریتانیا در یک بندر که در سر راه ما بود جمع شده بود ولی ما باو گفتیم گرچه

بهنر است بیندوهای خیلی بزرگ برویم ولی چون شاید وقت نشود  
فلا به بندر کوچکی که در این نزدیکی هست میرویم .  
وقتی که وارد بندرگاه شد و آن همه کشتی های عظیم را  
دید با نهایت سادگی گفتیم :

واقعا انگلستان خیلی کشتی دارد ! ولی هرچه داریم فلا  
هرچنگند و در دریا ها پراکنده اند و این عده که زیاد مورد احتیاج  
نیستند در بندر جمع آمده اند و حفاظت میکنند . حقیقتاً چشمان  
او از دیدن اینهمه کشتی های بزرگ و کوچک خیره شد و مثل  
این بود که نمیتواند باور کند که آنها را بچشم خود در بیداری  
میبیند و در این محل هم عده زیادی پشاهنک باو نشان دادیم .

بطور کلی اینجا و آنجا بقدری پشاهنک دیده بود که دیگر  
از دیدن آنها کسل میشد ، ما نیز مثل او احساس کسالت میکردیم  
ولی هیچیک چاره نداشتیم و ناچار بایستی تحمل کنیم زیرا او جاسوس  
بود و بپایانه دیدن پشاهنگان آمده بود تا همه چیز دیگر را ببیند  
و ما نیز جاسوس بودیم و بایستی پشاهنگان را ده برابر آنچه هست  
و چیزهای دیگر را صد هزار برابر آنچه هست بوی جلوه دهیم .

عجیب ترین و موقفانه ترین مناظر که ما برای او ترتیب دادیم  
پانزده روز پس از باز دیده بندرگاه و در موقف بود که باتفاق  
او بوسیله هواپیماها در امتداد ساحل حرکت کردیم در آن موقع هواپیماهای  
انگلیس بسیار کم بود بطوری که رویهم رفته در تمام مملکت بیش از  
هفت هورینگان و عده ناقلی اهمیت فایز نداشتیم ولی با وجود این  
در طول راه تقریباً در تمام ایستگاهات از میان دسته های هواپیماهای  
اهمیت فایز عبور میکردیم و مثل این بود که تمام آسمان را این  
هواپیماها فرا گرفته و میانه کرده اند بیچاره جاسوس معجزه چگونگی  
نیتوانست حدس بزند که همه این دسته هواپیما ها پیش از یکدسته

نیست منتهی همان یکدسته دهم از مقابل ما میگذرند میان ابر ها  
میروند و دوباره بر میگردند و از جلو ما عبور میکنند .

بدیخت مثل گنجها شده بود ، چشمانش داغست از قرط  
حیرت بیرون میآمد و مسلماً هر تصویری که قبلاً راجع به هوایمائی  
انگلستان میکرد صد درجه بزرگتر بیشترش را به چشم میدید .

در اسکاتلند ما مانور دیگری باو دادیم و او را از تماشای  
يك لشکر قوی و مجهز به تانك ها و ارابه های جنگی بسیار متعجب  
ساختیم و بینوا نمیدانست که این چیز ها که می بیند عیناً همانهایی  
است که قبلاً در ویندرسور دیده بود و حتی من نگران شدم که  
میادا فوق العاده با هوش باشد و بیاد آورد که این سربازان و افسران  
را قبلاً دیده است ولی خوشبختانه هیچ متوجه نشد .

باو گفتم این لشکر که می بینید کامل نیست و هنوز تعلیمات  
و تجهیزاتش تکمیل نشده است تا به لشکر های آماده جنگ پیوندند  
بعلاوه باین واحد ها احتیاجی نیست .

باز هم در اینجا عده بسیار زیادی پیشانك از همانها که مکرر  
دیده بود باو نمایش دادیم و حوصله اش را سر آوردیم .

هنگام مراجعت از راه هوا باز هم از میان چندین هزار «اسپیت  
فایر» گذشتیم و این دفعه اسپیت فایر های انگشت شمار ما چنان  
خوب نقش خود را بازی کردند که امر برخورد من هم نزدیک بود  
مشقه شود .

چندی دیگر دریغمانیا بود و هر روز با نهایت مهارت چیزهایی  
از این قبیل بوی نشان دادیم و وقتی که رفت يك چند جویا بودیم تا  
بدانیم چه گزارشی داده است . هاقبت در قسمتی از گزارش ها نوشته  
بود هر يك از دشمنان ما که میخواهند هولناك وحشت آورند  
ضمن این گزارش نوشته بود : تمام انگلستان میل به يك اردوگاه  
فوق العاده مسلح شده است و نیز نوشته بود :



تمام شایعانی که حکایت از ضعف انگلستان کند دروغی است  
و از طرف خود انگلیسها منتشر میشود تا آلمانها را گول بزنند  
و آلمان را بیک حمله شوم که موجب فتنای خود او خواهد شد  
و ادا کنند !

این گزارش ها مشهودات مأموری بود که طرف اطمینان  
کامل محور بوده و بوی خیلی اهمیت میدادند و گزارش او را صد  
در صد باور میکردند .

علا فکرمیکنیم که به ما کار این بدبخت بکجا رسید . شاید چون  
فهمیدند که دروغ او شته سر به نیستش کرده اند و یا او را با ضعف  
حقوق خود متقاعد کرده و بگوشه‌ئی روانه اش کرده اند . بهرجهت  
من از ریختن او و از صاف صاف صافی عجیبی که بوی تهلیل کرده  
بودیم خوشم میآمد و بدم نمیآید که باز هم زیارتش کنم . چیزی  
که یقین دارم اینست که هنوز هرجا که هست هر شب پيشاهنگی را  
که در انگلستان دیده بود در خواب می بیند !



## نویید صلح

—۵۵—

ای حامیان جنگ ببندید بارها  
کاینک نوید صلح رسید از دیارها  
خاموش گشت آتش سوزنده که بود  
بر جان اهل عالم پیرار و بارها  
افسرده گشت دوزخ ظلمی که شعله اش  
بر خائنان آدمیان زد شرارها  
شرمنده باد و خوار که از بهر سود خویش  
در شاهراه صلح جهان ریخت خارها  
نابود باد و بست که بهر نژاد خویش  
در خاک و خون کشید نژاد و تبارها  
ویرانه کرد یکسره آن قصرها که بود  
از تیشه های صنم بهین شاهکارها  
گر حکم عقل بود زهی نارسای عقل  
ور کار عشق بود زهی نابکارها  
مقراط کو که بیند شاخ درخت عالم  
در بیست قرن واند چه آورده بارها  
عجبی مسیح خیزد و نفرین کند هوی  
بر مارهای امت و بدتر ز مارها  
فکر بلطف دکتر و استاد و فیلسوف  
گفته نسکرد شهوت سرمایه دارها  
وز صد هزار امقلب و کشیش و جاثلیق  
یککدم نشد فسرده فروزان شرارها

وز صد هزار دیرو کلیسا و صومعه  
 يك جا نماند بر حذر از انفجار ها  
 دژ خیم جنگ زیر پی خویشتن سپرد  
 آن شهر های دلکش و آن کشتزارها  
 بگنبد شهر های ازوبای دلفریب  
 تا بشکری که جنگ چه آورده بارها  
 بران عروس ژرمن در توده های خاک  
 بنشسته زار و نالان چون سوگوارها  
 نقش و نگار او همه شسته ز اشك و خون  
 وز خون و اشك بروی نقش و نگارها  
 بر جای کاخها و دوختان دلپسند  
 خودالصليب هاست زده بر مزارها  
 اکنون اگر بپهد تمدن کشتی نگاه  
 بیزار گردی از مدنیت شمار ها  
 از خون نوجوانان تا فرمها همی  
 پیوسته لاله روید در نویهار ها  
 و آن لاله ها بشال و نقیریت کند همی  
 بر جانبان جنگ و خیانت شمار ها  
 نزدیک بود ظلم شود چیره بر جهان  
 و آزادی از زمانه بگیرد گسار ها  
 تا شهریار صلح دگر باره بر سرین  
 بنشست و کارها همه شد بر قرارها  
 ای رهبران صلح بشانید جاودانیت  
 تا هست آسمان و زمین و مدارها  
 آهس این فساد برانید از جهان  
 تا نام يك ماندگارت یادگار ها

## نطق مهم ترومان و سیاست امریکا

نطق مهمی که رئیس جمهوری ترومان اخیراً بمناسبت جشن نیروی دریایی امریکا ایراد نمود شاید از لحاظ سیاست ملی و بین‌المللی امریکا بزرگترین نطقی باشد که تاکنون جانشین‌روزلت ایراد کرده است زیرا در این نطق ترومان با روش رئالیسم خاصی از روی نهایت وضوح سیاست امریکا را روشن نموده و شرایط همکاری دولت امریکا را با سایر ملتها تشریح نمود رئیس جمهوری ترومان مخصوصاً در این نطق برای بمب اتمیک اهمیت بسیاری قائل گردید و پس از آن که تأیید نمود که هرچه زودتر تبادل نظر با دولت انگلیس و کانادا راجع بموضوع بمب اتمیک شروع خواهد شد تأیید کرد که کشف این بمب ایجاب نموده است که دولت امریکا در تعیین روش سیاسی خود نسبت بدنیا تسریع نماید. اصول یازده گانه سیاست امریکا که هر يك بشبهائی در خود تفسیر و حلاجی است و از طرف رئیس جمهوری ترومان بدنیا اعلام گردید بقرار زیر میباشد :

- ۱ - دولت امریکا از راه خود خو هی و خود پرستی کمترین نظری بتوسعه ارضی ندارد و از صمیم قلب مایل است که با تمام کشورهای صلح خواه همکاری کند و جداً از جنگ با دولت‌های صلح طلب اجتناب نماید.
- ۲ - دولت امریکا مایل دارد تمام ملت های جهان را که استقلال آنها در اثر زور و فشار از میان رفته است در باز گرفتن آزادی کمک مؤثر نماید.
- ۳ - دولت امریکا با هیچگونه تفسیراتی در اوضاع کشورهای

و رژیم آنها که مخالف با میل ملت باشد موافق نخواهد بود .  
۴ - دولت امریکا میل دارد با سایر متفقین خود در استقرار  
دولت های صلح جو و آزادی خواه در کشور های مغلوب  
همکاری نماید .

۵ - امریکا از استقرار دولت های پوشالی در کشور های  
مختلف جلوگیری خواهد کرد .

۶ - بنظر امریکا تمام ملت ها باید در استفاده از مجاری  
آب و نهر های طبیعی خود آزاد باشند .

۷ - تمام ملت های عضو جامعه ملل باید به مواد اولیه دنیا  
دسترسی داشته باشند و از منابع سرشار جهان استفاده کنند .

۸ - کشور های نیمکره ماقبل باید در نهایت دوستی ووداد  
بسر برده و از مداخله بیگانگان در موارد خود جلوگیری کنند .

۹ - تمام کشور های جهان باید برای بهبود اوضاع اقتصادی  
دنیا با هم همکاری کامل نمایند .

۱۰ - آزادی فکر و عقیده باید در تمام کشور های جهان  
برقرار گردد .

۱۱ - برای حفظ صلح در دنیا باید يك اتحادیه ملل نیرومندی  
تشکیل یابد که در مورد لزوم برای حفظ صلح از توسل برور  
خود داری نکند .

این بود اصول مهم سیاست کنونی امریکا که رئیس  
جمهوری ترومان در تعلق مهم خود بدانها اشاره کرده و در بیان  
اظهارات خود چنین گفت که البته کسی انکار ندارد که ما میتوانم  
همین فردا این سیاست را عملی کنیم ولی سیاست ما همین است  
و برای اجرای آن از هیچ گونه فداکاری خود داری نخواهیم کرد .

بطوری که از این اصول برمیآید دولت امریکا در حقیقت  
سیاستی برای خود انتخاب نموده است که صد در صد با اصول منشور  
ملت های متفق و سازمان جامعه ملل آینده تطبیق میکند و بدین طریق  
برای نخستین بار در تاریخ ملت امریکا این صلح و همکاری  
بین المللی در تمام دولتها بالاتر گرفته و سایر کشور های جهان را  
باقضاء از ارزش خود دھوت کرده است .

جای هیچگونه شبهه نیست که هرگاه همین اصول یازده گانه  
سیاست امریکا از طرف آن دولت یانهایت صمیمت اجراء گردد  
و سایر ملتهای جهان نیز این اصول را شعار سیاسی خود سازند بشر  
دیگر روی چنگ نخواهد دید و جهان تبدیل بخلافد برین خواهد شد  
زیرا امریکا پیشنهاد میکند که هیچ دولتی بدولت دیگر زور نگوید  
و تمام ملتها از منابع دنیا حق استفاده داشته باشند و آزادی فکر  
و عقیده که گرامی ترین دارائی انسان است در همه جا برقرار شود  
و برای بهبود اوضاع جهان همکاری مؤثری در تمام افراد جامعه  
برقرار گردد .

در ایی موقع که ابر های تیره آسمان سیاست دنیا را فرا  
گرفته و مشکلات سیاسی بشمارى در دنیا عرض اندام نموده است  
نطق ترومان همچون موسیقی دلنوازی است که آدمی را دقیقه چند  
از دنیای آشفته کنونی دور نموده و بیک جهان شیرین و پر سعادت  
که تنها آرزوی انسانیت است وهجری میکند و ما امیدواریم که  
به تنها سیاست امریکا بطوریکه ترومان تشریح نمود صد در صد  
همای گردد بلکه کلیه ملت های دیگر نیز از ملت جوانمرد امریکا  
اقتدا جویند زیرا سعادت دنیا بدین طریق تأمین خواهد شد .

## پایان جنگ

— ۵۵ —

شکر مر دادار داور را که پایان یافت جنگ  
بار دیگر صلح سامان داد سامان فرنگ  
انگلیس و روس و امریکا چو کردند اتفاق  
عرصه پیکار شد بر دشمن خونخوار تنگ  
این سه ملت آنچنان با یکدیگر یکدل شدند  
تا سر بر باد دشمن هلاکت آمد بسنگ  
فرد فرد این سه ملت از پی جنگاوری  
در زمین چون شیر و در دریا همانند نهنگ  
از برای حفظ آزادی سپر کردند توف  
نی ز برق تیغ بیعی نی ز باران فتنه  
ملک دشمن را تبه کردند از تأثیر بهسب  
روی دشمن را سیه کردند از دود تفنگ  
دشمن خونخوار ویرانی طلب غفاس وار  
شد زبون آخر بجنگ شاهباز نیز چنگ  
گر چه دشمن همچو روباه دغل معتال بود  
لیک از شیر زبان سبلی خورد روباه لنگ  
مکیان را گرچه میدرد به آسانی شغال  
لیک آسان خوار گردد زیر چنگال پانگ  
آفرین بر روح آزادی که ملتهای دوست  
از برای حفظ آن رفتند زیر بار جنگ  
دشمنان عدل و آزادی زبون گشتند و خوار  
جام عفریتان استیلا طلب شد بر شرنگ

آنکه میبنداشت خود از دیگران بالاتر است  
ملت ایران در این پیروزی و فتح بزرگ  
چامه پوشد گونه کون و باده نوشد رنگ رنگ  
شادی این فتح و پیروزی زند جام مدام  
تا که برداید ز لوح قلب پر امید رنگ  
چونکه خود در راه پیروزی کشیده رنجها  
نک سزاوار است جام شکر نوشد بیدرنگ  
زادگای کورش و دارا سرفرازند از آنک  
کرده اند از جان و دل خدمت برای ختم جنگ  
بشت ایشان خم شد و ابروی ایشان خم نشد  
تا که پشت صلح را سازند همدستان خدنگ  
شکر ایزد را که پایان یافت این جنگ وجدال  
حق و آزادی مسلط گشت بر زور بهنگ  
دست نیرومند آزادی برون شد ز آستین  
بر دهان زور گویان و بدان زد بالهنگ  
من نه تنها شادمانم این نه تنها بزم هیش  
از دماغه ماژلان جشن است تا باب برنگ  
در همه روی زمین نک جشن آزادی بیامت  
سافران بر می بدست دلبران شوخ و شنک  
تا جهان باقی است باد آزادی و عدل  
شاد و خرم باد جان مردم با فر و هنک  
ملت ایران و آمریکا و روس و انگلیس  
باد باقی تا که دلبخواه است بانک نای و چنگ  
حال عینوشم باقیال سران چهار ملک  
جام خوراگان پر است از باده بیجاده رنگ



## پیام به اتلی

ما مکرر گفته ایم که ملت ایران برخلاف آنچه طبقه دزد و مرتجع و انود میکنند نسبت به ملت انگلیس احساسات دوستانه دارد ملت ایران آرزو میکند که مأمورین انگلیس در ایران دست از پشت این طبقه غارتگر بردارند و بخود ملت نزدیک شوند. ما و انگلیس همسایه ایم؛ مملکت ما دالان مستعمرات اوست، صلاح او در این است که کسانی که در این دالان زندگی میکنند باوی دوست باشند، صلاح ساکنین این دالان نیز در دوستی با اوست ولی این طبقه ناپاک نالایی که بواسطه تجرد از تمام صفات انسانیت و حاضر شدن بهمه گونه تمدنی و انحطاط بر مردم مسلط شده اند پیوسته اولیای امور انگلیس را در شرق ازمات ایران ضلیم میکنند و بایشان چنان می نمایند که تنها ما حافظ منافع شما هستیم و اگر روزی ما از میان برویم و ملت ایران صاحب اختیار امور خویش شود با شما خصومت خواهد کرد و این سوء تفاهسی که بدست آنها بین ملت ایران و گله و شکایت ملت ایران از انگلیس شده است روزی که کارگران انگلیس اکثریت پارلمانی را بردند و اتلی دولت کارگری تشکیل داد ایرانیها امیدوار شدند که آن سوء تفاهسی که بین ایشان و دولتهای اشرافی انگلیس موجود بود مرتفع گردد.

آقای صدارت متخلص به «نسیم» شاعر شهیر جوان شیرین قریحه و توانا که بازارگی از شیراز وارد شده اند چه گاه بی پیام «پیام به اتلی» ساخته که ایده آل ایرانیها را در این خصوص بشوئی مجسم میکند، ما امیدواریم کارمندان روابط فرهنگی ایران و انگلیس

این قصیده شیوارا که تراویده یک قریحه پاک و فیاض و بی آرایش  
است ترجمه کرده و بمرض نخست وزیر شهر انگلیس برسانند تا ایشان  
از احساسات ملت ایران نسبت بخود و مرام و روش خود آگاه گردند :

\*\*\*

اتلی ای رهبر بیدار و وزیر هنری  
وی چو مردان شرف اندوخته از کارگری  
انگلستان که جهانی را خود راهبر است

جوید از رای رزین تو کنون راهبری  
چشم گیتی نگران تو و کابینه تست  
از ثریا همه نام تو بود تا به ثری  
مستخفی چند از این شرقی گمنام شنو  
ای که بگذشته ز خورشید تورا ناموری

بر حریفان قوی پنجه چو پیروز شدی  
به که شکرانه آن سوی ضمیمان نگری  
مردم شرق سراسر نگرانند که تو  
ره اسلاف روی با ره دیگر سپری ؟

رای کین داری یا بر سر مهری و وداد  
سامی زوری یا دشمن بیداد گری ؟  
همچو اسلاف یا شراف نظر داری و بی ؟

یا به مردم گروی از ره نیکو سپری ؟  
بشنو این نکته زمن گرچه پدیدار بود  
سر هر نکته بر چون تو وزیر هنری :

شرقیان را همه زنده یک چشم مبین  
بمثل تازی یکسان نبود با توری  
و گر این کشور آزاد منش را با هند  
بینی از دور یک چشم زهی بی بهری !

نسبت ایشان با کشور گلها بمثل  
 از درمنجش چون نسبت دیو است و پری  
 ری که کانون وطنخواهی و آزادگی است  
 نیست چون قاهره و دهلی و بغداد هری  
 زین کهن کشور روزی هنر آموخته اند  
 همه کشورها ، از خاوری و باختری  
 هیچ دانی که جهان از پس چهل سال هنوز  
 میزند خنده بر آمال سرادوار دگری ؟  
 آن وزیری که زیمانی آزادی سوژ  
 در همه شرق بود شهره بکوته نظری !  
 هم زاندم که خطا کرد و توف الدوله  
 راند او را وطن از خویش و کشید در بدری

۵۳۳

اندرین ملک گروهی چو ددان بی وطنند  
 داده از دست طمع را همه غری بشری  
 مشکه نرانی بد نام که تا دامن حشر  
 نرسند دامن آلوده ایشان ز آری  
 مردم از آنان بیزار بدانسان که زمان  
 یا بدانگونه که از باز جهان کجک دری  
 گمراه بود همه کاری این دل میمان  
 ربه سرخ بر این ملک نه گشت جری  
 و در میان داری این هیچ بد اندیش نبود  
 لشکر ایران تا گناه نداشت که مری !  
 بی گمان بود ز گمراهی این راهبران  
 جیش امریک اگر گشت با ایران سفری  
 آری از شوی این بهمنشان است که هست  
 قسمت ملت ایران همه خونین چگری !  
 اگر آنوقت که میدانی دو کار نبود  
 مرگ از این قوم نبودند بدین خیره سری !

تا بپنداری دل سوی تو دارند همی  
 بنده سیم زرنند اینان از بد گهری !  
 تا نیالاید بد نامیشان نام تو را  
 جهد کن تا بخطا عشوه آنان نغری  
 تا نگرديم بزی از تو چنان کز دگران  
 هله زین قوم سیه کار بری باش بری  
 گردد دست بدست آردل از توده خلق  
 کز دغل بازی این طایفه سودی نبری  
 راست خواهی نتوان خواستن از کژدم نوش  
 یا طمع داشتن از حنظل طعم شکری  
 آنکه بر جای گل و لاله نشان خس و خوار  
 ناورد بار سرانجامش گسلبرک تری  
 آن نهالی که دهی آبش از اشک کسان  
 اندرین باغ بدلتواوه نگردد ثمری  
 فتنه در پرده مکن چون دگران تا نکنند  
 خشم این ملت آشفته درون پرده دری  
 ره این ملک بهندوی سیه چرده به بند  
 تا نغمنند بمسا سرخ لبان خردی  
 بگناهی که شد این کشور همسایه هند  
 چند باید که شود عرصه بیدادگری ؟  
 با همه ناله گزین ملک بر آید شب و روز  
 نسزد از تو که خود را زده باشی بگری  
 نیک دانی که بدو نیک جهان در گنج است  
 دولت و جاه و جلال است سراسر میری  
 نه چنانکن که پس از وقتت از پی باشد  
 نیک جهان اشک شبانگاهی و آه سحری  
 آنچهان باش که جاوید جهانی گوید :  
 فری آن دانا دستور خردمند فری  
 « نقل از روزنامه کیهان »

## ایران و صلح جهانی

### شرط زندگی در دنیای امروز چیست ؟

—۵۵—

جنگ جهانی سوز که نخستین شراره آن از دالان دانتریک  
زبانه کشید و پس از شعله و رساختن کشورهای جهان ملتهارا برای يك  
تحول تاریخی بزرگ مهیا نمود برای مانیز واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰  
و بارمیان آورد ولی از آنجائیکه هر شکست معمولاً مقدمه اصلاح  
و جبران خطایا و رفع معایب است شکست ارتش ایران با همه زیانها  
و رسوائیهایی که برای ما بار آورد این نتیجه را هم داشت که زنجیر  
گران دیکتاتوری از گردن ملت برداشته شد و عناصر حساس مجال  
آنها یافتند که برچم آزادیخواهی برافراشته و برای اصلاح کشور  
گامهای بلندی بردارند و قتی طلسمهای بیست ساله شکسته شد  
و آزاد مردان از سیاه چالهای تاریکی یافتند و فرشته آزادی بر بساط رنج  
دیدگان و آرزومندان سرفرازی ایران بال و پر کشود مردم چشم خود را  
باز کرده در پی یافتن علت این درماندگی برآمدند و يك روز گاو  
دانترین که اجتماع ایرانی از حقوق خود برخوردار شود آمدند و ارشادند :

اما افسوس که باز گروهی جنایتکار و خائن که دست پرورده  
دیکتاتوری بودند و ملت در اثر مستی و ذیونی و عدم رشد فکری  
شود تزلزل است آنها را قلم و قلم نماید با هزاران قلاشی و دغلبازی  
و نیرنگی و دشمنیه و تکیه بمقامات بیگانه موقعیت خود را دودستگاه  
حکومت و نقاط حساس سازمانهای اجتماعی تحکیم نموده و بادوست  
گرفتن تمام امور ایران مستبدانه را از هر گونه جنبش و ترقی باز  
داشتند و بنام دموکراسی به نشکین ترین عملیاتیکه حتی در دوره  
دیکتاتوری هم برای آنها مقدور نبود دست زدند.

از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون گائینه های متعدد روی کار آمده و هر کدام مواد اصلاحی در برنامه خود گنجانیده اند و آنرا دستاویز زمامداری خود ساخته اند ولی نه تنها کوچکترین گامی برای رفع مضائق و دشواریهای زندگی توده رنج دیده و فقیر و پریشان بر نداشته بلکه بدرد های بزرگ دیگری نیز مجال نشو و نما در این جامه داده اند و در نتیجه مرج مرج، ارتجاع، ملوک الطوائفی در این کشور حکمفرما گردیده است.

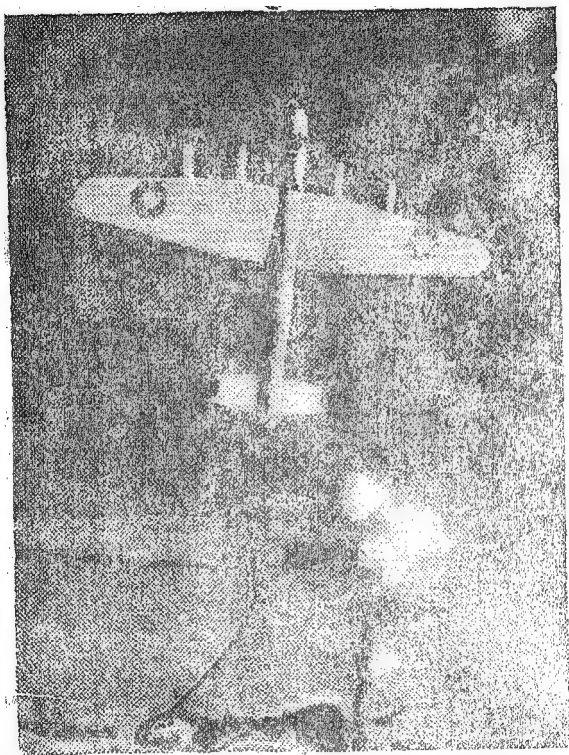
عامل اصلی این فجایع همانا وجود خائنین دوره دیکتاتوری است که پس از سقوط حکومت بیست ساله بساز بر دوش ملت تعجیل شدند.

این جنایتکاران در این چند سال تحت عنوان زمان جنگ تا توانستند بهضمیمه بنیه اقتصادی و ایجاد مضيقه و بدبختی برای ملت کوشیدند و اگر مردم از این همه تحمیلات مینالیدند مصائب آنها را مولود و عارضه جنگ قلمداد میکردند در صورتیکه گرانی هر روز زندگی و فواصل عمیق طبقاتی که در ایران وجود داشته و دارد در هیچیک از کشورهای حتی صحنه پیکار نیز بوده اند نظیر نداشته است این بدبختی که مادر دوره جنگ داشته ایم و هنوز هم با وجود استقرار صلح گریبان مارا وها نکرده است عامل اصلی دیگری دارد که همانا فساد هیئت حاکمه ایران میباشد و در اثر همین فساد دستگاه حکومتی است که ما اکنون نمیتوانیم مزه صلح را بچشیم.

الان فرشته صلح بر فراز جهان بال و پر خود را گسترده و دنیا با گامهای بلند به جلو و بسوی آینده پیش میرود. آثار شوم و وحشتناک گذشته را پشت سر گذاشته در جاده تحول قلمی قدم بر میدارد و توده های جهان آینده بهتری را برای خود پی ریزی میکنند ولی ملت ایران باستانهای یکپارچه و با عناصر روشن و با حرارت

دست روی دست گذاشته و انتظار دارد که با این وضع شرب الیهود ،  
 هرج مرج باملل متری و پیش تاز دنیای نو در یک راه گام بردارد  
 یا با این عناصر فاسد و مرتجع که در رأس تشکیلات کشور مانده  
 زانو چسبیده اند میثوآمد از نتایج صلح جهانی برخوردار گردد .  
 حقیقت این است که اگر ملت ایران با این رژیم و شرایط  
 اجتماعی و سیاسی کنونی خود چشم امیدی با استفاده از مزایای صلح  
 داشته باشد اشتباه کرده است . زیرا بملت خواب آلود و غفلت زده ای  
 که تکلیف خود را نمیداند کسی اعتنائی نمیکند و ملت ایران وقتی  
 میتواند ثابت کند که بیدار و هوشیار است و حق حیات دارد که  
 دست بیک جنبش بزرگ دامن دار زده در اولین قدم حکومتی  
 لایق و صالح و واجد شرایط بقاء در دنیای کنونی روی کار آورد  
 و چون این جنبش باید با اصلاح مجلس آغاز گردد از اینرو مردم  
 باید برای مبارزه با کسانی که میخواهند در انتخابات آینده حق  
 حاکمیت توده های مستعبد و استثمار کنند مهیا سازد آن روز که  
 در اثر این جنبش ملی دستگاه عمالة کشور تصفه شود و ارتجاع  
 برافروزد آید آنگاه ما میتوانیم با آینده خود در دنیای صلح امیدوار شده  
 و مطمئن باشیم که دنیا مارا ملتی رشید و لایق همسرتی و رابری با  
 ملل زنده و بیدار خواهد دانست .





یکی از بهب افکنهای بزرگ، متفقین



## دشاهدات ما از آلمان و برانه



پس از یکماه اقامت و سیر و گشت در برلن چیز نخستین اثر عمیقی که از مشاهده و برانه های آنشهر در قلب من بیدید آمد خاطرۀ دیگر ندارم . همیشه در فرود گاه از هواپیما پیاده شدیم با توپیل نشسته بسوی مرکز برلن درجاده سنکلاخ و ناامواری رهسپار شدیم ، خوب بیاد دارم که جاده وسیع پیش از جنگ خیابان اسفالتۀ مشجر و با صفائی بود که دو طرف آن عمارات چند طبقه و ساختمانهای زیبا و با شکوهی وجود داشت و اکنون خرابه های آنها بر جای بود ، باد شدیدی با صدای هولناک میوزید و خاک و گچی که تنها باقیمانده بناهای عظیم شهر است با خود بلند کرده بر سر و صورت عابرین میریزد گویی طبیعت نیویا ساکنان برلن نظار خوبی نداشته آسمان برلن را ابری از گرد و خاک پوشانیده و عبور و مرور بسیار دشوار بود . بالاخره بزحمت زیاد خود را بهرگز شهر رساندم زیرا خیال میکردیم در آنجا کم و بیش عماراتی یافت میشود که بهطور استثناء از آسیب بمب مصون مانده باشد ، متأسفانه بایستی احوالاف کنیم که این تصور غلط بود چه در مرکز شهر نیز دست کمی از سایر نقاط نداشته و هنوز ویرانه چیز دیگری در آنجا دیده نمیشد .

پس از آنکه ویرانه هایی را که از پایتخت آلمان بجای مانده بود ترک کردیم از رود الب گذشته بمنطقه تحت اشغال نبرهای انگلیسی و امریکائی وارد شدیم و در ناحیۀ صنعتی روهس تماشا پرداختیم :

## سرچشمه قذوت آلمان در رور است

هلت اصلی ترقی صنایع آلمان وجود کانهای متعدد زغال سنگ و آهن این کشور است ، مهمترین کانهای زغال در ناحیه رور میباشد که در باختر آلمان نزدیک رود « راین » واقع شده و مرکز آن شهر صنعتی اسن میباشد . در فاصله بین دوجنگ بین المللی آلمان به علت استخراج کانهای زغال و آهن بدستگیری کار شناسان و دانشمندان خود در فلز کاری بر کلیه کشورهای اروپا برتری یافت کارخانه های فلز کاری بیشتر مراکز استخراج زغال و بزرگترین کارخانه های ذوب آهن و تهیه فولاد در ناحیه رور برپا شده بود چنانکه طول ناحیه صنعتی رور به ۵۰ کیلو متر میرسد .

در زمان جنگ بارها شنیده بودیم که نیروی هوایی متفقین ناحیه صنعتی رور را بمباران کرده است . چندی پیش وزارت اطلاعات انگلیس عده ای از روزنامه نگاران انگلیسی و امریکائی را دعوت نمود تا با هوایما بر فراز آلمان پرواز کرده شهرها و مراکز صنعتی این کشور را که از بمبهای متفقین آسیب دیده از نزدیک مشاهده نمایند . در ضمن این گردش مهمترین بقایای کارخانه های آلمان کروپ و تیسن در منطقه رور جلالت نظر آنها را نمود و این منظره متعجبین جرات را بر آن داشت که پس از بازگشت از این سمپروسیماسات بقلم فرسائی در باره لطافت و ضربات هفتیمی کسه بر پیکر صنایع آلمان وارد آمده بردارند .

رنانو و ستفالی محل کارخانه های ذوب آهن امپریالیزم آلمان بود و پیش از این جنگ مهمترین ناحیه صنعتی جهان بشمار می آمد . چنانکه مقدار استخراج زغال سنگ در این ناحیه مبادل ظویه محصول بزرگترین کانهای زغال کشورهای متحده امریکا بود . در رنانو و ستفالی سنگهای آهن دار در نود کوژه در تپه ذوب

میشود و قسمت عمده آهن، چدن، فولاد صنایع آلمان در اینجا تهیه  
میکردند. پتان که میزان محصولات این نگاه بزرگ صنعتی در سال  
۱۹۳۸ بسزده میلیون تن چدن یعنی ۸۳٪ محصول کل کشور آلمان  
و در ۱۹۳۹ پشانزده میلیون و دویست هزار تن فولاد و ۱۴۰۰۰۰۰  
تن آهن بالغ گردید.

در همین ناحیه ران و ستغالی بود که مؤسسات شیمیائی تروست  
آلمان بنام «ای. گ. فارین ایندوستری» از کارخانه‌های سودسازی  
رنگ سازی، کاغذپزی مصنوعی، آمونیاک و مواد دیگر شیمیائی  
تأسیس شده بود کارخانه‌های اسلحه سازی و صنایع ماشین آلات  
نیز در این قسمت قرار داشت. وفور معادن زغال و آهن و فلزات  
دیگر در رود باعث شد که این منطقه را کانون مرکزی صنایع آلمان  
نمایند. زور در موقع جنگ حساسترین نقاط آلمان بود و به همین جهت  
مشاور از یکصد بار هدف حملات هوائی قرار گرفت و در دهم هزار  
هواپیماهای بمب افکن انگلیسی و آمریکائی بر آن بمب ریختند و با  
ویران کردن و از کار انداختن کارخانه‌های آن توانستند نیروی آلمان را  
ضعیف نموده او را وادار به تسلیم نمایند.

### تأسیسات و زیرساخت‌ها در آلمان

خطوط راه آهن بکلی ویران شده بود، یک جاده بتونی بین  
برلین و دور که از خنجر هواوان نسبتاً محفوظ مانده بود تنها وسیله  
ارتباط باقی‌مانده و مرکز صنعتی سابق آلمان را تشکیل میداد. هنگام  
عبور از این جاده در امتداد راه نازل دسته‌هایی از مردم اتصاد جهانباز  
شوروی بودند که بازگویی از جنگ‌های نازیها یافته و به طرف  
میران خود در می‌پار بودند قایق‌های لاهر و ضعیف‌شان حکایت میکرد  
که در مدت امارت و اقامت در آلمان رنج و محنت فراوان کشیده

ولی اکنون شاد و مسرور بودند که دوره بردگی آنها پایان رسیده و بازادی بسوی خانه و کشور خود میروند.

رئانو و ستفالی در سالهای اخیر محل اردوگاههای متعددی از اسیرانی بود که آلمانها از ممالک مفتوحه در آغاز جنگ برای بردگی و خدمت سرمایه داران آلمانی بقتیبت آورده و در کارخانههای کروپ ۸۰ / عمله های کارخانه های « شرکت هرمان گورینگ از اسرای جنگی بودند که از بامداد تا شام بازاه لقمه نانی که بآنها داده میشد کار کرده ووز بررز ضعیف تر و لاغر تر میشدند چه بسا بیچارگانی که از فرط خستگی و کم غذائی در گوشه اردوگاهها جان سپردند.

### روحیه مهاکین رور

شهر صنعتی رور نیز دارای همان منظره غم انگیز بران بود از خانه ها جز ویرانه های باقی نبود و مردم در زیرزمینهای خرابه و دخمه ماندنی مسکنی داشتند کارگران آلمانی که در ویرانه های پرتوئه میکردند افرادی فرسوده و فرتوت بنظر میرسیدند پیشه وران همینکه سر باز آن دول متفق را میدیدند تعظیم نموده و سلام میکردند و خود را بسیار خاضع و خاشع نشان میدادند اما در میان عابرین جوانان آلمانی بالاس سیویل که سرو و عنشان از سر باز بودن آنان حکایت میکرد مشاهده میشدند که بانظری پر کین و غمشگین بهانهین کشور خود مینگریستند و از اهتمام دستگاه نازی چنان مضطرب و عصبانی بودند که حتی قدرت تظاهر هم از ایشان سلب گشته بود صفوفه اسیران آلمانی که بازگی از طرف نیروهای انگلیسی و امریکائی آزاد شده و اجازه بازگشت بهانه های خود را یافته بودند جمعیته و از دحامی در خیابانها فراهم آورده بود.

هنگام عبور از کوچه ها گاهی جوانان قوی و تنومند نظر ما را بخود جلب میکردند. اینان سربازان و افراد ارتش سابق آلمان بودند که لباس غیر نظامی برتن داشتند. هنوز در مجامع عمومی تابلو که بر آنها عبارت «تنها برای آلمانها» نوشته شده بود وجود داشت. مهمانخانه های متعددی در نقاط مختلفه ناحیه رور برپا بود ولی جمعیت فوق العاده ای در آنها ازدحام میکردند. کیفیت غذا و نظافت نیز بهیچوجه رضایت بخش نبود.

خانه ها و اماکن بیش از کارخانه ها در اثر بمباران ویران شده بود. بیش از جنگ ناحیه رور در يك رشته متوالی کارخانه ها، قصبات و شهرهای کوچک که بتوسط تراموای بهم ارتباط داشت تشکیل مییافت که اکنون بیشتر آن شهرها و قصبات با خاک یکسان گردیده است. برآورد دقیق و محاسبه صحیح میزان خسارت وارده بر امینیه و عمارات امری دشوار میباشد ولی با کمال اطمینان از دیدن خرابیها میتوان گفت که ۷۰٪ مساکن و خانه های ناحیه رور به کلی منهدم گشته و از حیز انتفاع و سکونت ساقط شده است. بیشك هدف اصلی متفقین از از بمباران رور اختلال کارخانه ها بوده لیکن اکنون مشاهده میشود که خسارات وارده بر مساکن و منازل فوق العاده بیشتر است بطوریکه زبان کارخانه از بمباران ۱۰٪ تجاوز نمیکند. ستونها و ساختمان محکم کارخانه ها در برابر ضربات بمب، بخوبی مقاومت کرده و تیرایی در کارخانه ها بیشتر منحصراً بقسمتهای فوقانی عمارات میباشد. عملاً هیچیک از کارخانه ها روز کار نمیکند، عمده های بیشتری بخاک برهاری و خاک کردن موقوفه کارخانه ها و منازل کارگران میشوند. جمعیت شهرها و قصبات دور بمباران زیاد و از آنجا که وضع سکونت آنان در ویلاها خوب نیست اخیراً مردم راه صغیر و بیلان را پیش گرفته و زندگی بر روی چمن و زیر سایه درختان را بر سکونت در زیر زمینها ترجیح داده اند.

## وضع خواربار در رور

از آنجا که رور ناحیه ای کاملاً صنعتی است و وسعت اراضی زراعتی آن خیلی کم میباشد و اهالی از حیث خواربار و میوه و سبزی فوق العاده در مضیقه اند چنانچه جیره نان برای هر یک نفر سه لیور در هفته است.

روزهای یکشنبه خیابانی که از رور به یلاق میرود منظره ای تماشایی دارد مردان و زنان دوچرخه سوار از هر سن و هر صنفی با کوله پشتی بدهات میروند تا در آنجا اشیاء و اسبابهای خود را با ماکولات تعویض نمایند جمعیت دوچرخه سواران باندازه ایست که راه عبور و مرور را سد میکنند و شخصی تازه وارد تصور نمینماید که از کلیه مردم دوچرخه سوار ناحیه رور رژه ای ترتیب یافته است. این نکته را باید در نظر داشت که در حال حاضر وسیله نقلیه ای که اکثر مردم آلمان در اختیار دارند دوچرخه میباشد. در این ایام تنها راه گذران و امرار معاش کارگران و صنعتگران ناحیه رور مبادله اشیاء و اثاثیه منزل و ابزار کار با مواد غذایی است. مغازه های شهر تعطیل است و دهات فلاحتی که تقریباً از آسیب جنگ مصون مانده منبع منجمد بفرد آذوقه اهالی شهرها را تشکیل میدهد و باین ترتیب فرصت مغوبی بدست صاحبان املاک افتاده است و اینان بازار سیاهی ایجاد کرده مواد غذایی را بقیمت گزاف بفروند می فروشند.

## تأسیف از گذشته و نگرانی نسبت بآینده

اهالی رور خواه جوان خواه پیر از بچه های ولگرد گرفته تا پیران و مدبران فنی کارخانه ها همه افسرده و ملولند و آثار شکست و شرمساری از چهره ایشان ماطمح است چه شکست و تسلیم

بلا شرط آلمان برای ایشان واقعه‌های کاملاً غیر منتظره بود. آلمانیها  
 پیشوا و ارتش خود آلمانیان کامل داشتند هیتلر در پایان نطقی که  
 روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ در مجلس رایش‌تاک ایراد کرد گفته بود :  
 « من آن لباس مقدسی را که هنگام جنگ بین‌المللی بعنوان  
 سرباز داوطلب در تن داشتم دوباره پوشیده ام و این لباس را پس  
 از پیروزی از تن بیرون می‌آورم . دنیا باید يك چیز را بفهمد  
 واضح بداند و آن این است که کلمه « تسلیم » هرگز در فرهنگ  
 من معنی نداشته است » اکنون موضوع مهمی که فکر و خیال  
 صاحبان صنایع آلمان را به خود مشغول داشته جنگونگی بکار افتادن  
 و اداره کارخانه‌ها در آینده میباشد . از مصاحبه‌هایی که با کارمندان  
 هیئت‌های مدیره کارخانه‌های مختلف بعمل آوردیم این نکته بر ما  
 معلوم گشت که تقریباً همه آنها معتقدند که در آینده نزدیکی آلمان  
 دوباره عظمت صنعتی خود را بدست خواهد آورد . عجیب اینجاست  
 که ایشان در برابر جنبانی که دولت آلمان با برافروختن آتش  
 خانه‌امروز جنگ مرتکب شد هیچوجه نفوذ را مشغول و شریك  
 نمیدانند بگفته می‌کنند مهندس عالی‌قام آلمانی که مدیر یکی از کارخانه‌های  
 بزرگ فلز کاری دور بود با اظهار داشت : « سپاس خدا را که  
 جنگ پایان یافت ما در این جنگ متحمل خسارت مالی هنگفت و  
 تلفات جانی زیاد شدیم » چه چیزها که بر رؤسای صنعتی ما افکنده  
 شد ، چه شهرهای زیبا و کارخانه‌های عظیمی که با خاک یکسان  
 گردیدند ؟ می‌توانیم بشمار ببریم که لااقل تا مدت پانزده سال  
 جنگی بوجود نخواهد پیوست زیرا ما قادر نخواهیم بود در مدتی  
 کوتاهی از این خود را برای جنگ دیگر حاضر و آماده کنیم »

## سِران ارتش آلمان

در این مصاحبه تاریخی و مهم عقاید فرماندهان  
آلمان در خصوص علل شکست آن کشور  
معلوم میشود

—۵۵—

ژنرالها و افسران ارشد متفقین اخیراً مصاحبه های مهم و  
بزرگی با سِرال ارتش آلمان و ژنرالها و مارشالهایی که از  
«ورماخت» دستگیر گردیده اند نموده و از آنها علل شکست  
نقشه های آلمان و پیروزی متفقین را جویا شده اند .  
این مصاحبه ها در عین حال که خیلی از اسرار و رموز جنگ را  
فاش میکند درس تجربه بزرگی برای ژنرالهای متفقین نیز بشمار  
میرود و از لحاظ روشن شدن تاریخ جنگ کنونی نیز اهمیت  
بزرگی دارد .

ژنرالها و مارشالهای آلمان اغلب باین مصاحبه ها اظهار  
تمایل کرده و باستفهامی ژنرالهای متفقین را با خوش روئی داده  
و بدین ترتیب علل شکست آلمان را روشن کرده و اشتباهات را  
که فرماندهی عالی آلمان در طی مراحل مختلف جنگ نموده کاملاً  
متذکر گردیده اند .

نخستین بار افسران ستاد ارتش متفقین با مارشال گورینگ  
در ایستگاه ورسس مصاحبه کرده و نظریات او را جویا شدند . سپس  
بارژسای ستاد نیرو های سه گانه آلمان مصاحبه نموده و نتیجه این  
مصاحبه ها را انتشار دادند .

گورینگ در قسمت جنگهای هوایی بزرگترین اشتباهات  
هیتلر را در نبردهای هوایی استالین گراد دانسته و چنین اظهار داشت



که هیتلر با دستور داد برای ارتش ششم آلمان که در استالین گراد محاصره شده بودند بوسیله هواپیما مقدار زیادی مهمات و خواربار برساند گورینک انجام اینکار را غیر ممکن دانسته و بهیتلر گزارش داده بود که اینکار از نظر جنگی سودی نخواهد داشت و تلفات زیاد و قابل توجهی بشیروی هوایی آلمان وارد خواهد آورد ولی هیتلر اصرار زیادی بعملی شدن نقشه خود داشت و فرمان داد که هرچه زودتر گورینک اینکار را عملی نماید و در نتیجه تعداد زیادی از هواپیماهای نیرو بر آلمانی در حمایت عده ای از هواپیماهای شکاری و بمب افکن هر روزه بر فراز استالینگراد پرواز کرده و برای نیروهای محاصره شده آلمان مهمات و خواربار میرسانند هواپیماهای شوروی و توپهای ضد هوایی آنها در این هنگام تلفات زیادی به هواپیماهای آلمانی وارد آوردند ولی با وجود این از طرف فرماندهی نیروی هوایی آلمان بفرمان هیتلر هر روزه هواپیماهای تازه ای برای این منظور اعزام میشدند و قریب یکماه اینکار مداومت یافت در مدت این یکماه بنا بر اظهار گورینک بهترین هواپیماهای آلمان ورشیدترین و ماهرترین خلبانان آن کشور از دست رفتند تاوریکه هیچ نتیجه ای از عملیات آنها گرفته نشد و بالاخره ارتش ششم آلمان هم نابود شد.

بزرگترین موفقیت متفقین در نیروهای هوایی بمبافکن گورینک بمباران کارخانههای نفت مصنوعی سازی آلمان بود در طی این بمبارانها ضربات بسیار خطرناکی بر پیکر ماشین جنگی آلمان وارد آمد و بنا بر اظهارات گورینک در اثر این بمبارانها محصولات این کارخانهها بمقدار فوق العاده زیادی کاهش یافت.

این کارخانهها که سابقاً هر ماهی یکمیلیون و ششصد هزار تن بنزین

مهندسی برای هواپیماهای آلمان درست میکردند در اثر بمباران‌های مریور همراه دیگر بیش از ۲۰۰۰ تن بنزین نتوانستند درست نمایند و در نتیجه فعالیت نیروی هوایی آلمان خود بخود محدود گردید و این محدود شدن فعالیت در اوضاع کلیه جبهه‌های جنگ مؤثر واقع گردید بطوریکه در جبهه خاور هر روزه هواپیماهای آلمان سابقاً بیش از ۳۰۰۰ بار پرواز میکردند ولی در نتیجه نداشتن بنزین این اواخر تعداد پرواز آنها از روزی ۶۰۰ بار هم کمتر شده بود.

بعد از گورینگ سران ارتش متفقین با سه تن از بزرگترین و معروفترین سران ارتش آلمان یعنی ژنرال «کوستیدل» رئیس کل ستاد نیروهای زمینی آلمان فلد مارشال «کایتل» سر فرمانده نیروهای سه گانه آلمان و فلد مارشال فن رونسدت فرمانده کل نیروهای آلمان در باختر اروپا مصاحبه نمودند.

به قیده این سه نفر علل شکست و عدم موفقیت نقشه‌های جنگی آلمان از قرار زیر است :

۱ - اقدامات هیتلر در خصوص وارد کردن ایتالیا در جنگ مارشال کایتل در این مورد بخصوص اظهار میداشت که سران ارتش آلمان بطور کلی با ورود ایتالیا در جنگ متعالف بودند زیرا از نیروی آن کشور و موقعیت جغیش بخوبی اطلاع داشتند و آن کشور را سر بار آلمان در جنگ میدانستند ولی هیتلر شخصاً اصرار زیادی در اینکار میکرد و عقیده داشت که ورود ایتالیا در جنگ منافع زیادی برای آلمان دارد و بالاخره برخلاف عقیده سران ارتش رفتار کرد و موسساتی را وادار بدادن اعلان جنگ کرد و حال آنکه اگر ایتالیا همانطوریکه سران ارتش آلمان میگفتند در جنگ

بیمطرف میباند و مخفیانه با آلمان کمک میکرد بر انتاب موفقیت نیروهای آلمان بیش از این بود.

۲ - غفلت از پیاده کردن نیرو به انگلستان - معاذل ارتشی آلمان پس از شکست فرانسه عقیده داشتند که باید فوراً دست بکار حمله بانگلستان گردید و از ضعف آن کشور استفاده نمود. ولی هیتلر نظر باینکه نیروی دریائی آلمان برای این منظور کافی نبود با این نقشه مخالفت کرد و حمله بانگلستان را بتعویق انداخت و بدین ترتیب فرصت گروانیهای را از دست داد.

۳ - عدم جلوگیری از عملیات متفقین در شمال آفریقا - فرماندهی آلمان بطوریکه سران ارتش آلمان اظهار میداشتند از لشکر کشتی متفقین شمال آفریقا را قبلاً اطلاع داشتند ولی منتهی خیال نمیکردند که نیروهای مزبور میخواهند در کرانه های ایبلی و قاطلی که در اصل تصرف کرده است پیاده شوند و اصلاً بمخاطر شان محذور نمیکرد که نیروهای مزبور در مستعمرات آفریقای شمالی فرانسه پیاده گردید و از همین جهت در ایبلی نیروهای زیادی متمرکز کرده و در آفریقای شمالی فرانسه اقدامی بعمل نیاورد. حتی موقعی که کشتی های امریکائی وارد دریای مدیترانه گردیدند نیز آلمانیها انتظار داشتند که آنها در ایبلی پیاده شوند ولی برخلاف انتظارشان غافلگیر شده و امریکائیها آفریقای شمالی فرانسه را تصرف کردند.

۴ - اشتباه در عملیات فرماندهی - نازیها خیال میکردند که نیروهای امریکا و انگلستان در قسمتی از کرانه های فرانسه واقع در تنگه بادوکاله پیاده خواهند شد و از همین جهت این منطقه را مستحکم تر نمودند فون روندشتدت ۱۴ لشکر خود را در این قسمت متمرکز کرده بود ولی برخلاف انتظار متفقین در سواحل نرماندی پیاده شده و آلمانیها را غافلگیر کردند.

۵ - عدم موفقیت حمله متقابلۀ آلمانی ها در اورانش - در اوت سال گذشته فرماندهی آلمان برای اینکه حمله نیرو های ژنرال بانون را بطرف شرق درهم شکند اقدام بعمله متقابل شدیدی در اورانش - مورتن نمود ولی حمله متقابلۀ اش بعلت اینکه نیروی کمی بکار انداخته بود مواجه باعدم موفقیت گردید و حال اینکه اگر آلمان نیروی زیاد تری را در این حمله بکار میکرد احتمال مبرفت که يك ارتش امریکا بکلی نابود شود و بطور قطع این موضوع در سرنوشت جنگ تأثیر زیادی داشت .

۶ - جلوگیری نکردن از حمله متفقین در اردن - نیرو های متفقین در نوامبر گذشته در اردن دست بعمله زده بودند که آنرا در ماه دسامبر توسعه داده و تبدیل بعمله و هجوم بزرگی کردند فرماندهی آلمان با این که در این منطقه نیروی کافی در اختیار داشت و میتواند جلوی متفقین را بگیرد اقدام بدینکار نکرد و شورش بقمب نشینی نمود بامید اینکه این نقشه را درمرزهای خود عملی نماید ولی فرصت گرانبهایی را از دست داد و حتی درمرزهایش هم نتوانست موقعیت اولی خود را بدست آورد .

۷ - شکست در « رماکن » - در « رماکن » فرماندهی آلمان آخرین خط خود را مرتکب شد بدین معنی که نیروی کمکی کافی باین منطقه اعزام نداشت و در نتیجه نیرو های متفقین سر دی رماکن را تصرف نموده از شمال جبهه آلمانی هارا بستمی نمایند کردند ، در نتیجه فرماندهی آلمان مجبور شد نیرو هائی را که برای حفظ منطقه رن نگاهداشته بود باین قسمت بفرستد و در نتیجه در منطقه رن نیز مواجه با شکست بزرگی گردید .



گروہیون نخست وزیر سابق اسرائیل کی اخیراً فوت کر۔

## آیا جنگ دیگری دنیا را تهدید میکند؟

نامه سرگشاده يك نویسنده امریکائی

به روسیه شوروی

—۵۴—

«روابط آینده کشورهای «انگلستان و امریکا»  
«شوروی بیش از هر چیزی اکنون توجه دنیا را»  
«بشود جلب کرده است زیرا صلح یا جنگ جهان»  
«آینده بستگی کاملی بچگونگی این روابط دارد»  
«(منازله هیک) نویسنده معروف امریکائی در طی»  
«نامه سرگشاده ای که در مجله (ریدرز دایجست)»  
«نوشته این موضوع مهم را کاملاً روشن میکند»  
«ترجمه خلاصه این نامه سرگشاده در زیر از نظر»  
«خوانندگان گرامی میگردد»

### پس از جنگ آینده

اکنون وحشت بیم جنگ آینده جهان را فرا گرفته است و  
همه ای تصور میکنند که در آینده یعنی پنج یا ده و بالاخره ۲۵  
سال دیگر جنگ جدیدی شروع شده و دنیا را از نو زیر و زیر  
خواهد کرد.

این وحشت و ترس شواهد بسیار بیش دارد و تا کاهلاً بر طرف  
نشود و فکر آن از سر مردم دنیا خارج نگردد نمیتوان امید  
باصلاح اوضاع پس از جنگ و برقراری آزادی کامل در کشورهای  
جهان داشت.

بعد از جنگ چیزی که بیش از همه چیز اهمیت دارد و باید  
بآن توجه داشت برقراری آزادی تمام معنی در تمام کشورها

و بر طرف کردن این بیم و وحشت است و بدین ترتیب میتوان آینده جهانرا تأمین کرد.

در تأمین آینده جهان سه دولت بزرگ امریکا و انگلستان و شوروی دل بسیار مهمی بازی مینمایند و این مسئله مهم و بزرگ بستگی بموافقت یا عدم موافقت آنها با یکدیگر دارد.

ما سه دولت بزرگ دوش بدوش یکدیگر نبرد کرده و پیروز شده ایم تا چنین فرصتی را برای تأمین آینده جهان بدست آوریم.

این فرصت بسیار مهم و گرانبهاست در حقیقت در تاریخ هیچوقت و لحظه ای را حساس تر از این موقع نمیتوان یافت و باید از آن استفاده کرد.

روابط انگلستان و امریکا کاملاً صمیمانه بوده و برای موافقت و حسن نظر آنها با یکدیگر هیچگونه اشکالی وجود ندارد و این موضوع خود جای خوشوقتی است و کمک مهمی بمنظور بزرگ تأمین آینده جهان میکنند.

ولی این نکته کاملاً در امریکا روشن و واضح است و در روسیه شوروی هم بایستی همینطور باشد که برای برقراری صلح طولانی در جهان پس از جنگ، توافق نظر و همکاری سه دولت بزرگ متفق یعنی امریکا، انگلستان و شوروی لازم است و بدون آن صلح آینده امکان صورت خارجی پیدا نخواهد کرد.

#### احتیاج به صلح

برای پیشرفت و ترانی و بهبودی اوضاع هر کشوری هیچ چیز بهتر و لازمتر از صلح طولانی نیست و بطور قطع زمامداران هیچ کشوری نیز بدون صلح طولانی امیدوار باین اصلاحات و پیشرفت کشور خود نخواهند بود.

مخصوصاً برای روسیه شوروی که وضع اقتصادی آن روز  
باندازه کافی ترقی نکرده و صنایعش پیشرفتی را که باید نموده  
و بالاخره در اثر جنگ تلفات زیادی از کشورهای دیگر متفق  
دیده است يك صلح طولانی و دائمی بیشتر از هر چیز دیگری  
لازم است.

آلمانیها در طی تصرف و اشغال خاک روسیه شوروی قریب  
۱۵۰ میلیون «اگر» از بهترین اراضی کشاورزی روسیه را  
ناپود کردند این مناطق پیش از جنگ در دست نیمی از محصولات  
کشاورزی روسیه را میداد. قریب ده دوازده تا از بزرگترین  
شهرهای روسیه در اثر جنگ ۵۰ تا ۶۵ درصدشان بکلی ویران  
شده است. عده ای از کارخانههای مهم روسیه که قریب ۵۹  
در صد از آهن، ۵۰ درصد از فولاد، ۷۷ درصد از آلومینیوم و  
۶۰ درصد از زغال مورد تصرف روسیه را تهیه میکردند بکلی یا  
ویران شده و یا آسیب فوق العاده دیده اند.

کارخانههای آهن روسیه نیز در اثر کار و نهالیت زیاد زمان  
جنگ فرسوده شده و احتیاج به تعمیر و مرمت دارند «اوکارمنو»  
نویسنده معروف مجله «ماتر دی ایونینگ پست» در این باره مینویسد:  
«اغلب از ساختمانها و عمارت شهرها خراب شده اند.  
ساختمانهای تازه نیز باستانی آنهاست که برای مصارف جنگی مورد  
لزوم بودند از ژوئیه ۱۹۴۱ به بعد نیمه کاره مانده اند. لباس افراد  
غیر نظامی از پشم پوشیده شده دیگر غیر قابل استعمال گردیده  
مزارها نیز از اهالی اینک تحت کفشی هایشان از کاغذ  
و مقوا است.

مولوتف طی نقطه ای که در کنفرانس سانفرانسیسکو ایراد  
کرد اظهار داشت:

«ما گمان میکنیم که بتوانیم این خرابیها را اصلاح کرده



و حتی بهتر از پیش از جنگ نمایم ولی البته گنجان نمیتوان کرد که  
انجام اینکار بسیار مشکل و دشوار است .

زمامداران روسیه شوروی باید بدانند که اگر باتوافق نظر  
با دولت‌های امریکا و انگلستان بتوانند کمک اقتصادی و صنعتی  
آنها را نسبت به خود جلب نمایند . چقدر کار آنها در اصلاح این  
خرابیها آسان و سریع خواهد شد .

این توافق نظر تقریباً میان سه دولت حاصل گردیده  
و آنها اکنون با یکدیگر همکاری مینمایند . این همکاری با اصلاح  
خرابیهای روسیه و بکار افتادن کارخانه‌ها و مصرف محصولات  
امریکا کمک زیادی خواهد کرد .

### آشابه وضعیت امریکا و شوروی

امریکاها از راه ترمیم این خرابیها بوسیله محصولات صنعتی  
خود کمک زیادی میتوانند بدولت شوروی بکنند دولت شوروی  
سفارشهایی اکنون بکارخانه‌های امریکا داده است برای استفاده بیشتری  
از گانه‌های منطقه «دونتس» نیز امریکاها حاضر شده اند نقشه‌هایی  
بر اختیار دولت شوروی بکشند .

برای ساختن تراکتورهای اراضی کشاورزی دولت  
شوروی بیشتر از موتورهای امریکائی استفاده میکنند و قسمتی  
از ماشین آلات تصفیه نفت قفقاز را نیز اخیراً از امریکا وارد  
کرده است . این سفارشها بنفع امریکا میباشد زیرا کارخانجات  
آن کشور را پس از جنگ بکار انداخته و از بهران اقتصادی تا  
اندازه‌ای جلوگیری مینمایند .

بسیاریکه نویسندگان و خبرنگاران امریکائی از روسیه  
شوروی اطلاع میدهند در کشور اتحاد جماهیر شوروی نظر خوبی  
بمحصولات امریکائی داشته و در نظر دارند که از این محصولات

باندازه کافی استفاده نمایند. بدین ترتیب سطح طولانی و  
توافق نظر کامل میان دو دولت امریکا و شوروی بفتح هر دوی  
آنهاست.

هرچند اصول کلی کشور ما با شوروی شباهتی ندارد و  
تمایلات سیاسی ما یکی نیست و هر چند که ما آزادانه از روسیه  
گاهگاهی انتقاد مینماییم (همانطوریکه آنها هم از ما انتقاد مینمایند)  
ولی باوجود این در خیلی از موارد دو کشور و دولت  
امریکا و شوروی با یکدیگر شباهت داشته و اختلافی ندارند.

دو کشور امریکا و شوروی هر دو از حیث منابع ترونی  
و اقتصادی احتیاجی به خارج ندارند و از این حیث بیشتر از تمام  
کشورهای بزرگ دیگر باهم شبیه هستند.

موقعیت جغرافیایی آنها نیز با یکدیگر شبیه است و در اثر  
همین موقعیت هر دو کشور غیر قابل شکست میباشد و در هیچیک  
از ادوار تاریخی دولت خارجی نتوانسته است کشور آنها را  
تصرف نماید.

همانطوریکه ژرژ سوم نتوانست بر امریکا دست یابد نابالون  
و بالاشوره همکار نیز آرزوی تسلط بر روسیه را با خود به خاک بردند  
دو کشور امریکا و شوروی علاوه بر این دو کشور جوانی  
بشمار میروند و تاریخ آنها قدمت زیادی ندارد و با منابع ثروت  
غرق الماده ای گسسته دست طبیعت دو سرزمین آنها بودیمت نهاده  
بیش از اینها میتوانند ترقی کنند و از این نظر نیز با یکدیگر  
شباهت کاملی دارند.

از لحاظ داشتن نژاد های مختلف نیز امریکا و شوروی با  
یکدیگر شبیه هستند.

اتحادی روسیه از يك نژاد نیستند بلکه از ۱۵۰ نژاد مختلف  
بوده و به ۱۵۰ زبان مختلف صحبت میکنند ولی باوجود این اتحاد

کامل و پیوستگی زیادی از لحاظ ملیت دارند. امریکائیا نیز همین ترتیب از نژاد های مختلف اروپا بوده و همین پیوستگی را دارند. اهالی این دو کشور نیز از لحاظ اخلاقی و روحی شباهت کاملی با هم دارند نظیر همان حساسیت و صمیمیت و وفا داری را که در اهالی روسیه ملاحظه مینمائید در اهالی امریکا نیز خواهید یافت. بطوریکه خبر نگاران امریکائی گزارش میدهند در اثر همین تشابه اخلاقی سربازان شوروی و امریکائی در تمام نقاطی که با یکدیگر در تماس بودند روابط خوب و صمیمانه ای داشتند. این تشابه و وضعیت خود به نزدیکی امریکا و شوروی کمک زیادی خواهد کرد.

### روابط تاریخی امریکا و شوروی

باید اذعان کرد که دوا نهای روسیه و امریکا روابط تاریخی خوبی اصولاً با یکدیگر نداشته اند دولت امریکا تا پیش از شروع جنگ کنونی روابطش چه با دولت روسیه تزاری و چه با دولت روسیه شوروی خوب و صمیمانه نبوده و اغلب بسیار بهرمان آمیز و بد بوده است.

دولت روسیه تزاری چون از انقلابات آزادیخواهانه امریکائیان بیم داشت علناً با امریکا مخالفت میکرد. حتی در طی جنگ های آزادی استقلال امریکا با وجودی که دولت روسیه رسماً بیطرفی خود را اعلام داشت از مخالفت با ملیون امریکا و کمک با دشمنان آنها خودداری نکرد در آغاز جنگ بین المللی گذشته نیز اختلافات روسیه و امریکا خیلی شدید بود.

پس از انقلاب روسیه و روی کار آمدن بالشویکها نیز روابط روسیه و امریکا رو به بهبودی نگذاشت زیرا این بار امریکائیا

از کمونیست ها وحشت داشتند و هرگز حاضر نبودند بروسیه نزدیک شوند .

این تیرگی روابط بطوریکه گفته شد تا آغاز جنگ کنونی وجود داشت ولی نکته ای که قابل ذکر میباشد اینجاست که دولتهای امریکا و روسیه با وجود این سابقه تاریخی تا کنون رسماً بر علیه منافع یکدیگر مشغول اقدامات نشده و صدمه بزرگی بیکدیگر نزده اند که کینه ای در آنها تولید نموده و از دوستی بعدیشان جلوگیری نماید بدین ترتیب این سابقه بد تاریخی مانع از دوستی و صمیمیت آینده آنها نخواهد بود .

دولتهای امریکا و شوروی باید در این موقع بحرانی تاریخی بایکدیگر همکاری کرده و دوش بدوش یکدیگر دست با اقدامات اصلاحاتی بزنند .

اگر دولت شوروی خیال میکند که در امریکا احساسات صمیمانه ای نسبت بآن دولت وجود ندارد در اشتباه است مطبوعات و مجراند امریکا تمام شاهد این موضوع هستند که ملت امریکا یک حس همدردی و دوستی نسبت به ملت شوروی پیدا کرده است .

### شرایط دوستی امریکا با شوروی

در هر صورت دولت امریکا هیچ مانعی برای ادامه همکاری و دوستی با دولت شوروی نمی بیند فقط اتخاذ دو سیاست از طرف شوروی ادامه این دوستی را غیر ممکن خواهد کرد یکی اینکه دولت شوروی با نیرو های خود بشواهد سیاست توسعه اراضی را در پیش گیرد دیگری اینکه دولت شوروی با استفاده از نیروی خود در حدود انتشار و توسعه مرام کمونیزم بر آید .

اتخاذ این دو سیاست است که امریکا را از شوروی دور خواهد کرد و توافق نظر مابین آنها را محال خواهد نمود .

خیلی بعید بنظر می رسد که دولت شوروی چنین سیاستهایی را اتخاذ نماید و روابط خود را با امریکا تیره نماید زیرا همانطوریکه در بالا اشاره شد دولت روسیه برای اصلاح خرابی های حاصله از جنگ در کشور خود بیش از هر چیزی اکنون احتیاج بیک صلح طولانی دارد .

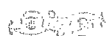
بنابر این بهتر است که ملل بزرگ امریکا انگلستان و شوروی توس ویم از جنگ آینده را از سر خود دور کرده و با اتفاق مابین ملل متفق در اصلاح جهان آینده و استقرار آزادی در سراسر گیتی گام بردارند .



## صلح

شکرش بر طرف شد پرده از سیمای صلح  
منتشر گردید از نو در جهان آوای صلح  
پیش از این گر بود اقطار جهان میدان جنگ  
بعد از این گردد دگر دنیای ما دنیای صلح  
واستی و خشنده تر گردید و روح انگیز تر  
چهره آزادی از افکندن دنیای صلح  
تا طریق توبه بنماید باهل شرق دور  
بردهید از غرب خورشید جهان آرای صلح  
دشمن مغرور گر بود از حقایق پیچیده  
زد ز روی چهل سنگ جنگ بر زمینای صلح  
باقیت چون تار و پود قدرتش از هم گسیخت  
با کمال خواری و بیچارگی زد رای صلح  
و آنکه بود از خود پرستی دائماً خواران جنگ  
همه تا کنون از زبونی هر زمان جویای صلح  
پیشوایان سه کشور ساختند از هم خویش  
قله ای شکم که بگذاشتند بر آن پای صلح  
همه مردان بنا کرده است سدای دشوار  
تا از این پس جنگ بیانگی نگردد جای صلح  
همچو شکست نیست تا کسور زده های متفق  
و همسایر کمی صدقند در پیوستای صلح  
این دلبران بسی ها کردند و خونها ریختند  
تا کسه بنوشته مشهور سادات زای صلح  
همه امید آنکه مردان عاقلان جهان  
پیامه ای زینده ، آرایند بر بالای صلح

سوی شرق و غرب عالم باتساوی بشگرند  
 زآنکه نبود جز تساوی حافظ امضای صلح  
 پایه هر کار بگذارند بر بنیان عدل  
 تا که در طی زمان روشن شود معنای صلح  
 جای آن دارد که ما ایرانیان از دیگران  
 بیشتر مسرور باشیم از مسرتهای صلح  
 زآنکه از ادوار پیشین با وجود اقتدار  
 در سر ما جای نگرفته جز سودای صلح  
 ما که طرفی بر نیستیم از کشاکشهای جنگ  
 بو که درد خود دوا سازیم در انتای صلح  
 ای عزیزان وقت پیداری است بر خیز بیدهان  
 تا نگردد خواب ماسنگین تراز لالای صلح  
 پیش از این بودیم اگر در بستر غفلت بخواب  
 در هزاران رنج شوش بودیم با رؤیای صلح  
 بهمان از این باید قدم در کار و کوشش داشتن  
 بهره وری و روشن زنی روی روان افزای صلح  
 گر نپیشانیم امروز ای برادر تنم کار  
 نیست جز آه و استغاثه حصول مافردای صلح  
 تا که نهانیم خود را لایق این موهبت  
 میبندیم بر رخ ما شادمان زبای صلح  
 باید از اعضای صلح آموختن رسم حیات  
 و رهنمودی که نهاد مان بودن از اعضای صلح  
 بود «صبری» مدتی خاموش در دوران جنگ  
 از ندای صلح شادان گشت و شد گویای صلح



## شهرهای اسرار آمیز زیرزمینی در آلمان

—۵۵—

«خبراً در مسکو اطلاعات حیرت انگیزی از  
«شهرهای اسرار آمیز زیر زمینی آلمانی که بدست  
«ارتش سرخ افتاده انتشار یافته است. در این شهرها  
«که بدست کارگران خارجی ساخته شده آلمانیها  
«کارخانه ها، راه آهنهای زیر زمینی و ذخایر مهم اسلحه»  
«ومهمات جای داد بودند.»

\*\*\*

باورود ارتش سرخ بفاک آلمان پرده ابهام از روی بسیاری  
از اسرار که در عرض پنجساله جنگ در آلمان پدید آمده بود  
برداشته شد.

ارتش سرخ کارخانه ها، شهرهای کوچک و معادن بسیاری  
در آلمان شرقی یافته اند که کلیه آنها در زیر زمین و با شرایط نامساعدی  
ساخته شده و بنظر میرسد که هدف نهایی آلمانیها از ساختن آنها حفظ  
مصنایع جنگیشان از حملات هوایی بوده است.

تا هنگامیکه روسها باین شهرهای زیرزمینی راه نیافته بودند  
هیچگونه اطلاعاتی از ساختمان و سعی وجود آنها بدست نیامده بود  
و کیفیت ساختمانی آنها از جمله اسرار بشمار میرفت ولی اکنون که  
اغلب این شهرها و کارخانه های زیر زمینی کشف و سالم بدست  
میآید سرخ افتاده بسیاری حقایق درباره آنها کشف شده است.

پس از اینکه ساختمان این شهرها بیابان میسر میآید آلمانیها  
به منظور رعایت اخفای کامل آنها کارگران را قتل عام میکردند. از



جمله روسها يك كارخانه بزرگی پيدا کرده اند كه در جنگل بنا شده  
و آمانها برای پنهان داشتن آن از دید هوایی اطراف و جوانب  
آنها با فن استار پوشیده بودند .

در ناحیه ديگر يك زرادخانه بزرگ زیر زمینی كشف شد  
این زرادخانه در جنگل بزرگی قرار دارد و دارای راهها  
و ترمهای الكتريکی زیرزمینی است .

بقول یکی از خبرنگاران جنگی شوروی زرادخانه مزبور از  
بزرگترین مخازنی بوده است كه آلمانها در آنجا سلاحهای جهنمی  
خود را برای اجراء نقشه جهانگشایی خویش گرد آورده بودند  
آلمانها با غرس اشجار بروی این زرادخانه آنها را بهترین وجهی از  
انظار پنهان داشته بودند .

دو جلد در بزرگ ورودی این مخزن اعلانی با این عبارت

توق شد :

« هر کس بدون كسب اجازه قبلی بدین جایگاه راه یابد  
با سرگرم آشوب خواهد شد » قبل از ورود باین مخزن با رفتی از  
يك مخزن سیمانی عبور کرده بدرون آن راه یافت . هوای تالان  
این مخزن مریطوبی است و بهوای داخل همان شباهت دارد .

خمپاره ، بلب و مین در دو طرف ذكریاد و بزرگ مخزن  
با انجم و ترتیب خاصی جای داده شده و تمام مشاغل با دقت کافی  
درم بشده شده است . در اتاقهای مخزن كه در طرفین عمیقتری  
واقع شده بهای تالیر بزرگ در جایگاههای مهمانی خود قرار دارند .  
تالیر مخازن و تالیر این بهای با حروفه سفید و بی آنها یادداشت  
شده است .

در این زرادخانه دكه ای وجود دارد كه باغشار مستعمری  
بر روی آن میخوانند مخازن مهمات را منقبض ساخته و هوا را تپ ساخته

ولی آلمانها بقدری در فراز عجله و شتاب داشته اند که حتی موفق بانفجار مخزن نگردیدند.

هنگامیکه روسها بدرون مخزن راه یافتند هنوز دفاتر زرادخانه روی میزها باز بود درروی يك میز دیگر نامه عاشقانه نیمه تمامی با چاشت قراول مخزن جلب توجه میکرد و تمام این جزیانات نشان میداد که آلمانها سخت دست و پای خود را برای فرار گم کرده بودند.

اگر چه این مخازن بحقیقت شهرهای کوچک زمینی بودند لکن کسانی که در جوار این شهرها زندگی میکردند از وجود آنها اطلاعی نداشتند.

در شهر بوداپست اکثر مردم از وجود بناهای محقر کارخانه «لامپارت» مطلع بودند لکن کسی جرئت تماشای آنها نداشت برای اولین بار ارتش سرخ بدون اجازه وارد این کارخانه شد در این کارخانه پناگاههای فولادی ضد هوایی کشف گردید.

ارتش سرخ بیک رشته حفرههایی در این کارخانه برخورد کرد این حفرهها بگریدهای زیر زمینی که بوسیله درهای پولادین مسدود میشد ارتباط داشتند.

پس از جستجو و کاوش زیادی که در این مخزنی بعمل آمد ارتش سرخ بیک کارخانه بزرگ چند طبقه زیر زمینی راه یافت. انبار این کارخانه مملو از ماشین آلات بود و قطعات دور آلومین که در ساختن بال هواپیماهای سر اشیمیت بکار میرود در آنجا بدست آمد.

در این مخزن کارخانه ها و مساکن زیر زمینی بوسیله چندین کیلومتر خط آهن بیکدیگر مربوط میشدند. در طول این کارخانه بوسیله اتومبیل میتوانستند عبور و مرور نمایند و اگر بخواهند

پیاذه آنرا طی کنند چندین روز وقت لازم است هزاران هزار کارگر خارجی که بزور و هتف آلمان برده شده بودند در آنجا بکار ساختمان میپرداختند و هیچگاه اجازه خروج از مخزن بآنها داده نمیشد و تقریباً در همانجا جان میسپردند.

وقتیکه آلمانها مجال تهیه چنین مخازن زیر زمینی نداشتند کارخانه های خود را بهنگلها و نواحی غیر مسکونی منتقل میساختند در یکی از نواحی که ۴۰ میل مربع مساحت دارد ده هزار کارگر خارجی کار میکردند. هنگامیکه خطر هوایی محسوس میشد دستگاه مخصوصی در اندک زمانی ستونهای دود مصنوعی تهیه مینمود و محیط کارخانه و جنگل را از دید هوایی پنهان میکرد.

یک هفته قبل از رسیدن ارتش سرخ باین ناحیه آلمانها یک قسمت از کارخانه را منفجر نمودند و انتظار بمبیدی شدید بود که شیشه پنجره های کارخانه ای که در پنج میلی این ناحیه قرار داشت شکست و فرو ریخت.

با کشف این کارخانه زیر زمینی ارتش سرخ اطلاعات مفیدی از کیفیت ساختمانی آنها بدست آورد.

نقشه این شهرهای زیر زمینی توسط مهندسمان آلمانی موسوم (بتودت) طرح گردیده و در ساختمان آنها متخصصان کارگران خارجی بکار گمارده میشدند کارگران در کلیه های چوبی که با سیمهای خاردار احاطه شده بود زندگی میکردند.

در کنار دود مخصوصی که بازداشتگاه کارگران را احاطه میکرد دستگاههای وختی زیادی جای گرفته بودند و اگر احیاناً کارگری میخواست قرار کند خود را بروی او انداخته و ضمناً خطر را اعلام مینمودند.

هر کارگر نمره ای داشت که با آسیب های شیمیائی بروی صحنه اش نقش بسته بود پس از اتمام یک ساختمان زیر زمینی

کارگران تحت آزمایش طبی قرار میگرفتند و آنها که استعداد کار داشتند بجاهای دیگر منتقل میشدند و بقیه در همانجا بقتل میرسیدند.

معمولا از نظر اخفای اسرار این شهرهای زیرزمینی اکثریت این کارگران پس از پایان کار جان سلامت نمیبردند. روزنامه پراودا چاپ مسکو مینویسد که «ساختمانهای زیر زمینی آلمان باخون و استخوان صدها هزار مردم بی پناه اروپا بنا شده اند».

ترجمه: عبدالرسول عظیمی



ملوالتان هتقیقن هتکام پیاده شدن بخاک دشمن

## آلمانا چگونه موسولینی را نجات دادند ؟

در مصاحبه ای که ژانتین خبر نگار یکی از جرائد سوئسی با موسولینی بعمل آورده دیکتاتور ایتالیا ماجرای فرار خود را شرح داده و چنین گفته است :

حوادثی که در ماه گذشته در ایتالیا روی داد بی مقدمه نبود و مقدمات آن هم با دقت و مهارت کامل فراهم شده بود . بطوریکه هر کسی میدانست در ساعات مهین چه بکند قرار شده بود مرادستگیر کرده بمقامات انگلیسی تحویل بدهند .

بعد از ظهر روز بیست و پنجم ژوئیه یعنی یکروز بعد از تشکیل جلسه شورای عالی فاشیست پس از ملاقاتی که با ویکتور امانوئل بعمل آوردم در «ویلا ساویا» بازداشت شدم و چون مرا از بله عمارت پائین آوردند دیشم بجای اتوهیللم یک آمبولانس در آنجا ایستاده است . (فسمی که در آنجا بود پس از مردان که سوار آمبولانسی بشوم در این موقع متوجه شدم که دلمی برای من گسترده اندولی در عین حال چاره ای جز تسلیم نداشتم .

آمبولانسی مرا بسربازخانه برد و در آنجا در اعناق کوچکی زندانی شدم شب ۲۶ ژوئیه یک ساعت بعد از نیمه شب نامه ای از طرف مارشال با دولیو پس داده شد .

بادولیو نوشته برد اقداماتی که بمن آمده برای حفظ من از یک توطئه مخفیانه بوده است . من نیز در پاسخ بادولیو نامه ای نوشته و از اقداماتی که برای حمایت من بعمل آورده بود تشکر نمودم ضمناً خاطر نشان کردم که تنها متکثر امن برای اقامت من «روکادله میناته» میباشد و در پایان هم آرزوی خود را نسبت به وضعیت مارشال بادولیو در مسئولیت جدیدی که بر عهده گرفته بود ابراز داشتم .

شب ۲۸ ژویه بمن دستور داده شد که خود را برای حرکت حاضر کنم. آمبولانسی مرا در ساعت ۱۲ شب بیندر گات رسانید و از آنجا کشتی بخار کوچکی بنام پرسفون مرا بجزیره بوندزبرد پس از يك شب اقامت در این جزیره بمن اطلاع رسید که باید خود را برای مسافرت دیگری آماده کنم. در ساعت ۸ صبح سوار يك ناوشکن فرانسوی موسوم به « پانتر » شده و بعد از ظهر بجزیره مادالنا که در شمال غربی ساردنی قرار دارد رسیدم و مرا در خانه یکنفر انگلیسی که ویور نام داشت جای دادند.

روزی يك هواپیماي آلمانی در بالای خانه پرواز کرد و بقدری بائین آمد که صورت خلبان را دیدم و امیدوار شدم که آنها در صدد نجات من هستند. روز ۲۷ اوت بمن اعلام کردند که بایستی خود را آماده حرکت کنم فردای آن روز يك هواپیماي آمبولانس آمد و مرا بنقطه ای واقع در نزدیکی دریاچه براشانو (۴۰ کیلومتری شمال رم) منتقل کرد و از آنجا يك اتومبیل آمبولانس مرا بگران ساسو برد.

در این ضمن مذاکرات محرمانه بین بادولفو و پیرچیل و روزولت جریان داشت و بعد ها فهمیدم که قرار بوده مرا برای يك محاکمه بزرگ تاریخی تعوییل امریکائیها بدهند. در گران ساسو بیش از پیش تحت نظر قرار گرفتم اما چون مخفیانه بمن اطلاع دادند که آلمانها در رم میباشند یقین حاصل کردم که همکار مرا نجات خواهد داد. ساعت ۲ بعد از ظهر هنگامیکه نزدیک دریاچه اطلاق ایستاده بودم دیدم سه هواپیماي آلمانی از میان ابر ها ظاهر میشوند. این سه هواپیما حامل چتر بازاری بودند که نزدیک همارت فرود آمدند و بیک طرفه المین دسته های مسلح بمسلسل کوچک عمارت را محاصره کردند و قراولان ایتالیائی هم از این معنی بوحشت افتاده کوچکترین حرکتی برای مقاومت بر علیه آلمانها از خود نشان ندادند.

یکی از هواپیماها مخصوصاً طوری ساخته شده بود که میتوانست در جاهای کم وسعت و نا هموار بطور عمودی فرود بیاید. من در این هواپیما نشستم و ای موتور هواپیما بزرگمت بکار افتاد و پس از لحظه ای اضطراب از زمین بلند شدیم و بطرف رم رهسپار شده بودم از دو ساعت آنجا رسیدیم. از آنجا هم هواپیمای دیگری مرا بوین رسانید و در ساعت ۱۱ شب وارد فرود گاه شدم. روز بعد بطرف موئیش حرکت کرده و از خطر نجات یافتیم.

ترجمه: محمد علی عظیمی



محمد آیت الله رئیس جمهوری ترکیه



ژنرال اوچینک فرمانده قوای هندوستان



ژنرال کولیر و فست وزیر سابق ژاپن



## آوای بلبل

در یکی از روز های گرم تابستان ، دسته ای از قشون آلمان در اثر غلبه گرما و ریزش عرق زیاد ، حوالی یکی از قراه مشروب لیوانی برای چند دقیقه راحت باش توقف کردند هنوز کوله پشتی و ساک و قمقمه و سایر اشیاء خود را زمین نگذاشته بودند که آواز شیرین بلبل در فضا طنین انداز و توجه آنانرا بخود جلب نمود .

افراد قشون : فوری دوربین های خود را از غلاف بیرون کشیده ، برای یافتن بلبل درختان جنگلی کوچکی را که در آن حوالی واقع شده بود مورد مناظره و تفحص قرار دادند ، ولی مناسبانه بلبل در آنجا وجود نداشت .

پس از معاینه ی کاوش و جستجو ناگهان طفل خرد سالی نظر آنانرا جلب نمود که نزدیک گودالی نشسته مشغول خراش دادن باره چوبی با چاقوی کوچک خویش و بازی کردن با آن بود .  
و قسبه که فرات برای دیدن ری متافته و پرسشهایی از او کردند ، وی کاملاً بیخوش گریه های چنین وانمود ساخت که درین آن منظره کاملاً ویرا مضطرب ساخته است ضمناً با آلت کوچکی که در دهان خود نهفته ساخته بود بازی کرد و بازی کردن فرماده بسته برای دیدن آن دست خود را نزدیک دهان وی برد .  
طفل فوری اسباب کوچکی را که با دست خود ساخته بود از بیخ دهان بیرون کشیده بینه دلب قرار داد و یکی از بهترین و لطیف ترین صداهای بلبل را بوسیله آن نواخت .

نفرات فوق العاده از این تقلید در عین حال تفریحی، مسرور و کراراً از وی درخواست تکرار آوای بلبل را کرده، لیاقت و استعداد قطری او را مورد تحسین و استعجاب قرار داده متوالیاً او را بتکرار هنرنمایی خویش تشویق میکردند.

در ضمن این نمایش مشغول کنندۀ بلا مقدمه کودک آلات دست خود را برای تکلم از دهان بیرون آورده گفت: من علاوه بر این میتوانم تقلید سایر مرغان بخصوص مرغ شباهنك را درآورم و بلا فاصله شروع کرد بصدا ی مرغ شباهنك کردن!

مدتی نفرات با این نمایش ناگهانی دور از انتظار در وسط بیابان سرگرم و چون از محل سکنی و جاه و منزل کودک سؤال کردند، گفت:

من بتهائی در اطرافهای نیمۀ مغربیه این قریه، همین قریه ویرانه ای که در مقابل چشم شماست، ساکن و روزها را حوالی دریاچه کوچکی که همین نزدیکی هست بصید ماهی مشغول هستم و روز گسار خود را بهوشی و کامرانی در عالم تیرد و انفراد میگذرانم.

فرمانده دسته راههای اطراف موعیت و ونهیت جغرافیائی مهمل را از او استفسار نمود، او هم فوری جواب داد که بخوبی از کوچهکترین راه و کوره راه و سایر این قریه و شهرهای اطراف آن مطلع است.

بنابرین عین او و افسر نامبرده قرار شد راههای بیج در قریه و کوه و توده های اطراف را بعنوان راهنما بآنان نشان داده و در مقابل یکصد ذنك سیگار آتش زنی بسیار نفیس بعنوان جایزه دریافت دارد او هم با کمال میل این پیشنهاد را قبول نمود، منتفی ضمن عقد خارج چنین اظهار داشت.

چنانچه مرا فریب داده سر آخر از دانت باداش من  
امتناع ورزید ، من هم شمارا در وسط بیان و بیان و سرگردان  
خواهم ساخت .

کودک بازیگر بشخصیت و اطوار کودکانه خود ادامه داد ،  
در عرض راه افراد قشون را سرگرم حرکات فریبنده و نمایشهای  
حیرت انگیز خود میساخت . در خلال آن عملیات آتی از آواز دادن  
مانند بلبل غفلت نمینمود . ۲۲ فقره صدای بلبل کرد . دو فقره هم  
نوازی مرغ شاهانگ . آلبانیها هم از شوخیهای طبیعی و حرکات  
دلنشین وی هرق شادی و برای اینکه سکنه در ادامه داده به  
بازیهای او پیدا نشود ، قمارش و سراپا گوش و هرق حیرت  
در حرکت بودند و کلههای برای شیراندن  
و این در اهتاف جنگل ، گنجویان نیز از تمامی تمام نغمات بلبل  
و مرغ شاهانگ را شوق و از حرکات ملایم و اشارات آن  
مطالع بودند .

صدای نوازات آوازها ۲۳ فقره و در سلسله جنگلی هم با شوق  
داشتند ، دو صدای نوازی در شوق شوقی ، ملایم شوق ملال  
شوق گوش مانند ، با نواز انگار ، در شوق شوقی ، در شوق  
کهن ، که که نواز آن شوق شوقی ، که که نواز آن شوق شوقی  
زین بر آتش گرفته .

از این که شوق شوقی ، شوق شوقی ، شوق شوقی ، شوق شوقی  
باران شوق شوقی ، شوق شوقی ، شوق شوقی ، شوق شوقی  
و شوق شوقی ، شوق شوقی ، شوق شوقی ، شوق شوقی  
گشاده بود .





زیرال ہارسال ریڈیو سٹیشن کے ذریعہ امریکا



ہندوستان میں ہندوؤں کی سڑکوں پر

## آینه آلمان

زمستان آینده - اداره امور بدست اهالی محل  
صنایع آلمان - سیستم مدیریت روسیه در  
ناحیه اشکالی خود!



با منتقدین است که هرچه زود تر سیاست خود را در باره  
آلمان روشن نموده و چرخ های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آن  
کشور را بحرکت در آورند تا آلمان امروزی که جز خرابی و  
بیچارگی چیزی در آن یافت نمیگردد تا حدی از گرداب بدبختی  
خلاصی یابد.

### سرمایه و گرسنگی

موقعیت اقتصادی آن کشور از يك لحاظ فوق العاده قابل امان  
نظر میآید زیرا زمستان آینه نورید و خطراتی را که از این  
لحاظ متوجه اهالی آن کشور میگردد نمیتوان دانسته گرفت.  
چونگونی که در داخل آن کشور روی داده و از آن میسر  
میران های عظیم برآید مطمئن بندی مؤثر بوده که کینه ها را  
مبانی آن منککات را از روی از هم جدا نموده و نشان که آلمان شکست  
خورد و بدست منتقدین اداره میشود و نشانه ایست که از مراد  
و نابودی اهالی آن ممانعت بعمل آورند.

موقعیت سیاسی آن کشور را نیز باید حراتی توجه قرار داد  
و اگرچه صل وضع اقتصادی آن آینه نیشناسی مهمی و باید  
دانست که در آینده جهان نقش بزرگی را خواهد داشت.

رسیده که قسمت زیادی از امور عادی واداری  
بود اهالی واگذار گردد و این بار سنگین را خود

لك متفق در کنفرانس پوتسدام موافقت نمودند که  
رۀ مرکزی که بدست آلمانیها اداره گردد تشکیل  
افسران مسئول متفقین از دور مواظب کار و رفتار  
نورهای لازم را بآنها بدهند .

### بجنگ

اقتصادی يك مسئله دیگر را هم نباید نا گفته گذارد  
سیاستی است که محصولات جنگی کارخانه ها را  
سلاح و آرامش تبدیل نماید . ولی هنوز تصمیمی  
که آیا این محصولات جدید برای رفع احتیاج  
خواهد بود تا زندگی سابق خود را از سر گیرند  
فروض دیون جنگ به متفقین ؟

نایب آلمان در چند سال جنگ بر اثر بمباران های  
همینا هنوز مقدار زیادی از کارخانه های آن دست  
در یا خسارت کم بر آید وارد آمده است لذا  
از جهت اکثر استفاده را نمود و اجازه نداد که  
بیمار باطل و آن طرف روند - زیرا نه تنها  
لایق را باید شو نظر داشت بلکه احتیاج شدید  
را به نایب آلمان نیز نیاید از خاطر برد .

های معتاد آلمان بود که طرح اقتصادی و صنعتی  
و جنوبی اروپا و بعضی از سایر ممالک جهان را

میگردانید و حال که محور اصلی این چرخها از کار افتاده تکلیف  
ملل دیگر هم که از آن استفاده مینمودند واضح و آشکار است

### روسیه

روسیها در ناحیه اشغال شده خود یازده دائره امور اداری  
تشکیل و ریاست آنها را هم به لیدر های احزاب داده اند بنا بر این  
اگر کمی دقت نمائیم در میابیم زمانی رسیده که مراکز اداری  
مغرب آلمان هم با این دوایر همکاری کنند و جمعا تحت نظر کمسیون  
مختلص اداری متفقین بکار اداوه آلمان همت گمارند و شاید بتوان  
گفت که اگر این سازمان جلب نظر متفقین را نمود و از هر جهت  
خود را دموکرات و طرفدار آزادی نشان دهد در آینده به اسم  
حکومت آلمان خوانده و شناخته شود

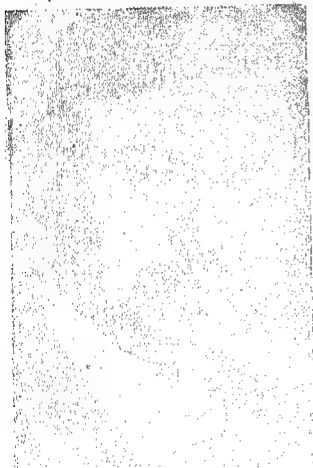
### نه هائید شو دشمن

چنین حکومت با هم کزین اهمیت فوق العاده برای آلمان  
و ملت آن دارد زیرا مثلا اگر به متفقین معلوم میگردد وضع زندگانی  
مردم را بمال سابق برگردانند و تا دربار آنها مشکلی در سیاست پیش  
نیگردد اقتصاد و مصالح آلمان را درین جهت بولی نباشد که مثلا  
بر اوضاع بسیار فاجعه بار آلمان و اروپا بیافزاید و یا مثلا  
درین باره وضعی را برپا کند که موجب سوزش آلمان و روسیه این  
بفاله سابق برود و یا مثلا بهانه ای را بیابد که موجب سوزش روسیه  
گردد اهالی آلمان و روسیه بسیار میترسند و میگویند که اگر  
ویشکی اجرا گردد آلمان و روسیه در نزد متفقین بسیار بدتر  
خواهند گذشت



## آخرین دقایق زندگی لاوال چگونه گذشت؟

روز ۲۴ مهرماه ۱۳۲۴ پس از آنکه لاوال نخست وزیر دولت ویشی بجرم همکاری با آلمان درباریس تیر باران شد لاشه اش به کورستان جنایت کاران جنگ انتقال یافت. وی هنگامیکه سربازان مأمور تیرباران نزدیک شدند اجازه خواست که حکم آتش را خودش صادر کند. لکن تقاضایش قبول نشد و هنگامیکه سربازان نشانه گیری میکردند چنین فریاد کرد: من مسئول این جنایت نبودم و تنها گناهام آن بود که فرانسه را پیش از اندازه دوست داشتم...



چارلز دو گول

به قلم بزینب  
لاوال قبل از آنکه تیرباران گردد سعی کرده با خوردهن زهر خود کشی نماید لکن موفق نشد و نمائنده دادستان چنین سخنان میگفت: هنگامیکه با مورهارد و دیگران ملاقات کرده بود و آنها را میخواست برانجام بدهد تا شرفی اصلاح را در دولت خود آید.

و چون به افسران ارتش مارل که در مقام رئیس ستاد قرار داشتند و به او پیشنهاد کردند که با ارتش فرانسوی به آفریقا بگریزند و از آنجا به فرانسه بازگردند و از دسترس خارج کریم در آن زمان در آفریقا بود و او نیز با آنها آمادگی بود. اما هیئتانی فرانسه در این خصوص مشغول تحقیقات کامل بودند.



## گامنامه جنگ

روزهائی که در تاریخ ۶ سال گذشته با خط سرخ  
ثبت خواهد شد

—۵۵—

اول سپتامبر ۱۹۳۹ > ۹ شهریور ۱۳۱۸

در این روز هیتلر بلهستان حمله کرد .

سوم سپتامبر ۱۹۳۹ > ۱۲ شهریور ۱۳۱۸

دوروز بعد نوبل چمبرلین نخست وزیر انگلستان با آلمان اعلان

جنگ داد .

در ابتدا جنگ کند و بی اثری بود تا اینکه هیتلر جنگ  
«برق آسای» خود را در بلژیک و هلند آغاز نمود و با تسخیر فرانسه  
پایان کرد .

۲۹ مه تا ۳ ژوئن ۱۹۴۰ > ۸ خرداد تا ۱۳ خرداد ۱۳۱۹

در مدت این چهار روز بحریه انگلیس موفق گردید بقایای  
قوای شکست خورده بریتانیا را بدون تلفات سنگین به جزیره انگلیس  
منتقل سازد ، این نیرو با کمک نیروی هوایی و قوای چریک برای  
مقاومت حاضر شدند .

۵ سپتامبر ۱۹۴۰ > ۲۵ شهریور ۱۳۱۹

در این روز نیروی هوایی آلمان بشکست قطعی خود برخاسته  
چهره انگلیس را بر دوزخ ۱۸۴ طیاره از خاک داد .  
در مقابل آلمانها چریک کثرت را از راه هوا تسخیر کردند  
و ساندلوی کوچک انگلیس آنها را زمین برداشت .

۳۴ ژوئن ۱۹۴۰ > اول تیرماه ۱۳۱۹

در چنین روزی هیتلر متکسب بزرگترین خطای خود شد  
«به روسیه شوروی حمله کرد .

۷ دسامبر ۱۹۴۱ < ۱۶ آذر ۱۳۲۰ >

نیروی ژابن برل هاربور را بمباران کرد و امریکا وارد جنگ شد معور رم ، برلن ، توکیو تشکیل گردید .

۱۵ فوریه ۱۹۴۳ < ۲۶ بهمن ۱۳۲۰ >

ژاپنی هاسنگاپور را گرفتند و حمله آزمایشی نیروی انگلیس به «دیب» بدون موفقیت اجرا گردید .

در اینموقع اوضاع رو به تحول گذاشت

۴ نوامبر ۱۹۴۳ < ۱۳ آبان ۱۳۲۱ >

وسماً اعلام گردید که قوای آلمان در پیابان باختر منهزم شده اند و روهه مغرب عقب نشینی میکنند .

۸ نوامبر ۱۹۴۳ < ۱۷ آبان ۱۳۲۱ >

نیروی امریکا و انگلیس در افریقای شمالی پیاده شدند

۲۴ ژانویه ۱۹۴۳ < ۳ بهمن ۱۳۲۱ >

ترابلس سقوط کرد .

۲۴ فوریه ۱۹۴۳ < ۵ اسفند ۱۳۲۱ >

مهمترین نبرد این جنگ یعنی (استالینگراد)

با شکست و تسلیم نیروی آلمان خاتمه یافت .

۱۴ مه ۱۹۴۳ < ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۲ >

جنگ امریکا با تسلیم کامل نیروی آلمان و ایتالیا پایان رسید

۱۰ ژوئیه ۱۹۴۳ < ۱۸ تیر ۱۳۲۲ >

حمله به سیزیل .

۸ سپتامبر ۱۹۴۳ < ۱۶ شهریور ۱۳۲۲ >

تسلیم دولت ایتالیا .

۴ ژوئن ۱۹۴۴ < ۱۴ خرداد ۱۳۲۳ >

تسخیر رزم پس از جنگهای سخت و طولانی و مذاکرات شدید  
نیروی آلمان .

۶ ژوئن ۱۹۴۴ < ۱۶ خرداد ۱۳۲۳ >

نیروی متعین به خاک فرانسه در برماندی پیاده شد .

۲۲ اوت ۱۹۴۴ < ۱۲ مرداد ۱۳۲۳ >

شروع حمله بزرگ نیروی شوروی از یاسی به خاک بالکان  
و اشغال رومانی ، بلغارستان و عبور از سرحد یوگوسلاوی در  
اول اکتبر

۲۴ ژانویه ۱۹۴۵ < ۲ بهمن ۱۳۲۳ >

شروع حمله بزرگ نیروی شوروی به استان و بروس شرقی .

۱۷ ژانویه ۱۹۴۵ < ۲۷ دی ۱۳۲۳ >

مقوط و رشتون تابع رابطه بروس شرقی از خاک اصلی آلمان

۲۳ ژانویه ۱۹۴۵ < ۳ بهمن ۱۳۲۳ >

دشمن نیروهای شوروی با روستا اوکروبرسلاو

۴ فبرویه ۱۹۴۵ < ۱۴ بهمن ۱۳۲۳ >

تبع حمله متقابل رومانیست در جنوب مغرب

۱۴ فبرویه ۱۹۴۵ < ۲۴ فروردین ۱۳۲۴ >

مقوط بودا شد .

۲۳ مارس ۱۹۴۵ < ۲۴ فروردین ۱۳۲۴ >

نیروی آلمان از رود دان عبور کرد .

۱۴ آوریل ۱۹۴۵ < ۲۴ فروردین ۱۳۲۴ >

مقوط وین

۱۸ آوریل ۱۹۴۵ < ۲۹ فروردین ۱۳۲۴ >

نیروی متعین که از رود الب گذشته بود به سرحد

چکوسلواکی رسید و در ۲۷ آوریل نزدیکی لیتویک به نیروهای شوروی اتصال یافت .

۳۸ آوریل ۱۹۴۵ > ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ <

مونیخ مسقط الرأس حزب نازی بتصرف متفقین درآمد

۳۰ آوریل ۱۹۴۵ > ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۴ <

نیروهای متفقین به شمال ایتالیا رسید و آزادخواهان ایتالیایی شهرهای ژن و میلان و تورن را اشغال کردند و موسولینی را اعدام نمودند .

اول مه ۱۹۴۵ > ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۴ <

نیروی شوروی برلن را تصرف کرده رادیوی آلمان خبر فوت هیتلر را اعلام نمود .

۸ مه ۱۹۴۵ > ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ <

بنابه تصمیم دریا سالار دوئتز جانشین هیتلر دولت آلمان بلاشرط

تسلیم شد .



## پنج سال گذشته

### حقایقی که هرگز فراموش نخواهد شد!

تسلیم بلا شرط ژاپنها در خلیج توکیو ، هونگ کونگ و سنگاپور نشانه پایان شش سال جنگ سخت و طاقت فرما برای جهانیان بخصوص چین و امریکا و انگلیس بود . چینی ها که از شش سال هم تجاوز نموده و بیش از هشت سال با دیو مہیب جنگ در زد و خورد بوده و بالاخره با همراهی و کمک متفقین دشمن خویش را به زانو در آوردند .

#### مقایسه

نبرد هائیکه کشور های آزادیخواه جهان با ناپلئون نموده اگر چه مدتی بیشتر بهطول انجامید ، معینا ایقدر شدید و سخت نبود و دنیا نظیر دهائی که از سپتامبر ۱۹۳۹ تا آوریل ۱۹۴۵ دین هرگز بخود ندیده بود ، زیرا در آن زمان نیروهای کمتری مشغول نبرد بودند ، فشار مالی بی نهایت مہکتر و بهالاف زنده گی ملی و اجتماعی ملل بخصوص انگلیس خیلی کم تعمیر و تبدیل یافت . فشار ناپلئون پس از نبرد مشہور ترافالگار در سال ۱۸۰۵ میلادی بر اسباب کمتر و بالاخره با خاتمه جنگ و اقرا و کاملاً از بین رفت .

#### نتیجه

پس از رفع کشتن آن شعار دیگ کسی یا توانی بخیال حمایت بر انگلیس نیافتاد تا سال ۱۹۴۰ که هیئت دولت اعظم خاک فرانسه را اشغال نمود . ناعیه گاله را مسلح و تمام سربازان خویش را در سواحل شمالی کشور گلی متمرکز گردانند

## بیفایده

آلمانیها در جنگ بین المللی اول یعنی در سالهای بین ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ میلادی هم سعی بلینی برای جلوگیری از عبور سربازان انگلیسی از دریای مانش و کانالی که بین فرانسه و آن کشور قرار دارد نمودند ، ولی فایده ای نبخشید . زندگی آندوره انگلیس بعدی که در دوران جنگ اخیر مورد خطر و اضمحلال قرار گرفت تحت فشار واقع نشد .

## هر ملت دیگری

امروز ملت انگلیس نفس راحتی میکشد و از اینکه از بالای بزرگی رهائی جسته دلشاد است . موقعیت جغرافیائی انگلستان در عین حال که تا بحال بنفع او بوده است برای وی خطراتی هم دارد مذهبی اتحاد و یگانگی بی نظیری که در بین افراد ملت انگلیس ، بخصوص در هنگام بروز خطر ، وجود دارد او را از هر نوع متهمه می رهائی میدهد . چنانچه این جنگ بهترین نمونه آن بود . هر گاه ملت دیگری سواهی انگلیس بود بدون تردید در زیر بمبارانهای سخت ۱۹۴۰ که هواپیماهای آلمانی هر دقیقه و ثانیه نقاط مختلف جزیره بریتانیا را از زیر پا میگذاشتند زود تسلیم گشته و اسلحه را بر زمین میگذازد .

## دو مینیون

البته زحمتی را که دو مینیونها و مستعمرات امپراتوری انگلیس چون کانادا ، استرالیا ، زلاند جدید ، افریقای جنوبی و هندوستان متحمل گشتند نباید از نظر دور داشت . تمام امپراتوری انگلیسی دو سال قبل از اینکه هیتلر بروسمیه حمله برد و پیش از دو سال قبل از اینکه ژاپن بر ( پیرل هاربور ) هجوم کند ، در آتش

چنگ سختی میساخت با این دو مینیون و متصرفات که همیشه با انگلستان  
کک کرده اند در این چنگ نیز او را تنها نگذاشته و دوشا  
شوی برای نابود کردن دشمن بچنگ تن در دادند .

### یکسال دیگر

یکسال دیگر با سختی و مشقت سوری شد . همه مشکوک  
بودند که آیا بالاخره دست آلمان و ژاپن در خاور میانه بهم رسیده  
و اینک کمر امپراتوری انگلیس را قطع خواهند کرد یا خیر ؟  
آیا دول عور پس از الحاق لشکریان خویش بهم به استرالیا و  
زلاند جدید حمله ور میگردند ؟

### المانی و . . .

ولی عقب نشینی آلمانها از المان کسبه شست و شستن میل  
تا اسکندریه فاصله دارد دو اواخر سال ۱۹۴۲ و تسلیم لشکریان  
او در استالین گراد هر نوع شك و تردیدی را از بین برد . متفقین  
دو یافتند که آلمان دیگر نه تنها قادر به پیشرفت نیست بلکه از  
نگاهدای ممالکی هم که اشغال کرده است عاجز خواهد ماند .  
بلاوه امید دول محوره های برزیل و ژاپن و هندوستان  
و مصر و حملات متفق بر نواحی دیگر جهان کادلا از بین رفت  
و نقش بر آب شد .

### تعادل

تا زمانی که کشورهای متحده اروپا زخم های (برلین و هامبورگ)  
اتیام نداد وضع اقیانوس کبیر تا همین و شاید بتوان گفت که تقریباً  
تعادلی در کار بود .

### بدایال هم

پس از مدتی قلیل کشور های چون برمه ، مالایا ، سنگاپور

جزایر هند، هلند، فیلیپین و ژلاند جدید یکی پس از دیگری از دست میرفت و تحت اشغال سربازان زرد پوست درمیآمد. استرالیا و ژلاند جدید تنها دو کشوری بودند که سربازان ژاپونی را بخود ندیدند ولی حمله بر اولی حتمی بود چه نیروهای مسلح ژاپن خود را تا پنجاه مایلی سیدنی رسانیدند.

### ورق بر میگردد

ولی پیروزی دریائی کشورهای متحدہ امریکا در دریای مرجان و کانال کوئال ورق را برگرداند و راه پیروزی را برای پیشرفت نیروهای دریائی متفقین باز نمود این موفقیت در حقیقت باب جدیدی را در دوران جنگ افتتاح کرد، زیرا از آن پس هر روز مقدار معتدلی سرباز و تسلیحات و غیره به نیروهای دریائی زمینی و هوائی متفقین میرسید.

در تاریخ امپراتوری انگلیس خطری به بزرگی و عظمت آن سالی که ژاپونیا تمام نقاط فوق الذکر را اشغال کرده بودند دیده نشده ولی باز جای آن دارد که ذکر شود فقط استقامت و شجاعتی انگلیس ها آن خطر را مرتفع ساخته و پیروزی حقیقی را جانشینش کرد.

### امیدها

پس از تسلیم بلا شرط آلمان دول متفق بخصوص انگلیس و فرانسه و روسیه امید داشتند که شاید بتوان سختی و مصائب را با کمترین پیروزی از یاد برد ولی متأسفانه اردوهای زجر و مشقت و کاری که آلمانها در چند ساله پیروزی موقت خود تشکیل داده و ملت کشورهای اشغال شده را به بدترین نوعی عذاب دادند این امیدها را از بین برد.

### این یکی هم

چون ژاپن هم تسلیم متفقین گردید نتیجه جبهه‌ای در تاریخ



بدبختی بشر باز شد و روزی نیست که خبر های موحش و اسف  
انگیزی از شقاوت سربازان ژاپنی نسبت به اسیران جنگی و  
افراد مدنی که در اقیانوس کبیر و چین تحت انقیاد در آوردند  
شنیده نشود .

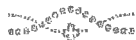
هر چه بر تعداد این اخبار افزوده گردد بهمان نسبت هم  
متفقین در نابود کردن اساس استبداد و دیکتاتوری راسختر و عزیمشان  
جز منتر میگردد .

### امپراتور

هنوز معلوم نیست که امپراتور نیمه مقدس ژاپن که برای  
افراد خود جنبه الوهیت و خدائی داود تا چه اندازه مسئول این  
غارتکاری میباشد . تنها امری که بر متفقین مسلم گشته آنست  
که اطرافیان او که محتملاً نام « لرد ها و ارباب های جنگی »  
بایشان میدهیم از هر حیث مسئول و باید در صدد جبرانکاران  
جنگ در آیند .

بزودی عموم مسوین جنگ آلمان هم در محکمه حضور خواهند  
یافت . مهمترین افرادی را که از این دسته باید نام برد دکتر شاخت  
مالیهچی معروف است که هیتلر بدون او امکان نداشت بتواند  
سیمبسم نازی خویش را شروع و بکار اندازد .

برای مهاکمه این افراد دسته می از قضات و داوران عالی  
رتبه انگلیسی اهتمام داده شد به علاوه هیتلی هم از امریکا بصوب  
بریتانیای کبیر اعزام گشته تا در این مهاکمه تشریفی شرکت کنند



## برای خاطر نوع بشر

«فرانسوا موریاک عضو آکادمی فرانسه مقاله مؤثری بعنوان  
« برای خاطر نوع بشر » در روزنامه فیکارو بتاریخ هشتم اکتبر »  
« نگاشته است که «به نیکوترین وجهی نشان میدهد چگونه هنوز  
« برخی خوش بینان تصور میکنند کابوس جنگ در جهان نابود  
« نگردیده و چگونه انسانیت بدبخت و فرسوده در معرض خطر  
« جنگ دیگری قرار گرفته است اینک این مقاله پر معنی از  
« مد نظر خوانندگان گرامی میگردد . »

\*\*\*

من از جمله آن ساده لوحان نیستم که بگویم : « چون در  
روزنامه نوشته شده است صهییح است . . » با این همه خبری را  
که بسیاری از اشخاص مانند من در روزنامه ها خوانده اند در اینجا  
قول میکنم : « امریکایی ها با عده کثیری از کار شناسان بمب های  
بالدار آلمانی و اتریشی برای پنجمال قرار دادی منعقد ساخته اند  
و این کار شناسان بزودی بطرف امریکا حرکت خواهند کرد و  
میتوانند تمام افراد خانواده خود را نیز همراه ببرند از جمله آنها  
یکی فیشر مهندس معروف آلمان است »

بدیهی است در این موقع که جنایتکاران جنگ میروند در  
مقابل دادگاه نورمبرگ جنایات و فجایع خود را پس دهند معلوم  
است که مدافعین آنها از این خبر در صورتیکه صحت داشته باشد  
تاچه اندازه استفادہ خواهند کرد و به علاوه برای يك روزنامه نگاری  
که شخص را متعصبی داشته باشد تاچه اندازه مایه تمجید خواهد بود .

البته این داستان در ظاهر چندان مهم بنظر نمی آید و به علاوه ما قصد آنرا نداریم که در اینجا از متقین بزرگ خودمان گله ای بنائیم لیکن باید تصدیق کنیم که این خبر بهترین گواه شکست موحشی است که بر نوع بشر وارد آمده است زیرا به نیکو ترین وجهی می رساند که هر سازمانی که بعد از این در جهان از قبیل جامعه ملل وغیره بوجود آید هیچگونه فائده بر وجودش مترتب نخواهد بود آیا يك شورای خانواده که یکی از ثروتمند ترین اعضای آن در مقابل طرفداران لرزان و صامت خود برای حفظ منافع خویش مسلسلی همواره بدوش داشته باشد يك شورای خانواده حقیقی خواهد بود ؟ کاش این داستان در صورت جایایان مینافت اما متأسفانه معنی بشری دارد یعنی نشانه پیروزی ماده بر روح است

پس از ده سال قصای انسانیت که در خواب غفلت و گرفتگی طبیعی در آمده بود شاید میتواند از اعلام حقوق انسان و بشر در ملتهای متقدم مددی بشوهد و بشر پس از استقلال ملتهای عظیم کمتر شاید میتواند چنان از حال این بدبختی بزرگ آگاه گردد و مخصوصاً برای آنکه بشر از این فاجعه تنها مغلوب و شکست خورده نباشد بلکه شرف خود را باز دست داد زیرا ما امروز می بینیم که در این جنگ بشری و هلاکت و خرابکاری بشر بهر وجه درجه دوم شده است

پس که خبر انشای قرار داد بین المللی امریکائی و اروپائی آلمانی و شورائی باشد این امر را که بزرگ از آن استعراج می گردد که :  
« ما هیچ آمیزشی بختک و مسلح نداریم مگر  
» آنکه تمام وسائل خرابی و الزام را ذخیره کنیم  
» حتی وسائلی را که برای ارتکاب پست ترین جنایات  
» اختراع گردیده اند و از این وسائل متعلقات استفاده  
را بنمائیم »

اینست درسی که امریکا بما یاد میدهد یعنی هیچ ابدی  
بهمنویات نباید داشت و دلایل معنوی امروز وجود خارجی ندارد  
زیرا روحی برای پذیرفتن آنها نیست. بهلاوه رهبران ملت های  
بزرگ طوری رفتار میکنند گویی فاقد روح اند. نظر ملت های  
بزرگ امروز اینست که انسانیت بکلی باید از عقاید زیبای معنوی  
چشم پوشد و تمام امید خود را برای حفظ صلح جهان متکی بدان  
نماید که چنان اسلحه های موحش و خانه براندازی اختراع کند که  
از بیم آن کشور های رقیب نتوانند بجان یکدیگر افتند زیرا در  
چنین موردی خود و دنیا را نابود خواهد ساخت.

بسیار خوب بنظر ما وظیفه آنانیست که امیدوارند مجلس مؤسسان  
فرانسه بزودی با تصویب بهبود وضع کارگر ورنجیر ثابت خواهد  
کرد که هنوز به منویات عقیده دارد آنستکه با اتفاق سایر ملتهای  
آسیب دیده به نمایندگی روح در مقابل ماده قیام نماید و ملت های  
بزرگ که بهترین اختراع را آن میدانند که بیش موجب مرعوب  
ساختن طرف گردد ثابت کنند که عالیترین اختراع بشر بدست  
آوردن اصول معنوی و اخلاقی خاصی است که جهان را یکسر از  
جهان نابود کنند.



## يك حمله اسرار انگيز بر خاك آلمان حمله ايکه سر نوشت آلمان را تغيير داد

پاسی از شب میگذشت ، یکدسته از هواپیماهای انگلیسی که مرکب از ۶۰۰ بمب افکن سنگین بود ، شبانه آسمان دریای شمال را در هم میشکافت و غرش کتان بسوی کرانه های آلمان پیش میرفت . فردای آنشب ستاد نیروی هوایی انگلیس این خبر مخمصر را منتشر ساخت :

« برخی از نقاط ناحیه «پنی مونده» واقع در آلمان که دارای تأسیسات نظامی و جنگی بوده ، در شب گذشته مورد حمله هواپیماها قرار گرفته است . »

در پس این خبر مهم و مخمصر یکی از مهمترین داستانهای جنگ پنهان شده بود ، فرماندهی بمب افکنهای انگلیس در يك جنگ هوایی بر دشمن فائق آمده و موازنه جنگ را بسود متفقین بهم زده بود . مهملات این حادثه بزرگ که تا مدت یکسال ، یعنی تا هنگام ظهور و انفجار بمبهای بالدار بر فراز لندن ، معنی ماند و همجنس جز عده معدودی از حقیقت آن خبر نداشتند .

در بهار سال ۱۹۴۳ که حملات هوایی متفقین بر شهرهای آلمان آغاز گردید ، سران نازی بجنب و جوش دو آمدند و برای برای حفظ شهرها و نقاط حیاتی خود معوم شدند که تمام فعالیت کارخانه های هواپیما سازی آلمان را صرف ساختن شکارپها کنند ، چندی بعد با آنکه تصمیم آلمانیها انجام شده و محمول کارخانه های هواپیما سازی ایشان تقریباً بشکارپها منحصر شده بود ، نیروی هوایی آنان از دفع حملات حریف عاجز آمد و نقاط حیاتی آلمان طعمه بمبهای آتشزا و انفجاری گردید .

تنها برای آلمانها يك راه امید باقیمانده بود و آن بمبهای بالدار بود که در آن هنگام نمونه هایی از آن مورد آزمایش قرار گرفته و رضای خاطر سران نازی را فراهم ساخته بود. اگر این سلاح بمقدار فراوان تولید و وارد عرصه کارزار میشد، دولت نازی میتواند بدون از دست دادن بمب افکنهای هوانوردان آزموده خویش، حملات مخرب را بر نقاط حیاتی حریف ادامه دهد و توقع ملت ناراضی آلمان را در گرفتن انتقام از دشمن بر آورد.

فرمان هیتلر اقدامات لازم برای تکمیل بمبهای بالدار و ساختن مقادیر متنابهی از آن شروع شد. سرکز اصلی تهیه و تکمیل این سلاح در یکی از مؤسسات هواپیما سازی واقع در ناحیه «پنی مونده» بود. پنی مونده در سواحل جنگلی دریای بالتیک است و ۷۰۰ میلی از انگلستان فاصله دارد. بهترین استادان فنی کارخانه های هواپیما سازی و نخبه ترین مهندسين کارخانه های فلز کاری آلمان بدین نقطه فرستاده شدند با سرپرستی ژنرال «واف کاپرونسکی» دانشمند کار دیده و ۴۹ ساله آلمانی شروع بکار نمودند. شماره این دانشمندان و مهندسين بچندین هزار نفر میرسید.

در ماه ژوئیه سال ۱۹۴۳ دائره جاسوسی انگلستان، باوجود فعالیت شدید «گشتاپو» آلمان در پنی مونده تشکیل شده مطالعات بسیار درباره گزارشهای جاسوسان ودقت در عکسهایی که بوسیله هواپیماها از پنی مونده برداشته شده بود استاد نیروی هوایی امپراتوری پیشنهاد کرد که پنی مونده را بمباران کند و مارشال «هاریس» فرمانده نیروی هوایی تصمیم گرفت که این حمله را در یکی از شبهای مهتابی ماه بعد انجام دهد. اتفاقاً در همان اوقات از سرایت آلمانها نصیب به پنی مونده

کاسته شده بود. بمب افکنهای شبانه نیروی هوایی انگلیس مرتباً همه شب برای بمباران شهرهای «اشتین» و بران از فراز پنی مونده میگذشت و مسئولین امور پنی مونده که بگذاشتن مایارات دشمن شوگرفته بودند تصور نمیکردند که نیروی هوایی انگلیس از اهمیت این نقطه با خبر شده باشد.

عکسهای هوایی مخصوصی که برای حمله بر پنی مونده ضرورت داشت، بدون آنکه نظر آلمانیها جلب شود در ضمن پروازهای مقدماتی بر بنادر بالتیک برداشته شد. این تصاویر بطراحان نقشه حمله اجازه داد که هدف اساسی را که باید بیش از سایر نقاط مورد هجوم هواپیما قرار گیرد مشخص کنند.

هدف نخستین را قسمت مسکونی دانشمندان و مهندسون، هدف ثانوی را کارخانه ها و جایگاههای بمب، هدف سوم را ساختمانها و بناهای مشغول نقشه های سلاح موزور همین کردند. از شب ۱۷ اوت که در آنوقت نامتقریباً بصورت قریباً کاملی جلوه گر میشد برای حمله انتخاب کردند.

هنگام پرواز فقط پروانوردان گفته شد که پنی مونده یکی از مراکز عمده آزمایشی دانشگاه را دارد و مثل اجتماع دانشمندان این دستگاه است و بآنان توصیه کردند تا آنجا که ممکن است حمله بیشتری از این متخصصین را تاخیر کنند و فرمانی که از طرف فرمانده نیروی هوایی صادر شده بود بدین مضمون برای ایشان موزور شد:

« اهمیت فوق العاده این هدف و لزوم تخریب آنرا بجهت برپاشیدن بمب انگلیس متذکر و مخصوصاً بآنان یاد آورید که حمله تخریب این هدف بوسیله موزور حمله صورت گیرد و هرگاه تجربه حمله دشمنان پیش نیامد و منظور بناد نیروی هوایی می آورده شود بدون توصیه به عملات و خطرات و اشکالات درجهبای پس نیز این تکرار خواهد شد »

در حدود ۶۰۰ بمب افکن چهار موتور سنگین در افک انگلستان اوج گرفتند و از طریق غیر مستقیم بسوی بنی مونده متوجه شدند و مدافعین بنی مونده ظاهراً بمادت همیشگی مقصد بمب افکنهارا « اشتین » یا برلن تصور میکردند غافلگیر شدند . نخست طیارات اکتشافی آهسته و آرام بروی هدف فرود آمدند و موشکهای رنگین خود را در اطراف آن فرو ریختند . سپس بمب افکنها دسته دسته بمبهای شدید انفجار و آتشزای خود را از فاصله چند هزار پا بر روی سه هدف پیش گفته افکندند . در مدت ۴۰ دقیقه زمین بدو زخی نورانی و فروزان مبدل شد . هنگامیکه آخرین دسته هواپیما ها بمبهای خود را فرو ریختند مراجعت پیش میکردند ، شکاربهای شبانه آلمان که پیچوده اطراف برلن انتظار دشمن را داشتند سر رسیدند و با بمب افکنها گلاویز شدند . ۴۱ بمب افکن انگلیسی در این نزاع تلف شد ولی پیروزی که یکی از بزرگترین پیروزیهای هوایی جنگ بود نصیب انگلستان گردید .

بامداد روز بعد يك هواپیمای اکتشافی از خرابیهای گشته بدشمن وارد شده بود عکس برداری کرد ، نیمی از ۴۵ ساختمان که عسکرن دانشمندان و مهندسمین فنی بود با خاک یکسان و نیمه دیگر نیز از حیرت ارتفاع افتاده بود .

بلافاصله ۴۵ دستگاه از ساختمانهای مخبرین بکارخانه و آزمایشگاهها نیز بکلی ویران و ۵۰ ساختمان دیگر بشدت آسیب دیده بود . چند روز بعد نیز بدو ریح اخبار و نهایت بخش دیگر از گوشه و کنار فرارسید .

از هفت هزار دانشمند و مهندسی که در بنی مونده گرد آمده بودند ۵ هزار تن کشته یا ناپدید شدند . زیرا در اواخر حملات انفجار بمبها با انفجار مشازن زیر زمینی و غیره توأم گشته چنان



انفجار مهیبی ایجاد کرده بود که حتی مردی را که در سه میلی  
بسر میبردند کشته بود !

در نتیجه این واقعه ظهور بمبهای بالدار در عرصه جنگ ششماه  
بتأخیر افتاد و آلمانیها نتوانستند سلاح سری را در موقعیکه برای  
استعمال آن معین کرده بودند بکار اندازند .

اگر پنی مونده دچار حمله مهیب و ماهرانه حریف نمیشد  
و استعمال بمبهای بالدار برای خراب کردن لندن و سایر نقاط  
حیاتی انگلستان ششماه بتأخیر نیافتاد بیشك این سلاح در آن تاریخ  
تأثیر فراوانی در سر نوشت جنگ میکرد و شاید بیکار را بفتح  
آلمانیها خاتمه میداد .

### جواهرات سلطنتی ورتامبرك

بقاری که روزنامه (فرانس سوار) مینویسد  
جواهرات سلطنتی ورتامبرك با چندین میلیون فرانك  
طلا در زیر زمین يك خانه دهقانی واقع در نزدیکی پادن  
كششف گردیده است . این جواهرات عبارت از يك تاج  
بسیار زیبای مزین به نگینهای الماس و دست بند ها و يك  
عصای سلطنتی از طلا و دیگر جواهرات تاریخی میباشد  
علاوه بر این جواهرات بدست افسران فرانسوی که در جنگجوی  
به کاران جنگ بودند كشف گردیده است .

## ملاقات ترومن و اتلی

اتلی نخست وزیر انگلستان روزیستم آبان با هوایما بواشنگتن وارد و مدت اقامتش در امریکا دو هفته بطول خواهد کشید .

مذاکرات وی



با پرزیدنت ترومن  
در باره مسائل  
مختلف از جمله بمب  
اتمی خواهد بود  
ممکن است که  
مکسزری کینک  
نخست وزیر کانادا  
نیز در انجمنی آنان  
شرکت جوید شاید  
در پی این کنفرانس  
انجمن سه پیشوا  
( اتلی - استالین  
- ترومن ) در آنجا  
تشکیل شود .

احتمال قوی می رود  
که مسائل زیر در  
موقع ملاقات این دو

مشر اتلی نخست وزیر انگلستان

پیشوا درواشنگتن مطرح مذاکره قرار گیرد: ۱- قضیه فلسستین و لزوم  
حل سریم آن . ۲- قضیه نیروی اتم و بمب اتمی و چگونگی استفاده  
از آن . ۳- روابط بازرگانی اقتصادی امریکا و انگلستان . ۴- مسئله  
شکست کنفرانس وزیران امور خارجه متفقین که در لندن منعقد شده بود

## جامعه ملل در گذشته و حال

این نکته شایان نهایت توجه است که در حین جریان وقایع سیاسی قوری و مهم حال حاضر کمیته مقدماتی سازمان ملل متفق که در لندن مشغول تهیه مقدمات افتتاح سازمان مزبور است بهیچوجه جلب نظر نسکرده است و مردم و مطبوعات جهان بآن اهمیت نداده اند. دستگاهی که برای حفظ صلح جهان بکار افتاده نباید مورد عدم توجه مردم جهان قرار گیرد ولو اینکه قسمت مهم عملیات آن بطوط و یا صعبیح از نظر مردم پنهان باشد زیرا موضوع بسیار پر اهمیتی در تاریخ نژاد بشر در شرف وقوع است.

بشردر اثر آزمایش اشتباه ترقی میکند و متایسه بین سازمان ملل متفق سال ۱۹۴۵ و جامعه ملل گذشته که در سال ۱۹۱۹ بوجود آمد بشوری معلوم میدارد که چگونه سازمان جدید تکامل یافته است.

جهانبان بهادار دارند که جامعه ملل گذشته بهیچوجه کوتاهی نکرد و عدم موفقیت آن در نتیجه کوتاهی و قصور مللی بود که آنرا تشکیل میدادند.

ملی کوچک و بزرگ جهان که از این موضوع سرمشقی گرفته اند اکنون چنین تصمیم دارند که نداشته نیروی نظامی و قدرت اجبار نباید دیگر جامعه ملل جهان را فلج کند.

یککشوری این امنیت بلکه کمیته کارشناسان سیاسی و واحدهای نیروی هوایی و کتب از واحدهای ملل احشاء جامعه قدرتی به اعتبار سازمان جدید ملل متفق میگذارد که بهیچوجه با استیلا و قدرت جامعه ملل قدیم قابل مقایسه نیست.

برخی تصور میکنند که مطالب فوق قبل از ماه ژوئن امسال یعنی تاریخ پیدایش بمب اتمی صحیح بود و چون این بمب کلیه اصول جنگ و اشکر کشی را منقلب کرده است دیگر کار شورای امنیت و سازمان ملل متفق بسیار سبک شده است ولی این موضوع اشتباه عظیم و خطرناکی است.

اگر قرار باشد جنگ آینده جنگ بمب اتمی و موشک های عظیم و دارای برد بسیار باشد بنابراین فوریت و اهمیت مسئولیت سازمان ملل متفق و شورای امنیت ده برابر و بلکه صد برابر زیاد میشود و باید بمبی که بر شهرناکازاکی فرو ریخته شده آخرین بمبی باشد که در جنگ بر شهرهای جهان ریخته شده است این تصمیمی است که برای اجرای آن سازمان ملل متفق بوجود آمده است و اگر در این تصمیم شکست بخورد آینده تمدن بشر نابودی است. از این جهت کلیه جهان متعین باید در این تصمیم متفق باشند که سازمان ملل متفق نباید به هیچوجه عدم موفقیت حاصل کند و باینکه اصولاً فکر عدم موفقیت در آن راه یابد.

هنگامیکه کنفرانسی سانفرانسیسکو تشکیل شد پیش بینی هایی دراجتماع اختلافات آینده شده بود و یکی از بزرگترین این اشکالات که شاید مهمترین آنها بود عدم رضایت دولتهای کوچکتر از نظریه شرح مرج پنجدولت بزرگی که اعضاء دائمی شورای امنیت را تشکیل میدادند بود. این پنج دولت عبارت از انگلستان، امریکا، روسیه، فرانسه چین میباشد. دلیل موفقیت متاف این پنج دولت روشن است. اشتیاق و حکومت معمولاً در دست کسانی است که دارای قدرت و قوت میباشند این منطق بتوصیل پاره ای از دولت ها علناً مورد استفاده قرار گرفت ولی پاره دیگر چنین تصور میکردند که اگر شورای امنیت یعنی هر یازده عضو که عبارت از شش دولت کوچک بعنوان کلیه اعضاء دائمی غیر ثابت و پنجدولت بزرگ بعنوان

اعضاء دائمی باشد دارای حقوق و رأی مساوی باشند مسئله تسلط و هرج مرج دولتهای بزرگ کمتر نمایان میشود .  
بدیهی است تصور اینکه هر چهار دولت بزرگ و هر شش دولت کوچک عضو شورای امنیت در تمام موارد برخود ذات بخصوصی رأی بدهند خارج از موضوع است و موضوع توهم از اینکه ناشی از ترس و واژه یکی از دولتهای بزرگ از ائتلاف بر ضد وی و یا منظور تثبیت تسلط دولتهای بزرگ باشد کار شورای امنیت را فاجع مینماید .

دستر بون چندی پیش اظهار داشت که نمایای دول بزرگ در شورای امنیت بخصوص مسئله «و تو» انقدر هم که تصور میرود مهم نیست ولی این حرف در صورتی صحیح است که از حق «و تو» سوء استفاده نشود سازمان ملل متفق مظهر يك فكر بسیار عالی است و در عین حال بیک موضوع بسیار عملی و مهمی برای آینده جهان بشمار میرود . این سازمان بزرگ اسباب و ابزار مقدماتی برای حکومت بین المللی است و برای مرتبه اول در تاریخ تمدن بشر بیاك سازمان بین المللی قوه مجریه نیز عطا شده است .

از این دو حقیقت يك سلسله همکاریهایی بین المللی بوجود میآید ولی راه رسیدن باین هدفها همواره صاف و بی دشمنی نیست . حاضر حاضرین يك سرویس اداری بین المللی که کارمندان آن از بین زنان و مردان پنجاه ملت گوناگون انتخاب شوند و تعهد کنند که وفاداری نسبت بسازمان ملل متفق را مقدم بر وفاداری بکشورهای مربوطه خود قرار دهند کار بسیار بزرگ و سنگینی است . تنها امیدواری منتهی بر اینست که این سازمان موفق خواهد شد کافی نسبت باینکه باید با ایمان برخواستن و پخت شده کاری کرد که این سازمان موفق گردد اگر يك سازمان بین المللی نتواند از وقوع جنگ جلوگیری کند بعد بنظر میرسد که دولتهای جهان مستقلا و خود بخود باینکار موفق گردند .

## اخلاق و رسوم ژاپنها

ارتشی مرکب از يك ميليون و نيم سرباز شروع باشغال جزاير و اين نموده است اين بيگانگان باباصلاح ژاپنها «سيوجينها» قطعا از اخلاق و آداب عجيب مردم کشور ژاپن بعيرت خواهند افتاد.

### گياشاهها

سئوالی که اغلب اوقات از مسافريی که از ژاپن بازگشته اند مينمايند راجع بگياشاهها است . درزندگی مردم اين سرزمين بقدری گياشاهها اهميت دارند که ژاپن معروف بکشور گياشاهها شده است . مملكت نبايد اين تعريف را صحيح دانست زیرا در حقيقت گياشاهها مخصوص طبقه ممتاز هستند که در ژاپن اقليتی را تشكيل ميدهند . گياشا گيست ؟

اين موجود زيبا که جلدانيت و حرکات دلغريش در اشعار شعرائی که ژاپن را سياحت کرده اند توصيف شده است بر خلاف تصور عامه زيادی زن معروفه نيست . گياشا بايد با اصول تربيت و هنرپيشگی آشنا باشد و همین آشنائی باين اصول او را در جامعه ژاپنی فرد ممتاز ميگرداند . گياشا خدمات خود را در مقابل مبلغی که ازقرار ساعتی تعيين ميشود انجام ميدهد و هنگاميکه او را کسی اجير کرده اين مبلغ را باو ميپردازد .

گياشا چه کارهائی انجام ميدهد ؟

وقی بمصاحبت کماني که او را دعوت ميکنند ميپردازد و بايد بتواند آواز بخواند ، ساميزن ( تار ژاپنی ) بنوازد ، رقص کند ، مستغانن تزيينگويد در مصاحبت عشقی با مربوط بهنر های زيبا با مسائل اجتماعي و سياسي اظهار نظر کند ، و نوشابه خوراك تمارف کند باگر شده و ناز ديگران را سرگرم کند بالجملة در مهمانيها پذيرائي

کرده و این ضیافتها را با حرکات و اطوار خود شیرین و دل انگیز سازد. در زاین میهمانی یا گردش بدون گایشا معنی ندارد و چون زن نمیتواند در مجالس پذیرائی شرکت کند یا بمصاحبت میهمان بپردازد گایشا این کار را انجام میدهد.

### زن

اگر از خارجیا سؤال شود که آیا بمنزل زاینها رفته و باذر میهمانی آنها شرکت کرده اید یا نه بندرت جواب مثبت داده میشود البته خانه های زاینی صورت حرم ندارد که زنها در آن محبوس باشند ولی زن اصولاً در روابط و مناسبات شوهر خود با خارج دخالتی ندارد و در حقیقت موجود منزوی است که منحصرأ بامور داخلی خانه و تربیت بچه ها و اگر پدر شوهر و مادر شوهر هم داشته باشد بمواظبت آنها میردازد زن زاینی باید اصل «سه نوع اطاعت را رعایت نماید یعنی پیش از ازدرج باید از پدر و مادر خود و پس از ازدرج از شوهر و در صورت مرگ شوهر از فرزندان خود اطاعت کند. زن زاینی صفات نیکویی دارد که همه آنها لطف و معیت و تواضع و وفاداری است چون از حقوق و مزایای اجتماعی خود محروم میباشد یکی از اقدامات مهمی که باید در راه استقرار اصول عدالت و دموکراسی در زاین بعمل آورد تأمین آزادی نسوان و تساوی حقوق زن و مرد میباشد.

### کودکان

زاین معروف به بیست کودکستان است و وجه این تسمیه آن است که زاینها نسبت ببالبال شدن بترجیح مخصوصی دارند و روشی همین است. کودکان زاینی همیشه با تربیت ، عاقل ، مؤدب و متوسم میباشد و اگر بکنز خارجی بپوشند شرمی نمیکند غالباً اتفاق افتاده است که من مدتی در باغ ملی یا در جاده ای توقف کرده و با کودکان زاینی سرگرم صحبت و مکالمه با این کودکان

حیرت آور است زیرا در کشوری که تکلف بحد اعلی حکم فرماست  
سادگی جواب و سؤال اطفال قابل توجه میباشد مملکت با ازدیاد سن  
و با گذاشتن بدوران بلوغ تغییرات زیادی در اخلاق آنها پیدا میشود  
بطوریکه همین که دوران کودکی آنها پایان رسید مردمانی دقیق  
بر حرف ، وقت شناس شده و در صحبت خود با خارجیا پیوسته سعی  
میکنند عظمت امپراتوری ژاپن را یاد آور شده و مخاطب بیگانه  
خود را متقاعد سازند که ژاپن را یاد آور شده و مخاطب بیگانه  
خود را متقاعد سازند که ژاپن کشور آسمانی و ما فوق الممالك  
دیگر میباشد .

### مذهب

ژاپنیها تعصب مذهبی چندانی نداشته و دین در نظر آنها جنبه  
تفریح و ترفن را دارد .

ادیان مهم شایع در ژاپن مذهب بود ، مسیح کنفو سیوس  
میباشد . تقریباً هوم ژاپنیها پیرو یکنوع آئین مخصوص بنام  
« شینتوئیسیم » میباشد این مملکت که بنام « راه خدایان » موسوم  
است بر اصول احترام و تقدیس نیاکان و بویژه گرامی داشتن  
ارواح خدایان دیرین یعنی امپراتوران سابق ژاپن مؤسس میباشد  
بطور کلی در کشور آفتاب یافتن یکنفر که دارای مذهب همین  
و مخالفی باشد غیر مقدور است و معتقدات مردم این سر زمین  
متفاوتی از ادیان و مذاهب مختلف که با خرافات زیادی توأم است  
میباشد .

من با چند تن ژاپنی سواقی دوستی دارم که ایشان خود  
را کتولیک معرفی میکردند در صورتیکه امپراتور را بنحله پاپ  
اعظمی که از طرف خدا برگزیده شده میدانستند .

### نظافت

یکی از صفات مشخص ژاپنیها حالت تمیزی فوق العاده بنظافت



بدن میباشد چنانچه تعداد گرمای های شهر توکیو متجاوز از سه هزار میباشد بیشتر منازل ژاپن دارای حمام است و اهالی این کشور شستشوی بدن را همانند خوراک روزانه امری واجب و لازم شمرده هر روز با استحمام آبپاشی که درجه حرارت آن به ۴۰ درجه سانتیگراد میرسد استحمام مینمایند. معمولاً حمام جای ملاقات عمومی بوده و هر روز صبح اهالی ژاپن در مواقع شستشوی بدن از اخبار شهر اطلاع پیدا نموده و گرمایه بهترین میعاد برای دیدن و باز دیدن های دوستانه میباشد.

### انتحار

خودکشی « هارا کیری » در کشور ژاپن بعکس سایر ممالک امری بسیار عادی میباشد گویا مردم این سر زمین از اهالی ممالک دیگری علاقه و میل کمتری بهیات و زندگی خود دارند از مرگ بیشتر میند و با اراده خود بهیات خویش خاتمه میدهند. اغلب ژاپونها بهیات فجالت و چنانچه خود میگویند برای اینکه رو و چهره خود را از شرمساری و خجالت نجات دهند به خود کشتی متوسل میگرددند. اغلب جهت اعتراض بما فوق خود انتحار کرده و با متلاطم خود قتل این است که باک نامه فوری با خون برای او میفرستند.

نوع دیگر از خودکشی که در ژاپن تحت عنوان « شوجو » خوانده میشود و آن انتحار شوق و معشوقی است که از دواج آنها بنا بهائی غیر ممکن بوده و یا عوائقی در پیش دارد. اغلب این نوع انتحار ها دو جانبه میباشد و بیشتر اتفاق میافتد که این عاشق و معشوقها خود را در دریا غرق میکنند یا اینکه بالای کوه رفیع آتشفشانی دست را در هم نموده و یکباره خود را به طرف پایین پرتاب نموده و برای ششجاری بدنهای دیگر رهسپار میشوند.

## يك مقاله خواندنی

### رقابت در خاور میانه

— ❦ —

« جمیس لاندیس یکی از بزرگترین روزنامه نگاران امریکایی »  
« است که مدت ۱۶ ماه از سپتامبر ۱۹۴۳ ریاست اداره »  
« حملیات اقتصادی امریکا را عهده دار بوده است و بعنوان »  
« نماینده امریکا در اداره حمل و نقل خاور میانه و رأی زن »  
« مخصوص سفارت خانه های امریکا در بغداد و قاهره و تهران »  
« در مسائل مربوط به خاور میانه نقش بزرگی بازی کرده است. »  
« وی اخیراً راجع به خاور میانه مقاله ای نگاشته است که در »  
« سرتاسر امریکا تأثیر فراوان پخشیده است و چون این مقاله از »  
« لحاظ ایران دارای اهمیت فراوان است . ما اینک عین آن را »  
« از مد نظر خوانندگان گرام میگذرانیم . در این مقاله بخوبی »  
« میتوان دید که امریکا عزم جزم کرده است که در امور »  
« خاور میانه علاقه بیشتری ابراز داشته و در نگاهداری صلاح و »  
« آرامش این منطقه حساس دنیا جدا شوکت جوید . »

بسیاران دهشتی از طرف فرانسوی ها بار دیگر چینه احتراق  
آهیز منطقه خاور میانه را به بنیان نشان داد . این حادثه از آن  
جمله حوادث ساده مربوط به بحث میهن پرستی یا فساد اداری نیست  
بلکه یکی از حوادثی است که مصوباً در خاور میانه روی  
میباشد . بسیاری از این حوادث هم انگیزه ملی جنگ اخیر در ایران  
و مصر و یمن و فلسطین روی داده که موجب تولید اختلافات  
شدیدی بین روسها و انگلیس ها و فرانسوی ها گردیده است .  
برخی ها تصور میکنند که این حوادث علائم اعمال زور یا استبداد است  
افراطی است . اما ظن قوی میرود که این حوادث تبدیل با انقلابهای

بزرگی گردد که دنیای عرب را بکلی متشنج کند و در این صورت تعیین روش امریکا برای وزارت امور خارجه ما کاری بس دشوار خواهد شد.

ما امریکائیوں کو راجع بہ اہمیت لشکر کشی خاور میانه باید

اطلاعات کافی بدست آوریم مخصوصاً موقعیت این منطقه را از

لاحظا امپراتوری مورد بر دسی قرار دهیم در حقیقت روای

امپراتوری فرانسه در اثر نیروی دریایی شگرف انگلیس در دلتای

نیل و بعداً در اثر اقدامات «کیچینر» در قاشودا نابود گردیده و آنها

اثر کوچکی از این رؤیا در سوریه و لبنان باقی ماند.

شهر ناقی آدیس آبابا نیز سلامت پایان رویای موسیقایی است

بودن عالمان نیز امید آلمان را برای زمین بدر و اژه های خاوری

مبدأ اول به این بود اما در قواعدی دیگر نیز

رومیه شوری که میانه آبراهه شرق و غرب تهران است

به میانه است ترازهای پیشین رو به رویه دارد در جهت به سمت آوردن

د افغانستان د هندوستان واکمنانو د ژوند او دین د احوالو په باره

المجلس الأعلى للدراسات والبحوث

۱.  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$     ۲.  $\frac{1}{x^3} = x^{-3}$     ۳.  $\frac{1}{x^4} = x^{-4}$     ۴.  $\frac{1}{x^5} = x^{-5}$     ۵.  $\frac{1}{x^6} = x^{-6}$     ۶.  $\frac{1}{x^7} = x^{-7}$     ۷.  $\frac{1}{x^8} = x^{-8}$     ۸.  $\frac{1}{x^9} = x^{-9}$     ۹.  $\frac{1}{x^{10}} = x^{-10}$     ۱۰.  $\frac{1}{x^{11}} = x^{-11}$     ۱۱.  $\frac{1}{x^{12}} = x^{-12}$     ۱۲.  $\frac{1}{x^{13}} = x^{-13}$     ۱۳.  $\frac{1}{x^{14}} = x^{-14}$     ۱۴.  $\frac{1}{x^{15}} = x^{-15}$     ۱۵.  $\frac{1}{x^{16}} = x^{-16}$     ۱۶.  $\frac{1}{x^{17}} = x^{-17}$     ۱۷.  $\frac{1}{x^{18}} = x^{-18}$     ۱۸.  $\frac{1}{x^{19}} = x^{-19}$     ۱۹.  $\frac{1}{x^{20}} = x^{-20}$     ۲۰.  $\frac{1}{x^{21}} = x^{-21}$     ۲۱.  $\frac{1}{x^{22}} = x^{-22}$     ۲۲.  $\frac{1}{x^{23}} = x^{-23}$     ۲۳.  $\frac{1}{x^{24}} = x^{-24}$     ۲۴.  $\frac{1}{x^{25}} = x^{-25}$     ۲۵.  $\frac{1}{x^{26}} = x^{-26}$     ۲۶.  $\frac{1}{x^{27}} = x^{-27}$     ۲۷.  $\frac{1}{x^{28}} = x^{-28}$     ۲۸.  $\frac{1}{x^{29}} = x^{-29}$     ۲۹.  $\frac{1}{x^{30}} = x^{-30}$     ۳۰.  $\frac{1}{x^{31}} = x^{-31}$     ۳۱.  $\frac{1}{x^{32}} = x^{-32}$     ۳۲.  $\frac{1}{x^{33}} = x^{-33}$     ۳۳.  $\frac{1}{x^{34}} = x^{-34}$     ۳۴.  $\frac{1}{x^{35}} = x^{-35}$     ۳۵.  $\frac{1}{x^{36}} = x^{-36}$     ۳۶.  $\frac{1}{x^{37}} = x^{-37}$     ۳۷.  $\frac{1}{x^{38}} = x^{-38}$     ۳۸.  $\frac{1}{x^{39}} = x^{-39}$     ۳۹.  $\frac{1}{x^{40}} = x^{-40}$     ۴۰.  $\frac{1}{x^{41}} = x^{-41}$     ۴۱.  $\frac{1}{x^{42}} = x^{-42}$     ۴۲.  $\frac{1}{x^{43}} = x^{-43}$     ۴۳.  $\frac{1}{x^{44}} = x^{-44}$     ۴۴.  $\frac{1}{x^{45}} = x^{-45}$     ۴۵.  $\frac{1}{x^{46}} = x^{-46}$     ۴۶.  $\frac{1}{x^{47}} = x^{-47}$     ۴۷.  $\frac{1}{x^{48}} = x^{-48}$     ۴۸.  $\frac{1}{x^{49}} = x^{-49}$     ۴۹.  $\frac{1}{x^{50}} = x^{-50}$     ۵۰.  $\frac{1}{x^{51}} = x^{-51}$     ۵۱.  $\frac{1}{x^{52}} = x^{-52}$     ۵۲.  $\frac{1}{x^{53}} = x^{-53}$     ۵۳.  $\frac{1}{x^{54}} = x^{-54}$     ۵۴.  $\frac{1}{x^{55}} = x^{-55}$     ۵۵.  $\frac{1}{x^{56}} = x^{-56}$     ۵۶.  $\frac{1}{x^{57}} = x^{-57}$     ۵۷.  $\frac{1}{x^{58}} = x^{-58}$     ۵۸.  $\frac{1}{x^{59}} = x^{-59}$     ۵۹.  $\frac{1}{x^{60}} = x^{-60}$     ۶۰.  $\frac{1}{x^{61}} = x^{-61}$     ۶۱.  $\frac{1}{x^{62}} = x^{-62}$     ۶۲.  $\frac{1}{x^{63}} = x^{-63}$     ۶۳.  $\frac{1}{x^{64}} = x^{-64}$     ۶۴.  $\frac{1}{x^{65}} = x^{-65}$     ۶۵.  $\frac{1}{x^{66}} = x^{-66}$     ۶۶.  $\frac{1}{x^{67}} = x^{-67}$     ۶۷.  $\frac{1}{x^{68}} = x^{-68}$     ۶۸.  $\frac{1}{x^{69}} = x^{-69}$     ۶۹.  $\frac{1}{x^{70}} = x^{-70}$     ۷۰.  $\frac{1}{x^{71}} = x^{-71}$     ۷۱.  $\frac{1}{x^{72}} = x^{-72}$     ۷۲.  $\frac{1}{x^{73}} = x^{-73}$     ۷۳.  $\frac{1}{x^{74}} = x^{-74}$     ۷۴.  $\frac{1}{x^{75}} = x^{-75}$     ۷۵.  $\frac{1}{x^{76}} = x^{-76}$     ۷۶.  $\frac{1}{x^{77}} = x^{-77}$     ۷۷.  $\frac{1}{x^{78}} = x^{-78}$     ۷۸.  $\frac{1}{x^{79}} = x^{-79}$     ۷۹.  $\frac{1}{x^{80}} = x^{-80}$     ۸۰.  $\frac{1}{x^{81}} = x^{-81}$     ۸۱.  $\frac{1}{x^{82}} = x^{-82}$     ۸۲.  $\frac{1}{x^{83}} = x^{-83}$     ۸۳.  $\frac{1}{x^{84}} = x^{-84}$     ۸۴.  $\frac{1}{x^{85}} = x^{-85}$     ۸۵.  $\frac{1}{x^{86}} = x^{-86}$     ۸۶.  $\frac{1}{x^{87}} = x^{-87}$     ۸۷.  $\frac{1}{x^{88}} = x^{-88}$     ۸۸.  $\frac{1}{x^{89}} = x^{-89}$     ۸۹.  $\frac{1}{x^{90}} = x^{-90}$     ۹۰.  $\frac{1}{x^{91}} = x^{-91}$     ۹۱.  $\frac{1}{x^{92}} = x^{-92}$     ۹۲.  $\frac{1}{x^{93}} = x^{-93}$     ۹۳.  $\frac{1}{x^{94}} = x^{-94}$     ۹۴.  $\frac{1}{x^{95}} = x^{-95}$     ۹۵.  $\frac{1}{x^{96}} = x^{-96}$     ۹۶.  $\frac{1}{x^{97}} = x^{-97}$     ۹۷.  $\frac{1}{x^{98}} = x^{-98}$     ۹۸.  $\frac{1}{x^{99}} = x^{-99}$     ۹۹.  $\frac{1}{x^{100}} = x^{-100}$     ۱۰۰.  $\frac{1}{x^{101}} = x^{-101}$     ۱۰۱.  $\frac{1}{x^{102}} = x^{-102}$     ۱۰۲.  $\frac{1}{x^{103}} = x^{-103}$     ۱۰۳.  $\frac{1}{x^{104}} = x^{-104}$     ۱۰۴.  $\frac{1}{x^{105}} = x^{-105}$     ۱۰۵.  $\frac{1}{x^{106}} = x^{-106}$     ۱۰۶.  $\frac{1}{x^{107}} = x^{-107}$     ۱۰۷.  $\frac{1}{x^{108}} = x^{-108}$     ۱۰۸.  $\frac{1}{x^{109}} = x^{-109}$     ۱۰۹.  $\frac{1}{x^{110}} = x^{-110}$     ۱۱۰.  $\frac{1}{x^{111}} = x^{-111}$     ۱۱۱.  $\frac{1}{x^{112}} = x^{-112}$     ۱۱۲.  $\frac{1}{x^{113}} = x^{-113}$     ۱۱۳.  $\frac{1}{x^{114}} = x^{-114}$     ۱۱۴.  $\frac{1}{x^{115}} = x^{-115}$     ۱۱۵.  $\frac{1}{x^{116}} = x^{-116}$     ۱۱۶.  $\frac{1}{x^{117}} = x^{-117}$     ۱۱۷.  $\frac{1}{x^{118}} = x^{-118}$     ۱۱۸.  $\frac{1}{x^{119}} = x^{-119}$     ۱۱۹.  $\frac{1}{x^{120}} = x^{-120}$     ۱۲۰.  $\frac{1}{x^{121}} = x^{-121}$     ۱۲۱.  $\frac{1}{x^{122}} = x^{-122}$     ۱۲۲.  $\frac{1}{x^{123}} = x^{-123}$     ۱۲۳.  $\frac{1}{x^{124}} = x^{-124}$     ۱۲۴.  $\frac{1}{x^{125}} = x^{-125}$     ۱۲۵.  $\frac{1}{x^{126}} = x^{-126}$     ۱۲۶.  $\frac{1}{x^{127}} = x^{-127}$     ۱۲۷.  $\frac{1}{x^{128}} = x^{-128}$     ۱۲۸.  $\frac{1}{x^{129}} = x^{-129}$     ۱۲۹.  $\frac{1}{x^{130}} = x^{-130}$     ۱۳۰.  $\frac{1}{x^{131}} = x^{-131}$     ۱۳۱.  $\frac{1}{x^{132}} = x^{-132}$     ۱۳۲.  $\frac{1}{x^{133}} = x^{-133}$     ۱۳۳.  $\frac{1}{x^{134}} = x^{-134}$     ۱۳۴.  $\frac{1}{x^{135}} = x^{-135}$     ۱۳۵.  $\frac{1}{x^{136}} = x^{-136}$     ۱۳۶.  $\frac{1}{x^{137}} = x^{-137}$     ۱۳۷.  $\frac{1}{x^{138}} = x^{-138}$     ۱۳۸.  $\frac{1}{x^{139}} = x^{-139}$     ۱۳۹.  $\frac{1}{x^{140}} = x^{-140}$     ۱۴۰.  $\frac{1}{x^{141}} = x^{-141}$     ۱۴۱.  $\frac{1}{x^{142}} = x^{-142}$     ۱۴۲.

مهر از طرف دولت ایران - ۱۳۸۱

$$x^2 + y^2 + z^2 = 1 \quad x^2 + y^2 + z^2 = 1 \quad x^2 + y^2 + z^2 = 1$$

2000 年 1 月 1 日 至 2000 年 12 月 31 日止

$$d_{ij}^{\text{eff}} = d_{ij} - \frac{1}{\rho_i} \sum_k \left( \frac{d_{ik}}{\rho_k} \right) + \frac{1}{\rho_j} \sum_l \left( \frac{d_{lj}}{\rho_l} \right)$$

$\mu_{\text{max}} = 0.15 \text{ h}^{-1}$  (1980) and  $0.17 \text{ h}^{-1}$  (1981) for *S. aureus* and  $0.12 \text{ h}^{-1}$  (1980) and  $0.14 \text{ h}^{-1}$  (1981) for *E. coli*.

$\frac{d}{dt} \left( \frac{\partial L}{\partial \dot{x}} \right) = \frac{\partial L}{\partial x}$

Wavelength of the incident light,  $\lambda$ , is given by

$$P_{\alpha} = \frac{m_{\alpha}}{m_{\alpha} + \frac{1}{\alpha} \sum_{i=1}^n \frac{1}{\alpha_i}} \quad \text{for } \alpha \in \mathcal{A}, \quad \text{and} \quad P_{\alpha} = \frac{m_{\alpha}}{m_{\alpha} + \frac{1}{\alpha} \sum_{i=1}^n \frac{1}{\alpha_i}} \quad \text{for } \alpha \in \mathcal{A}.$$

2. Call on the subject of the day and page 11

تجزیه امپراتوری عثمانی بدست آوردن اسهام نفت عراق برای اتباع امریکا اصرار زیادی بخرج دادیم. همچنین اعلامیه «بالفور» و قیمت فلسطین را تأیید کردیم. لکن بیش از این قدمی برنداشتیم و گذشته از این دو موضوع و پشتیبانی از برخی از تأسیسات خصوصی خود هیچ اقدام دیگری ننمودیم و منطقه خاور میانه را کاملاً آزاد گذاشتیم. اگر هم گاهی دستور هائی به نمایندگان دیپلماتی ما فرستاده میشد کمتر تعقیب میکردید و گذشته از این اگر هیئت‌هایی از طرف امریکا بخاور میانه اعزام میکردید تحت ریاست مردان نا آزموده ای قرار میگرفت و بطور کلی نفوذ و اهمیت مادرخاور میانه بسی ناچیز بود.

بدیهی است که سیاست خارجی را نمیتوان با همین اقدامات ساده اداره کرد و برای جلب توجه عموم به برخی مسائل تنهائید. با انتشار اطلاعات دیپلماتی اکتفا نمود بلکه برای ایجاد این علاقه در یک کشور دموکراسی بزرگی مانند امریکا باید دست با اقدامات مثبت زد و مخصوصاً این عقیده را ثابت کرد سرنوشت این منطقه اساس دنیا بستگی کاملی به مقدرات ما دارد و هرگاه این عقیده در کشورها رسوخ نیابد حتی بر همه‌ا ترین اقدامات دیپلماتی کاری از پیش نخواهد برد.

تاکنون اقدامات مادرخاور میانه تابع مناسبات ما با کشورهای بزرگ بوده و روش ما نسبت به مصر و سوریه و ایران فرقی از سیاست نسبت به انگلیس و فرانسه و ایتالیا نداشته و همین عصب همانند که دو «تقیق» وجود دارد در نقشه‌های ما مشاهده نمیشود. امروز موضوع مهمی که در میان است آنست که آیا سیاست پیشین یا آن سیاست ناقص باید همچنان ادامه یابد یا آنکه این منطقه حیاتی در سرنوشت دنیا آنقدر اهمیت دارد که توجه بیشتر و فعالیت سیاسی زیاد تر را ايجاب کند یا نه؟

## «لیلی» با فرودگاه هواج اختراعی که در حمل و نقل هوایی انقلابی تولید خواهد کرد

رادیوی لندن باز برای بار دیگر خبر یک اختراع هیجان انگیزی را بگوش شنوندگان خود رسانید که بدون شبهه در آینده نزدیکی انقلاب بزرگی در اوضاع حمل و نقل با هواپیما حاصل نموده و در نزدیک کردن دورترین نقاط دنیا بیکدیگر نقش بزرگی بازی خواهد کرد. برقراری که اطلاع داده: یکی از انسان سابق نیروی دریائی انگلیس که در وقت حال دانشمند بزرگی است «فرودگاه هواچی» اختراع کرده است که در حال اقیانوس هواپیما با آن بن بار میتواند به آسانی بر آن فرود آید و نام این فرودگاه توپانور را لیلی گذاشته است.

«لیلی» برای نخستین بار در هنگام پیمانه شدن فوای متعین در نوبانسی مورد استفاده قرار گرفت و در موقعیت بسیار بزرگ متعین نقش فوق العاده بزرگی بازی کرد. سپس توان آن تکمیل گردید و تغییرهای اخیر ثابت کرده است که میتوان از آن استفاده بزرگ نمود. اساس این اختراع آنکه هنوز جزئیات آن کار را معلوم نگردیده عبارت از آنست که دانشمند انگلیسی کاری کرده که فشار وارد بر تخته بار، کوچکتر میماند باقی است با فشاری که بر تخته ای ۴۰۰۰ بار بزرگتر از آن وارد آید. در نتیجه هواپیماهای بسیار سنگین میتوانند با نهایت سهولت در فرودگاه

مواج کوچکی که به آسانی میتوان حرکت داد یا در هر نقطه از اقیانوس که لازم باشد ثابت کرد فرود آیند .

مخترع لیلی که « هامیلتون » نام دارد بر آنست که این فرودگاه توسط هوای نه تنها در آینده بسیار نزدیک در حمل و نقل هوایی انقلاب تولید خواهد کرد بلکه در حقیقت فاصله های دراز را میان کشور های دور دست از میان بر خواهد داشت بوسیله چند فرودگاه موج میتوان فاصله دریاهای و اقیانوسها را تقریباً از میان بردیدن معنی که در فواصل همین از این فرودگاهها قرارداد و مانند پلی کشورها را بهم متصل نمود . مثلاً با این اختراع میتوان فاصله ۲۲ میل دریای مانش را بین فرانسه و انگلیس بکلی از میان برده و انگلستان را بقاره اروپا وصل کرد . علاوه بر این کشتی های اقیانوس نورد نیز میتوانند برای بنزین گیری و تامین نیاز مندیهای خویش از این فرودگاهها که حکم بندر گاههای موجی را دارند استفاده کامل نمایند و در نتیجه مسافت طولانی را با سرعت و سهولت بیشتری طی کنند .

یکی دیگر از فوائد بزرگ این اختراع جدید آنست که کاملاً از خطرات هوایمانی و کشتی رانی جلوگیری میکند بدین قرار که به از این کسانی که در اقیانوسها از هواپیما بدريا می افتند یا آنکه در اثر یخبندان آمد کشتی شرق میشوند بطور قطع از مرگ رهایی خواهند یافت زیرا میتوان در هر فاصله چند میلی از فرودگاهها مانند پست های امدادی قرار داد و کمک آنها از شرق کشتی ها یا از هلاک شدن مغموفین جلوگیری نمود .

### شهر دریائی

یکی دیگر از فوائد بزرگ اختراع جدید آنست که میتوان در میان دریا جزایر حقیقی ایجاد کرد و با مخارج خیلی گاههای

زیبائی برپا نمود مخصوصاً استفاده از این فرودگاههای موج برای کشورهایی که در مناطق حاره واقع شده اند فوق العاده مؤثر خواهد بود و میتوان کرانه های مصنوعی زیبایی ایجاد کرد.

### چگونه ساخته میشود؟

فرودگاههای موج عبارت از الوارهای بزرگی است که بوسیله قنی بهم متصل گردیده و با محاسبه فیزیکی نیروئی در این تخته ها ایجاد کرده اند که میتوانند سنگین ترین بارها را تحمل کنند.

### تأثیر این خبر

بعضی اینکه رادیوی لندن این خبر همچنان انگیز را منتشر ساخت کلیه روزنامه های انگلیسی شروع به تفسیر آن نموده و همه این اختراع را یکی از بزرگترین حوادث دریائی میدانند که انقلاب بزرگی در هواپیمائی و کشتیرانی حاصل خواهد کرد.



نمایی از فرودگاه موجی ساخته شده در آلمان

## دولت شوروی هم

بمب اتمی دارد



مطبوعات آمریکا پس از بررسیهای دقیق اکنون متوجه شده اند که دولت شوروی هم بمب اتمی دارد زیرا مجله ای که از طرف شورویها در آمریکا منتشر میشود در ماه مارس ۱۹۴۵ یعنی ۵ ماه قبل از اینکه نخستین بمب اتمی بر هیروشیما افکنده شود در طی مقاله ای نوشت که دولت شوروی توانسته است از اتمهای اورانیوم استفاده کند و طولی نخواهد کشید که از نیروی این اتمها برای بکار انداختن ماشینهای مختلف استفاده خواهد کرد. بدو آمریکا آنها تهموز کردند این مجله جعلی است و بآن تاریخ چاپ شده ولی پس از تحقیقات برای آنها مسلم شد که در همان موقع بطبع رسیده است. بعضی از محافل آمریکائی معتقدند اگر دولت شوروی از اسرار بمب اتمی آگاه بود چرا آنها بر علیه آلمان بکار برده و پس از استمال نخستین بمب اتمی از دولتن آمریکا و انگلستان تقاضا کرد فورموله این بمب را در دسترس آنها بگذارند؟ ولی اینکه بی برده اند که کوچکترین بمب اتمی دارای فورموله ای متفاوت است لذا آنها فقط یکی از آنها را انتخاب کرده و توانسته اند از نیروی آن در شش و افزایش قوای ماشین استفاده کنند. پس از واکم هیروشیما یعنی پس از اولین بمب اتمی بر این شهر رویمها خراب شدند با همان فورموله که آمریکا و انگلستان میقات شده اند اتم را در جنگ بکار برند استفاده کنند. نکته قابل توجه دیگر گفتار رادیو لندن است که اظهار داشت (یول ریوت) عالم معروف فرانسوی



میگویند که دولتشین شوروی و فرانسه در مدت ۶ ماه آتی خواهند توانست بمب اتمی برای خود تهیه نمایند. روسها در یکی از جزایر دانمارک در اواخر جنگ عده‌ای از علمای آلمان را اسیر نمودند که مشغول ساختن بمب اتمی بودند. روسها این علمای شوروی انتقال دادند و تمام ماشین آلات و گزارشهای آنها را با خود بردند. عالم مزبور اضافه نمود که بمب اتمی که از طرف دولتشین شوروی و فرانسه ساخته خواهد شد ۶۰ برابر قوه بمب اتمی خواهد بود که بر علیه ژاپن بکار برده شده است.



هنرریش برای سابق آلمان

## هیتلر عاشق شده بود!

سری که تا کنون کسی از آن اطلاع نداشت  
کسیکه عشق پیشوای آلمان را تحقیر میکند!  
هیتلر برای عشق خود هدیه میفرستد!

## در آن موقعیکه . . .

در آن هنگامیکه ارتش شکست ناپذیر (ا) هیتلر و ماشین  
مهییب جنگی آلمان کشور های کوچک را یکی پس از دیگری  
تسلیم میکرد!

در آن ساعتی که پیشوای آلمان مست غرور و شهوت خود  
بکشور گشائی برداشته و ملتهای ضعیف و دست و پا بسته را  
مجبور میساخت که در مقابلش زانو بزنند! . . . و در آن  
دقایقی که همه دوستداران هیتلر با تحسین و اعجاب به پیشوا و جنگهای  
برق آسای او خیره شده بودند!

## خوشای هیتلر

ناگهان جوش و خروش عجیبی در اطراف هیتلر و حادتهای  
کمه پای نسبت میدادند بر پا شد حتی روز نامه ها و مجلات را  
مجبور ساخت که در اطراف نصبه باهاج و برک زیادی قلمفرسایی  
کنند و اندکی دیدند دوستداران پیشوای آلمان را بییند و  
متوجه سازند.

یکی از روزنامه های خارجی راجع به اتفاقی که مارینو دانیل  
هنرپیشه مشهور تأثیر از هیتلر در مونیخ در ضمن نمایشش نمود بعمل

آورده بود مقاله ای نکاشت و بلافاصله سایر جرابد آنرا با آب و تاب بیشتری نقل کردند و تفسیرهای مختلفی در پیرامون آن نگاشتند کم کم این قضیه اهمیت بیشتری بخود گرفته و در هر محفل و مجلسی سخن از آن به میان آمد تا اینکه بگوش ایدر حزب نازی رسید و پیشوا در بافت که غریب دشمنانش از این قضیه که با نهایت اخفا صورت گرفته بود استفاده کرده و ممکن است همین موضوع موجب این شود که هیتلر با شکست سیاسی سختی مواجه گردد. فوراً یگشتابوی آلمان امر کرد هر روزنامه چه در آلمان و چه در سرزمینهای عتصرقی راجع باین قضیه چیزی ننویسند یا هر کسی در باره این موضوع سخن گوید بدون درنگ توقیف شدیداً مورد تعقیب قرار گیرد بعداً حوادث شدید جنگی نیز این موضوع را کم کم از خاطرها برد و دیگر کسی جرئت نکلم کوچکترین سخنی در پیرامون ماریون دانیل و هیتلر نکرد.

### اسرار فاشی میشود !

اخیراً که آلودان مخصوص هیتلر بدست متفقین اسیر شد بسیاری از خبرنگاران امریکائی این سریشوای آلمان را فاش کرد و اظهار داشت که هیتلر شبی که ماریون دانیل را در روی صحنه قاتل مونیخ مشاهده نمود و هنر نمائی او را در هنگام رقص تماشا کرد قلباً فریفته او شد و وقتی هم که از نزدیک با او صحبت کرد با آنکه ماریون دانیل شوق او را تعجب نمود ولی هیتلر که دیوانه وار عاشق شده بود این بی اعتنائی را ناچیز شمرده و با بی اهمیتی فاشی کرد !

### هیتلر در نمازگاه های ایسک

همین خبر نگار شرح این ماجرا و چگونگی ایجاد عشق

و فریفته شدن هتلر را نسبت به ماریون دانیل بزرگوار از اشخاص متفرقه کسب کرده و برای روزنامه خود نگاشته است.

ماریون دانیل که یکی از هنرپیشگان مشهور آمریکائی است قبل از آغاز جنگ بین آلمان و آمریکا یارو با مسافرت میکند ابتدا در برلین و سپس در مونیخ در نمایش شرکت مینماید. ماریون در نمایش اخیر خود که هتلر نیز بطور مخفیانه ای حضور یافته بود چنان هنر نمائی و دلربائی میکند که موجب میشود تماشاچیان چندین بار برایش کف بزنند.

ماریون مسافرت خود ادامه داده به فرانسه می رود و همه جا با استقبال شایان توجهی روبرو میشود.

### تلگراف فوری از مونیخ

یکی از روزهای ماه فوریه به ماریون دانیل تلگرافی از مدیر تأثیر مونیخ میرسد که از او خواش کرده بود فوراً برای شرکت در جنگ برنامه جعلی به مونیخ حرکت کند. ماریون که میل مراجعت به مونیخ را نداشت به تلگراف اطمینانی نمیدهد، دو روز بعد مجدداً تلگراف دیگری میرسد که در این تلگراف تقاضا شده بود حتماً با هواپیمای مخصوصی که برایش خواهند فرستاد خود را به مونیخ برساند و حتماً تمهید شده بود که مبلغ یک هزار دلار هم برای یکشب او خواهند پرداخت.

ماریون ناچار قبول میکند و با مادرش به طرف مونیخ در راه می افتد.

### شبهه شادی هتلر

نمایش که به ملت حضور هتلر با تشریفات خاصی برپا شده بود ماریون دانیل همان هنر نمائی را که در سایر نمایشهای خود ابراز می داشت در این شب نیز از خود بروز داد و موجب شد که

نمایشچیان چندین بار برایش کف برتند و از طرف هیتلر دسته  
گلی برایش فرستاده شد !

### پیشوای آلمان رنگش پریده بود

هیتلر که در تمام مدت نمایش در از مخصوص خود لحظه ای  
چشم از صحنه تأثیر برنیداشت چنان رنگش پریده بود که گاه گاه  
دسته مبل را بستی فشار میداد بغاوریکه آجودان مخصوصش بنویس  
این حرکت غیر عادی پیشوا را احساس میکرد .

### ماريون وقت ملاقات هیتلر را ندارد

بعد از نمایش ماريون دانیل باطاق توالت رفت تا آبسهایی  
خود را بپوشد مدیر نمایش وارد اتاقش شده با شغف و مسرت  
سیماندی گفت :

پیشوای ما میل دارد شمارا بار معرفی کنم .

مدیر نمایش بمنهایت متعجب شد وقتی دید ماريون دانیل با  
کمال خوشحالی و بی احتیاطی اظهار داشت که بهیچوجه وقت ملاقات  
هیتلر را ندارم .

### هیتلر تبریکات میگوید ؟

مدیر تاش که کاملاً مضطرب شده بود بزحمت دانیل را  
راضی کرد که املا جهت استغاثه بمن پیشوا نزدیک شود . ماريون  
با مادرش بدون هیچ بیم و ترس و با کمال خوشحالی و بی احتیاطی  
بپدر پیشوا نزدیک شد و مدیر تأثیر که رنگش پریده بود و از  
عاقبت این صحنه خشممید تواندست دانیل را به هیتلر معرفی کند .  
پیشوای آلمان در حالیکه رنگش سرخ شده بود از جای  
خاست و اظهار داشت :

ما سوازل این موفقیت بزرگ را بشما تبریک میگویم ؟

## عشق هیتلر تحقیر میشود !

ماربون بدون اینکه باز هم کوچکترین تغییری در حالتش  
بدیدار شود با کمال خونسردی و بی اعتنائی مثل اینکه با یک  
تماشاجی عادی صحبت میکنند گفت :

متشکرم آقا !

سپس بدون درنگ خدا حافظی کرده و بطرف اطاق خود رفت .

ماربون دانیل همان روز از مونیخ حرکت نموده و آلمان را  
برای همیشه ترک گفت .

ولی هنر پیشه مشهور نمیدانست که دیکتاتور آلمان فریفته

او شده بود !

## هیتلر عشق خود را فراموش کرد !

با شکستهای پی در پی در تمام جبهه های جنگ هیتلر عشق

خود را فراموش کرد ولی گاهگاه موقههیکه خبر مبرمید ارتشهای

آلمان اندکی پیش رفته اند و پیشوا شاد و خندان میشدند

هیتلر میشنید که پیشوای نازی نام ماربون دانیل را بر زبان میآورد

از خاطره آتش با خود سخن میگویی !



## سازمان فرهنگی ملل متفق

نسل کنونی شاهد دو جنگ بزرگ جهانگیر بوده که بر اثر آن خانها بیادرفته ، شهرها ویران شده ، سیلهای خون بهر طرف جاری گردیده و میلیونها نفوس در خاک و خون غوطه ور شده اند .

پس از جنگ نخست ، ملل فاتح درصدد برآمدند که با وسایل سیاسی از بروز جنگ دیگری جلوگیری کنند ولی چنانکه همه دیدیم متأسفانه موفق نشدند و بار دیگر آتش و خون دنیا را فرو گرفت ، این مرتبه ملل متفق در صدد آمده اند اصول عمیقتر و مؤثرتری برای جلوگیری از وقوع جنگ دیگری برقرار نمایند که بیشتر قابل اعتماد باشد .

اماسی که میخواستند شالوده صلح آینده را بر روی آن قرار دهند عبارت است از برقراری حسن تفاهم از راه ایجاد روابط ادبی و نشر فرهنگ و ارتباط فکری و روحی میان تمام ملل جهان . همین منظور انجمنی با شرکت بیست و نه وزیران کشورهای متفق در لندن تشکیل گردید و طرحی تهیه نموده برای اولیاء دول متفق فرستادند تا مورد مطالعه قرار داده و نظریات خود را بوسیله نمایندگان خویش در کنفرانسی که اول ماه نوامبر در لندن تشکیل میگردد اظهار نمایند .

دولت ایران که یکی از دول متفق است این پیشنهاد را استقبال کرده و نمایندگان خود را برای شرکت در آن انجمن تعیین نموده و با نام قریبات .

نومحمدخان آقاییان حکمت ، دکتر معدنی و دکتر میرزایی که نمایندگان دولت ایران تعیین شده اند علاوه بر مفاعلات فطری که دارند مفاعلهای دوازده رشته امور فرهنگ مطالعه نموده و عمل

غیر از راه تصدی مقامات مختلف فرهنگی معلومات گرانمایی بدست آورده اند از این لحاظ جای امید واری است که این مأموریت مهم را با متتها درجه موفقیت پایان برسانند .

اسامنامه سازمان فرهنگی ملل متحد در مقدمه خود بعمل تشکیل این انجمن اشاره کرده و می نویسد :

جهانیان در عصر حاضر بواسطه جنگ مواجه با انهدام منابع فرهنگی و پرورش وسائل نشر علم و معرفت شده اند ، تخریب منابع فرهنگی که بدست کشور های دشمن در قسمت عمده ممالک اروپا و آسیا صورت گرفته ، نابودی آموزگاران هنرمندان دانشوران و پیشوایان فکر ، سوزاندن کتب ، غارت و یغمای شاهکار های صنعتی تاراج بایگانی ها ، ربودن اشیاء و ادوات علمی همه با هم وضعی ایجاد کرده که برای تمدن جهان و صلح دنیا چیزی از آن خطرناکتر تصور نمیتوان کرد .

این اوضاع تنها منحصر بکشور هایی نیست که در معرض حمله و تاخت و تاز دشمن واقع شده بلکه آثار آن در سراسر جهان مشهود است :

دنیای کنونی نیازمند آنست که از طریق علم و فرهنگ بهم مربوط باشد و معروم کردن هر قسمت این جهان از منابع فرهنگی قسمت دیگر منابعی که بوسیله آن نو باوگان کشور های جهان باید تربیت شوند مانند آنست که معارف عمومی بشریت را یکبار معلوم کنند و وسائل فهمیدن و فهماندن را از میان بردارند و صلح و امنیت جهانی را باین بمانند زیرا صلح و امنیت روی معارف عمومی و تفاهم افراد و ملل قرار دارد .

بسیترین مسئله ای را که این سازمان باید در سالهای نخستین تأسیس خود قرار دهد عمل مشککاتی است که به از جنگ موقع تجدید سازمان فرهنگ ملل عالم بوجود آمده است ، کیفیت و میزان احتیاج



مساعدت و همکاری در تجدید حیات فرهنگی و ایجاد تسهیلات  
 مادی در کشورهایی که بر اثر فشار مصائب جنگ خسته و فرسوده  
 شده اند و روشی که طبق آن بایستی این مساعدت انجام گیرد از  
 جمله مسائلی است که مورد تحقیق و بررسی این سازمان قرار  
 خواهد گرفت بنا بر این میتوان گفت که مقصود این سازمان فرهنگی  
 در جهت است یکی تکمیل روابط و ایجاد حسن تفاهم و احترام به  
 فرهنگ و هنر و علوم و ادبیات ملل جهان بطوریکه برای صلح  
 جهان پایه و بنیاد محکمی باشد دیگری همکاری برای نشر و پیشرفت  
 علوم و ادبیات عموم بشر بطوریکه همه ملل از آن استفاده کنند  
 و در اثر آن اوضاع اقتصادی و سیاسی بصورت ثابتی مستقر شود  
 برای حصول این مقصود سازمان فرهنگی و پرورشی وسائل  
 مشورت و تبادل نظر میان اولیاء فرهنگی ملل صلحخواه جهان را  
 تسهیل مینماید. در راه آزادی نشر آراء و اطلاعات میان ملل دنیا از  
 راه مدارس و دانشگاهها و مؤسسات مختلف فرهنگی و رادیو  
 و سینما و کنفرانسهایی بین المللی و تبادل آموزگار و دانشجو  
 گسترش میکند. موجبات تکامل نقشه ها و طرح های آموزشی فرهنگی را  
 فراهم میسازد و بکشورهایی که برای تکمیل پیشرفتهای فرهنگی  
 تقاضای کمک کنند مساعدت مینماید.

هر يك از دول متفق دارای حق عضویت این سازمان هستند  
 و حق امتیاز از آن را هم بشمول اینکه تسهیلات مالی خود را انجام  
 داده و در حال خود ترقت خود را اعلام نمایند. سایر متراهم  
 دیگران است بنا به پیشنهاد هیئت مجریه با کثرت دو ناک آراء  
 بصورت پایبند است.

هر يك از دول عضو سازمان حق يك رأی در کنفرانس  
 دارند. کنفرانس عالی بیکبار تشکیل خواهد شد و در مواقع لزوم

ممکن است بنابینش نهاد هیئت مجریه جلسات فوق العاده تشکیل دهد  
جلسات کنفرانس در کشور های مختلف تشکیل میشود .

هیئت مجریه مرکب از پانزده تن میباشد که از میان نمایندگان  
انتخاب خواهند شد .

اعضاء هیئت مدیره در انتخاب نخستین پنج تن برای مدت سه  
سال و پنج تن برای مدت دو سال و پنج تن برای یکسال انتخاب  
میشوند اعضاییکه برای سه سال انتخاب شده اند پس از خاتمه مدت  
بلا فاصله حق انتخاب مجدد را نخواهند داشت ولی آنها که برای  
کمتر از سه سال انتخاب شده اند این حق را دارند .  
هیئت مجریه اختیار دارد هر وقت محلی خالی ماند عضو جدیدی  
برای آن تعیین کند .

هیئت مجریه رؤسا و صاحب منصبان خود را انتخاب نموده  
بوسیله تصمیماتی که در کنفرانس گرفته میشود آیین نامه های  
لازم را وضع خواهد نمود .

سازمان فرهنگی دول متفق دارای شخصیت بین المللی و صلاحیت  
قانونی است .

دول عضو سازمان همان حقوق و مزایا معیونتها و منافعهت را  
در باره سازمان تسهیلاتی را برای یکدیگر قائل خواهند بود این  
مزایا شامل معیونت از هر نوع تعقیب قانونی معافیت از مالیات  
و حقوق گمرکی و بطور کلی هر گونه مزایا و حقوقی که  
در احوال مشابه آن دولتها نسبت بکارمندان رسمی و دفتری دول  
خارجیه منظور میشود خواهد بود .

این اساسنامه موقتی اجرا میشود که بیست دولت از مال متفق  
در کمیون مقدمانی فرهنگی و پرورشی قبول عضویت نموده باشند

## یکی از شکست انگیز ترین وقایع جنگ اخیر

سنان کلافتون جزیکي از افسران نیروی پادشاهی انگلستان است که قبل از ورود به خدمت سربازی شغلش هنرپیشگی در تئاترها بوده است. روزیکه او در یکی از تئاترهای نظامی مشغول بازی بود «انتوانس سرویس» انگلیس متوجه شباهت فوق العاده او به ژنرال مونت گمری شد و برای آنکه موقعی انجام دل مهمتری را بهمه او واگذار نمایند ستوان چیز را تحت تعلیمات قرار داد. افسر نامبرده باهوش و ذکاوت بی نظیرش در مدت کوتاهی موفق گردید که عیناً تمام اطوار و حرکات و حتی طرز تکلم مونت گمری را تقلید نماید و همین موقع جنگهای خونین و شدیدی بین قوای انگلستان و نیروی آلمان در آفریقای شمالی جریان داشت و آلمانها متصد بودند که بعضی آنکه ژنرال مونت گمری از محل فرماندهی خود دور شود حمله قطعی و نهایی را شروع کنند.

انتوانس سرویس از این موضوع اطلاع یافت و ستوان چیز را بنام ژنرال مونت گمری با اتفاق افسران پادشاهی انگلستان به وسیله هواپیما به جزیره سترک و ژنرال ویلسون با تشریفات مخصوصی تا فرودگاه با استقبال او آمد و موقعیکه از خیابانها و کوچه های الجزیره میگذشت تمام اهالی و ساکنین شهر بطرز شایان توجهی نسبت باو ابراز احساسات میکردند این همیشه زیر دست بقدری خوب نقش خود را ایفا نمود که کوچکترین شک و تردیدی را ایجاد نکرد.

آلمانها فرمانی آنروز بتسور آنکه ژنرال هر آنجزیره است «له را شروع کردند ولی این بار هم مانند هزاران بار دیگر اشتباه کرده و بالتبعیه یا شکست سختی متوجه شدند.

ترجمه : اردیبهشت ماه ۱۳۰۳

## اخلاق ملت ژاپن

### تأثیر تمدن اروپائی در آداب و سنن ژاپنیا ۱

هر وقت که صحبت از اخلاق و رفتار مردم ژاپن شود انسان چیز های عجیبی میشوند و از همین مذاکرات است که شخص بروحیات این ملت عجیب پی میرد .

شاید بطور اختصار بتوان گفت که ژاپنیا بطور عموم مردمی با انضباط ، مطیع ، سخت کار بوده و در بین خود بقیود اجتماعی اهمیت فراوان میدهند ، وظیفه را بالاتر از حق می شمارند ، بیشتر بفکر خانواده و اجتماع هستند تا شخص خود ، از عطریات خوششان می آید و سعی میکنند همیشه با ادب و تربیت بوده و کوچکترین اشتباهی از ایشان سرزنند .

آنهائی که در ژاپون زیست نموده اند اظهار میدارند که صرف نظر از اخلاق و صفات فوق ژاپونی از هیچ حیث دیگری با مردم سایر ملل فرقی ندارد . و البته موضوع آداب و سنن قدیم یعنی « تراشیون » باین قسمت اضافه نگاشته است .

ژاپونی ها علاقه عجیبی به حفظ آداب قدیمی خود دارند و اگر چه اکنون هزاران سال از آن میگذرد معینا از کلیه آثار و که باقی مانده ثابت میکنند که به هیچ وجه تغییری در يك یا کلیه آنها وارد نیامده است .

بزرگترین دلیلی که بر این مدعا میتوان آورد آنست که در طول تمام این مدت بودائسم و مسیحیت در آن کشور توانسته است آنطور که شاید و باید رسوخ یافته و یا از بین رود .

اگر چه باره را هتیده بر آنست که مدتیست رژیم فئودالیته از آن مملکت رخت بر بسته است . ولی لحظه ای دقت و تأمل در این

امریات مینماید که سیستم حکومت ملوک الطوائفی سابق هنوز هم در ژابن حکمرما است طوریکه هم اکنون فردی با قدرت و اهت تمام بر کلیه «ملوک» جزء فرمانروائی میکند . همین شاهزادگان کوچک و بسط قدرت روز افزون ایشان سبب گردید که رشد سیاسی در ژابن کم شود و هرگاه بخواهیم آنها با سایر موفقیتهای مملکت زرد بوستان مقایسه کنیم به حقیقت تلخی میرسیم .

بعضیها متعجبند که با وجود چنین حالتی چرا اتحاد کامل و یگانگی بینظیر بین مردم عجیب ژابن برقرار است ؟ تنها جوابی که برای ایندسته از افراد میتوان یافت آنست که ژابونیها با وجود اختلاف مسلک و اخلاقیهای مخصوصی هر ناحیه معینا لحظه ای که سخن از ژابن و مبین پیش آید همه اختلافات را بیکسوی میرنند و مهمتر آنکه در عادات اجتماعی ملی عموماً در يك پیاده قدم بر میدارند .

این اتحاد را باید معلول تنهایی آنها دانست . چه از وقتی که ژابن خود را بیاد می آوردیکه و تنها در جزایر بی محدودیت خویش مانده و از نفوذ خارجی ها و اختلاط جنس و خون جاوگیری بعمل آورد هیچیک از ممالک دنیا تا بحال در مسافت از نفوذ و نفوذ بیگانگان باین حد با فشاری و استقامت به سرخ نداده است .

اما از آنجاییکه تمدن به سرعت و مسافت الفاظ و معانی دیگر و نظامی اندکی اعتنائی نمیشاید ، لذا تمدن بدختر آن مملکت را افت و با توسعه منابع جدید و تربیت و تعلیم اجتماعی زندگی مردم ژابن نیز بدون انتظار و فکر خودشان تغییر یافت این تحولات از اواسط سده نوزدهم میلادی آغاز گشت و سپس ادامه یافت . حمل و نقل آسان ... استفاده از ماشین آلات صنعتی ... استفاده کارگر در کارخانه ها ... مسافرت مردم از ده بدیو پیاده های وسیع و خوب و شاید مهمتر از همه ، تعلیمات اجباری سبب تحولات بزرگی

در نحوه زندگی این زود بوستان گردید . طریقه ساده سابق از بین رفت و وضع نوینی جایگزین آن گردید . در حقیقت باید اذعان نمود که ساختمان اصلی واستخوان بندی زندگی و تمدن جدید ایشان بر روی پایه های صحیح و بنیانی استوار گذارده شد ولی چنانچه در فوق مذکور شد باید اعتراف کرد که کلیه این نفوذ های خارجی و تمدن دنیای قرن بیستم توانست ذره تغییر «در تراسیون» ایشان وارد آورد هر فرد ژاپونی به تنهایی در نگاه داری آنها میکوشد و این مجاهدت بیشتر در طبقه زارع که کمتر با محیط خارجی و اجنبی سروکار دارد محسوس می باشد .

ولی فشار های اقتصادی که بردوش شهر نشینان ، کارگران طبقه متوسط ، کارمندان دولت ، کارخانه های کوچک مخصوصاً زارعین و مالکین اراضی کوچک می باشد موجب عدم رضایت ایشان گردیده و امکان ندارد که انسان بتواند کسی را راضی از اوضاع عمومی بیابد .

این فشارها که در هر کشوری بالاخره تولید انقلاب میکند در ژاپن کاری نمود زیرا نفوذ اصلی و قدرت کلی امپراتور بدست یکمده افراد بخصوصی است که «خدای» ژاپون را احاطه کرده و ارتباط وی را با جهان حقیقی قطع ساخته اند . این دسته افراد بدون ذره رحم و عطوفت ، بدون کمی تفکر و تعقل ، هر کس را که مخالف خویش باشد بدیار عدم میفرستند و اعتنائی ندارد که چه افرادی بیگناه و چه اشخاصی گناهکارند سیاست اینها سوزانیدن خشک و تر با هم است تا نفوذ خود را نگاه داشته و هر قدر که بتوانند بر این ملت سوار ی کنند .



## آمار وحشت آور جنک

—۵۴—

اکنون که جنک پایان یافته است، کشورهای بزرگ یکی پس از دیگری تعداد تلفات و خسارات خود را مرتباً اعلام میدارند هر مملکتی نسبت خود بار سنگینی را متحمل گشته و بدبختانه باید اذعان نمود که تلفات جانی در این جنک فوق العاده زیاد و اصولاً قابل مقایسه با کشته شدگان جنک بین المللی اول نمیشود.

با ملاحظه آمار زیر که امپراتوری بریتانیای کبیر در آخر جنک آلمان و قبل از تسلیم بلاشرط ژاپن انتشار داده است قسمتی از اعداد جنون آور تلفات این چند سال اخیر پی خواهید برد ولی باید بدانید که تلفات جنک از زمان شکست آلمان تا تسلیم بلاشرط ژاپن هم فوق العاده زیاد بوده و بدون شك در همین روزها آمار صحیح آنها هم انتشار خواهد یافت.

نام کشته	مردان	زنان	کودکان	جمع
امپراتوری	۷۷۲۰۸۷	۵۷۸۷۷	۲۷۵۹۷۵	۱۶۲۸۶۲۰
کانادا	۱۶۶۰۹۹	۶۸۶۶	۵۰۰۷۳	۱۰۹۰۰۸
استرالیا	۶۶۶۱۰	۶۰۱۹	۲۵۹۷۷	۹۸۷۱۰
ژاپن	۵۸۱۵	۶۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۲۸۱۵
آمریکای	۶۷۱۵	۱۶۶۰	۱۲۷۷۷	۱۵۰۵۰
هندوستان	۲۲۷۹۵	۹۷۹۵	۶۰۰۰	۲۷۹۹۰
مصر	۶۷۵۱	۱۰۸۶۱	۵۷۷۱	۱۰۰۰۰
جمع کل	۱۲۲۲۲۲۲۲	۱۰۰۰۰۰۰۰	۳۳۰۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰۰

نام - کشته-مردم-زخمی-کشته-زخمی-اسیر-جنگ-جمع  
ناویان -

بازرگانی	۳۰۸۶۷	۴۶۹۰	۴۲۵۲	۵۵۰۶	۴۵۳۱۵
افراد دفاع ملی	۱۲۰۶	۰۰۰	۵۵۷	۰۰۰	۱۷۶۳
مردهای سویل	۲۶۹۲۰	۰۰۰	۴۰۷۳۹	۰۰۰	۲۷۶۵۶
زنان سویل	۲۵۳۹۲	۰۰۰	۳۷۸۱۶	۰۰۰	۶۳۲۰۹
اطفال	۷۷۳۶	۰۰۰	۷۶۲۳	۰۰۰	۱۵۳۵۹
تأشناس	۵۳۷	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۵۳۷

چنانکه در بالا مذکور شد تلفات این جنگ زیاد بوده ولی باید دانست که تلفات بطور کلی یعنی چه سرباز و چه غیر سرباز فوق العاده بود. زیرا هواپیماهای بمباران در این جنگ به نهایت فعالیت داشته و با فرو ریخته شدن بمب عده از بین میرفتند.

ولی کشته شدگان افراد نیروهای مسلح را اگر با جنگ بین المللی اول مقایسه کنیم میبینیم که این بار به نسبت ( ۱ : ۱ ) بوده در حالیکه آندهفته به نسبت ( ۲ : ۱ )

در مقابل اشخاص سویل زیاد کشته شده اند در بین صالحی ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ از این نوع اشخاص فقط ۱۱۱۷ نفر قتل رسیدند ولی از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ بیش از ۶۰۵۸۵ نفر





## نامه های متبادله میان مستر بوین

وزیر امور خارجه انگلیس

و مستر مولوتف کمیسر امور خارجه شوروی



روز یازدهم اکتبر مستر ایدن از مستر بوین وزیر امور خارجه انگلیس راجع به تغلیه قوای روس و انگلیس از ایران در پارلمان متوالی کرد. متن کامل سوال وجود ذیلا درج میشود:

مسترایدن از وزیر امور خارجه پرسید آیا راجع به تغلیه قوای متفقین از ایران اظهاراتی دارند یا نه ؟

مستر بوین جواب داد بسیار متشکرم که آن نماینده محترم بمن فرصت داد که در این باب اطلاعاتی بپارلمان بدهم. پارلمان باید دارد که موضوع ایران در پوتسدام مورد بحث قرار گرفت و ترتیبی راجع به تغلیه قوای تهران از قوای متفقین داده شد و تغلیه قوای انگلیس بموجب ترتیب فوق اکنون تقریباً پایان یافته و آقای مولوتف بمن اطمینان داده است که تصمیم راجع به تغلیه قوای شوروی از تهران نیز بهرود اجرا گذاشته شده است.

در کنفرانس پوتسدام راجع با اقدامات بعدی در تغلیه ایران از قوای متفقین نیز موافقت شد که موضوع در نخستین شورای وزیران مورد بحث قرار گیرد. البته پس از کنفرانس پوتسدام توضیحات بیشتری تشریف یافت.

در نتیجه سخنان جناب آقایین مواد پیمان سه گانه راجع به تغلیه کامل ایران از قوای روس و انگلیس در تارفت شش ماه پس از محاسبات خود بخود وارد مرحله عمل میشود. ولی چون این موضوع بر نامه کنفرانس وزراء امور خارجه قرار گرفته بود من بهتر دانستم

نظر دولت انگلستان را در این باب کاملاً روشن سازم و بنا بر این نامه ذیل را باقای مولوتف نوشتم :

### متن نامه :

پس از آنکه در کنفرانس یوتسدام تصمیم گرفته شد که موضوع مراحل بعدی در تخلیه قوای متفقین از ایران در برنامه شورای وزیران خارجه قرار گیرد اوضاع در نتیجه پایان یافتن جنگ و این تغییر پیدا کرده است . دولتین انگلیس و شوروی اینک تخلیه کامل ایران از قوای خود را قبل از دوم ماه مارس ۱۹۴۶ یعنی شش ماه پس از امضاء سند تسلیم واپن هملی خواهد کرد .

راجع به تاریخ تخلیه تنها چیزی که باید اکنون انجام دهیم این است که از شورای وزیران خارجه خواستار شویم دوم ماه مارس را بعنوان تاریخ مزبور یادداشت نمایند .

با این حال بنظر اینجانب چنین میرسد که چون قوای مربوطه مادر ایران وظائف زمان جنگ خود را که برای آن بایران فرستاده شده بودند انجام داده اند دولتین روس و انگلیس ممکن است در این باب مطالبه نمایند که آیا میتوانند آرزوی طبیعی دولت ایران را که مایل است حتی الامکان منطقه وسیعتری از خاک خود را هرچه زودتر از حضور قوای خارجی فارغ بپند هملی سازند .

بنابر این اینجانب میخواهم هنگامی که این موضوع در شورای وزیران امور خارجه مطرح میشود پیشنهاد کنم که دولتین انگلیس و روس موافقت نمایند که نیرو هملی آنها در نیمه دسامبر ۱۹۴۵ تمام ایران را تخلیه کنند بجز اینکه نیروهای انگلیسی در منطقه نفت جنوب از اندیمشک بیابن و نوای شوروی در آذربایجان تاتاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ باقی باشند .

همچنین مایلیم پیشنهاد کنم که حد افراطی کارشناسان اداری که

برای تصفیه مسائل مربوطه بتاسیسات نظامی لازم است مشمول پیشنهاد  
تخلیه فوق نباشند.

این کارمندان در مکانهایی که این گونه تأسیسات موجود  
است تازمانی که تصفیه امور مربوطه بآنها را انجام نداده اند میتوانند  
باقی بمانند ولی البته آنان نیز مانند سایر افراد نیروهای شوروی  
و انگلیس تا دوم ماه مارس ۱۹۴۶ عزیمت خواهند کرد.

من مقتضی دانستم که چون قصد داشتم این پیشنهاد را هنگامیکه  
شورای وزیران خارجه موضوع تخلیه را مورد بحث قرار میدهند  
طرح نمایم شما را قبلاً از قصد خود مطلع سازم.

آقای مولوتف جواب نامه مرا چنین داد :

از اینکه در ضمن نامه مورخ ۹ سپتامبر روش دولت انگلستان را  
در موضوع تخلیه قوای انگلیس و شوروی از ایران با اطلاع اینجانب  
رسانیده اید متشکرم.

من نیز بشو به خود باید اطلاع جنابعالی برسانم که تصمیم کنفرانس  
سه دولت شوران راجع بتخلیه قوای متفقین از تهران هم اکنون از  
طرف دولت شوروی وارد مرحله اجرا شده است.

در خصوص تخلیه ایران از کلیه قوای شوروی دولت شوروی  
میدانای که اطلاع دارید این نظر را دارد که آنچه در قرار داد  
سه گانه انگلیس و شوروی و ایران قلمبند شده است بصورت پذیرد  
در صورت لزوم طرح تخلیه نهایی قوای شوروی و انگلیس  
از ایران ممکن است موضوع در اواخر سال مذکور بین ما مورد  
بحث قرار گیرد بنابر این دولت شوروی احتیاجی نمیبیند که این  
موضوع در شورای وزیران شور خارجه مطرح گردد.

در نتیجه تبادل این نامه ها که شمس خوانین انگلیس و شوروی  
برای معتمد نمودن وظایفی که بموجب بران نسبت بایرین برعهده  
گرفته بودند مطرح میدارد موقعی که این موضوع در تاریخ بیست  
دوم سپتامبر در شورای وزیران شور خارجه مطرح شد آقای مولوتف

و اینجانب شوری را از تبادل نامه ها مستحضر داشتیم شورای مربوط  
تبادل نامه ها را بین ما یادداشت نمود و موافقت کرد که نظر  
بباید این نامه ها مذاکره در باب تخلیه قوای انگلیس و شوروی از  
ایران اقتضا ندارد و میتوان آنها را برنامه کنفرانس خارج ساخت  
در يك نامه دیگر من شرح زیر را با قای موافقت نوشتم :

### هشتم نامه دوم مستر بوین

بسیار خوشوقتیم که ما چنین تفاهم صمیمانه در مورد تخلیه  
ایران از قوای متفقین که راجع بآن من در تاریخ ۱۹ سپتامبر  
بشما نوشتم و شما در بیستم سپتامبر بمن جواب دادید حاصل کرده ایم  
ولی متأسفیم که در نتیجه يك تردیدی در ترجمه يك سوء تفاهمی  
در خصوص منظور نامه شما روی داده است : اختلاف در زبانها البته  
سبب اشتکالاتی میگردد. برای ما سوء تفاهمی از ترجمه متن روسی  
نامه اول آقای مولوتف حاصل شد از این قرار که جمله «در اواخر  
مدت مزبور» که در آن نامه ذکر شده بود اشتهاً «پس از پایان  
مدت» ترجمه شده بود. همکاران من از اطلاع باینکه راجع بتاریخ  
تخلیه ایران از نیروهای متفقین یعنی دوم مارس سال ۱۹۴۶ یا ۶  
ماه پس از امضای سند تسلیم ژاپن در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵  
توافق گاهل بین انگلستان و شوروی حاصل شده اظهار نهایت خوشوقتی  
نمودند و دولت انگلستان براساس این توافق مسئول صدور دستور  
پبقامات مسئول نظامی انگلستان میباشد. آقای مولوتف سپس چنین  
جواب داد : از اینکه نامه مورخ بیستم سپتامبر اینجانب سبب در فضیلت  
شما گردیده خوشوقتیم. ما علم بیکبار دیگر اظهار نمایم که در مورد  
دولت شوروی موضوع تخلیه ایران از قوای نظریاتیکه بمان مخصوصی  
که شوروی راجع بآن دارد موجود است بطور کلی صورت مسئله  
مشغولیتی را بشغور نگرفته بود تقاضا دارم در نظر داشته باشید که  
دولت شوروی اهمیت فوق العاده ای نسبت بانتهام وظایفی که بر عهده  
گرفته تا این است .

## طلای انگلیس

چطور این ذخیره بزرگ از انگلستان به جایی دیگر  
انتقال داده شد ؟

.....

بزرگترین قمار های جهان ، در حالیکه آلمان نفوذ فوق العاده  
داشته و بر کلیه اقیانوسها بخصوص دریاهای اطراف جزایر بریتانیا  
مسلط بود انجام گرفت . زیرا ذخیره طلای انگلستان کلاً از مراکز  
امای خود در سال ۱۹۴۰ به محل امنی انتقال داده شد .  
\*\*\* بچه نیست :

روزی رسید که در بانک انگلیس ذخیره جالب توجهی وجود  
نداشت و کلیه شمش ، مسکه و غیره با کشتیهای مخصوصی که از هر  
جای مسلح و مجهز بود بکشور های متحد ، امریکا نقل گردیده بود .  
داستان حیرت انگیز این انتقال در ماه ژوئن ۱۹۴۵ افشاء  
و در جریان انگلستان منعکس شد .  
« شورش کشتی گرو دالو »

شوکتی بزرگ و معروف جهانیشی (کولین مری) و (کولین  
الیزابت) مقدار زیادی از این ذخایر را حمل نموده بدهی از کشتیهای  
دیگر هم که در سالهای پیش مالانحصاره فوق العاده ارزان و به  
قابل توجهی را حمل نموده ، با این نوع همکاری و برافراشته  
انتقادی را برای خویش کشیده اند .  
در حالیکه آلمانی ها با خراب کاری های زیر دریایی ها  
و بحریه قوی خویش بمیان خود تمام امور اقیانوسها را در دست  
گرفته و اجازه نداشتند به هیچ وجه متفقین نمیداد و بیش از هزار مایون  
بوان مایون و امواج صومالیه دوبا قرار داشته و باستانها از جزیره ای  
بسیار کمی دیگر میرفت .

## کمر امپراتوری :

از تمام بنادر انگلیس که تعداد فوق‌العاده زیادی دارد عدم کشتی‌های بزرگ و حتی قایق‌های موتوری مسلح شده و عازم حرکت بودند زیرا بزرگترین امر تاریخی انجام می‌گیرد و اگر ثروت بی‌پایانی بر زیر آب میرفت محققاً کمر امپراتوری انگلیس نیز می‌شکست

## دشمن فریب خورده :

عده‌ای از کشتی‌ها برای فریب آلمانی‌ها و بحریه پر سلاح ایشان بدون اسکورت حرکت نمودند و خوشبختانه کمتر آسیب دیدند. از یک هزار میلیون پوند ثروتی که با آمریکا فرستاده می‌شد فقط با نصد هزار پوند از بین رفت. بعضی از کشتیهای کوچک غرق شده و مال التجاره خود را که چیزی جز طلا نبود با خود بزرگ آب بردند و از بین آنها فقط کشتی (نیاگارا) را باید نام برد که بیش از ده میلیون مال التجاره و ادعای «۴۷۰» نفر فروبرد.

## شواص :

ولی کلیه این مقدار را نباید بحساب ضرر وارد کرد زیرا «دسته نیات» استرالیایی که افراد زبده‌ای برای قومی در آفریقا و اقیانوس دارند توانست ۵۰ تا ۶۰ هزار پوند را از اعماق دریا بیرون آورد.

## اقتضای بحریه :

محققاً هیچک از کمانی‌ها و بی‌جه جهان حاضر نبود که چنین مقدار و بی‌جه کند. زیرا نه جرات آنرا پیدا می‌کرد و نه سرمایه کافی جهت تضمین آن داشت.

ولی در جنگ انجام آن را بهیچیزی جز شانس و بخت نمیتوان  
تشبیه نمود که از هر حیث برای نجات و زندگی یک امپراتوری  
عظیم قابل اهمیت بود. خوشبختانه بدون ضرر زیاد انجام یافت  
و صفحه ششمی را در تاریخ نیروی دریائی امپراتوری انگلیس  
باز نمود.

از روزیکه جنگ زاین هم آغاز گشت مقداری از ثروت  
و مالاکه در ممالك دیگر بوده خطر صحنه ژاپونها بر آن زیاد بود  
مثل سابق بهجل امنی انتقال داده شد و در ضمن همین جویانات  
بود که کشتی فوق الذکر - نیاگارا - غرق گشت.

این کشتی دارای سوابق زیاد و سابقاً بین وکلند - سیدنی  
و وانگورور مسافرت مینمود. روزی هم در آب فرو رفت چندان  
قادرانی از ژاپنها جدید نداشت زیرا در دریای ( تاسمانی )  
مدرکست میگردید.

#### شیرهای کجی جنگ عده

#### آزمایش دریایی

در آغاز جنگ آلمانها یک نوع غریب سنگی ایستری  
برای مینوهای جویانات اختراع کرده بودند و در خیزش  
که در دهه هجری اتفاق افتاد از برای غرق کردن این بود که  
هر وقت حیوانات میخواستند از صحرای بنوعی عبور کنند یک  
شاه برق از دهان غریب سنگ جویان پیدا میکرد و بعد از  
پیدا تابه صدای بوق بلندی از دهان غریب سنگ بر میخاست  
حیوانات ترسیده بجای خود باز میگشتند.

## آلمان در روزهای سقوط



من قسم خورده ام بهیتلر وفادار  
باشم و نمیتوانم مخالف قسم خود  
رفتار کنم -

اگر متفقین بخواهند ملت آلمان را  
نابود کنند باردیگر هیتلر بزرگتری  
قهرمان ملی آلمان خواهد شد .

همینار گفت :

بالاخره پس از دوندگی بسیار توانستم هنریش همینار رئیس  
و فرمانروای گشتاپو آلمان و وزیر کشور و دست راست هیتلر  
و فرمانده کل ارتش داخلی را که همه وسائل آزار و شکنجه را  
برای متفقین نازیسم بوجود آورده و از سقوط آلمان تا  
آخر این روزهای شکست قطعی جلوگیری کرده بود ملاقات کنم  
و لیم شیرر « دریادارهای ایران » همینار را مرد کوچک  
فرمانده روی آزاری که مانند ظلم و ستم بی سر و صداست و همیشه  
میکنند ظاهر رئیس متخوف گشتاپو را بهتر از این نمیتوان توصیف  
کرد . من ناگهان او را در لباس سبز معمولی بدون نشان مانند  
یک شخصی عادی جلوی خودم دیدم و با نهایت تعجب متوجه شدم که  
ظاهراً از روی خوش محض و خوش معاوره است و برای آنکه از  
شکست و سستی گفتار بکاهانگته های لطیفی بکار میبرد حقیقت اینست  
که برعکس مشهور در ظاهر همینار هیچ چیز شیطانان و جود نداشت  
و در حقیقت او علامت صداقت و سنگدلی بهیچوجه نبوده و همیشه بلکه  
من او را شخصی زنده دلی یافتیم که نسبت به هیتلر اظهار محبت



فوق العاده میکرد و در هر حال بمقتضای من هیتلر یکی از عجیبترین  
شخصیتهای متناقضی است که من در عمر خود دیده ام.

هیتلر این گفت: «شاید تصور کنند این قصه بوج است ولی  
در همه حال من قسم خورده ام که به آدولف هیتلر وفا دار باشم  
و بتوانم یک سرباز و یک فرد آلمانی نمیتوانم برخلاف قسم خود  
رفتار کنم بدینجهت نمیتوانم مخالف نقشه ها و تالیفات پیشوا  
قدی بردارم.

بنابر این هیتلر تا روزهای آخر نفوذ خود را داشت و اگر چه  
اختیار کارها تا حدی از دست او بدر رفته بود با وجود این نزدیکایی  
هنوز احترام و وفای از او در دل داشتند و جرئت مخالفت با او را  
نمیکردند هنوز نفوذ او در دلها استقرار داشت و شخصیت او  
مستقیم و مورد توجه بود.

در برهه این اطلاعات نهالیت خود را در آلمان آغاز کردم  
هیتلر قدرت و جسارت مخالفت با هیتلر را نداشت و شایسته  
این گفته بود که «وای به هیتلر و رئیس کشتار تا حدی سرده شده  
است» با وجود این هنوز «هیتلر از ایام مبارزه و شترک با هیتلر  
بالهنگی فرورد آهیز سخن میراند و میگفت «روزهای فرخنده ای  
بود که اعضای نهالیت اوای ناماً در هیتلر مرقه بودیم و با وجود  
این از پیروی او سر نهالیم» آدولف هیتلر ما را رهبر میگرد  
و نام «پشتیان یک دیگر بودند» این زبانی ترین «تالیفات» و تالیفات  
من بود و آنروز ما برای «تالیفات» و تالیفات «تالیفات» و تالیفات  
میگردیم و تالیفات این «تالیفات» و تالیفات «تالیفات» و تالیفات  
پشتیان میگردیم.

ماو گنیم اگر همه با یکدیگر با تالیفات با تالیفات و تالیفات  
میگردیم «تالیفات» و تالیفات «تالیفات» و تالیفات «تالیفات» و تالیفات  
میگردیم «تالیفات» و تالیفات «تالیفات» و تالیفات «تالیفات» و تالیفات

پرستان ممالك اشغال شده را شکنجه و آزار كرديم براى اين بود كه آنها خرابكارى مىكردند .

پس از آن بن گفت: دواقمأ مىخواهيد با نروژيها و دانماركيها كه اکنون در بازداشتگاههاى آلمان هستند تماسى پيدا كنيد و آيا مىخواهيد آنها را تحت نظر بگيريد تصور مىكنيد من بتوانم با تقاضاى شما موافقت كنم ؟ » پس از كمى سكوت شخصاً جوابداد : « اگر من با اينموضوع موافقت كنم فرداست كه روزنامه هاى سموند با حروف درشت خواهند نوشت كه چنانكار جنگ هيملر از بيم مجازات مىخواهد . زمينه آزادى خود را فراهم آورد »

پس از آن هيملر اصرار داشت رفتار هاى خشونت آميز آلمان را موجه قلمداد كند و در نتيجه گفتگوى بسيار قبول كرد كه صليب احمر سموند در بازداشتگاههاى نروژى و دانماركى فعاليت آغاز كند و زنان بيوه و يتيمانرا سموند بفرستند ولى شرط كرد كه همه مخارج اينكار بهمنه صليب احمر است .

چند روز بعد من با هيئت صليب احمر با مقداري دوا و غذا بآلمان بازگشتم مدتى معطل كردند تا اجازه ورود پياشگاه لونگهام صادر شد . زيرا مىخواستند فرصت بدست آورده وضع آنها را مرتب كنند صدائى توفان از چپه جنگ بگوش مىرسيد ، نيروى متفكرين تا « بر من » رسيده بود و چنانك بقاب آلمان نزديك ميشد . روز دوم آوريل بار ديگر هيملر را شدم ، آروز بسيار گرانزه و عصبانى بود صحبت ما چهار ساعت طول كشيد بهنج وجه انگار نداشت كه اوضاع بشيم است ولى در هر حال نوهمد نبود . دو انشاى اين گفتگو طرح پديدى براى فعاليت خود در آلمان ريشتم زيرا متوجه شدم كه خواهى نخواهى تقاضاى توفان ميايى كشيده شده ام

چهارمين گفت : در راه مصالح آلمان هر كارى بتوانم مايلم انجام دهم

ولی باید جنک دوام داشته باشد زیرا من نسبت به دیگران قسم وفاداری  
خورده ام و قسم خود پابند هستم.

گفتم: «آيا شکست آلمان قطعی شده است؟ شما وقتی در سال ۱۹۴۱ بروسیه حمله کردید، جنگ را بدو حیمه انتقال دادید و بدینجهت زمینه شکست آلمانرا فراهم کردید؟ اکنون میگویند برای مصالح آلمان هر کاری بتوانید انجام خواهید داد درانصورت باید نسبت بآلایق بیشتر از هیتلر وفا دار باشید» اگر اطمینان دارید که ادامه جنگ باشد جلال کامل آلمان منجر میشود باید از هیچ اقدامی دریغ نکنید»

هیملر جوابی نداد، لحظه ای بعد او را در پای تلفن خواستند  
و بیرون رفت در غیاب او استلرک پرسید آیا نمیوانیم با این بار  
مربوط شده در باره متارکه جنگ در جبهه غرب فقط در جبهه غرب  
با او مذاکره کنیم ؟

نگاهم این حال است باید پیشوادی از طرف هیملر میسر شود  
چون این هیچ اقدامی نمیتوان کرد ( یعنی اظهار می دارم که اینها بود و  
مستوفین غربی برای مذاکره در باید صلح آماده اند وانی باید  
پیشنهادهای هیملر برای آنها بپذیرد هیملر باز گفتند و بعد دیگر  
گفتند ما در باره کیفیت انتقال اسیران از بازداشتگاه آلمان شد  
یم از آن هیملر سخن را بجهت و میبایست گفتیم و با ذکر گفت :  
آلمان به راههای بزرگی متوسل شده است و او شایع گویی (نمیخواهد)  
میانهای گذشته است بزرگترین خسارهای ما این بود که با جنگستان  
امریکایی و روسین بودیم : هم شدند (نمیخواهم چرا) چرا دستور این و  
گشت این و دستور این مردم دنیا میباید که از هر دو طرف به نفع  
وقت بود گفتن مرده آلمانی پس از جنگ اینگونه ایل بیهوشان شده بود  
در روزهای بعد سالیک چون باز پیش من آمد و پرسید اسیران  
را بکشند که من با فرمانده نیروی مقاومت در باره شان که در جبهه  
فرمانده میباشم گفت روز ۲۲ آوریل سالیک بن خبر داد که کار

هیتلر تمام شده است و شاید تا دو روز دیگر بیشتر زنده نباشد و هیتلر قائم مقام او خواهد شد شب آنروز بار دیگر هیتلر را ملاقات کردم وی گفت احتمال قوی میرود که هیتلر تا کنون مرده باشد و اگر نمرده باشد بزودی خواهد مرد زیرا هیتلر بیران رفته است که با مردم پایتخت بمیرد اکنون برلن در محاصره است و سقوط آن همین امروز و فردا است

در ملاقاتهای قبل هیتلر پیوسته از سختی اوضاع دم میزد ولی ایندفعه صریح گفت «من اعتراف میکنم که آلمان شکست خورده است» در آهنگ او چیزی که نشان تسلیم بهوداد بود خوانده میشد پس از آن گفت «اکنون باید دید که اکنون متفقین با آلمان چه میکنند اگر بخواهند ملت آلمان را معفو کنند بار دیگر هیتلر بزرگترین قهرمان ملی آلمان خواهد شد زیرا فقط هیتلر میتواند مشکلات ملت آلمان را حل کند زیرا او بود که آلمانرا از ضعف و بدبختی و عواقب پیمان ورسای نجات داد»

اطلاعات شخص من نشان میدهد که این هاله نور که در روزهای آخر دور هیتلر بوجود آورده اند مطلقاً صهیج نبود هیتلر در بهار ۱۹۴۵ مرد مریض و علیلی بود و هیچوجه قدرت قیام باعمال خارق العاده نداشت و اگر تصمیم گرفت در برلن بماند برای آن بود که آلمانیان داشت مرد نیست

در هر حال هیتلر بن گفت با وضع کنونی دولت من تلاشی باز شده نیست و من برای آن باقیاندام که آلمان را نجات دهم حاضریم و هیچوجه شیب تسلیم متفقین شوم و متار که اعلام شود ولی در هیچوجه شرق تسلیم نخواهیم شد آیا شما حاضرید در این زمینه با فرماندهی نیروی متفقین صحبت کنید ؟

گفتم محال است که انگلیس و امریکا بدون اطلاع روسیه  
برای مذاکره حاضر شوند!

همیار گفت میدانم اینکار مشکل است ولی من میخواهم  
میلیونها مردم آلمان را از اسارت روسها نجات بدهم.

گفتم من این پیشنهاد را مطرح میکنم بشرط آنکه اصول  
مشارکه شامل فروز و دانمارک بشود.

همیار گفت قبول میکنم ولی بشرط آنکه روسها دانمارک  
و فروز را اشغال نکنند و اگر پیشنهادات من قبول نشود جنگ را  
ادامه میدهم تا در میدان جنگ کشته شوم پس از آن با آنها  
لرزانی گفت مطمئن باشید که من سخت ترین سلاطین زندگانی  
خود را میگیرانم.

پیشنهاد همیار با اطلاع فرماندهی نیروی متفقین رسید و بلا  
فاصله بلژیک و واشنگتن فرستاده شد. چند ساعت بعد جواب رسید  
که باید آلمان در تمام جیبها بدون قید و شرط تسلیم شود  
پس از اتمام شده بود که پیشنهاد با اطلاع فرماندهی نیروی شوروی  
فرستاده شد.

بدین طریق همیار توانست در آخرین لحظه میان متفقین  
اتحادیت بنهاند و مقدر شده بود که در بهترین روزهای جهان  
من و حمله بهترین مذاکرات سیاسی باشم.

پس از آن بود که تاریخ بزرگ این قرن افتاد و شوروی  
روسی که تاریخ بزرگ آنرا بنام ندارد و امید مردم نگرار شده  
با این روش



## صفحه ای از سیاست جهان

— ۳ —

مستر آنورین بیوان وزیر بهداری بریتانیا در کابینه کار و مدیر مجله تریبون چاپ لندن و یکی از مهمترین رؤسای اتحادیه کارگران جزء سوسیالیست های افراطی است و طی سرمقاله ای که در مجله خود ( تریبون ) تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۲۵ منتشر نموده سیاست کنونی عالم و ریشه اختلافات موجوده میان شوروی - انگلستان را بطور دقیق از نظر یک سوسیالیست مفرط شرح میدهد

### اینک ترجمه آن مقاله :

هفته گذشته < والتر وینچل > مفسر رک گوی آمریکا بی پرده گفت :

چهار اصل آزادی ب چهار اصل فاسد دیگری تبدیل شده است :  
< تصرف عدوانی - فریب - حرص - طلا >

وینچل هنگامی این تفسیر اخبار را در باره امور بین المللی تذکر داد که در آن واحد راجع بر روابط بازرگانی آمریکا و انگلیس در واشنگتن و میان وزیران امور خارجه دولت های متفق ( اما نه پنهانان متفق ) در لندن کشمکش هائی جریان دارد .

درست است که کنفرانس وزیران امور خارجه در آغاز کار میباشد و ما باید امیدوار باشیم که بالاخره راجع بر روابط اشتناک نظر دانی و وسیع موجوده را حل و توافق نظر قابل قبول پیدا خواهد شد ولی سودی ندارد که این حقیقت را کتمان کنیم که از آغاز روز بیروزی تاکنون بعد از یک هفته مذاکره فقط راجع به یک زمینه از قضایای مورد اختلاف و نزاع هرگز چنین مذاکره های سیاسی در نگرفته بود .

در باره قرارداد پیشنهادی مربوط بصلح ایتالیا دو موضوع مهم پیش آمد کرده است که یکی از قسمت مرزهای یوگوسلاوی و دیگری مستعمرات ایتالی می باشد.

برای حل هر يك از دو موضوع دو راه مختلف پیش بینی میشود و در واقع هم همین دو راه مختلف اتخاذ گردیده است. یکی اینکه در موقع این تغییر مرزها در راه همکاری بین المللی از فرصت استفاده ای شود و آزمایشی بعمل آید و یا اینکه يك یا چند دولت فاتح قمرانی برای توسعه خاک خود بدهند.

مسئله مرز ایتالی و یوگوسلاوی بطور کلی با قضیه «تریبست» مربوط است در سایر قضایا حتی خود ایتالیائی ها همه اتفاق نظر دارند که مرزهای سابق نسبت به یوگوسلاوی عادلانه بوده و نباید بسود یوگوسلاوی تعدیل نظر شود.

در هر حال تریبست موضوع جدا گانه ای است ایتالی و یوگوسلاوی میشوند برای تصرف تریبست روی زمینهای مختلف تریبست به حساب آید اگر چه باید آشکارا گفت از نظر کثرت جمعیت دناوی ایتالی تریبست میباشد ولی هرگاه بشود را یکی از غیر متعادلترین اشخاص بدهند که لای بی عدالتی کرده اند چون قضیه تریبست ملی نیست و بین المللی است تریبست تنها بنابر دوم دریائی یوگوسلاوی بشمار میرود بلکه برای تریبست - مپلوسان - یوگوسلاوی - آلمان - یونان - و روسیه هم این جمعیت را دارد. اگر چه واقعا دشمنانی پیشنهادی را جمع به عمل و ایتالیائی اروپا تریبست عمل پذیر گردانند تریبست به ضرر است که میتوان برای گاه دولتهای مربوطه مثلا طبق استدلال نمود و بشن تریبست در راه بین المللی گردان عمل و نقل اروپا قلم عملی برداشته شوند.

پا این که مخالفت های متعددی برای عملی شدن این موضوع وجود دارد باز هم برای اجراء شدن این راه عملی آمیزی باقی است.

با همه اینها اختلاف نظر راجع به تریست مشکلترین قضیه مربوط  
بقرارداد ایتالی میباشد بلکه مهمترین اختلافات آتقاراداد مربوط  
بآینده مستعمره‌های ایتالی و جزایر دودکانز است .

بطور اختصار حقایق مکشوفه از اینقرار است .

امریکائی‌ها چنین پیشنهاد کردند که اداره امور مستعمره‌ها بخود  
ایتالیائی‌ها در تحت نظارت کمیسیون بین المللی واگذار شود این  
پیشنهاد از چند طرف با مخالفت سخت مواجه گشت امریکائی‌ها پیشنهاد  
دیگری دادند که مستعمره‌های ایتالی سازمان امانت داری (تروست  
شیپ) دولت‌های متفق واگذار گردد و آن شوری فرماندارانی برای  
اداره این نواحی تعیین کند (فرمانداران با کمک رأیوران متفقین  
بزرگ و رأیوران ایتالی آنها را اداره نمایند) در ظرف بازده  
تا بیست سال زمینه مستقل شدن آنان را فراهم سازند بریتانیا و چین  
از این پیشنهاد طرفداری میکنند فرانسویها هنوز تصمیم نگرفته‌اند  
ولی ظاهرا حاضر شده‌اند آن را زمینه مذاکره قرار دهند ولی  
بعد از آزمایش‌های اخیر که در سوریه و هندوچین بعمل آمده  
اساسا فرانسویها با هر نهضتی که منجر باستقلال مستعمره‌ها و نیم  
مستعمره‌ها بشود تردید در موافقت دارند و بهمین دلیل انگلستان دو  
اول تردید داشت که چگونه با طیب خاطر این پیشنهاد را بپذیرد گرچه  
قسمت‌های امپراتوری بریتانیا خیلی بیشتر از امپراتوری بریتانیا  
خیلی بیشتر از امپراتوری فرانسه بیکدیگر وصل و مربوط است  
پس حال بریتانیا بالاخره اعتراضات خود را پس گرفت \*

### پیشنهاد ژانوری مقابل روسیها

فی الواقع در مقابل پیشنهاد امریکائی‌ها نه از طرف انگلیسیها  
و نه از طرف فرانسویها مخالفتی بعمل آمده بلکه از طرف شورویها  
پیشنهاد دشمنی داده شد که بجای هیئت بین المللی امانت داری فقط  
یکی از دولت‌ها در امور دسته از مستعمره‌های ایتالی نظارت داشته



باشد روسها طرابلس را برای خودشان نمیخواهند و بهنوریکه  
آقای مولوتف در کنفرانس مطبوعاتی خود در سه شنبه گذشته اظهار  
داشت و (اثره) منافع مخصوصی دارند \*

هنوز زود است که بگوئیم آیا روس ها خیال دارند تمام  
قوا و بهر قیمتی که هست این تقاضاهای خود را عملی سازند یا  
آنکه این پیشنهادها برای آنست که در برابر تحصیل امتیازات  
عمدت دیگری تبدیل گردد و فعلا بعنوان چانه بازاری اظهار میشود  
در هر صورت هرگاه این تقاضا را با تقاضاهای دیگر روسها  
در نظر بگیریم و همچنین سیاستی را که آنها پس از پایان جنگ (حتی  
پس از پایان جنگ) در بالکان و خاور نزدیک پیش گرفته اند بطور  
میانبریم باور باین نتیجه میرسیم که تمام این جنبشها مربوط بیک  
نوع استراتژی میباشد طرفداری روس ها از دعوای یوگسلاوی  
و بازاری آلبانی و ضد یونان و ایتالیا - فشار روسها به ترکیه و  
تقاضای سوریه و اردانی \*

فشار روسها به ایران و عدم موافقت واقعی راجع به بیرون  
بردن ارنش خود از آن کشور دعوای اخیر روسها راجع به ایران  
در کنار و اداه امور ترابری و شاید اریتره و اسرار آنها این  
است که موضوع مستقیم شای ایتالیا در کانال و اردانی بکجا حل  
گردد - همه این دعوای و اقدامات که به صورت های مختلف جاوه  
میکنند مشمول یک تقاضای کلی است که شوروی می خواهد یکی  
از درامتهای اخیر در میزانه باشد \*

آنها بیک عنوان پیش می آید که - چرا یونان نباشد و دیگر  
چرا سوریه و عراق نباشد و یا سوریه و دیگر غیره و یونان

آنها می خواهند باین پیشنهاد اعتراض کنند  
بگویند آنکه چنین مطالبش نتیجه تقاضات و تقاضات گریز  
از این ایزم بی دانی میباشد \*

ولی اتفاقاً باین دعای شوروی اعتراضاتی هست و اعتراضات هم بیورد میباشد و هرگاه پیشنهاد امریکا بایشهاد شوروی مقایسه شود صحت این اعتراضات بخوبی منتشر میگردد زیرا پیشنهاد امریکا قدم مهمی است که بطرف همکاری و مسئولیت مشترک بین المللی برداشته میشود و بهمان دلیل بهترین وسیله توافق نظر است و هر سوسیالیستی باید از آن پشتیبانی نماید .

برعکس پیشنهاد شوروی مبنی بر تجزیه مستعمره و مستملکات دیگر ایتالیای شکست خورده میان دولت های فاتح يك نقشه ارتجاعی است که فقط میتواند رقابت موجوده امپریالیزم را شدت دهد این انکسار تاسف آوری است که پیشنهاد مزبور از طرف دولتی میشود که يك وقتی ادعا داشت در برابر تقاضاهای امپریالیزم بگانه مدافع غیور و حافظ حقوق بین المللی میباشد این موضوع بیشتر قابل تاسف است که آقای مولوتوف پیشنهاد امریکائیها را رد کرد و دلایلش هم این بود که چون قیومت و نظارت ( ترسو ست شیب) اجتماعی بین المللی تا کنون سابقه نداشته پس بهتر آنست که از آن صرف نظر شود و شرط عقل نیست که باز هایی درآید ولی باید گفت که تا ۱۹۱۷ هم رژیم شوروی و انقلاب پروتاریا در دنیا سابقه نداشته آیا شرط عقل نبود که از آن هم صرف نظر کرده حال در قسمت دیگر سؤال مینمائیم که چرا نباید دولت شوروی

در اینجا باید برسید که چرا دولت شوروی آلتدو امریکا بیورزد که در مدبرانه دست پیدا کند و آیا چه سودی از این وضع باید شوروی میگردد ؟ و تا چه اندازه ممکن است در سیاست و خزش بخش ملت روسیه مؤثر باشد اتحادیه کشور های شرقی اروپا که البته روسیه سیاست بر آنان را تقاضا دارد از هر اتحادیه دیگری در دنیا محکمتر و مطمئن تر میباشد .

آیا چنین قانون غیر مدونی در تاریخ جهان سر  
که ملت های زورمند قلمرو خود را پیوسته توسعه میدهند  
گیتی را مستعمر سازند ؟ فرض که چنین قانونی باشد سوء  
هرگز تابع این نباید بشوند این يك قانونی است که در  
قدیم پیش از اینکه سوسیالیست های شوروی در سر امر چهار  
شوند بعنوان تهاجم امپریالیستی معرفی شده بود

پس دلیلی ندارد که روسیه بخواهد در  
دست نیابد و بطور قطع نظر از نظامی بر  
گیری از آلمان و ژاپون شکست خورده چنین  
نشده است بلکه این پیشرفت در مدبرانه فقط از  
مقابل بریتانیا و قدری هم در مقابل امریکاست در  
اندازی که واقع بین پیشرفت بعمل آید با اقدامات متقابل  
میشود در نتیجه پیشرفت صنعت یون المانی را مشکاکتر  
نمیکنند از هر طرفه بعمل آید

### در رابطه سازشی صنعتی

اگر امروز ممکن بود که با يك صورت کلیه  
تولیدی و اقتصاد از میان برود انگیزه مسائل  
پیدا میگردد

شکلی نیست که گاهی حل مسائل آهسته آهسته  
در جهان به پیشان امر و در حقیقت است که  
تولید کننده ملی از آن نماند که بهای ملی  
تولید کنند

مسئله که اکنون در ایران مشغول و ملاحظه ساز  
است برهان ملاحظه شود که با امر از بعضی حوض  
و تکیه میگردد

بر حال مبارزه بر میان تقسیم جهان به میان  
ایران جانب و عمل آید البته یکی از شرکت نمیتواند به  
در ایران شرکت دیگر سرمایه گذار میماند بر ضد

دو طرف یا از طرف عموم بعمل آید و گرنه عملی نخواهد شد .  
دعای روسیه برای تحصیل پایگاه‌های مدیترانه  
به‌مان درجه غیر موجه است که بریتانیا بخواهد در  
بالیک و یادیای سیاه بخواهد یا اینکه روسیه و بریتانیا  
متفقاً بخواهند در اقیانوس آرام که امریکا آنجا را  
قلمرو انحصاری خود میدانند پایگاه‌های استراتژی  
مطالبه کند و اگر سر اسر جهان بدین ترتیب تقسیم نشده  
است نه تقصیر ماست و نه با موافقت ما بوده است  
فقط اکنون برای معماران این تقسیم ناشایسته نیست که  
برضد نتایج آن اعتراض کنند و کوشش نمایند آن قسمتی را که  
بسرود تقسیم خود نیست از میان بردارند .

البته مستر چرچیل نباید برای پرده آهنی اروپا  
افشار آلسف نماید زیرا او خودش یکی از سه پیشوای  
بزرگی است که مسئول احداث آن میباشد همیشه تقسیم  
گلوبال همان شوروی هم « که خود آنها چنین  
بلوکی « اتحادیه‌ای » از ممالک شرقی اروپا درست  
کرده‌اند که عاقلانه آنان بیاید صدا حرف میزنند  
و عملشان بقسمی یکدیگر تطبیق میکنند که حتی اشکال  
دارد ملیت افراد آنان را از یکدیگر تشخیص داد »  
بنابراین از همکاری نزدیک و اتحادیه کشورهای  
شمالی اروپایی غربی شکایت داشته باشند .

تقسیم تازه لازم است

روزنامه نیوی ورک افشار داشت « یکی از دوسه‌های مهم جنگ  
آنکه دولتهای دیگر اجازه ندهند تقسیم در دنیا بعنوان  
شری و شریک واقع گردد »  
با کمال تألم و تأثر موافقم و خیلی خوشنود هستیم از اینکه بالاخره  
دولت‌های دیگر نظری را که روزنامه یوستون فاندن و دیگر همینه‌ها

ولی ما باید ابرسیم کی این تقسیمات را آغاز  
کرد و آیا آن کسانی که معتقد هستند برای ممالک  
غربی اروپا در راه همکاری بین المللی یگانه راه  
باقیمانده نزدیکی بیشتر میان کشورها میباشد یا آن کسانی  
که عملاً یک بلوک محکمی در اروپای شرقی ایجاد  
کردند و کوشش دارند یکی پس از دیگری دنیا را در  
برابر عمل انجام یافته «فنا کو میلی» قرار دهند.

ما میدانیم که تنها روسها در عملیات قابل سرزنش نیستند ما  
میدانیم که سیاست محافظه کاران بریتانیا برای آنان سوء فتن تولید  
کرد و سیاستی در روسیه ایجاد نمود که بر سوءظن استوار گردید  
ما متأسفیم که حکومت کار هانوزاندام مؤثری بجا نیاورده که نشان  
بدهد همان نظریات جدیدی را که در امور داخلی دارد بر امور  
بین المللی هم برور می کند ما مخصوصاً متأسفیم که دولت  
بریتانیا تصور مهمی در سیاست خود واضح به یونان نداده است تا  
دنیا آن را نمونه حسودیت ما بشاند ما وقتی که آگاه میشویم که بیشتر  
یونان هم از همان کار شامسین سیاست خارجی نظر می خواهند که  
ایشان را غالباً کش هم نظر میخواست بسیار در شگفت میباشیم.

ما بی اندازه متأسفیم که بیشتر سرزمین بالکان در دوباره  
تحت کبیر انگلیس در یونان می شود و هیچگاه با این اقتدارت و افق  
نیستیم حاضر که آن قلمرو غریب ترین پرستانه را از انباشتم که  
بکریه و شور و زاری در شرف میباشیم طرد کنیم.

ولی در همین حال هر چه آفتابته تر معاصرین  
خود را در این بازی میباشیم که در عین حال  
که این بازی های بازی ما اندوا درون بازی ما صدای  
هر انگی و ترقیات نماینی میدهند و دلیلهای هم افکار  
این بازی که این صدای از جانی در آسمان که این صدای  
سازیش آینه های تاریکهای با آفتاب میدهند.

## گفتگوی جنک سوم

### آیا جنگ سوم میان اروپا و آمریکا در میگیرد؟

آلمان نازی از پای درآمد ، دستگاه عظیم جنگی آن درهم ریخت و زمامداران آلمان بدون هیچ قید و شرطی به متفقین تسلیم شدند. ممکن است بعضی ها تصور نمایند که جنگ اروپا پایان رسیده و دیگر در این قاره صدای توپ و غرش طیارات شنیده نخواهد شد در صورتیکه چنین نیست و شاید ما اکنون در آغاز یک دوره خطرناکی هستیم که حوادث بیش از این بدنای ما چشم زخم بر روی متعاقب از پا درآمدن آلمان شکست ژاپون بوجود آورده و قوای مشترک انگلستان و آمریکا ژاپون و اراضی و مستعمرات جدید او را از دستش خواهند گرفت ولی چون این دو دولت (بسی آمریکا و انگلستان) در جهان سیاست احتیاج مبرمی به یکدیگر دارند بر سر تقسیم شنائم جنگی نزاع نخواهند کرد .

دولت ژاپون بهمان صورتی که بود بر میگردد و دولت انگلستان و آمریکا صنایع جنگی را از دستش خواهند گرفت .

امپراتوری ژاپن از بین خواهد رفت دولت انگلستان برای استیفاء دولت آمریکا بازار تجارتی چین را با آمریکا تقسیم خواهد کرد و خود بازارهاییکه در سایر نقاط دنیا دارد خواهد ساخت . بنا بر این دو شاو و دو اختلافی بین آمریکا و انگلستان روی میدهد در عوض وضع دولتی بزرگ در آینده میهم میباشد و معلوم نیست که اگر یک ساله دهه هفتادی برای صلح و دوستی در میان اروپا چه خواهد شد ؟

دولت آمریکا که تا قبل از این جناح دو امور قاره اروپا دخالت نمیکرد بعد از این جنگ در حل و فصل امور قاره اروپا

شرکت خواهد نمود و این موضوع باعث خواهد شد که بقول کنلی  
وکیل مجلس سنای امریکا تصادمهایی بین دولت امریکا و شوروی  
ناصل شود .

کنلی وکیل مجلس سنای امریکا میگوید : یا امریکا نباید در کار  
قاره اروپا شرکت نماید یا اینکه باید احتمال جنگ بین دولت  
امریکا و شوروی را پیش بینی کند . این موضوع بقول کنلی  
برای ما بسیار فائز آواست که پیش بینی کنیم در یک جنگ عظیم  
دیگر شرکت خواهیم کرد .

ما وقتی بمجلات امریکائی از قبیل «هارپرس» - «آلاتیک» -  
«لایف» - «کولیرس» و سایر مجلاتی که از امریکا به تهران میآید  
نظر میاندازیم مشاهده میکنیم یک نوع اضطراب و حساسیت بزرگی  
بر نویسندگان این مجلات که از بزرگترین نویسندگان امریکا  
هستند ظاهر کرده .

ایشان میگویند امریکا باید مدارك يك جنگ بزرگ دیگر  
را از همین حالا بپذیرد و تصور نکند که بعد از این جنگ دیگر  
هیچ امری صلاح و آرامش نخواهد شد .

ایشان میگویند : انگلیس بعد از این جنگ سعی خواهد کرد  
که اختلافات بزرگی بین دولت شوروی و دولت امریکا و انگلستان  
پدید آید زیرا انگلیس حساسی که برای تسویه حسابات خود دارد همانا  
ایجاد C.P.I است . ایشان میگویند : حتی اگر برای ایجاد این  
اختلاف بعد از جنگ هیچ راهی نباشد و شوروی دولت اتحاد  
مجلس شوروی و زبان اتحاد نظامی بپذیرد .

مجلات امریکائی میگویند : اگر در سالهای آینده جنگی  
بین دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس و دولت از یکطرف  
و دولت امریکا و انگلستان از طرف دیگر آغاز شود میدان جنگ ،

کشورهای خاور میانه و بالکان و مغرب اروپا خواهد بود. بهین جهت است که طرفین از همین حالا سعی میکنند که در این نقاط پایگاههایی برای خود ایجاد نمایند. موضوع ایران بالاخص در بعضی مجلات امریکائی مقام خاصی دارد و از اختلاف آینده دول بزرگ متفق در ایران صحبت میکنند و میگویند که ممکن است این اختلاف بچنگ منتهی شود. مجلات آمریکا میگویند: ما در این

حال که ژاپون را بعد از این جنگ ضعیف میکنیم نباید کاری کنیم که وسیله معاش بکلی از دست ژاپون بدر رود، این علت کثیر - النفوس گرفتار گرسنگی شود و زمینه جنگی در جهان فراهم آید زیرا بدون تردید ژاپون خود را در آغوش دولت شوروی خواهد انداخت که بتواند انتقام این جنگ را پس بگیرد و آرزوهایش را برآورد. در این جنگ عملی کنند در جنگ آینده عملی سازد.

دیگر از چیزهایی که مجلات امریکائی میگویند احتمال يك ائتلاف بزرگی دو اروپا مرکب از دول شوروی و آلمان و ایتالیا و فرانسه و تمام دول کوچک اروپا بر علیه امریکا و انگلستان است و ممکن است که بعد از این ائتلاف جنگ بزرگی بین اروپا و امریکا درگیرد که بکلی تمدن را نابود نماید.

بعضی از نویسندگان تند روی امریکائی میگویند: اصلا صلاح نیست که بعد از جنگ کارخانه های اسلحه سازی امریکا تبدیل به کارخانه های تولید محصولات بلژرگانی شود و اقتصاد دوره جنگ تبدیل به اقتصاد دوره صلح گردد برای اینکه اگر امریکا اقتصادیات دوره جنگ را با اقتصادیات دوره صلح تبدیل نماید ممکن است که در جنگ آینده غایب شود همانطور که فرانسه و انگلستان در این جنگ غایب گردیدند.

نویسندگان امریکائی میگویند: اگر ائتلاف عظیمی مرکب از تمام دول اروپا در آن قاره تشکیل شود بواسطه کثرت نفوذ



و بنیه صنعتی و منابع مواد خامی که این ائتلاف دارد ممکن است  
امریکارا از پا در آورد و سراسر آسیا و افریقا را تصرف نماید  
بر دول امریکا و انگلستان فرض است که با تمام قوا از تشکیل  
این ائتلاف جلوگیری نمایند.

خوشبختانه در قبال این دسته از نویسندگان و متفکرین  
بدبین که بروز جنگ را در خاور میانه یا در اروپا حتمی میدانند  
و میگویند که این جنگ ممکن است که تا سال ۱۹۷۰ میلادی  
یا سال دوهزار میلادی طول بکشد دسته دیگر از نویسندگان خوش  
بین هستند که میگویند: نوع بشر اگر گناهی کرده بقدر کفایت  
کفاره گناهان خود را در این جنگ پس داده و از این پس باید  
دوره صلح و صفا آغاز شود.

نویسندگان و متفکرین خوش بین میگویند: بالاخره مصالحت  
و حسن نیت دول بزرگ بر اهواء و امیال و هوی و هوس های  
آنان غلبه خواهد کرد و خواهند توانست که سمدیانه دور هم جمع  
شوند و سازمان متین برای صلح آینده بریزند، بلکه ضامن حفظ  
آرامش دنیا باشند.

ایشان میگویند که بعد از این خونریزی بزرگ خواهند  
به نوع بشر و سام خواهند کرد و او را ارشاد خواهد نمود که  
بر چاه طلایی و هوس قوه غلبه نماید و اصول ثابتی برای صلح  
و سام بوجود آورد که دیگر جنگ بین انسانی دیگری که فعلاً  
موقوف بر این جنگ خواهد بود مشتمل نگردد.

ما از قسیم قلم بالین دسته از نویسندگان خوشبین انسانی گاه  
هم تشبیه هستیم و امیدواریم که دنیا دیگر روی جنگ را نبیند و  
در دم بتواند مقتدرای قوا را در آشوب صلح و سلام زندگانی نماید.

## از تشنگی خون میآشامیدند!

—۵۵—

خبرنگار مخصوص روزنامه تایمز هفتگی از «بوکوها» برای جریده خود نوشته بود :

هرچه بر تعداد اسراء آزاد شده جنگ افزوده میشد بهمان نسبت هم بر تعداد داستان های عجیب رنج هایی که سربازان و لشکریان ژاپونی بایشان میداده اند افزایش حاصل میگردد . یکی از افسران نیروی دریائی امریکا بنام (استاسن) میگوید : هیچیک از اردو های ژاپونی مطابق مقررات بین المللی نبوده و وضع زندانیان بسیار بد و تأسف آور و بیش از هشتاد درصد از ایشای قمار از امراض مهلکی چون سل - اسهال خونی - بریبری مینالند و مرتباً فوت مینمایند .

اخیراً عدد از میسیونرهای انگلیسی و امریکائی بازن و اطفالشان از زندان خلاصی یافته اند . غالب اسراء جنگی از ضرب شلاق و رفتار ظالمانه مراقبین زندان شکایت دارند .

در يك كشتی كه اسراء جنگ بایستی از فلپین به توکیو میرفتند وضعیت شواك و آب بی نهایت خراب و كم بود آب تاحدی رسیده بود كه اسیران به پاره مجبوراً رك خود را زده خون خویش را بجای آب مینوشیده اند . از يك هزار پانصد نفر سرشمندان این كشتی فقط پانصد نفر رهایی یافته و بقیه تشنگی در میمانند .

### تأذیت تشنگی گریزان

موضوع قابل توجهی كه از تمام اسراء جنگی كه مدتی را زیر دست ژاپونی ها بوده اند شنیده میشود هادیت تعظیم گریزان است زیرا اینان هر كس را كه در برابر خود میبینند یا از او رزشوند فوراً ختم شده و تعظیم میکنند .

علت اصلی این کار فشار سختی بوده که زندانیان ژاپنی  
برایشان وارد آورده و آنها را مجبور باطاعت و انقیاد نموده بودند  
راتنده یکی از هواپیماهای نوع (سوپر فورترس) که طیاره اش  
در اواسط جنگ هدف قرار گرفته و خود مجبور فرود شده بود ترمیم  
میکند که از اولین ساعت اسارت ، ژاپنیها ما را بتعمیم کردن  
و امیداشتند . چون باینکار عادت نداشته و اغلب فراموش مینمودیم  
لذا میله های آهنی باندازه مداد لای انگشتان و دستان گذارده و  
فشار میدادند . مداومت این زجر دلغراش سبب شد که همه تعظیم  
کنیم زیرا عذابى بالا تر از رنج فوق الذکر نباشد .

### طلا های زمین تروپ

— ۴۴ —

سربازان اویش سوم امریکائی در اضراف منزل  
شهر دار سابق شهر ( باد - گاشتن ) در آلمان ذخیره طلائی  
در حدود هشت میلیون لیره کشف میکنند که متعلق به  
( زمین تروپ ) وزیر خارجه سابق آلمان بوده است .  
این طلا ها که عبارت از پول های طلائی انگلیسی  
امریکائی ، ایتالیائی و مقدار زیادى هم شمش دست نخورده  
بوده سابقاً در منزل شخصی غیر زمین تروپ نزدیکى شهر  
( سالز بورت ) در زیر زمینی مشفى و هنگامى که نیروى  
امریکائی نواحى نزدیکه میشد بدستور او تغییر مکانى  
داد شده بود .

## يك نامه از موسولینی رازها آشکار میگردد - دنیا بسوی نیستی !

—۴۴—

ما وقتی نامه دوم هیتلر را خطاب به چرچیل نخست وزیر سابق بریتانیا منتشر ساختیم سرورسدا و هیا هوی عجیبی برپا کرد. بعضی مقامات عالی و نماینده یکنی از خبرگزاریهای رسمی متیم تهران توضیحاتی در خصوص این نامه خواستند. برخی از روز نامه ها و منتقدین بما ایراد کردند که در نشر آن نامه بدین عربانی راه خطا پیموده و از جانب صواب منحرف گشته ایم. تحریف و اصلاح آن دچار اشتباه شده ایم. ولی ما بایشان اطمینان میدهم که در انتشار آن دو نامه هیچگونه نظر خاصی نداشته ایم و برای يك نویسنده یا مترجم که باشعاع روح خود مجذوب میشود و پیش میروود خالفگوئی را خطای جبران ناپذیر میدانیم.

اکنون نیز که نامه موسولینی پیشوای سابق ایتالیا را منتشر میکنیم حتماً از این قبیل انتقاد و ایراد ها خواهیم شنید ولی خورده گیران این را در نظر داشته باشند که این نامه ها از هیتلر و موسولینی است نه دیگری و نامه ای که دشمنی در حال یاسی و درمان و شکست و فلاکت و غلبان احساسات بنویسد ملایم تر از آن نخواهد بود که خواننده آید.

بهر حال سعی میکنیم در این نامه هم آنطور که در تئیه داریم مطلب زننده ای که وجود دارد حذف نماییم.

### نامه موسولینی

چندی پیش یکی از خبرنگاران امریکا موفق شد که با «دوناراسیل» همسر یوفای موسولینی در میلان ملاقات کند تا اطلاعاتی

از طرز رفتار و خصوصیات زندگی پیشوای سابق ایتالیا کسب نماید  
 خبر نگار مزبور طی این ملاقات توانست نامه ای را که موسولینی  
 بنام یکی از ژنرالهای بزرگ ایتالیا نوشته و نزد دونا را شل مخفی  
 بود بچنگ آورد. مقامات نظامی امریکا پس از اطلاع از مضمون  
 نامه آنرا ضبط و از انتشارش جلوگیری نمودند. هفته قبل که  
 بعزت شکست و تسلیم ژاپن اداره سانسور زمان چنگ متعل گردید  
 خبرنگار امریکائی نیز از موقع استفاده نموده بلافاصله رونوشت  
 متن نامه فوق الذکر را در دست داشت منتشر ساخت و با نشر آن  
 قبضه باختری را دچار بهت و حیرت و اسف و اندوه فراوان  
 نمود تاریخ این نامه يك هفته قبل از موقعی است که پیشوای سابق  
 ایتالیا بدست میهن پرستان اعدام شود.

مطالبی که دیکناتور ایتالیا که خود از نویسندگان میرز  
 معاصر ایتالی بود نوشته حقایقی را روشن میسازد و احساسات خواننده  
 را بر این اختیار تعجبك و استعجاب و تأسف و تأثر میسازد. پیشوای  
 ایتالیا در این نامه رازهای آشکار میسازد و نظری خود را نسبت  
 به هیتلر و آلمان از ابتدای اتحاد تا اتمام با وی شرح داده و  
 مانند رفیق عزیزش هیتلر انگلیس ها را متهم بدشمنان نامیده چنگ  
 شوم جهانی میگذرد معتقد است که این نبرد تدملی برای ایتالیا  
 و آلمان نبرد حیات و مرگ بود و ملت ایتالیا را بهرویشکیبائی  
 تشویق نموده و در خدمت استقلال دشمنان و اعداء میبندد ایتالیا را  
 برده ها و غایب را نبرد سترگ و سخت زای شکست انگیز و مغرور  
 همیشه خدای آلمان در مقابل این مسئول آزمایش و تکمیل آن  
 سپیدار میشد.

اینکه دوزخ خلاصه حقیقت نامی را با قسری تصور نموده بخاطر خوانندگان  
 گرامی این سامانم :  
 دونا را شل عزیزم از هوای طرب و احساسات رفقای استعداد

کرده آرزو دارم که بنام وطن عزیزمان این نامه را در نزدیکترین فرصت بفرستد و با این عمل روح و قلب مرا شاد و مادر وطن را خشنود سازی چهره فرزندانمان را بخوش و به (ادای) عزیزم بگوازم که من متاثر و غمین مباش .

\*\*\*

ژنرال عزیزم ، بر اثر نو میدی موقتی و تألمات روحی در ضمن سقوط پریشان این نامه چنانچه سهو القلمی روی داده باشد معذرت میخواهم . مطمئن باشید در سر تا سر این نامه از نخستین واژه تا آخرین کلمه تنها عشق و آزادی و خدمت بجامه ایتالیای عزیزم و معشوق من بوده و علاقه بدوستی و شایستگی اخلاق شما و فداکاری هایی که در گذشته نسبت بمن و ایتالیای بزرگ ابراز نمودید مرا وادار کرد که در این لحظه پرسوز و گداز تاریخی که در چنگ دشمنان درنده خوی گرفتار گشته ام ؛ با شما رازی در میان نهاده و درد دل کنم . خدای قادر دانارا شاهد خود قرار میدهم که در نگارش این نامه نظری جز اجرای وظیفه ملی و وجدانی خود ندارم . من اینک با نوشتن این نامه نخستین گام را در اجرای وظیفه ملی و وجدانی خود برداشته ، ما را برادرانه دعوت میکنم و انتظار دارم در موقع معین و مقتضی برای احیاء و احقاق حق ایتالیای بزرگ با برادران آلمانی همسدا و متفق شده با آنان در انجام يك نقشه اساسی که منجر بآزادی ملل دنیا از زیر یوغ استعماری خواهد شد و ملت ایتالیا را از این تب و تاب نجات خواهد بخشید . توضیح مساعی بنمائید . و در نظر داشته باشید که من در آخرین روزهای عمر خود و دلبسته گرانهای شما میسپارم که واحد امنیت فراوان برای ملت ایتالیا و تاریخ دنیا هست : شما در حالی که سال اخیر که دوست نزدیک و مشاور محرم من بودید بخوبی واقفید که من قبل از اتحاد با دولت آلمان به خلاف تیمهای نازی و آنکه پاره اشخاص بی خبر یا خیانت پیشه که آلت اجرای مقاصد

است و دشواری بسیار در غرب میباشد نسبت نسبت میباشد

از طرفداران جدی ضرورت حسن مناسبات ایتالیا با انگلیس بودم. لیکن تبلیغات مسموم و شهیددی که در ۱۹۳۶ انگلیسها بر علیه استقلال ملی و حق آزادی ایتالیا نمودند مرا در اتحاد سیاسی و اقتصادی و نظامی با ایشان مبدل بیاس کرد. همین تبلیغات موهن و حملات ناروا و سیاست مبهم و متغیر انگلیسها نسبت به ما و وضعیت جغرافیایی خاص ایتالیا بود که مرا بر آن داشت دستی را که هیتلر برای اتحاد با ما بسوی من دراز کرده بود بشمارم و بهمکاری صادقانه سیاسی و جنگی و مرا می با آلمان تن در داده و شرافت امضاء خود را که بستگی با عظمت ایتالیا داشت محفوظ دارم.

اگر سیاستمدان غرب بنرمی با مارفتار میگردند و منطقه نفوذ نا چیز ما را در افریقا برسمیت میشناختند و روزنامه های دیلی میل و دیلی نیوز و تایمز و دیگر جرایدهای که منتسب بدولت انگلیس اند ما را هدف تیر تهمت های زهر آلود دیگر روز پشمار نمیشناختند من تصور نمیکردم جنگی بین ما و ایشان و اساساً در دنیا رخ میداد سیاست رنگین «دفع گوهر» این - «چرخیل» بود که بنام حق عدالت آزادی : نوع دوستی : حفظ حقوق ملل ضعیف آتش جنگ را دامن زده با روشن کردن آتش جنگ قوم بین الملل مساویت جهان را دستخوش ویرانی ساخته و بقنا و زوال معشکوم نموده باعث مبادات ها فشارت مادی و معنوی و تلفات فوق العاده انسانی گشت که سالها وقت لازم است تا بشر جبران این همه ضایعات مادی معنوی را بنماید اینها الفاظ برای تمدن عدالت آزادی انسانیت را با تسلط و غور و غلبه و زور و فشار بر ادالی خود مانند هند و برمه و مالاکا و سنگاپور و دیگر مناطقی که زیر سلطه نفوذ دارند صورت عمل و معنی بشنیدند و اشان دادند تا چه حد شیفته آزادی و حلقی ملل ضعیف میشانند من مسبب این همه رنجها غمها اشکها و بدبختیها که اکنون شاهدگیر نوع بشر شده است نتیجه سیاست غلط و روش مستبدانه و رفتار سنگترازه انگلیسها میدانم که برای حفظ منافع نفوذ و سیادت و

بزرگی خود و استیلا بر قسمت اعظم پنج قاره دنیا از هیچ نوع جنایت و فتنه و آشوب و فساد و مکر و حيله دريغ ندارند .  
 آزاد بخوانان انگليس بودند که چون اساس کاخ استعماري خود را با اقدام مجدانه آلمان در ۱۹۳۹ در نازل و ویرانی دیدند بنام «واژه قشك آزادی» جنگ مخوف خويی را بملت صالح دوست ایتالیا و رشید آلمان تحمیل نمودند با اسلحه فاشیسم و نازیسم و در نتیجه سیاست تزویر آمیز خویش و تحريك ملل آزاد بخوان و صلح دوستی چون امریکا و روس جنگ مهی بنفع اساس و بنیان امپراتوری استعمار طلب خویش روشن نموده سر تاسر دنیا را مدت شش سال دچار اضطراب و وحشت و ولوله و هرج مرج و قتل و کشتار موحشی ساختند ، از خون میلیونها ابناء بشر آسمان سیاست خود را گردانده و آردی که بخون میلیون میلیون زنان بی شوهر برادران بیخوار ، پدران بی سر ، دوستان بی بازو توأم و رنگین شده است برای قدرت امپراتوری خویش بدست آوردند و اکنون میخواهند جشن بگیرند ؟ جشن آزادی و پیروزی ؟ کدام آزادی ؟ کدام پیروزی ؟ آزادی مالکیت که در محاسن ایشان است . پیروزی هم نیز هنوز از کف ما خارج نیست ، ما هم در کنار ملت آلمان و دیگر آزاد بخوانان بزودی جشن خواهیم گرفت ، جشن خون ، این جشنی است که کلیه ابناء بشر را از فقر و مسکنت و بدبختی و بیماری و خرابی و ویرانی ، جهالت و نادانی ، بنادگی و بردگی نجات خواهد بخشید .

من در ۱۹۳۶ با پیشوای آلمان عهد و میثاق خون برای دهائی در کشور مان از قید فقر و تنگدستی و رستگاری مللی که دوزخ سیطره نفوذ دشمنان انسانیت و آزادی میباشد بستیم اما تصمیم بر آن گرفتیم محی کنیم اختلافات سیاسی و اقتصادی و مرامی حاصله از روش دشمنانمان را از راه صلح و مسالمت فیصل دهیم .  
 حوادث بعدی نشان داد همه کوشش ما در این راه در نتیجه



سیاست مصلحت آمیز و مبالغه انگیز دول غرب بهدر رفت و ناگزیر بدخول در جنگ با این دشمنان قدیمی شدیم .

ما میدانستیم که چه وظیفه دشوار و مهمی را بر عهده و درپیش داریم زیرا دول غرب سالهای متعددی بود که سنگر های ارتجاع و سنگری را اشغال نموده بودند . اما برای نزدیک شدن و درهم شکستن این سنگرها بود که ناگزیر با اشغال خاک دیگران گشتیم و بر اثر این عمل کسانی که خود اشغالگر و جنایتکار و آزادبکش هستند ما را بدان نام خواندند همین نتمه های شوم زهر آگین بود که اهالی بیچاره ورشو و بلگراد و هلند و بلژیک و آتن را در خون و آتش غوطه ور ساخت و فدای راه اصول بندگی و بر جای ماندن کلاغ سنگری و استعمار نمود . ما برای آن پیشکار تن دردادیم تا واژه استعمار را از فرهنگ جهان دشمنان حذف نماییم و استعمار خواهان را که از چند سده قبل پیشه های بیاداد بر غرض ملل قویتر مستعمر میگویند عمو و مضطرب سازیم . ما برای آت جنگیدیم تا آزادی ملتهای مانند هند و اندونزی و استرالیا حفظ و تأمین نماییم و موفق بگشودن زنجیرهای استبداد که بر گردن ملل ناتوان دیگر دولته و بسته شده بود بشویم تا دول مستبدان پیشه و استعمار طلب کشور دیگران را بنام عدل و داد و آزادیخواهی اشغال و غصب نکنند و ملک مطلق شویش قورق نمایند .

از آنجا که آنها را با سوارده قدرت و ثروت و کوهستان آنها را نگههند از استعمارهای و اشغال طلبان آنها را شفه تشایند . حاصل دشمنیج آنها را بر روی رفتار تیره

ما برای آن جنگ تسلیی را استعمال کردیم که مظهر ظلم و استبداد را در دنیا از میان برداریم . جور و زور و بیادگیری را که در این سیاست استعمار طلبان در دنیا رایج گشته بود ریشه کن کنیم . ایجاد نظم نوین و عادلانه ای که جهانیان را از دلت حریت

امنیت ، عدالت ، بر خور دار سازد بنمائیم . برای این هدف  
عالی و جهاد مقدس بود که میلیون ها جوان آلمانی و ایتالیایی  
دو کنار هم بجنگ با دشمنان حق و آزادی برخاستند و شربت  
شهادت نوشیدند.

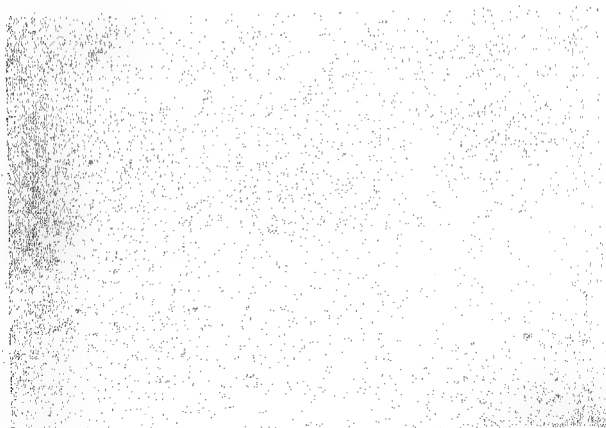
ما حساب مهر که خونینی که ۵ سال و ۸ ماه دوام یافت  
بخوبی کرده بودیم ولی دست تقدیر ساعت کار خود را با ساعت  
عمل ما مطابق نداشت و در نتیجه محور پس از آنهمه پیشرفتهائی  
که در حصول بمقصد نمود کامیاب نگردید و دچار شکست ظاهری  
گردید . اکنون که ما بدین طریق شکست خورده ایم دشمنان ما  
در عیش و مستی بی پایان و غرور بی انتها غوطه ورنند و بر روی  
میلیونها اجساد منوع خود برقص مشغولند . ولی رقص اینها رقص  
بر روی آتش است و بزودی آتش این رقص کاخ هستیشان را  
خواهد سوخت . آن دشمن بشریت که از مرگ و بیثباتی و ستم  
و بیدادگری توده ضعیف ملل خود را زر اندود ساخته بداند که  
دیگر ملتها زیر بار حکومت جبار وی که جهانرا عرصه ظلم و ستم  
و جهانیان را اسیر شهوات و هوسهای خود بر مینهد غویش کرده  
است نخواهند رفت . بیدادگری و استثمار و استثمار در شرف  
اضمحلال و محکوم بسقوط است . مللی که در زیر فشار طاقت  
فرمهای یک حکومت جباری جان میکنند و دود ظلم بهشیم آنها  
رفته است امروز دیگر حاضر برای عبودیت و بندگی نیستند . صدای  
غرش هوانیما و تیوهای شور بود که آنها را تکان داده و بهشیم  
و گوششان را باز نمود .

اکنون توده های وسیع ملی مانند هند و چینام و سنگاپور  
و استرالیا و کانادا همه یکپور فکر میکنند و همه یک چیز مطالب  
و خواهانند و آن آزادی و مساوات ملی و عدالت اجتماعی است .

و حکومتی که جنک را برای استیلای ابدی بر اینها روشن  
 کرد و قفلا حاکم بر مقدرات ایشان است دیگر نخواهد توانست  
 آنها را از سوی کمال مطلوبش منحرف سازد و با وضع حاله  
 دنیا احساسات آنها روشن نشده بقیه و نابود نمایند . و جهان عبودی  
 ملل خصوصاً شوروی و آمریکا پس از این اجازه اسارت این ملتها  
 و ادامه رژیم استبدادی که در مورد اینها حکم فرماست نخواهد داد  
 (بقیه دارد)

۵۰۵

لشکر کشی همیشه و استعمال گناه مسمی در میان مردم  
 بی اسلحه و در يك شبانه روز بهم پیچیدن استقلال آلبانی و یونان  
 جوئی و حمله یونان آرام شکستنی کمر فرانسه از پشت بدون  
 مقدمه نیز لابد برای آزادی دنیا و محو تکیه استعمار بوده است !  
 روزنامه کیهان شماره ۷۵۶



«والتسلطی» یعنی که هیچ دسته خاك و سر را بهمان لشکر نتواند

## جهان نو

جهانی نوی خواهم و روزی نو  
 جهانی زجان و دل انباشته  
 جهانی برون از محیط ستم  
 پس است اینهمه کینه و دشمنی  
 مستمکار و بیدادگر مردمند  
 پنهانخوارگی بخوی کرده چو دد  
 طمع ریشه فتنه و جنک ماست  
 طمع گر نگرودی کسی بر کسی  
 چه حاصل از این جنک و خون ریختن  
 دل ماست تار یک و تار ازیدی  
 بدن شیشه ای و شمع است جان  
 گر این شیشه چرکین شود و تار و گشت  
 در یافتن و جهان ما نیره است  
 غلغله را نه خورشیدی و اختر نیست  
 پس از اینهمه جنک و کشتارها  
 نگردد دیگر گیتی آباد و شاد  
 الا ای سران سرافراز جنک  
 بدست شما ختم این جنک نموده  
 کنون شاید از روی غر هلاک و رازی  
 زه کینه جوئی دیگر نسیرید  
 یکی صلح حق بیاور و بفرمال  
 نه صلحی که آن از سر خمیر گشت

بر اندیشه زین صلح هر کشور است  
 که این صلح از جنک مشتکافری است

## صلح جاویدان .. ۱

— ۵۵ —

فرشته صلح و امنیت و حیات پس از سالها خونریزی و کشتار و ویرانی پای بر صفحه اروپا و بلکه جهان میگذارد. شش سال خونریزی، ویرانی، دزدبدری، سرگردانی، شش سال از میان بردن و دزد کردن گلهای نورسته و باطراوت کشورها و اجتماعات شش سالی که باندازه شصت سال عالم انسانیت و تمدن را بفقرا و عقب کشانید. این شش سال خونین. این ایام مرگ و نیستی و فلاکت نوع بشر امروز با تمام میرسد. جنگ اروپا تمام میشود. ولی آثار منحوس و شوم آنان یادگارهائی فراموش نشدنی این نبرد عظیم و خانه برانداز تهاوار سال دیگر تمام نشده و از نظرها محو نخواهد گردید.

این شش سال جنگ، ببهائی نابودی میلیونها خانه و خانواده و صدها هزار شهر و ده و قریه تمام میشود هیچ خانواده ای امروز در کشور های اروپا و آمریکا و اغلب کشورهای دیگر دنیا وجود ندارد که بجاه سباه عراق و عثم بر اثر نداشته باشد. آن یکی جوانان عزیز خود را برای این حالهای سیه از دست داده است دیگری شوهر یا نازد مورخان خود را گم کرده است. آن دیگری اطفال محسوب یا پسر و دختر خود را شبانه روز بر آتش بهیما میدوزد و سوخته است.

سراسر هزاره بر و خروشی که در ایام صلح چاشماد صفا و رنگ گداز نوع بشر برده امروز بر زمین این اتمانی که تمدن امروز آن بجهت نیاید، مبدل شده است. شهر های آبادان و زیبا که محضون عمر و زحمات و کوشش و استعداد صدها سال و بلکه بیشتر نوع بشر بوده و امروز در میان خاکستر سباه و نابودی و انهدام و خاموشی غرقه است خانواده های متواری

آثار گرانها و تاریخی منهدم و نابود ، اجاقهای فامیل خاموش ،  
دلها بخون فراق و جدائی عزیزان نشسته ، چشما در انتظار عزیزان  
و گمشدگان مینهای نبرد آب گرفته .

چنگ تمام میشود - همه ملل جهان شادی و جشن میگیرند ،  
ناقوسهای عظیم کلیساها در آسمان طنین میافکند ، شاد باشها و  
تبریکات رد و بدل میشود ولی هیچ فکر نمیکند که این ایام سیاه  
و بدبختی و مرگ چگونه تمام میشود ؟ این بیروزی عظیم در مقابل  
چه گذشتها ، چه فداکاریها ، چه خانه خرابیها ، چه معبرو میتیهای  
بینظیر حاصل گشته است ؟

تصور میکنید چند سال ، چه مدت دیگر لازم است تا دوباره  
اینهمه خرابی و خسارت و ویرانی تعمیر و ترمیم گردد ؟  
گذشته از اینها باید باین موضوع توجه داشت که در حیات  
بشر امور و عوامل وجود دارد که فقدان و نابودی آنها دیگر  
ترمیم پذیر نیست این عوامل عبارت از مشروبات و امور مربوطه  
و وابسته بآین است یکی از بزرگترین اثرات چنگ عبارت از تعمیر  
و ترمیم روحیات و اخلاق ملل است یادگارهای تاریخی از قبیل  
ساختنیهای و ابنیه های عظیم که هر کدام شومنگاری بشمار میرود  
پرده های زیبا و باشکوه نقاشی ، و دیگر آثار هنری بزرگان و  
نوابغ گذشته اینها چگونه ممکن است دوباره فراهم و مهیا گردد  
اینهمه جوانان و شبه ویرانه های که فدای شجرات جهانگیری مدعی  
مهاجرین میشوند چگونه دوباره از زمین شروارها خانه و شون باغوش  
مادرها و پدرها و عزیزان شود خواهند ساخت ؟

دینا هر قدر که جلو برود دانشمندان سیاسی و اجتماعی و  
اقتصادی جهان هر قدر که با طرح نهائیه تبلیغات خورشیدی و  
و حمایت هر قدر که رایج و متداول و مقبول باشد هرگز ممکن  
نیست این همه بلایا و بدبختی های روحانی و معنوی بشر را از بین

و صحیفه افکار مردمان جهان بزداید . پرده پوشی روی فجایع گذشته سودی برای نسل بشر نخواهد داشت . باید برای آینده و دنیای بهد فکری نمود . مسلماً اگر بنا شود در هر قرن یک یا دو جنگ عظیمی نظیر نبرد کنونی بظهور رسد پس از چند قرن هیچگونه اثری از بشریت و تمدن در جهان نخواهد ماند ۱۹

باید علت این فلات و خونریزی موحش را پیدا نمود والا جدال و مباحثه بر سر معلول آن فایده ای ندارد . چرا باید هر بیست سال یکمرتبه میلیونها نفوس بیگناه آدمی قربانی و منهدم گردند و اینه خسارات و در بدوی حاصل ملل گردد . جای بسی تعجب و تائر است اگر میبینیم که هزینه جنگ يك دولت بزرگ فقط متجاوز از دویست و هشتاد و چهار میلیارد دلار شده است این بولها ، این طلاها چرا باید در راه قربانی نوع بشر و ویرانی هستی و زندگی آن مصروف گردد ؟

در فرانسه حساب کرده اند که دومیلیون کارگر مدت چهار سال متوالی کار کنند و زحمت بکشند تازه ممکن است ترمیم خسارت و خرابی جنگ را بنمایند !

گذشته از آنکسانی که در میدانهای نبرد جان داده اند باید ارقام حیرت انگیزی از تلفات مردم غیر نظامی و مظلوم را که کم کم ظاهر خواهد شد مورد توجه قرار داد . یقیناً اگر هزینه تمام مدت این جنگ را غیر از مخارج ترمیم خرابی ها و ویرانی ها بین مردم دنیا و ملل جهان تقسیم میکردند دیگر دو جهان کسی فقیر و محتاج و گرسنه نبود . اگر این همه طلا را برای خوشبختی و رفاهیت قوم بشر صرف مینمودند شاید چهره منحوس گرسنگی و همیان و جنگ نبود دنیای نیکوکار .

امروز بزرگترین وظیفه تاریخی و انسانی بزرگان ملل و پشویان کشور های بزرگ عبارت از اینست که باید از تنایع و

اثرات این چنگ خونین کمال هیرت را گیرند و نلخی اینهمه خونریزی و ویرانی و بدبختی را هرگز از ذائقه خود دور ندارند و با همه توانائی و کوشش خویش و از صمیم قلب و خلوص نیت در بنا و ایجاد يك دنیای خوشبخت و صلحجو جدیت و فداکاری نمایند . دنیائی بوجود آورند که دیگر در آن فقر و استیصال و گرسنگی نباشد ، اسارت و بندگی و نارضایتی وجود نداشته همه باهم و برای يك هدف و منظور مقدس در خوشبختی و سعادت یکدیگر کوشش نمایند . .

خدای نکرده اگر امروز که چنگ بیابان میرسد حسد و کینه و غرور و منفعت پرستی جای عدالت و حقانیت و مساوات و بشر دوستی را بگیرد جای هیچگونه شك و تردید نخواهد بود که باز پس از چند سال طوفانی بهراتب سهمگین تر از امروز سرا س عالم را فرا گیرد و دو باره هستی اجتماعات و اقوام بینوای ملل شرقه دوخون شود . مرام و هدف پیروز متدان امروز جهان باید ایجاد يك صلح جاویدان باشد صلحی که دیگر پدر و مادرها را بیارزند ، شهرها را خاکستر ، بشر را آزرده و در بدر نکند و گرسنگی و فقر و اسارت در دنبال خویش نداشته باشد .





## خطبای هیتلر

علت شکست هیتلر نه تنها برتری متفقین از حیث افراد و مهمات بر نیروی آلمان بود بلکه خطبای خود او نیز و بر این نگاه نیستی کشانید. شماره این خطبای از حد بیرون است ولی به خصوص چهار خطبای اساسی سقوط او را تسریع نمود. چرخیل ملن تلافی که در آگست ۱۹۴۲ در ۵ و ۶ سپتامبر سنترال هال ۴ ایراد نمود این خطبای را بر شمرده است وی میگوید:

«ما غالباً در محاسبه های خود اشتباه کرده ایم لیکن نتیجه این اشتباهات در اثر خطبای فاضل هیگنباورهای عاقل و منطقی نگری دیده است. یکی از خطبای هیتلر این بود که در سال ۱۹۴۰ در بر انگلستان علیه نمود. البته آنوقت نیروی توانایی داشت برای تقویت قوه گامها و کارخانهای هواپیما سازی و اختلال نیروی هوایی ما بکار برد لیکن نیروی هوایی بریتانیا اقدامات او را عقیم ساخت. هدف ما از خود بریدن بود تا خود عیبت را بکشیم و تسلیحاتی را که در اختیار داشت جمع بکنیم و با ۷۰۰ هزار تن سرباز بر جرایم انگلیس هجوم بیاوریم و ما تورکستان و چین و سیبری را با تانک و سلاح های بسیار اگر امروز (۱۹۴۲) در بریتانیای کبریا در این روزها در راه ادراک جنگی داریم آنروز پیش از آنکه ما بتوانیم به آنجا تقریباً در بیست روز به بریتانیای هم راهیم که پیش از آنکه ما بتوانیم به آنجا تقریباً در بیست روز به بریتانیای هم راهیم و تمام تجهیزات جدید ما در هر یک از این راهها تلف خواهد شد و به هیچ وجه از مملکت چینی و روسی نماند»

در آغاز سال ۱۹۴۱ من تصور میکردم خطرتر کیه علیه خواهد کرد اما چند هفته پیش او انگلیس و روسیه را شکست

مسلم شد که مشغول تهیه مقدمات هجوم باین کشور میباشد و امیدوار بود که قسمت اعظم خاک جماهیر شوروی را بتصرف آورده آنرا مستعمره خود قرار دهد ولی متوجه شجاعت ملت شوروی نبود و هنگامی که حمله آغاز کرد خود را در برابر نیروی عظیمی از افراد بی پروا و از جان گذشته دید. این بود اشتباه دوم هیتلر. خط سوم پیشوای آلمان این بود که زمستان روسیه را غراموش کرد سرمای روسیه سخت و طاقت فرسا است نه تنها قشر ضخیمی از برف خاک پهناور شوروی را میپوشاند بلکه بادهای سردی هم از جانب استپها میوزد.

هیتلر در سال ۱۹۴۱ باین نکته توجه نکرد و حتی بنظر میبرد که در سال ۱۹۴۲ نیز هنوز با اهمیت این نیروی عظیم طبیعی که در اختیار شوروی است پی نبرده بود زیرا خود را با خطرات بیشتری مواجه ساخت.

خط دیگری که محور مرتکب گردید این بود که گذاشت ژاپن با آمریکا در برلین برابر حمله برد در صورتی که اگر ژاپن فشار ضربات خود را بر ما که در اروپا گرفتاریهای بسیار داشتیم متوجه نمیشد ما را در خاور دور دچار مضیقه میکرد و لای چای غرقماندی است که ژاپنها ابلهانه بملت صلح دوست و نیرومندی تاختند. در این هنگام دولت ژاپن با آمریکا مشغول مذاکره بود ولی در گمراهی افتاد و تصور نکرد که در نتیجه غرق چند کشتی جنگی یا تخریب و انهدام يك بندر امریکائی انرژی خستگی ناپذیر و قدرت بی پایان ملت صد و سی میلیونی امریکارا بر علیه شود بر میانگیرد. براساس این واقعه هم موجب خوشبینی ما گردید.

## ایران و سازمان صلح

ملل متفق در بابان شب تیره جنک طلوع صلح را انتظار دارند و با امید فراوان سازمانهاییکه حافظ صلح است میگردند ، با انحلال جامعه ملل که مولود جنک گذشته بود بنظر میرسید که انسانیت دلیری را از دست داده و جوانمردی را در نبرد بین ستم و دادگری باخته است زیرا بگفته یکی از مورخین بزرگ جامعه برتریبیکه تشکیل شد امیدواریهائی را که اعلامیه « ویلسن » تولید کرد تأمین ننموده جامعه بیسوام و ناپدیدار شد و نظر بنواقص زیادی که داشت درحکم بازیچه بود که میفرواستند با آن مردم جهان را فریب داده عالم را اداره کنند اما باوجود ضعف و ناتوانی آن جامعه دانشمندان عقیده داشتند که پدرهای گرانبائی را در بر دارد که در آئینه قابل نور و روشد فوق العاده میباشد . امروز بر ویرانه های آنجامه سازمانهایی بوجود میآید که مایه رستگاریست و بی تردید گامهای بلندی در راه سعادت و رفاه مال بر خواهد داشت بنحوصرا اینکه تصمیمات دادگاه بین المللی این سازمانها متکی بقوه اجرائیه است که پیوسته از نشو و نمای اصل زور گویان و غلبه بر ضعیف پولو گیری میکند و بیکرمکه ملل بزرگ و کوچک معقول خواهد ماند . در سازمان جدید تنها حسن پدرائی صلح الهی بکار آید و زوالتها به نسبت رنج و مصیبتی که در راه آزادی متحمل شدند پدرائی بعمل خواهد آمد از این لحاظ ما ایرانیان حق داریم که انتظار روزهای خوشتر داشته باشیم زیرا مسائل آیینی میکند که ایران در مجموع حفظ و استقرار صلح در رفعت دول بزرگ قرار گیرد .

موضوع سازمان صلح تنها با حفظ و جمالیات دلفریبی نیست

و راستی اگر در آینده هم خدای ناخواسته الفاظ بردنیا حکومت کند هیچ صلح و آرامشی پایدار نخواهد ماند و پیوسته فریاد جنگ طلبان و ملت‌های ناراضی مانند صوت مرك بر فراز جهان صبا میکند و انهدام بمعنای کامل خود آشکار میگردد - ملاحظه بفرمائید که در گذشته حکومت الفاظ تا چه اندازه موجب بدبختی ملل شده است نماینده آلمان در جامه ملل سابق میگفت : ( بزرگی کشورها بیشتر باین است که در پیش آمدهای مشکل و در مواقع عصبانیت که عقل غالباً نمیتواند آواز خود را بگوشها برساند ، در مقابل تحریکات مقاومت کنند حوصله بخرج دهند و حفظ منافع مشروع خود را از پیشرفت حق بجویند ) همچنین گفت : ( اصل آزادی که هر ملت و فردی از افراد برای آن مجاهده میکنند تحقق نمی یابد مگر اینکه بر پایه عدالت تکیه کند آلمان تصمیم دارد که این آمال بلند را وجهه سیاست خود قرار دهد تمام مللی را که در اینجا گرد آمده اند میتوان مصداق سخن آن شاعر بزرگ دانست که گفت ما از آن مردمانیم که در تاریکی مشتاق بوصول روشنایی هستیم ) اما متأسفانه در پشت این جملات زیبا و دلفریب که دل‌های جهانیان را تسلی میبخشد هیچ حقیقتی وجود نداشت اکنون زمامداران ملل متفق عزم راسخ دارند که به‌الترین امیدهای عالی بشریت لباس عمل بپوشانند و آینده جهان را تا همین نماینده اصل دیگری که مارا بآینده ایران امیدوار میسازد این است که در سازمان اقتصادی دوره صلح ملی ملل بزرگ با اهمیت و اتفاقی صحنه نظیرش تا کنون در تاریخ دیده نشده است ملت‌های کوچک مساعدت خواهند کرد و بقول نخست وزیر بریتانیا کشورها های بزرگ خدمت میکنند نه رهبری این موضوع که شاید علت صلح دولانی و پردوامی بشود ملل کوچک را از مشکلات اقتصادی نجات خواهند داد و در نتیجه این قبیل ملل شکمشان سیر تر

وساعات استراحتشان زیاد تر خواهد شد. اصل دیگری که موجب  
 تحریک امیدواری ماست این است که برطبق تصمیمات متخذه  
 در «انجمن یالتا» بر علیه تجاوز یا اجتماع وسائل تجاوز تدابیر گران  
 بهائی در نظر گرفته شده است که بر اثر آن تدابیر در آینده  
 موضوع کشمکش بر سر تفوق از بین خواهد رفت و دنیا در یک  
 فضای توفانی و پر از مشکلات خصمانه زندگانی نخواهد کرد  
 امروز بیشتر دانشمندان برای احتراز از وقوع جنگ جدید  
 و جلوگیری از انهدام بقایای تمدن چندین هزار ساله بشر اصلاح  
 وضع تربیت میلیونها فرزندی که در دامن فلسفه فرمانروایی پرورش  
 یافته اند لازم میدانند ما امیدواریم که بیهای خون میلیونها جوانی  
 که در میدانهای نبرد ریخته شده بنای عدالت و داد گستری استوار  
 گردد و میهن ما در سایه یک اتحاد بزرگ از مصائب و سختیهای  
 اجتماعی و اقتصادی برهد و طبقه حکومتها در راه دعوت مردم با اتحاد  
 و اتفاق بسیار دشوار و قابل ملاحظه است و یکفتم آن حکیم بزرگ  
 اجتماعی حکومتی که میخواهد برای ملت مفیده باشد باید بهر وسیله  
 که هست بدسته های مختلف ملت تلقین کند که لازمست اتحاد  
 طبقاتی را چنانچه رقابت های داخلی ندارند دنیا که امروز فواید  
 تمامی این اتحادها در نزد بعضی ملل مشاهده میکند قطعا در آینده  
 آنها بیشتر مورد استقبال قرار خواهد داد.

(تاریخ روز)



## اسیری

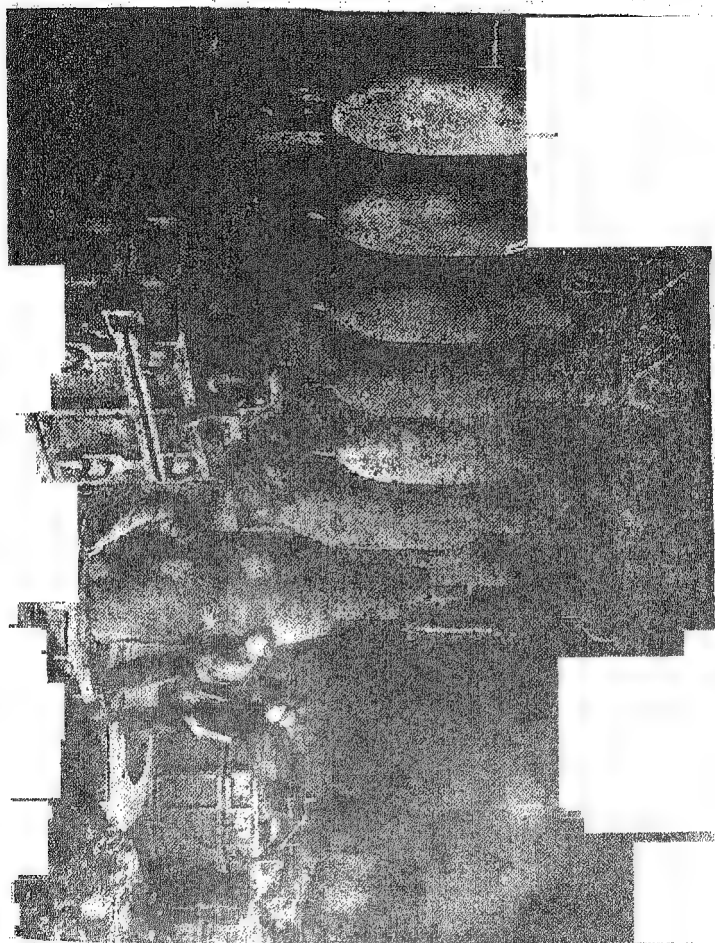
— ۵۵ —

در مصر و هندوستان در باغ وحش شیرهای زیادی دیدم ولی یکی بزرگتر از دیگران بود گوئی روز اول است که اسیر گشته زیرا هنوز تغییراتی در حال او دیده نمیشد.

قفس این شیر بسیار محکم و دارای میله های پولادی ضخیمی بود، قامت او از یک نفر بلند قد رساتر و چشهای بزرگ و نگاههای نافذش با یالهای بلند که گردن او را میپوشانید در نخستین نگاه و برخورد هر بیننده را مجذوب میکرد. وقار این جانور بجای ترس تولید حس رقت در من نمود. میدانید چرا؟ زیرا او اسیر بود!

در برابر يك اسیر بالاترین مرتبه تأثر و احساسات رقت و پست ترین آن نفرت است. چرا من باین اسیر رقتی در دل حس کردم اینك بشرح آن میبر دازم :

هنگامیکه من به قفس نزدیک شدم گوئی این جانور از توجه من بی باسارت خود برد و با پهلوی راست خود میله ها فشار آورد، من در همانجا معنی سعی و کوشش را فهمیدم ولی افسوس که این فشار سخت تأثیری در میله های پولادین قفس ننمود. بیچاره حیوان برگشته با پهلوی چپ همین عمل را تکرار کرد ولی چه سود!... ناگهان ایستاد. من چنین پنداشتم که در برابر ناتوانی خود دم از شکست خواهد زد و بینکار خواهد نشست اما نه! این بار دیدگان بزرگ خود را بسته دهانرا از میان دو میله پولادی قفس بر آسمان افراشته مانند تندری که از افق تیره و تاریک گوش رسیده نهره برکشید و این منظره و صحنه شگفت انگیز اسارت در دل من تولید «رقت» نمود. گرچه این جانور در قفس اسارت با نظر یقینی بمن نگاه میکرد هیچگونه حسی در دل من برنمیانگیزید.



بسیار سنگین وزن که زابونی مارا برانو در آورده

## در خصوص نقشه صلح جهان يك سر باز كشته شده امريكائي صحبت مينمايد

رابرت اوبستر برك كه بيش از نوزده سال نداشت و چندی قبل در جبهه جنگ كشته شد عقايد و ايده هاي بزرگي براي صلح جهان داشته است . امروز عقايد او راجع به آرامش عموميت يافته و همه امريكائيان آنرا پذيرفته اند .  
اميلي تافت دو كلاس از اهالي شيكاگو كه در امريكاياننده هم هست از آنجائيكه تصور ميكرد عقايد او عموميت دارد چندي قبل نقشه اش را در واشنگتن منتشر ساخت .

\*\*\*

نقشه او مدت كمي قبل از برداشتن زخم در جبهه آلمان در روز بيست و هفتم نوامبر سال گذشته بنا بر آنچه آسوسيئاتد پرس ميگويد ، نوشته شده بود رابرت يكي از ديپلومه هاي دبیرستان آموندسن بود فقط يكسال در ارتش خدمت ميكرد . شش ماه از اين مدت را در خارج از امريكا و چهار ماه بود كه به جبهه قدم گذارده بود در ماه آخر به درجه سرچوخيگي رسيد و پس از فوت دو بلويك بنگا سپرده شد .  
نقشه او از اينقرار است :

- ۱ - هيچ قسمتي از دنيا نميتواند از نواحي ديگر مجزا باشد
- ۲ - بايستي يك معامله دوستانه بازرگاني بين ملل انجام يابد
- ۳ - در زمينه تعليم و تربيت بايد براي تمام يك سهم معيني در نظر گرفت اين آموزش و پرورش بايد اجباري باشد و در دانشگاهها يك عقيدة تدريس گردد .



۴ هر ملتی باید حق آنرا داشته باشد که نوع حکومت خویش را تعیین نماید... ولی طوری تنظیم شود که به حقوق و مرز های دیگران تخطی نکنند.

۵ - موضوع تسلیحات باید هدی داشته و از جمیع ملل يك نیروی شهرتانی بزرگ تشکیل گردد.

۶ - يك محکمه بین المللی دائما تشکیل و مشغول رسیدگی بدآوری و صلح جوئی باشد.

۷ - همه معینی از پزشك های حافظ دنیا برای بهبودی اوضاع طبیب جهان باید با هم کار کنند.



عزیزالله جعفری رئیس هیئت فرمانده نیروی دریایی ایران و رئیس کمیسیون آرمی که اخیراً  
به پایتخت ایران فرستاده شد. (تصویری از روزنامه)

## انگلستان

### دروزر آتش بمب

در میان کتب زیادی که در اطراف اوضاع و احوال انگلستان در جنگ کنونی نوشته شده ، هیچکدام شیرین تر و در عین حال روان تر و فریبنده تر از کتابی نیست که مؤلف آن (بن رابرت سن) بنام « انگلستان در زیر آتش بمب » با بیان شیوا و پر مغز خود وضعیت انگلستان و مردم آن سرزمین را در زیر آتش بمبوزان بمب مجسم نموده باشد .

نایب ده یکی از مشهورین سربازان امریکاست که بعنوان نماینده ای از سربازان انگلستان در تابستان ۱۹۴۱ در سربازان دیده و در اثر ثبت یک سلسله وقایع جبروت انگیز و مضطرب جانفشانی که با چشم خود دیده و غریب و غریب آسای طیارات دشمن را با گویش خود شنیده ، مظالم انسانی را در برابر چشم ما روشن و در عین حال جاننازی و رفتارگری و شهامت جوانان آن سرزمین را از روی اطلاعات عینی و منطقی مقبول خود بمالیان عدل میسازد .

طیاره ای که در تابستان گذشت ، مرا از لیسبون با انگلستان درواز داد ، در میان فرودگاه سبز و گرمی که مدار از کتابهای رنگارنگ و هواپیمای گوناگون بود فروز آمد .

اندک زمانی که در آن هواپیمای محروم نشسته و بپسره فرود آمدن هواپیمای زمین ما را مشاهده نمودم همه بخلبانان و خدای بودند که در لباس آبی رنگ مخصوص قوای هوایی سلطنتی انگلستان ، گردا گرد ما جلوه زدند و اولین چیزی که تعجب بود آنست که این بنده بلب کرد ، تیاف های بشاش و سیمای جاذبی بود که این

چواتان با کمال خونسردی ، در غین حال جدی و آماده بهر کاری  
به خود گرفته بودند .

در آنروز در اثر شکست فرانسه ، سواحل آن مملکت در  
تصرف آلمانیها هجوم ناکهانی دشمن ، انگلستان را هر آن تهدید  
مینمود و در اثر اینگونه نگرانی های فوق العاده من انتظار داشتم  
قیافه ساکنین این سرزمین را خارج از حالات عادی و اوضاع طبیعی  
مشاهده نموده ؛ يك نوع انقباض و گرفتگی را در وجنات آنان  
احساس نمایم .

اما برخلاف حدس من ، تمام مکانیسم های مملکت در  
کارخانجات مخصوصی با کمال خونسردی مشغول بستن سوار کردن  
بیج و مهره کردن و مرتب کردن موتور های گوناگون بوده  
چکش و جراتقال آنان گوش فلک را کر میساخت .

کارگران با آزادی از محفظه هایی که در زیر آن هواپیماها  
محافظت میشود با جمله زیادی مشغول رفت و آمد بودند اتفاقاً یکی از  
آنها هم با آلت مخصوصی که در دست گرفته گلهای سرخ باغچه را  
مثل اینکه دو ماورای جزیره انگلستان و اقیانوسها ابداً و قیامی  
رخ نداده باشد مشغول و بهین حشریدن شده بود و در موقعیکه  
خلبانان سرویس چای خوردی نظیف و مرتبی را در جلو میز ما  
قرار دادند .

در مثل باخود گفتم : خدا با رحم کن !! انگلستان اگر بخواهد  
اینطورها کار کند و در برابر ایستادگی و مقاومتات دشمن اینگونه  
دفاع نموده قابلیت های جنگی او خود ابراز ندارد گمان نمیکنم آخر من  
صرفه بخارفت او باشد .

هم آنروز ، من به «والدورف هونل» همان مهمانخانه ای  
که قبلاً برای اقامت من در لندن در نظر گرفته شده بود وارد شدم

يكنفر خدمتگار بامور رسيدگي اطاق من براي پائين آوردن پرده ها و اخذ قاي پنجره هايشه پرداخته و پس از انجام كارهاي معموله ، از من سؤال كرد آيا آقا ماسك ضد گاز دارند ؟

من جواب دادم هنوز موفق بدريافت آن نشده ام . بالجن ملايم و مؤدبي جواب داد : بسيار خوب از طرف مدير مهمانخانه يكي براي شما فرستاده خواهد شد كه تا مدتي كه موفق بدريافت ماسكهاي دولتي نشده ايد ، از آن استفاده نماييد . ماسكهاي ضد گاز در مملكت مامچاني است

خدمتگار هنوز سخن خود را پايان نرسانده بود مرا در اطاق تاريك و مملو از آثار هولناك چنك تنها گذارد . ظلمتي كه پرده هاي سياه دريچه ها در داخل اطاق ايجاد نموده بود ، يكنوع خفقان قلبي دچارم ساخت و من تا آنروز معنای راحتی ، آزادي و روشنائي را در مواقع عادي درك نكرده بودم .

با كمال عجله سر و صورت خود را صفاداده بقسمت تجتاني عمارت كه براي محل ناهار خوري تعيين شده بود ، سرازير شدم و براي توضيح بايستي اضافه نمايم مدت زماني را كه در انگلستان اقامت داشتم با اينگونه سالنهاي غذاخوري تحت الارضي زياد سر و كار پيدا ميكردم حقيقه منظره هولناكي بود . انسان مرك را بالماينه در برابر چشم خود ميديد و بلا جهت در آن مقبره زير زميني يكنوع اضطراب ترس و آشوبي را در خود احساس كردم در صورتيكه ترس و واهمه من ابدأ موضوعي نداشت ؛ زيرا محل اشتقا كاملا از آسيب بباردمان طيارات دشمن مصون و تا آنروز هم هنوز انگلستان با آن ببارانها هولناك مواجه نشده بود فرداي روز ورود پس از معرفي و ثبت نام در دفتر شهرياني در نقاط مركزي شهر لندن بتقريج پرداختم . سر بازان

مشغول کشیدن سیمهای خاردار سراسر کوچه ها و بدینوسیله  
وسائل دفاعی عمارات را از حریق گودال و ایجاد بناهای گاهها  
و غیره فراهم میآوردند . بالای پشت بام عمارات ، در صحن  
فضای خانه ها ، جوانان ، پیرمردان بفر گرفتن تعلیمات نظامی  
مشغول و تشکیلات مأمورین دفاعی داخلی انگلستان هم در شرف  
تأسیس بود .

یکنوع جدید و مقاومت خمستگی ناپذیری در هوا ، زمین  
کوچه ها و معابر عمومی ویرانه و مچالت و معلومغات در هر  
جا و هر چیز و هر کس محسوس میگردد .

از دریچه اطاق من عبارت زیر را بشکاف از صاحبان منازل  
از یکقسمت از نطق و بشکاف چهره های اقباس و بشکاف چهره  
خود نوشته بود :

در تمام این چهار به نظر من بیاید دست راست و چپ دست  
بموی کار و حال و نظارت بشکاف و دفع از وطن ، انجام وظیفه  
تسلیم مشقات و جانباری رو آوریم . با آنکه در تمام از  
بازر بشکاف مشقات ضایعات جنگی چنان خود را بدست داریم  
کمی شورش از آن روی میبار بشکاف از مشقات با حشود و تعلیم  
فرست و بر دست کلمات مشرف جان در کاف و بشکاف و بشکاف

از آن حال و نظارت بشکاف و دفع از وطن ، انجام وظیفه  
تسلیم مشقات و جانباری رو آوریم . با آنکه در تمام از  
بازر بشکاف مشقات ضایعات جنگی چنان خود را بدست داریم  
کمی شورش از آن روی میبار بشکاف از مشقات با حشود و تعلیم  
فرست و بر دست کلمات مشرف جان در کاف و بشکاف و بشکاف

در آن روز بود که من احساس کردم انگلستان تا آخرین نفر  
شهادت میدهد و بر این دست آورده میروند و بر آن از جان و  
مال و جان مشایقه نتواند نمود \*

تمام افراد مملکت ؛ با هول و هراس زائد الوصفی مشغول  
رفت و آمد و هر آن مترصد ظهور طیارات دشمن در آسمان  
مملکت و قرار گرفتن زیر آتش سوزان بلب بودند .

در بلیوت « لارد استور » دادستان آنجا ملاقات کردم  
فامیل نامبرده فوق العاده مؤدب ، مهربان و عموماً با کمال گرمی  
و محبت از من پذیرائی نمودند .

« نانی استور » خانم دادستان بدن چنین گفت : چهار نفر  
پسران ما در سربازخانه داوطلب خدمت و مشغول تعلیمات نظامی  
هستند ، من بعضی اوقات متفکرم کدامیک از ما بایستی پیشقدم  
میدان جنگ باشیم پسرها ، پدرشان یا من .

آتشب را سر میر غذا ؛ استورها و چند نفر دیگر از مهمانان  
تمام گفتگویشان در اطراف سقوط پاریس و چقدر متأسف بودند  
از اینکه بفاصله یکسانیت تمام ، اوضاع دیگرگون و بیک طرفه  
الحین ، امیدها مبدل بیأس و ناامیدی کامل در اثر سقوط فرانسه  
در سراسر انگلیس حکم فرما گردیده بود . میگویند دیگر متفکری  
برای ما باقی نمانده پشتیبان و حامی ما از میان رفت !

ولی در برابر آنچه تهنیراتی که از انهدام فرانسه ابراز  
میشد ؛ بمن چنین گفتند متأسف نباشید « ما انگلیسپهادهای احساسات  
عالیه و سرشاری هستیم که با مال خواهیم دانست در چه نقطه  
ماکن و جای یای ما در کجا قائم و مستحکم است »

آری همین احساسات عالیه و تعصبیت نژادی همیب و شریب  
بود که بمال غیر معلوم انگلستان را مقوداً در این یأس و تنهایی  
مشتری دادار بقالیت نمود !!

## يك ميليون دلار برای اقتصاد پس از جنگ چين

وزارت اقتصاد خارجهٔ امريكا يك ميليون دلار برای نقشه صنعتی نمودن چين تخصيص داده است .

نقشه پنج ساله اين عمل را چهل نفر از متخصصين امريكا مطرح و برنامه اش را تدوين نموده اند . عجلانها برای ملاحظه دولت چين به آن کشور فرستاده شده است .

متخصصين نامبرده ادعا ميکنند که تا بهال کشيدن چنين نقشه ای برای ايشان سابقه نداشته است . زیرا فقط ازدياد صنايع فلهای چين در نظر نموده ، بلکه آنان با تيروي ابتکار خویش کاری کرده و قالبی ريخته اند تا بتوان بدانوسيله آيندهٔ صنعتی چين را تأمین نموده و کشور نامبرده بتواند احتياجات خود را در داخله رفع کند .

### ۱۰۰۰ کارخانه

متخصصين نامبرده در جواب يك خبرنگار گفته بودند : « اين طرح منظور کامل و اصلی ما نیست . دولت چين برای صنعتی نمودن کشور خود از ما کمکی خواست . اين برنامه و طرح ترويج اظهار شده ما است .

بالين برنامه مربوط به هزارانی ۹۰۰ کارخانه می تواند در کشور چين بکار آید . و برای حمل و نقل داخلی با بهره رينه سدائي در حدود يك ميليارد دلار در نظر گرفت .

چين با طرح و سرمایه آمريکائی میتواند در عتائی چون شیمیائی ، کارخانه ، نساجی ، استخراج معدن ، جلو گیری از سرماي آب و فایده آب رودخانه ما و غيره وارد اقدامات گردد .

## کار برای ۷۰۰ هزار نفر

در نتیجهٔ بکار انداختن طرح فوق بیش از هفتصد هزار نفر از چین‌ها بکار واداشته خواهند شد . ولی هنوز معلوم نیست که با هزینه یک میلیاردی که جهت حمل و نقل داخلی ممکنست تخصیص داده شود چند صد هزار نفر کار خواهند گرفت .

در اینجا باید ذکرى از نام «دونالد نلسن» که در مسافرت بچین نموده و شخص رابط بین دو کشور میباشد و علاوه پیشنهادات مفیدی هم نموده است ، کرد .

### چشمهای الکتریکی برای جلوگیری از تخلفات رانندگان

در امریکا آلتی اختراع شده که وقتی آنرا در کنار جاده قرار دهند میتوانند سرعت سیر اتومبیلی را که میگذرد دقیقاً محاسب کنند این آلت چشمهای الکتریکی دارد که هر کت اتومبیل را بشود دی خود دیده سرعت آنرا با دستگاه خود کار خود شبیه چاهد و آن دستگاه میزان سرعت را ثبت مینماید . از اینرو میتوانند از رانندگان متخلفی که در جاده ها بیش از اندازه معمولی هر کت میکنند ممانعت نمایند .

« داد »



## چطور از حیوانات در جنگ استفاده میکنند؟

### جیب طبیعت « قاطر »

### از جیب بشر زرنگتر است !



اعطاء جایزه به دو کبوتر قاصد ، هنگام حمله بر سواحل غربی اروپا بهترین دلیل مبدای فوق بوده و باید قبول نمود که باوجود پیشرفت خارق العاده ماشین و موتور ، همذ حیوانات هنوز هم نقش مهمی را در تأثر جنگ بازی میکنند .

مدال نامبرده پیشکین معروف بوده و از طرف باشگاه ماسکات که مربوط به خدمات متوقین است اعطاء میگردد . این گاوب مخصوصاً برای حیوانات مریش از طرف بهادری عمومی بر پا گشته است و مدال آن به تمام بمبوبات ، شریک بونیک از سویل کبوتر ، سانه اسمب و غیره داده میشود ، بلکه با شخصاتی هم که اینان را برای این امر تربیت میکنند ، عده میگرد و از نظر انگلیسی ها میتوان آنها « مدال ملیپ ویکتوریا برای حیوانات » دانسته و تا به حال فقط هفت هزار اعطاء شده است . شای دانه بکبوتران و بکرنیه بکسانه شرکت بمبوبات و بونیکان در جنگ متوال سال دانی گذشته بوده و از دانی که برونیک برونیک آفایر گر چند از این مقامات برای ارجحان خبر استفاده جیب از یک مس مخصوص آنها جهت اطلاع از وجود یا نردنگ شدن دشمن میتوان مستفید گشت . از قیودی آنها برای حمل بار و گازی و همچنین از سرعتشان برای کسب پیام بصوری استفاده میشود .

## گنجشك

افسانه اینکه چطور غاز های کایتولین رم را از حمله ناگهانی گالها در سال ۳۹۰ قبل از میلاد نجات دادند تقریباً فراموش شده و فقط غده کمی از آن مطلع اند . ولی آن داستان که يك پرنده با زدن نوک خود بر روی طبل در سال ۱۶۹۰ بعد از میلاد قراول انگلیسی را از خواب بیدار و سربازان آنکشور را برای حمله ایرلندی ها در جنگ بوین آماده نمود هرگز از خاطر ها محو نخواهد گشت .

هنوز کودکان ایرلندی جشن گنجشك را در روز « سنت اسفن » بر پا میکنند و در حین انجام مراسم دیگر جسد يك گنجشك را بر روی طبقی گذارده یمشایش صقوف خود حرکت میدهند .

در بین داستانهای که مربوط باین روز میدانند افسانه ایست که مربوط به يك گنجشك بوده و آن هم يك پامدار رومی را بیدار میکند و در نتیجه هموم سربازان را از خطر هلاك نجات میدهد . حال کار نداریم که کداميك از این افسانه ها صحتی تر و به حقیقت نزدیکتر است . بلکه مقصود از ذکر داستان فوق فقط آنستکه یادی از مساعدت پرنده گان کوچک شده و نقش مهم آنها بی میریم .

## قناری

پرنده گان با تشخیص خطری به بشر کمک نموده و فعلاً از قناری در زیر دریایی برای خبر از حمله نیروی هوایی استفاده میکنند . زیرا وقتی که دیده بانهای ساهی هم از یافتن خبر از حمله هوا پیمای عاجز باشند این پرنده ناچار بطور مشخصی آواز خوانده و سربازان را مطلع میسازد .

سابق بر این از موش سفید هم همین استفاده میشد . ولی چون  
خبر او آنقدرها فوری و حساس نبود قناری جای آنرا گرفت .

### سگ

سگها نقش بزرگی را در جنگ فعلی داشته اند از سگهای  
معروف آمریکائی بنام « سگهای دفاع » یا ( ک - ۹ ) استفاده  
زیاد میشود . که بعضی از آنها عبارتند از : پاسداری ، امر بری ،  
راهبانی ، یافتن محل مین ، حمله بر افراد منفرد و غیره .  
در انگلستان بتجربه ثابت شده است سگهای پلیس « لستایان »  
که در بو کشیدن و شنیدن بی مثال هستند برای تخریب های هوایی  
خوب بوده و آتانی را که در زیر آوار مانده اند زود پیدا  
میکنند . علاوه چون خیلی سگ هستند به مجلهائی میروند که اگر  
انسان یا گدازد ممکن است استفاده سنگینی را نداشته باشند و  
زود خراب شوند .

### قاطر

قاتل را باید « حیوانات دنیا دانست بدون تردید  
اوش های مختلف در ترکیب ، میسمل و به هموس در نقاط گوهستانی  
ایتالیا بدون قاطر و کسکولای مؤثر او کاری از پیش نمیردند .  
علاوه قسمت اعظم مایات و پیشرفت در برمه مربوط به این حیوان  
مهور و باربر بوده است .

« حیوانات جهان » حیوانات را به هموس مؤثر آنست که کجاست و  
هائو مانده و حیوانات را زود از پیش قاطر بر استی حرکت  
میکند . مؤثر آنکه بهی را به هموس و هموسها از تمام در آن  
هیچ نوع تأخیری ندارد .

از آنها برای حمل خوب ، تنگ و تسلیات حیوانات و غیره  
بهر گز دانست زخمی جای جنگ در نوازی گوهستانی بهی استفاده

میشود .

## شتر :

در اینجا باید ذکرى هم از شتر نمود ، اگر چه در تمام نقاط از آن کار نمیتوان کشید ولی فایده خبلى خوبى در نبرد حبشه داشتند . هیلاسلاسى با کمک آنها از راه سودان انگلیس و مصر پیش رفته تاج و تخت خود را دوباره بدست آورد .

اهمیت شتر را باید از آن قسمت که دیر بدیر احتیاج آب دارد بخاطر داشت این خاصیت در جنگهای صحرائى افریقا فوق العاده چالاب توجه است که در عین حال سبب شجاعت و استقامت سربازان هم واقع میگردد ، شتر قادر است که بار زیاد و سنگین را از صحراهای ریگزار بدون ذره ای اظهارالم برده و اولین مستخدم بشر در چنین نواحى بوده و با وجود استفاده زیاد از هواپیماهای غول آسای فعلی شتر اهمیت خویش را از دست نداده است .

شتر بهترین وسیله حمل و نقل بار میباشد نه تنها برای بار سافرش است بلکه جهت سواری نیز از آن استفاده میشود . بعضى از ارتش ها دارای سواره نظام شتر سوار بسیار هستند ، همانقدر که قابل در نواحى کوهستانی مهم است شتر هم در صحرا و دشت قابل اهمیت میباشد .

در این روزها هواپیما و تانک جای شتر را گرفته و در میدان های جنگ هوایى بنا که موثرهائی غراب شده و بی مصرف تاباک دیده میشود اشکالت بی گروشت شتر نیز چالاب نظر مینماید

آنها

اسب نیز بتوبه خود شترى بگردن بشمارد زیرا هم توانایی حمل بار داشته و هم برای سرعت سواره نظام در وقت عملیات کاربرد می شود . ولی چون امروز اصولاً قسمت های مختلفه ارتش ها مکانیزه شده این حیوان نیز تا حدی اهمیت خود را از دست داده است .

هر کسی از نقش مهم سواره نظام در جنگ های گذشته اطلاع و به آن اذعان دارد . ولی باید گفت و قبول هم داشت که روز بروز عقب رفته و هر قدر که بروسایل موتوری افزون گردد از اهمیت اسب و سایر حیوانات کاسته میشود .

مساعی قزاق ها را در نبرد روسیه نمیتوان فراموش کرد زیرا هنگامیکه موتور و تانک از شدت سرما قادر به حرکت نبودند سربازان نامبرده بکمک اسب های خود که از کوچکی باهم بزرگ شده و باهم خیلی دوست و رفیق هستند از نواحی یخ بسته ورودخانه عبور کرده بطور ناگهان بر سر آلمانی ها خراب میشدند .

متفقین از اسب در ایتالیا و برمه و آلمانی ها هم در یکسال اخیر برای حمل نفت و بنزین جهت وسائل موتوری جبهه خود از آن استفاده مینموده اند .

### فیل :

فیل زمانی مورد استفاده بود ولی حال در مسائل جنگی چندان مفید نمیشد در برهه برای ساختن پل و حمل بارهای فوق العاده سنگین بکار برده میشود .

متفقین از حیوانات دیگر مثل از شکبوت برای تنیدن تار هم استفاده مینمایند .

مؤلفه اینکه در قدر و شربوسایل موتوری محتاج شویم به نقشه همی که سابقاً حیوانات در جنگ داشته اند بی فایده است . اگر چه امروز هم قابل استفاده است ولی کم کم از صحنه خارج شده و بیهوده نیست که روزی مناجم هم بشوند .

## دو زندان تبهکاران جنگ

گورینگ و راین تروپ زندان خود را شخصاً جاروب میکنند در یاسالار دوتیز از هم غذا شدن با اشتراک امتناع دارد. مانند فورد (لوکر امپورک) بقرار اظهار خبرگزاری امریکا اطلاق زندانهای که در آن سران نازی زندگانی مینمایند و قریب چند ماه است که از بازداشت آنها میگذرد بطوری تهیه شده است که کلیه وسائل انتحار از دست آنها خارج شده است.

مثلاً اطلاق راین تروپ بزرگترین سیاستمدار آلمان و وزیر خارجه دولت نازی دارای يك تختخواب سفری و يك تشك گاهی میباشد برای آنکه این بازداشت شدگان انتحار نکنند سیمهای برق از اطاقهای آنها عبور نداده اند.

شیشه پنجره این اطاقها بوسیله نرده های آهنی از دسترس زندانیان خارج شده است.

بطوریکه این اشتعاص بوسیله شیشه و شکستن پنجره نتوانند انتحار کنند.

همچنین اطلاق آنها فاقد آئینه است ولی باید دانست که هر وقت زندانیان نازی بخواهند صورت خود را بشراشند و مسائل اصلاح از قبیل تیغ و صابون و سایر چیزها در اختیار آنها گذاشته میشود و در حضور نگهبان صورت خود را اصلاح میکنند.

زمامداران نازی که روزی بر میلیونها نفر حکومت میکردند و شاید عده ای از جهان و دل آرزوی قریب به آنها و خدمتکارانشان را داشتند امروز از داشتن يك خدمتکار محرومند.

کلنل آندرس فرمانده بازداشتگاه زمامداران فاشیست بطوریکه اظهار میدارد «گورینگ و راین تروپ هنوز هم نفوذ و نفوذ خود را از دست نداده اند با آنکه هر روز صبح اطلاق خود را جاروب میکنند مهلاً باز هم تکبیر از آنها دور نشده است»



## یکی از جلسات تاریخی مجلس شورای ملی انگلستان

روز سه‌شنبه ۲۸ ۱۹۳۸ یکی از روزهای تیره و وحشتناک تاریخ اروپاست فریاد سهمگین هیتلر که در بامداد این روز در اروپا طنین افکند در گوش ملل جهان مانند صاعقهٔ مرگ اثر کرد. هیتلر میگفت: یا باید چکوسلواکی تسلیم شود یا اینکه قوهٔ قهریه برانویشت در خواهم آورد فرانسه و انگلستان که ضمن پیمانی دست وفا داری و هم عهدی به چکوسلواکی داده بودند چون یار وفا دار خود را با عفریت جنگ رو برو دیده و بشکای افتاده بودند. هیچان فوق العاده ای در پاریس و لندن حکمفرما بود. ماسکهای ضد گاز بسرعت در میان مردم تقسیم میشد. اطفال شهر را ترك میکردند. هیولای جنگ و وحشت بر سرساکین ایندو شهر بزرگ بار گذریده بود کمی بیش از نیمی شب به نیروهای دریایی انگلیس فرمان داده شد که خود را برای تیرد آماده کنند. بیش از يك گام با جهات فاصله نبود به تپنده سیاستمداران هیتلر خود را برای جنگ آماده کرده بود و دیگر هیچ راه چاره ای بنظر نمی رسید. روز ولت و موسوایی هر دو به نامهایی حاکی از علاقه خود به ای صلح به هیتلر متعابره کردند ولی آتشی که در درون پيشوای آلمان زبانه میکشید هر دم رو بقزونی می نهاد در ۲۳ سپتامبر همین سال نمایندگان انگلستان در جامعه ملل بالتیونف نماینده روسیه را جمع به جهت احتمالی آلمان به چکوسلواکی صحبت کرده بودند. لیتونف گفته بود که در صورت حمله آلمان به يك دولت روسیه حاضر خواهد بود که بلافاصله با ستادهای ارتش فرانسه و انگلستان تماس یابد. متن گفتار لیتونف بلندن و پاریس متعابره شده بود ولی زمامداران انگلستان روسیه را نادیده انگاشته بودند امروز یعنی ۲۷ سپتامبر



مسئله روسیه نیز یکی از غوامض امور بود - انگلیسیها از خود  
میپرسیدند اگر ما وارد جنگ شویم روسیه چه خواهد کرد؟ دو ساعت  
پس بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۸ جلسه مجلس  
شورای ملی انگلستان با حالتی آشفته و متشنج تشکیل شد - نمایندگان  
یکی بعد از دیگری با حالی غمگین و افسرده وارد میشدند و  
بر جای خود می نشستند جمعیت زیادی در تالار گرد آمده بود  
همه میخواستند از سرنوشت جهان خبر یابند همه آمده بودند که  
به هیئت دولت انگلستان در قبال زورگویی آلمان چه تصمیم اتخاذ  
خواهد کرد... .

در این حین نخست وزیر چمبرلین وارد شد - قیافه نخست  
وزیر را غبار غم و کدورت فرا گرفته بود - - - انتظار میرسید که  
افکار و خیالاتی او را بشدت رنج میدهد چشم همه بسوی تریبون  
دوخته شد - چمبرلین رشته سخن را بدست گرفت - - با متانت و  
آرامی داستان مذاکرات انگلستان را با آلمان و کوششهایی را  
که برای ابقای صلح نموده بود بیان کرد - سکوت عمیق حضار  
و قیافه مسرور و مکرر او وضعی عجیب بدین منظره بخشوده بود  
چمبرلین گاه گاه سخن خود را قطع میکرد و با نگاهی مایوسانه  
با اطراف مینگریست - نمایندگان با داشت بدستان دراز او گوش  
میدادند - چمبرلین میگفت :

« من به هر چه گادان پرواز کردم نتوانم این بود  
که میتوانم با دیواری شدن باشخصی هیئت از جنگ  
آینده جلوگیری کنم ولی در این ملاقات فهمیدم که  
هیئت جز بر آرزوی خنثی آتش جنگ متفاوتی ندارند  
و دلالتی برای جلوگیری از جنگ چکها را مجبور  
کردیم که استحقاقات دفاعی و قسمتی از سرزمین  
خود را به هیئت واگذارند من تصور میکردم که دیگر

آتش حرص هیتلر فرو نشسته است با خیالی آرام  
بهر سپرک پرواز کردم ولی دیدم که آتش از هیتلر  
تیز تر شده است هیتلر میخواست که تمام سرزمین چاک  
را چون لقمه ای لذیذ و گوارا فرو دهد - ما  
میخواستیم کاری کنیم که چکوسلاواکی بتواند لااقل  
قسمتی از ذخائر ارتش و منابع گرانبهای خود را عقب  
بکشد شما میتوانستید تصور کنید که بچه حیرت و  
سرگردانی دچار شده بودم \*

سخن چمبرلین باینجا که رسید جنبشی در صفوف نمایندگان  
مشهود شد و صداهائی بملامت شفقت و همدردی برخاست.

«ضرورت سخت و شایستی بمن خورده بود»

باز ارزش دیگری بیکر تماشاچیان را فرا گرفت - چمبرلین  
تکائی بخود داده و عینکش را جا بجا کرد سپس کاغذهایی را  
که در پیش رو گسترده بود پس و پیش کرد و باز شروع سخن  
کرد: همه با اشتیاق خارج از حد منتظر بودند که نخست وزیر  
وقایع دوازده ساعت اخیر و تصمیم خود را بیان کند - نمایان  
مجلس را فرا گرفته بود - چمبرلین وارد مطالب شد و گفت:

دیروز صبح

در این هنگام صدائی در کریاورها شنیده شد - لرزه  
هائیکس که با شوق فراوان بمختار نخست وزیر گوش میداد از  
جای خود بلند شد و خارج گردید بکلیفچه بند یک قیامه کاغذ دست  
بدمت بمندلی وزیر دارائی رسید - سر جان سیمون با دقت کاغذ  
نظر افکند - بلافاصله آن را به نخست وزیر داد - چمبرلین سر  
این هنگام لب از سخن گفتن فرو بسته بود - وضع اسرار آمیزی  
سائین را فرا گرفت - چمبرلین باز عینک خود را تکان داد و بتواند

کاغذی که سر جان سیمون بدو داده بود مشغول شد — همه میزدند  
که چهره چمبرلین آن بآن تغییر میکند چشمان خموده او را برق  
شفق و شادمانی فرا میگیرد — چنین های فراوانی که بریشانی  
او کره افکنده بود دیده میشد که بتندی محو میشود — سرانجام  
چمبرلین شروع بسخن کرد — چند دقیقه ای را به بیان وقایع ۱۲  
ساعته اخیر گذراند سپس چنین گفت :

« اکنون میخواهم موضوع بسیار مهم دیگری را با اطلاع  
مجلس شورای ملی برسانم هم اکنون از پیشوای آلمان بن نامه ای  
رسیده است که مراد دعوت نموده بامداد فردا با او در مونیخ ملاقات  
کنم — موسولینی و دلادیه نیز برای شرکت در مذاکرات دعوت  
شده اند — موسولینی دعوت هیتلر را پذیرفته است — یقین دارم  
که دلادیه نیز دعوت پیشوای آلمان را رد نخواهد کرد — جواب  
من هم که بدعوت هیتلر معلوم است ۰۰۰۰۰۰۰ شور و شغفی خارق-  
العاده در مجلس پدیدار شد — در ظرف چند دقیقه سرنوشت جهان  
دیگرگون شده بود همه خیال میکردند که انگلستان با آلمان وارد  
جنگ خواهد شد و این اکنون میدانند که چمبرلین برای مذاکره مونیخ  
میرزد — فریادهای شادمانی و شفق که گمن در تاریخ مجلس  
انگلسان نظیر دارد از صحنه مجلس برخاست همه نمایندگان از  
روی صندلی های خود بلند شده دست میزدند — چمبرلین در  
میان فریادهای شادمانی نباید گفت از مجلس خارج شد — اولین  
شهری که از دیگر شهرهای انگلستان و فرانسه برای چند مراسمی شکست  
خورده بود .

## احمد كوچك خانه جاسوس سازى

گلیس !

تى و پشت هم اندازى و مهارت

دنیا بقدر جاسوسى محتاج مهارت و زبردستى  
زبر دست که میتواند سالیان دراز در  
کشور خود کار کنند حقاً شایسته هر گونه

جاسوسى دارد دولى اداره جاسوسى انگلیسها  
این اداره تاکنون هزاران جاسوس  
که در سراسر دنیا مشغول خدمت بدولت  
اتفاق افتاده است که یکی از این جاسوسها

ز انتخاب کردن اشخاص برای جاسوسى  
را این راه تیارى اندوخته که او را

لایا (اقیانوس گیر) یکروز رئیس اداره  
ه ساله ای را دید که تشویض داد مستعد  
ست . پدر این پسر یک نفر نیمه وحشی بود  
از پدرش بمنیت نزدیک شده بود يك  
ن و مثل و مشیای هوش غریزی سرشاری  
مش « نورنالا » و بنیه مزاجی او متوسط  
بود .

رئیس اداره احتکار افیون که استعداد این کودک را دید  
او را زیر نظر خود گرفت و مدت چند ماه سه چهار زبان بومی  
و زبان هندی را باو آموخت. نورنالا شروع بکار کرد و نخستین  
وظیفه او مبارزه با قاچاقچیان افیون بود. نورنالا استعداد و مهارت  
شایانی نشان داد و رئیسش گزارشی از هوش و قابلیت او بلند  
فرستاد باو دستور دادند زبان انگلیسی را باین کودک بیاموزد.  
نورنالا پس از آموختن زبان انگلیسی سمت جابه و سنگاپور رفت  
و منطقه جاسوسی و فعالیت خود را شروع بپروسی نمود. هنگامیکه  
چنگ جهانگیر گذشته شروع شد نورنالا مأمور جاسوسی در سنگاپور  
گشت و وظیفه ای که سپیده او گذاشته بودند خیلی دشوار بود.  
چون آلمانها در سنگاپور يك عده جاسوس از آزاد بیعتی داشته  
که از رفت و آمد کشتیهای انگلیسی با خبر شوند. ضمناً در فرست  
مقتضی هرچه بتوانند از کشتیهای انگلیسی غرق و نابود سازند.  
نورنالا مشغول مبارزه با این جاسوسها شد و چند دفعه از فعالیت ایشان  
جانبگیری کرد.

در اواسط چنگ بود که اداره استکاالک یاد - جاسوس  
انگلیسی تاگرافا او را بلند اسماء کرد تا مأموریت بسیار بزرگی  
بهداد او بگمارد. معلوم است مأمورین جاسوسی انگلیسی از  
همیشه کج مأموریت بر نیامده اند که تا جای دهند او را از سنگاپور  
احمدان داشته.

مأموریت او که شد تا به قبیان افیون بود که در لندن مشغول  
شده بودند و میخواستند او را به در انگلیس بیاورند.  
نورنالا هنوز براند تاك انگلیس نرسیده بود که دستور داد  
بمحمود و یزدش بهنگی او را دستگیر نمایند و هم برآید و یزدش  
بکنفر قاجاقچی افیون را با ممداری تر تاك دستگیر کرده اند.

چند هفته بعد ناکهان در جراید لندن خبری درج شد باین مضمون که آن قاچاقچی زبردست در ضمن رفتن بمعکمه از دست مأمورین فرار کرده و دیگر دستگیر نشده است.

فردا شب آن روز که این خبر درج شد - نورنالا - در خیابان چینپها شروع بقدم زدن کرد و با چند نفر چینی آشنائی پیدا کرد بطرز مجرمانه بایشان حالی کرد قاچاقچی کسانائی که از زندان فرار کرده است منم و حالا میخواهم مجدداً مشغول کارشوم شب آنروز یک نفر چینی بسراغ او آمد تا بهمراهی او قاچاق فروشی کند نورنالا بالاخره تمام قاچیان را شناخت و وسیله ای فراهم کرد که يك شب تماماً در يك رستوران حاضر شوند و همه را بدست پاسبانان سیاردیس از آن رهسپار جبهه فرانسه شد تا شتابه جنگ که مجدداً بسنگاپور رفت.

صد ها نفر از مأمورین اداره جاسوسی انگلیسی در سراسر دنیا مشغول پیدا کردن اطفال باهوش هستند که قابلیت جاسوسی داشته باشند این کار يك حسن سلیقه و تشخیص کاملی لازم دارد و از جمله همه کس بر نیایند که بتوانند اشخاص مستعد را انتخاب نمایند معمولاً اطفالی که برای جاسوسی انتخاب میشوند در یکی از آموزشگاههای مخصوص تحصیل میکنند تا در فن خود ماهر گردند.

### احمد کوچك

داستان احمد كوچك را شاید شنیده باشید این شخص یکی از زبردست ترین جاسوسان انگلیسی بود در هر کشوری میرفت لباس و آداب آنجا را میپوشید و رعایت میکرد میگفتند در شش زبان شرقی و غربی مهارت کامل دارد که عیناً مثل اهالی آن محل حرف میزدند.

پس از جنگ استقلال ترکیه در پیرامون این جاسوس هیاهوی  
بزرگی برخاست و تا چندی اسم و کارهای او در جراید اروپا  
درج میشد تا آنکه بدست ترکها اعدام گردید .

زندگانی این شخص سراسر با خیانت بود در محکمه ای که  
برای محاکمه او در آنکارا تشکیل شد افعال گذشته خود را  
شرح داد و اعتراف کرد که میخواسته است مصطفی کمال پاشا را بکشد .

این شخص بطوریکه خودش در ضمن محاکمه اعتراف کرد  
در آموزشگاههای مذهبی هندوستان تحصیل کرده و پس از آن  
بانگلستان رفته و دردانشگاه لندن تحصیلاتی عالی خود را بیابان  
و مانیس . دردانشگاه لندن زبان انگلیسی را بعد کمال آموخته و در  
ادبیات فارسی و عربی و ترکی مهارت شایان یافت .

پس از پایان تحصیلات وارد کار شده و در هندوستان فعالیت  
زیادی داشت . از هندوستان عازم کابل شده و حبیب الله خان  
( پسر امان الله خان ) را گارد زده و از آنجا ترکیه رفت .

این شخص اعتراف کرد که معتقد بوده است متعین تمام  
سرزمین آناطولی را تصرف خواهند شد و نهضت ملیون ترک را  
از میان خواهند برد ولی در محاسن و عقیده خود را خطا رفته و  
اینك گرفتار ترکها شده است !!

دولت ترکیه بدستور مصطفی کمال پاشا يك نسخه ساختگی از  
يك روزنامه ترکی چاپ کرده که برآز اخبار دوزخی مبنی بر فتوحات  
یونانی ها و شکست آرمها بود مقصود از این روزنامه آن بود که  
جاسوس نامبرده بهرجه بهرور شود و امرار خود را بگوید .

احمد کویچك موقعی که در زندان توقیف بود غالباً از مصطفی  
زندان تقاضا میکرد روزنامه برای او بیاورد مصطفی زندان بدستور

اولیای امور برای او روزنامه میآورد و چند روز هم آن روزنامه ساختگی را برای او آورد و چنین وانمود میکرد که از این کار خود بسیار نگران و بریشان خاطر است و میترسد اولیای زندان مطلع و مخصوصاً این که او برای یکنفر زندانی روزنامه میآورد. متصدی زندان مخصوصاً اینکار را میکرد که جاسوس در این باره شکي نداشته باشد.

بالاخره نقش ترکها در این بازی برضد جاسوس گرفت و احمد کوچک که بشکست اطمینان داشت رازهای خود را فاش کرد و بیغیانت خود اعتراف نمود. محکمه آنکارا او را محکوم باعدام کرد و حکم درباره این جنایتکار اجرا گردید.

### اختراعات جدید

#### دو چرخه تلمبه زن

از این بیعد دیگر لازم نیست دو چرخه را با دست تلمبه زده و هوا بوسیله فشار داخل لاستیک دور چرخ نمود زیرا تازگی يك تلمبه بصورت یکی از پیچ های عادی در چرخ تعبیه شده که چرخ هنگام چرخیدن هوا را بدرون لاستیک تزریق میکند. فائده دیگر این اختراع آنست که اگر در لاستیک سوراخ پدیدار شود ولی بطوری نباشد که کمتر از مدت سه دقیقه هوای آن بکلی خارج گردد تلمبه خودکار آن را دائماً برآز باد نگاه خواهد داشت بهای آن هم بیش از بیست و پنج شیلینگ نیست لکن هنوز زمامداران امور نظامی اجازه فروش آنرا نمیدهند.



## مسئله حمل و نقل هوایی در دنیای پس از جنگ

— ۵۵ —

هوابیمانی موضوعی است که در دنیای پس از جنگ اهمیت بسیاری خواهد یافت زیرا بدلائل متعدده استفاده می که از آن در زمان صلح میشود بهراتب بیشتر از موقع جنگ است.

هوابیمارا مخترعین آن بهطرافافزودن آلتی کشنده برادوات جنگ اشتراع نکردند بلکه منظور و مقصود معینی داشتند که پندیشانه ما امروزه آنها کنار زده از وجود طیارات سوءاستفاده میکنیم لذا باید زخم هایی را که هم اکنون از وجود آن ها بوجود میآید با خودشان شفا و التیام بخشیم با استفاده از هوابیما برای حمل و نقل در زمان صلح کمک شایانی بنیازرسانی و دشتن گالاهای متساوی در سراسر جهان خواهیم بود آینه اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی جهان بستگی کاسی به هوابیما و طرزاستفاده از آنها دارد . برای تغییر وضعیت عمومی و غلبه هوازیانیک دنیای آرام و صلح و فعالیت های زیاد لازم است که با تکاربردن هوابیما بر سرعت حمل افزوده شده و اگر پس از جنگ گذشته چندین سال گذشتهیم که تا اوضاع را بحال عادی برگردانیم پس از این جنگ پیش از ۱۲ تا ۱۵ سال کار نخواهیم داشت ،

حمل و نقل هوایی استفاده های بزرگ دیگری هم دارد که بهترین آنها لذت از مسافرت و صرفه جویی در وقت است . زیرا هوای هر چند و مسو بهترین جاده های شهری است که هوابیما با سرعت فوق العاده خود در آن حرکت میکنند ،

ونی نباید فراموش کرد که هوابیمانی و بخصوص استفاده

طیارات برای حمل و نقل کالای بازرگانی هنوز در (درگاه) عمارت زندگی خود قرار گرفته است. بنا براین نباید انتظارات فراوانی از آن داشت و یا آنچه تا بحال اتومبیل و یا کشتی حمل میکرد، آن نیز با خود ببرد.

بازرگانان جهان با بی تابی بی نظیری انتظار اختتام جنگ را داشتند تا هرچه زودتر با سرعت زیاد شغل خود را که تقریباً دو دوران جنگ را که مانده بود - صرف نظر از بازرگانی جزئی داخلی - شروع نموده و آنچه را بخواهند با يك تلگرام پس از حد اکثر ۴۸ ساعت بدست بیاورند. زیرا این دسته از مردم بیش از دیگران ارزش وقت را دانسته و در زندگی بازرگانی با تجربه با آنها ثابت شده که همه چیز را بغیر از وقت نمیتوان بدست آورد. یا با بول خرید اگرچه عده زیادی از اشخاص بدین که همیشه طرف بد هر چیز را میگیرند آنقدرها بموضوع حمل و نقل عمومی خوشبین نیستند و یکی از دلایلشان اینست که خرج ساختمانی هواپیمای يك کمپانی در عرض یکماه سقوط کند کمپانی مزبور ورشکست خواهد شد، ولی در جواب آنها باید گفت که با پیشرفت ساختمان طیارات این تقیصه مرتفع شده و همانطور که کشتیهای بالدار غرق میشد و آنها اهمیتی بدان نمیدادند از سقوط یکی دو هواپیمای هم از جا در نمیروند.

دیگر از دلایل منفی بافان مذکور نداشتن خلبان خوب است خوشبختانه در جواب این دلیل آنان فقط کافیست که از ایشان خواش کنم از خلبانان فعلی کشورها سان ببینند. دیگر چیزی نمائند که عده خلبانان ارتش با اندازه افراد نیروی زمینی آن بشود چه با تقیص اینکه نیروی هوایی دل مهمی و در جنگ های فعلی بهبود دارد، کشورهای جهان بدون استفاده بترین خلبانان

زیاد و ماهر همت گمارده و با بهترین وجهی در آموزش آنها دقت کرده تشویقشان می نمایند .

نسل آینده یعنی نسلی که پس از ما بر روی کار میآید و زمام امور جهان را بدست میگیرد . جوانانش مثل ما از دیدن هواپیما نهیب نخواهد کرد . زیرا هرچه باشد موضوع پرواز برای آنها هیچ نوع تازگی ندارد .

از آنجائیکه هواپیما از بهترین وسائل تفریح است شکی نیست که فعالیت و اوقات بیشتری مصروف آن گردد . هیچ بعید نیست که زمانی برسد که تمام مردم همانطور که امروز رانند اتومبیل را میدانند ، آنوقت هم هواپیما برانند . چون متخصصین این فن مشغول آزمایشهای دقیق برای ساختن هواپیمای بزرگ تر : سبک تر : و در همین حال محکمتر هستند ، بعید نیست که روزی به آرزوی خود رسیده و آنچه را سالها بر روی آن کار و تجربه نموده اند تسویل جامعه دهند .

در اول مقاله گفتم که ممکن است ارزش ساختمان یک هواپیما زیاد شده و در نتیجه قابل استفاده برای هر کاری نباشد . ولی در موقع تشریح آن سطور موضوع رقابت را فراموش کرده بودم . رقابت بهترین وسیلهائی هست که در نتیجه آن عواید هنگفت نهیب عامه و توده میگردد همانطور که زمانی قیمت اتومبیل بعدی زیاد بود که فقط اشخاص مایه نر میتوانستند از آن خریدند و استفاده نمایند و امروزه بعدی ارزان گشته که همه قادر به تهیه آن هستند بهمان نحو هم کارخانجات هواپیما سازی رقابت نمودند و محصول خود را هرچه بهتر و ارزانتر خواهند فروخته .

اگرچه برای ساختن و پرداختن هر چیزی مدتها وقت لازم است ولی در مورد مسئله حمل و نقل هوایی این موضوع صدق نمیکند . زیرا جنگ بهترین آزمایشگاه هواپیما بوده و آنچه امتحان و تجربه لازم بود در این چند سال بعمل آمده است .

## از میدان جنگ

نینا !

امروز هنگامیکه در فرودگاه (۳۶) از هواپیمایم فرود آمدم  
افسری بسوی من دویده روزنامه ای بدستم داد . در آنجا عکس و  
شرح افتخارات خود را مشاهده کردم . نوشته بود :

« ۰۰۰ ژان ، ادیبن سرگرد اسکادران ۱۷ چندین ساعت  
متوالی بی باکانه بر فراز خاک دشمن پرواز کرده ، بازده هواپیمای  
دشمن را سرنگون و مواضع آنان را باخاک یکسان نموده است . »  
چه خوب بود ! اگر میدانستم هنگام خواندن این عبارت  
فکری کرده ای ؟

شاید بشود بالیده ای ، زیرا مردی که سالها دوست و دلداده  
تو بوده امروز باین افتخار بزرگ رسیده است .

شاید هم با خواندن این روزنامه و دیدن عکس من از  
جداای ما که تو خود موجب آن گردیدی ، سخت پشیمان شده و بجای  
کشیده باشی ؛ از تو چه پنهان ، از این تصور دومی من بیشتر خرسند  
میشوم .

راستی از بهاران خاک دشمن چه میفهمی ؟

این مردمیکه امروز آنان را جز بنام دشمن نمیتوانیم و ما  
سربازان جان خود را برای بی خانمان کردن آنان بخاطر مرگ  
میاننا ازیم کیانند ؟

هیچ گمان میبری که اینهمه درجه ، مدال و افتخارات خبره  
کننده از بهاران آن جنگلهای زیبائیکه تابستان (۱۹۳۶) را در آنجا  
با هم بسر بردیم ؛ نصیب من شده است ؟



## گزارش يك سرباز

روی میدان جنگ که رنگ قرمزی داشت دوستانم یکی پس از دیگری میافتادند و جان میدادند ولی من همانطور پیش می‌ناختم ، میرفتم تا انتقام آنها را از دشمنان بگیرم .

ما از باغها و خندقها و کوهها میگذشتیم و از دهکده‌هایی که ویران شده بودند عبور میکردیم ولی دستم بر روی دلم بود زیرا عکس مقدس مادرم در آنجا قرار داشت هر وقتی که خسته میشدم و قیافه افسرده‌ی او را میدیدم دوباره نیرو میگیرفتم و به پیشروی میپرداختم .

راه دوری نرفته بودیم که برج بلندی از دور پیدا شد ولی نگهبان برج هنگامی که مرا دید بشانه روی پرداخت فقط من صدای مرك آور تقنك را شنیدم و سپس آرامی بدون اینکه صدایی بکنم بزمین افتادم .

از دور صدای شنبور شنیده میشد و حمله با شدت تمام ادامه داشت من میدیدم که خون گرمی از زخمهایم در جریان است .

مردم میزدند که مرك روی آور میشود ولی مقتدر بودم که جزو شهدای راه میهن شمرده میشدم در این هنگام خواب یا در سست بهوشی قلبه کرد هنگامیکه بهوش آمدم خود را نزد رفقایم یافتیم که با نظری نگرانی بمن مینگریستند .

آه ! چه اندازه شاد بودم موقعی که شنیدم دشمن سرکوب شده است !

## دوشیزه جوان

زن‌کنده و قطوری که شال بزرگی از فلانل بشود پیچیده بود در تاریکی باو بر خورده و با ترس و لرز تمام فریاد کرد:

— آی کیه آنجا؟

— منم، گفت دوشیزه جوان که بر روی پله های پلکان همارتی نشسته بود، منم، پولیا!

— پس چرا فرار نمیکنی؟ مگر صدای سوت خطر را نمی شنوی؟ الان بکلهات بمب میریزند.

— منتظر همانها هستم... با آرای جواب داد پولیا.

— چه نیازی بانتظار آنها داری؟ زود خودت را نجات بده و برو در پناهگاه.

— وظیفه و خدمت من چنین اجتناب میکند: برو، برو، مادر جان، ممکن است خطری برای شما رخ دهد...

— بسیار خوب، میروم، ولی به من، دختر، تو که از هیچ چیز بیم نداری روی پلکان چگونه میمانی...

— نه این است، که من از چیزی بیم ندارم؛ بلکه من شیشه باین هستم!

پولیا همینطور در روی پلکان نشسته بود و با چشمان درشت خود بدقت و حساسیت تامی فضا را جستجو و کاوش میکرد در آسمان اشته نورافکنها، یکدیگر را قطع مینمودند و میترکیدند و دسته های اشته مسرخ از آنها در فضا پراکنده میگردد و خطوط

زرین گلوله ها در کتبد نلیکون آسمان حرکت میکردند و بالاتر از اینها در اعماق فضای لایتناهی غرش نا منظم هواپیماهای دشمن بر فراز شهر لنینگراد شنیده میشد .

بولیا خود را جمع کرده و با اضطراب و دقت تمام منتظر نمره های وحشتناک و انفجار های عظیم و حریق و شعله هایی بود که میبایستی عنقریب حادث شوند زیرا او موظف بود که به محض وقوع آنها فوراً محل امنی را که بمب اصابت مینماید بستاند دفاع محلی اطلاع دهد .

### کود مصنوعی جدید

پکنفر زن متخصص در عام شیمی مسماست به الکساندرا - اشاورا ( کارمند مؤسسه کشاورزی علمی شوروی اخیراً از شاک برک کودی تدارک نموده که در نتیجه آن بر محصولات غلات و بقولات بین صدی بیست و سی افزوده شده و مشارالیه این اقدام را از نظر وقوع جنگ نموده زیرا کود های معدنی حالیه وجود ندارد نام این کود ( از توچن ) میباشد و یک پوند آن برای رشوه دادن به ده جریب زمین غله و یامه جریب زمین بقولات مکفی میباشد .



## سِر جو خُنه كو چك

سربازان ناپلئون او را میبردستند و بعد از چك «لوفی» بواسطه محبتی كه نسبت باو داشتند او را «سرجوخه كوچك» لقب داده بودند . بناچار ، بعد از يك گردش كه عادت داشت نصف شب بتیمه خود بر میگشت ، تاریکی زیاد بود ناگاه خود را در نگهبانی یافت . نگهبان همیشه سیاهی را دید تفكیش را نشانده روی نموده فریاد زد « بایست ! » ناپلئون فهمید از صدایش كه اوتازه وارد است بدینجهت خواست او را امتحان كند : جواب داد ، دوست من ، افسر هستم . . . خوب . . . در این حال باید اسم شب را دانسته باشی .

« عجیب ! راستی آنرا نمی دانم ، در اینصورت دور شو و الا آتش میكند ! » صدای نكند ! من بشما میگویم كه . . . هنگامی كه شما « سرجوخه كوچك » خواهید شد ، نخواهید گذشت به صدای اینها سروانی از خیمه بیرون دوید و همیشه بناچار را شناخت فریاد زد « چه از حال است ! » نگهبان بچاره كه مهربوت شده بود گفت : كه من دیگر نابود شدم .

ناپلئون جواب داد : نه دوست من ، آخرین ! بر خلاف تو خیلی صبر باوجود بوده ! در این ملاقات بگو : فردا بتیمه من بیا پس از این از تو مواظبت خواهیم نمود .



## بگنفر عضو شرکت نفت ایران و انگلیس متفقین را از يك خطر حياتي نجات داد

چرچیل نگران و مضطرب شده بود زیرا گزارش های رسمی نشان میداد که تعداد خلبانهای انگلیسی که هنگام فرود آمدن در فرودگاههای انگلستان تلف میشوند بیش از خلبانهای است که در آسمان کشور دشمن بضرب گلوله توپ یا مسلسل آلمانها بهلاکت میرسند.

این وضع بی اندازه وخیم و خطرناک بود. بیشتر اوقات آسمان انگلستان از طبقات ضخیم مه پوشیده شده بود بطوری که خلبانهای انگلیسی نمیتوانستند مواقع بازگشت از مسافرت جنگی فرودگاه خود را بیابند و بی خطر بزمین بشینند.

خلبانان انگلیسی با بمب و توارهای دراز فشنگ بکشور دشمن میرفتند و پس از بمباران و نبرد خونین هنگامی که بمبها خود باز میگشتند در آغوش کشور خویش و بر فراز فرودگاه خود مادمه هلاکت میشدند دولت بریتانیا و مخصوصاً چرچیل داشتند که از این خطر بزرگ نگران باشند و خواب از چشمشان ربوده شود.

ماه دسامبر ۱۹۴۴ بود میلیونها سرباز متفقین در قاره اروپا میجنگیدند ولی مارشال روندشتدت فرمانده زبردست آلمانی که با وضع جوی انگلستان آشنائی کامل داشت از طبقات مه که آسمان آن کشور را پوشیده است مطلع بود فرصت را مغتنم یافته و حمله بسیار سختی را شروع کرده بود.

وضع چنانچه متفقین خطرناک شده بود و اگر نیروی هوایی متفقین جداً وارد میدان نمیشد و خطوط ارتباطی آلمانها را بمباران نمیکرد احتمال قوی داده میشد که مارشال کار آزموده آلمانی

جبهه متفقین را بشکافد و نیروی متفقین را بدو قسمت تجزیه نماید و هر يك را جداگانه درهم شکند ولی مارشال آلمانی از این نکته غافل بود که دانشمندان انگلیسی این دهنه هم ارتش متفقین را نجات خواهند داد و با اختراع تازه ای نقشه های برلین را باطل خواهند کرد .

مارشال آلمانی از اختراع جدید که بنام (فیدو) موسوم شده بود اطلاع نداشت و هرگز منتظر نبود و احتمال نمیداد که در آن فصل که سراسر انگلستان از مه پوشیده شده و هوا برای پرواز مساعد نیست ناگهان بادسته های بزرگ هواپیمای متفقین روبرو شود و خطوط پشت جبهه اش بمباران گردد .

ولی در این صحنه هم بالاخره پیروزی نصیب عام و صنعت گردیده انگلیس ها کمال سعی را داشتند که راز این اختراع جدید مکتوم بماند فقط پس از خاتمه جنگ بود که فرماندهان آلمانی نام (فیدو) را شنیدند و مارشال روندشتدت فهمید چه چیز باعث شکست او شده است .

فیدو نظمی يك عصای سحر آمیزی است که طبقات ضخیم مه را میشکافد و بهوایما اجازه میدهد در نامساعد ترین هوایمانند روزهای آفتابی بهار و تابستان پرواز کند و سالم بفروودگاه باز آید در طی همان نبرد که سر نوشت نهایی آلمان را تعیین نمود با آنکه در وسط فصل زمستان و در بدترین هوا بود یکروز سیصد هواپیمای بمب افکن از انگلستان پرواز و بطرف شهر (سان ویت) حمله کردند و مراکز مهم و نقاط حساس ارتباطی آلمانها را تخریب ساخت .

عصای سحری (فیدو) بسیار اهمیتتی که دارد خیلی ساده است . اساس این اختراع آن است که چهار نوله که هر يك با دیگری پنجاه یارد فاصله دارد در اطراف فروودگاه نصب میکنند در این نوله ها بترین میزبند و بوسیله ماشین آن را میشارند

وقتی این بترین مشتمل شود شعله نیرومند سفیدی از آن خارج میگردد که دود ندارد .

حرارت این شعله ها قطرات شبنم را که مایه واصل مه است مبدل ببخار میسازد و فضای فرودگاه را پاک و برای فرود آمدن هواپیما مساعد میکند .

این عصای سحر آمیز نه فقط متفقین را در بلژیک نجات داد بلکه اساسا انقلاب مهمی در اصول نبرد هوایی ایجاد نمود .

فیدو در طی جنگ های جبهه دوم بحساب دقیق ۱۰۶۰ خلبان متفقین را نجات داد و هواپیما هایی که قیمت آن تقریبا ۵۰ میلیون دلار بود از نابودی رهایی بخشید .

اگر فیدو بفریاد متفقین نبرسید معلوم نبود جنگ بچه صورتی خانمه میبافت .

بطوریکه گفته شد مه های آسمان انگلستان بیش از توپها و مسلسل های ارتش آلمان بنیروی هوایی متفقین آسیب میزد . در يك مسافرت شبانه بخاك آلمان تعداد تلفات انسانی و مادی که در موقع بازگشت خلبانان بفرودگاه وارد میشد بیش از تعدادی بود که در آسمان دشمن وارد شده بود ؛

يك شب چرچیل با قیافه غمناك و نگاه های یأس آمیز و خیره دراطلاق خود راه میرفت . سیگار میکشید و حلقه های دود سیگار را به هوا میفرستاد برای مقاومت درمقابل این آفت بزرگ چاره ای میاندیشید ولی دفع این آفت درحدود توانایی او نبود فقط دانشمندان میتوانند باطبیعت مبارزه کنند چرچیل پس از ساعتی قدم زدن و تفکر پشت میز خود نشست و نامه ای به « ژفری لویس » رئیس دفتر محرمانه موسوم بدفتر جنگ نفت نوشت « ... عزیزم » باید بهر قیمت که ممکن باشد چاره ای اندیشید .

واقعا خیلی زشت و فحشت آور است که خلبانان جوان ما سالم و پیروز شده اند از خاك آلمان باز گردند و در فضای وطن

بر فراز فرودگاه طعمه مرك شوند. به پیش از توبهای آلمانی  
خلبانان مارا درو می کنند و هواپیماهای مارا نابود میسازد.

فرداشب يك جمعیت چهار صد نفری از علمای انگلیسی در  
اطاق بزرگ دفتر مهرانه حضور یافتند و برای دفع مه مشورت نمودند.  
راهنمای متعددی بنظرشان میرسید که هیچ يك مورد پسند و  
تصویب اکثریت واقع نشد.

منوسل شدن با امواج شدید، صوت جریان الکتریک، جرقه  
های برقی مواد شیمیائی که رطوبت را جذب میکند و خیلی چیزهای  
دیگر مطرح گردید ولی هیچ يك نمیتوانست منظور اصلی را  
تامین کند. بایستی وسیله ای پیدا کنند که هم مؤثر باشد و هم  
همای و اگر نه در علم خیال خیلی کارها میتوان انجام داد.

دکتر رانکین یکی از اعضای مهم شرکت نفت ایران و  
انگلیس پیشنهاد کرد که یک رساله علمی که پیش از جنگ از طرف  
آلمانیها نگاشته شده مورد توجه حضار واقع شود. آن رساله مربوط  
به استعمال يك صفت از مشعلهای بزرگ برای گرم کردن يك  
مناظره وسیع بود.

آلمانیها این رساله را برای استفاده کسانی نوشته بودند و  
در زمان از سرهای سفید اروپا آسیب می دیدند ولی دکتر  
رانکین عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس از آن  
رساله بنفع جنگ استفاده کرد.

این ابتکار علمی آلمانیها هم مانند سبب اتمی مورد استفاده  
محققین شد و در وقت نوشتن این کتاب وقت

نیامای متعددی که ضرورت گرفته همگی رضایت بخش بود  
چون وقت جنگ بود و نگاه فنی و فنی شویك شروع کرد انگلستان نصب  
شد و در زمان نیروی هوایی برای اولین دفعه در جنگی که از بزرگ  
فشار پیدا شد و در فراز نور و برق و گاه باز گشت.

خود هم مثل قرارداد برای جنگ اختراع شد ولی در دوره  
میدانهای بسیار مهمی انجام خواهد داد و در نور و فنی نظامی را بشکلی  
و ترفنی شایانی تألیک خواهد نمود.

## اشعه مرك!

اگر ژانپها موفق شده بودند اشعه مرك را اختراع کنند

خیال میکنید ژانپن فتح میکرد یا امریکا با بمب اتمی؟! :

در حقیقت ژانپها در این راه یعنی اختراع اشعه مرك خیلی زحمت کشیدند ولی کمیته مدت مدیدی وقت لازم داشت تا اینکه موفق باین اختراع شوند - يك افسر عالی رتبه در ستاد ژنرال مك ارتور اظهار داشته است كه پنج سال و نیم بود ژانپها برای كشف اشعه مرك آزمایش نمودند و در پایان جنك فقط موفق شده بودند يك خرگوش را در مسافت سی یاردی و در ظرف دودقیده بکشند ژانپها معتقد بودند تحقیقات آنان بیشتر به موفقیت آنان بود و در ۱۹۴۵ میلغ يك میلیون برای ابتكار اعتبار منظور داشته بودند و باینكه آنها موفق شدند ولیكن دانشمندان امریکائی معتقدند كه بنابر پیشرفت فنی شگفت انگیزی قسمت این تحقیقات خواهد بود و پیش از آنكه بصورت سلاح با ارزش در آید دیای عام و دانش از آن استفاده خواهد کرد .

احساسی كه تحقیقات علمی بر آن استوار است از اینكه هرگاه امواج فوق العاده کوتاه تر سهم را با يك قوه فوق العاده زیاد در يك فضا متمرکز ساخت تا اثرات تیز و لژی شكافی در حیوانات بختاند (از جمله انسان) خواهد بود كه منتهی برك او میشود در آزمایش هایی كه بعمل آمده است خرگوش و موش مورد آزمایش قرار گرفته اند بگی از آزمایش كشته گان شوهر در مرض آزمایش قرار داد و دچار خستگی و سر خورد گردید و ۹۹ ساعت بختلا بود .

## جاسوسی

### تشنه بزرگی در این جنگ بازی نموده

- « پس از جنگ بین المذاپی اول آلمانی‌ها اذعان نمودند »  
 « که جاسوسی انگلیس و عبارت دیگر «ابتلیجنت سرویس» این »  
 « کشور یکی از ارکان اصلی شکست متعین بود . »  
 « اخیراً نیز امریکائیان اظهار داشته اند که تصمیم دارند »  
 « یک نیروی جاسوسی نظیر انگلستان برای خود تشکیل دهند »  
 « که از هر حیث تعلیمات انگلیسی در آن مجری گردد . »  
 « این دو ادعا را انگلیس‌ها افتخار بزرگی دانسته و بدان »  
 « می‌بالند . اینکه در این مقاله چند نمونه از آن را برای مزید »  
 « اطلاع خوانندگان ذکر می‌نمایم . »

« دیروز هواپیماهای اسپیت‌فایر انگلیسی بر یکی از هدفهای  
 اسلحه‌اندازی «۲» آلمانی حمله بردند این هدف از کارخانه‌های  
 بزرگ این اسلحه است که در بین دویمارستان قرار گرفته . . . . . چند  
 قطار راه آهن نیز هدف واقع شد . . . . . کارخانه بزرگ لیوفارین  
 بر اتی ترسیان مواد خام امروز از آتش گرفته گشته خواهد بود .  
 . . . . . خطی از گرازهای در درون پای جنگ پس از آن مخصوص  
 و مفصلی زیاد برسد و مثال که بعد از خوردن پانزده نفره است  
 باید دید که این هدف ما را در نظر دیگری که جنبه حیاتی برای  
 آلمان داشت بطور کثافت بشود و خلیانان انگلیسی بطور تمام  
 تقابل را کنارند و مثال علی‌ظاهر و پنهانی را می‌دهند .

### دیروز بین سه تیر

بطور معلوم شد که یک قطار حامل تسلیحات جنگ در

فلان ساعت از فلان ایستگاه حرکت نموده و بفلان شهر میرود ؟  
 چه کسی دریافت که کارخانه لیونارین چند روزی کار نمیکرد ؟  
 درست است که دوربین های حساس طیارات انگلیسی تصاویر  
 بسیار حساس و جالب توجهی از این نقاط بر میداشتند ولی آیا  
 از هکس هم فهمیده میشد که مثلاً ماشین کارخانه حرکت مینماید ؟ ...  
 دوربین قویتری از این دستگاه ها لازمست که داخل کارخانه ها را  
 ببیند و اطلاعات لازمه را مجسم سازد همین جاست که انسان  
 جواب تمام این سئوالات و پرسش ها را فقط در يك کلمه  
 « اینتلیجنس » جاسوسی و ضد جاسوسی مییابد در این کلمه هزاران  
 بلکه ده ها هزار نفر مرد و زن وجود دارد که فقط بمطایب این  
 و کسب بیروزی جان شیرین خود را درخطر انداخته و از فداکاری  
 کوتاهی نمی نمایند چه بسا که يك حرکت کوچک يك کلام  
 حرف و یا يك نگاه روح جوانی را از جانش جدا میسازد.

### جاسوسی شرافتمند

شاید شما باین عمل نام « جاسوسی » گذارید ولی زمانیکه صحبت از مبین  
 و فداکاری میش میآید درمی یابید که کلمه « جاسوس » در مورد این  
 دسته صادق نمی نماید زیرا اینان حاضرند بوضع مشخصی بجهن  
 خود خدمت نمایند . جاسوس کسی است که از طرف دولتی در  
 کشوری دیگر مشغول کار شود و با گرفتن پول از هر دو طرف  
 به نفع مملکت ثانی خدمت نماید .

مهمترین اخبار و اطلاعات از همین مردان و زنان بدست  
 میآید و با وجود آنکه زندگیشان را در دست گرفته و هر لحظه  
 با خطر و ناراحتی زیست میکنند هرگز مدافع افشار دریافت  
 نمیدارند و کمتر کسی است که نام آنها را بداند و یا  
 خودشان را از نزدیک بشناسد . بشایع خاصی که ذکر آنها  
 از عهدت این مقاله خارج است کمتر نام یا داستان ایشان در



مطبوعات منعکس میگردند آنوقت نیز فایده می نصیب عامل آن  
نمیشود، زیرا دیگر مدتها از ترك او گذشته است .  
پنج بیجه داشت

یکسال قبل از پایان جنگ مطبوعات آلمان نام بیش از چهل  
نفر را بعنوان «خدمت بدشمن» یعنی خدمت بمقتضیات چاپ کرده  
و در ضمن متذکر گشتند که تمام آنها اعدام شده اند .  
ولی فکری از آن نشده بود که چه کرده اند چطور  
اسیر گردیدند و بدون تردید همه از آنها در خدمت «اینها بیجه»  
نبوده اند زیرا فلسفه گشتابو آن بود که برای ممانعت از اعمال  
يك جاسوسی هیچ مانعی ندارد که نه نفر دیگر هم فدا شوند .  
درجه آن اسامع نام (فلورا ترایف) هم خوانده میشد  
در حالیکه نامبرده دارای پنج بیجه است و هیچکدام از آنها بمن  
بالوغ هم نرسیده اند . فلورا را جاسوس انگلیسی خوانده شده و  
بهین دلیل هم در مواهبوس او را اعدام نمودند .  
شش بیجه داشت

و فتنه که صحبت از جاسوس بر سر آلمان ناپدید کارل لودی  
و با «ماناساری» را یاد آورد زیرا «لام» بر آنچه از فیلمهای  
هالیوود یاد میگیریم این را هم یادداشت کردیم که اولین شرط  
جاسوسی فکر دائمی و دائمی فکری است .

در این مورد آلمان نیز تردید در وجود او را ندارد و  
کمیات میگوید در قسمت جاسوسان عالی شریکی بهشت دشمن  
یا نه گشتابو را با اینهاست که گوناگونهای گوناگون و غیر مستقیم  
جاسوسان کوچک را که نه به نام غیر جاسوس از آن بیرون میآورند  
آنها و هائی که خودشان است بزرگ جنگ با گزافهای  
مهم در آن گشتی یا اصولی است که بارز بود گذشته است

ولی اینرا هم نمیتوان انکار کرد که ممکن است باره اوقات  
خبر بسیار مفیدی بر حسب اتفاق بدست انسان افتد .

### يك خبر كوچك :

مثلاً مارشال هوایی (مدهورست) که از استادان اینتلیجنس  
سرویس میباشد تعریف میکند که چطور در اوائل چنك يك  
انگلیسی در ایتالیا مسافرت میکرد و در راه آهن با چند افسر  
آلمانی و ایتالیایی شروع به صحبت میکند و آنها باو میگویند که  
هواپیماهای آلمانی فقط به (شتلاندرز) مسافرت میکنند و اصولاً  
به هیچ نمیریزند .

این امر برای آن فرد انگلیسی مفهومی نداشت و چون  
عین مکالمه خود را برای معادل مربوطه در انگلستان تلگراف  
کرد ، علماء فن دریافته که آلمانها مشغول يك سری تفحصات  
وادیوئی میباشد حال اگر بگوئیم که این خبر كوچك جان يك  
میلیون نفر را از خطر مرگ وحشی نجات داد افرای نگفته ایم .

### فهرست بزرگ

مهمترین نقشی را که جاسوسان بازی کردند اطلاعاتی بود  
که راجع به «پیه هوند» دادند (داستان کامل این اتفاق تحت  
اسم چهل دقیقه که سر نوشت چنك را تغییر داد در همین شماره  
درج شده است) .

اگرچه سال گشتایو و پلیس ژوئیتراو آلمان از مدتی  
قبل شروع افرادی را که حتی ذره سر و تن راجع بایشان داشتند  
از منطقه پیه هوند دور نمودند معینا جاسوسان انگلیسی نیز اصلی  
را با بدین رساندند که در چه روز ، چه ساعت ، در کدام عمارت

از ساختمان های بیه موند و حتی چه اطاقی قریب به پنج هزار نفر از علماء، شیمی دانها، فزیک دانها، مهندسين و ژنرال های محصور گرد هم جمع می آیند تا جلسه بزرگی راجع باساحه مخوف (۲) بمب هائی نظیر آن داشته باشند.

### خوشبینی معکوسی :

گشتابوی آلمان بمقابله خود میبایند و هیچ نوع خطری برای آن عده احتمال نمیرفت . ولی در همان لحظه می که اینان دور میز نشسته و صحبت می نمودند ناگهان طیارات نیروی هوائی انگلیس بر فراز آن هارت پرواز درآمدند و آنرا سخت بمباران کردند .

### نتیجه ۱ :

می دانید نتیجه چه شد ؟ گفته شدن یکصد هزار تن ۵۰۰۰ نفر که در حوزہ آنها بنیاد ژنرال (فن کاسیر "کلیمنتسکی") و ژنرال (چشواک) رئیس ستاد نیروی هوائی آلمان یعنی لوفت ولفه را قتل برد .

بمبارانان نیروی هوائی انگلیس مدال لیانت داده شد ولی آیا آن ها سوسان عم کداحل کتر را انجام بر دادند موفق یا خد محال و انتظار گردیدند ؟

بیشتر خبر : زیرا خود بر با گفته شد کتر بران بمباران از این دنیا رحلت پیدا شد .



## چند نمونه از فعالیت جاسوسان انگلیسی

اگر گفته شود که یکی از دسته‌های مخصوص ارتش انگلیس در این جنگ نقش بسیار مهم و مؤثری را بازی کرد مطمئناً چیزی جز حقیقت بیان نگشته است. چه، برائرمساعی همین دسته بود که ساعت بساعت دقیقاً بدقیقه ارتش، افسران و ستاد های لشکر متفقین از کلیه اتفاقات اطلاع حاصل مینمودند. این اعمال بعدی سریع انجام مییافت که حتی گیرنده های خبر نیز بیچاره وخسته شده از فعالیت آن دسته که مأمور این کار بودند در تعجب میماندند. در مدت یازده ماه جنگ در جبهه های غرب اروپا بیش از ۷۰۰ هزار از این خبر های کوچک به ستاد ارتش های دوازدهم و بیست و یکم رسید.

بهترین ترین خبر از کنار گوش دشمن رد شده بدست متفقین میرسید و برای اینکار رادیو های دهنده بهخصوصی ساخته شده بود که نظیرش در هیچ کشوری از جهان دیده نمیشود. علاوه بر اینکه در بین دهنندگان خبر و ارتش وجود داشت غیر قابل فهم بود و اگر بر فرض محال ایستگاهی در آلمان این رمز را در دفتر خود ثبت مینمود کسی قادر نبود که آنرا کشف کند و در حقیقت محتاج آن باین زواید بدست نیامد.

هر وقت که موقعیت جدیدی روی میداد فوراً با چتر نجات بمحل انداخته میشد. چه بسا که این (محل) پشت جبهه دشمن و خیلی هم بعذر ناک بود.

این مأمورین در تاریکی شب با بر زمین گذارده و با دستگاه

رادیوتی خیلی کوچک وظیفه خود را انجام میدادند علاوه بر هر روز رمز بخصوصی بکار میرفت فقط دارندگان دستگاه میدانستند که درجه روز چه رمزی را باید بخابره کرد .

هنگامیکه افراد فعال این دسته‌ها از دونکرت باز خوانده شدند فوراً در سواحل انگلیس پخش گشتند زیرا دولت بریتانیای کبیر در یانته بود که ممکنست آلمان بر جزیره اش حمله نماید . هر يك از این عده وظیفه داشتند که کوچکترین فعالیت دشمن را دایر بر پیاده نمودن سن باز با اطلاع مرکز خود در لندن برسانند .

در بارک سنت جیمز در لندن فعالیت شدیدی از این جهت مشاهده میگردد . چه چندی نفر در پشت دستگاه فرار گرفته و آنچه از مأمورین که میرساندند بیکر دادند با اطلاع مرکز خود بفرستادند . پس چندی بفرایش را بخابره میامدند .

علاوه بر اینها دستگاه کویترهای قلم در اختیار داشته و بدینوسیله هم استفاده شایسته می نمودند . سرهنگ ماگنتوش میگفت : ما با همه نوع اختیاطی برای کار خود کرده و حتی يك ماشین کوچک مولد برق هم داشتیم تا اگر بجهت انتقال برق از این باران برق شهر لندن قطع گردید بتوانیم بوسیله سربش ادامه دهیم .

در فرانسه سال ۱۹۴۰ يك گروان از این بارک جاسوسی به یونان فرستاده شد و در آنجا آشنایان آلمانی را به یونان ها گردیدند . در آنجا اخبار لازم را بدست میبردند . چون زمان حمله بر قنای پاریس رسید دسته ای از این افراد برای گذاشته ها این در آن می گشت نمودند و مشاهده حالات ترافی می نمودند يك جوجه ای از آنها نابود گشته و هنوز هم کوچکترین خبری از آنها در دست نیست در نوامبر ۱۹۴۲ نیز دسته ای باقی‌های فعالی را دستگیر کردند که پس

از انجام وظیفه خویش و همکاری با ارتش هفتم انگلستان به ارتش آن کشور گرویدند.

مهمترین نقش ایشان در آفریقا آن بود که بصیحت های داخلی تانکها گوش فرا داده و طرز حرکت موتوریزه آلمان را دریابند و بستاد خبر دهند. در عین حال که هوا ابر و مه آلود بود بشانک های خویش دستور حرکت میدادند و بهمین وسیله بود که در هر دقیقه ستاد ارتش انگلیس از موقعیت موتوریزه خویش مطلع بوده و آنها را برای حمله و پیشرفت هدایت مینمود.

در چند ماه اول سال ۱۹۴۴ يك عده جدیدی برای کارهای پتر نجات تربیت شدند. چندین نفر از آنها از شرکت کنندگان در حمله (دیپ) بوده و بقیه نیز از این افراد داوطلب و فداکار انتخاب شده بودند که پس از دیدن تعلیمات لازمه وارد نیروی هوایی مخصوص و در پشت جبهه فرد میآمدند. ولی صرف نظر از تمام فعالیت های آنها ، باید گفت که از ژوئن ۱۹۴۴ بزرگترین کار ایشان آغاز گردید ، چه باید حمله نهائی و از بین بردن آلمان شروع میشد.

برخی از ایشان قبل از حمله بر اروپا در فرانسه « ریشه » شدند و بقیه نیز با سایر افراد حمله کننده بدان کشور با گذاردن جزئی ترین اخبار حمله توسط همین دسته به ستاد میرسید . باید اطمینان داشت که اگر زندگی و مهارت این دسته نبود بدون تردید در پیشرفت کار نکت و کندی زیاد حاصل میگرفتند بعضیها نام این دسته را « سربازان وام و اجاره » بین انگلیس و آمریکا لقب دادند زیرا بهترین وسیله ارتباط دواوتش این مملکت معظم بوده و وقتیکه ژنرال آیرن هاور از ستاد لشکر دوم انگلستان باز دیدی بعمل آورد در تمام مدت از چایکی افراد این دسته تشریف و توصیف میکرد . چون از منت گیری در خواست کمک از

این جهت نمود بیش از بیست و چهار ساعت نگذشت که یک هیئت کامل از سرباز و افسر از اسکا تلند احضار و در اختیار او گذارده شد. امریکاییان مایل بودند که نیز از این دستجات ترتیب دهند ولی تا بخود جنیده و ترتیباتی دادند وقت گذشت زیرا دیگر احتیاج مبرمی بایشان احساس نمیکشت.

اگر کسی وارد اطاق کار ژنرال ه (کررار) رئیس این دسته ها میگردد بدین سرش از تعجب شروع بدوار کرده و دهانش باز میماند چه بر اثر ازدیاد نقشه و علاقم زیاد انسان سر کیچه میگرفت و مهمتر آنکه اگر دقت هم میکرد چیزی دستگیرش نمیکرد بدین فقط شخص ژنرال بود که از هر نقطه یا علامت به تصودی پی برده و بدانوسیله از موقعیت هر یک از افراد خود در نقاط مختلف اروپا و آفریقا اطلاع حاصل مینمود.

دیگر از بزرگترین فعالیت این دسته رساندن خبر از کوچکترین حرکت موتور بزرگ و وسائل حمل و نقل ارتش آلمان بود در (آردن). متفقین بهیچ وجه از اردوهای زیر و مشقت آلمان بگذشتند در آن میابون ها نفر بدروغ زندگی گفتند اطلاع نداشتند ولی این افراد خود را بدان نقاط رسانده اخبار لازم را میفرستادند. آخرین وظیفه آنها رساندن خبر الحاق ارتش های شوروی و آمریکا و انگلیس بود ارتش آمریکا چندین نفر از آنها را بوسیله که تصور میشد الحاق صورت میگرفت گسیل داشت و برسان اعطال می کرد که سربازان شوروی نظایران امریکائی و انگلیسی را آید بهیچ آن نور هیچ شک ارتش برسد.

آنکس که برافراشته شدن این دسته ها بدین یافته است برای سرخصی با هواپیما به سربازان برض انگلستان و شوروی و برترام و آستین دام فرستاده شد و از آنجا قتلای بدین بیکار می افتاد. شاید روزی برده های دیگر از روی اتصال ایشان بر داشته و مجرای ایشان را بجایان ثابت میابیم.

## آمارهائی از نتایج جنگ

بانك تنظيمات بين المللى اخيراً چهاردهمین گزارش سالانه خود را انتشار داده است .

در این گزارش آمارهای جالب توجهی از خسارات جنگ اخیر نظر را جلب میکند .

مثلاً از روی این آمارها معلوم میشود که بازرگانی خارجی کلیه کشورهای طی جنگ مختل شده و سازمان و وضع اساسی خود را از دست داده است همچنین بشهادت این آمارها میزان زاد و ولد در زمان جنگ تقریباً در تمام کشورهای جهان فزونی یافته است . همچنین معلوم میشود که میزان دیون عمومی در کلیه کشورهای موضوع حیرت آوری بالا رفته و مصارف جنگی بساکنه شده است که این افزایش از ۲۵۰ در صد به میزان ۹۳۰ در صد برسد .

اینک چند رقم جالب توجه از این آمارها را ملاحظه میکنیم :

### بازرگانی خارجی :

در سال ۱۹۳۹ مجموع داد و ستد دنیا به ۴۶ میلیارد دلار بالغ شد پس از پنج سال جنگ و شوخیهای این رقم تقریباً نصف تنزل یافت یعنی به میزان ۴۵ میلیارد دلار رسید .

اتحاد جماهیر شوروی که بیش از کشورهای دیگر از صدمه



نازی ها آسیب دید طی این مدت در حدود هشتاد درصد تجارت خود را با سایر کشورها از دست داد .

کشورهای متحده امریکای شمالی فقط به میزان چهل دو درصد از رقم تجارت بین المللی شان کاسته شد ولی از حیث تنزل بازرگانی خارجی در درجه دوم ممالک دیگر قرار میگیرد .

در درجه اول از این حیث یعنی از حیث خسارت پولی امپراتوری انگلستان متضرر شده یعنی هیچ کشور اندازه وی مبلغ بازرگانی خارجیش تقلیل نیافته است .

ایشان که گفتیم راجع به شکست تجارت خارجی متفقین بود این شکست و تنزل در کشورهای محور و پیروان آنها خیلی بیشتر و جندی تر از خسارات متفقین و دول پیروان بوده است ، مثلا ژاپن و آسیای شرقی شصت و سه درصد مقدار بازرگانی تجارتی خود را از دست دادند و از حیث مالی مبلغ ۹ میلیارد دلار از تجارتشان در ۱۹۴۴ نسبت به ۱۹۳۹ کاسته شد زیرا در آخرین سال قبل از جنگ میلادی بازرگانی خارجی این کشورها ۳۰ میلیارد دلار بود .

در سوره آلمان و کشورهای اشغال کش اروپا تنزل بسیار فزاینده تر است زیرا در ۱۹۳۹ دیگر بازرگانی خارجی این کشورها ۱۶ میلیارد دلار بود ولی در سال آخر جنگ تا شصت هفت میلیارد دلار تنزل یافت .

### زاد و ولد

از آن جهت که این جنگ از دست کشوری و واحد کشورها زیاد میشود طی این جنگ این گروه ها و سازمان ها که کشورهای متحده با پشتیبانی آلمان و ژاپن و ایتالیا از پیش قابل ملاحظه ای ساختی شده است .

در سوئد نسبت این افزایش بیش از همه ممالك است زیرا  
میزان ولادت در سال ۱۹۳۹ تعداد ۱۴ هزار نفر بود  
ولی این رقم در زمان جنگ به ۱۹۳ رسید .  
در آلمان با وجود اقداماتی که دولت در راه تکثیر نسل  
بکار می بست در ۱۹۳۹ از هر هزار نفر ۱۹۶ بچه بوجود  
میآمد ولی در زمان جنگ یعنی تا ۱۹۴۳ به ۱۶ بچه از هر هزار نفر  
تنزل یافت .

### وادهای ملی

در آلمان و در بریتانیای کبیر مالیات ها در ۱۹۴۳ به  
اعلای خود رسید ولی در ممالك متحد امریکای شمالی و در ژاپن  
درآمد مالیات ها تا ۱۹۴۴ هم رو با افزایش میرفت .  
در کشور های اشغال شده بیش از پنجاه درصد متعارج  
عمومی صرف پرداخت هزینه های اشغال میشد یعنی به مصرف مهاجمین  
و اشغالگران میرسید .

قرض داخلی آلمان در آغاز جنگ ۱۳ میلیارد دلار  
بود تا پایانی ۱۹۴۴ تقریباً در حدود پنجاه برابر افزون شد  
یعنی به بالغ ۵۰ میلیارد رسید .

قرض کشورهای متحد امریکا در آغاز سال ۱۹۴۴ به بالغ  
۴۴ میلیارد دلار بود در پایان همان سال به بالغ ۱۸۵ میلیارد  
دلار بالغ شد .

ژاپن در ۱۹۳۹ فقط سه میلیارد دلار قرض داشت ولی  
در ۱۹۴۴ میزان قروضش تا پانزده میلیارد دلار افزون شد .  
در انگلستان هم میزان فروش خیلی بالا رفت چنانکه در آغاز  
جنگ این کشور ۲۸۰۵۲۰ میلیارد دلار قرض بود و در ۱۹۴۵  
به بالغ ۷۳۰۲۲۰ میلیارد دلار ترقی یافت .

ترجمه : آفلی مسعود بوزین

تخلیص از کتاب « ژاين »

## آئيه ژاين

### عكس العمل بد رفتاري زمامداران سابق آن كشور چيست ؟

ژاين با امضاء نمودن تسليم بلا شرط خود بوضع قابل توجهی در آمده است زیرا اعلامیه قاهره و سپس بوتسدام او را از آنچه صاحب است معذور داشته . ژاين از این پس نباید نیروهای هوایی و دریایی و زمینی زیاد داشته باشد آنچه جزیره و خاک بغیر از کشور اصلی خود بدست آورده باید بمساحت اصلی اش رد کند ، در حقیقت نا موعنی که ملل متحد با این جا و بجهندند ژاين نیز با اینجالت باقی خواهد ماند .

این حالت و برنامه‌ی که متفقین برای ژاين کشیده اند کمر او را چنان خم کرده که کشور نابود شده در آئيه نخواهد توانست فکر جهانگیری و فتح و انعام دامداری بیروناند زیرا دست او از همه چیز کوتاه گشته و در آنچه باید تمام خم و وقت خود را صرف بهبود از تمام داخلی و خارجی شود و نباید .

ولی این را باید دانست که ژاين زندگانی اخیر خود را بوضع آبرو و شرفی آغاز خواهد کرد ، یعنی از این پس یکی از ملل ضعیف و ضعیف شمرده خواهد شد ولی ملل ضعیف هر قدر در درجه اول معظّم خواهند آمد .

حالی باید برسد که با وجود تمام مسامت متفقین بر ژاين و ژاينم آنچه است اصلی اینست که این کشور از نظام نظم نظام و جنگی جدا خواهد بود ؟

ولی قبل از آنکه این سیاست روشن گردد باید در آتیه وضع کار و روش مردم آن مملکت را در مورد مؤسسات سیاسی دید چه خواهد بود! آیا این ملت زرد پوست که از جنگ و ستیز خوشوقت بوده و خونخواری و آزار افراد بشر را از صفات ممیزه خویش میدانند در آینده حاضر خواهند شد که از این رفتار دست بردارند! آیا این ملتی که سالیان دراز زیر یوغ پیدادگری باسم وزیرورئیس و غیره روزگاری بد و ناشایست میگذرانندند مایلند از این پس تحولی بزرگ بزندگی خود دهند یا هنوز هم ترسیده و باید دولتی ظالم و جابر داشته باشند.

قدری مسلم آنست که حکومتهای دیکتاتوری این چند صد ساله و آنایکه دور امپراتور را گرفته و در سایه نام او آنچه را که میخواستند انجام میدادند ملت را سخت از خود ترسانده و بهیچوجهی بایشان آزادی نمیدادند ادامه این وضعیت برای ایشان ناشایست و خطرناک بوده باید هر طور که باشد دولتی دلسوز بر روی کار آورد که با دقت و ممارست زیاد باوضع داخلی مملکت و نحوه زندگی ملت خود وارد و به بهبود آن همت گمارد.

بزرگترین اصلی را که در اداره امور ژاپن باید در نظر داشت آنست که ملت زرد پوست ژاپن، بنا بر قضاوت تاریخ و شواهدی که در دست است نمیتواند یعنی لایق آن نیست که دولتی دموکرات داشته باشد. این موضوع بر همه مسلم است و هرگاه کسی دقت کنیم در خواهیم یافت که ملل شرقی جهان دارای سوابقی معرای ملل غرب بوده و تردیدی ندارد که باید دارای حکومتهای مشفقانی هم باشند.

متفقین که خود را خواه آزادی و دموکراسی هستند پس شاک مایل و مهمانند که دولتی دموکرات در ژاپن برپا کار باشند تا از هر جهت چرخ سیاست جهان براحتی بگرددش در آید. ولی اولی باید دید آیا ملت ژاپن مایل است و یا قابلیت آنرا دارد که

با روش دموکراسی صرف اداره شود ؟ و بر فرض داشتند قابلیت آبا در این کار تجربه هم دارد .

احزاب سیاسی در ژان وجود خارجی نداشته است. و اصولاً کسی را یارای دم زدن از حزب نبوده است. لذا اگر هم پیشنهاد تشکیل حزب بایشان گردد کسی آن تجربیات و آزمایش های لازمه را برای ایجاد حزب ندارد. مطمئناً آن احزابی که ملل انگلوساکسون یا سایر کشور های اروپائی و امریکائی دارند در ژان تشکیل نخواهد شد. بلکه همانطور که مرور زمان نشان خواهد داد، در این مملکت جریان امر به طریق دیگر بوده و راه نوشی پیدا میگردد.

از بعضی لحاظ میتوان باینکه زبان آوازیش امیدوار بود  
زیرا نه تنها شایسته از نیروی شایسته فیزیکی که ممکن بود مزاحمت  
مستقیم را فراهم سازد و وجود ندارد بلکه در مقابل تاریخ چند  
ساله اخیر زبان نشان میدهد که احساس آوازی شایسته در آن  
میلکات زیاد بوده که برخی از ایشان را طول وقت از بین برده  
بارها هنوز هم زنده میمانند

[illegible][illegible]

چیزی و عدم رضایت مردم را آزار و اذیت خواهد کرد که کسی حاضر نخواهد بود سخنان و عاظم گوش فرادهند و یا در حزبی نام نویسی نمایند. زیرا همه باید شکم خویشان را سیر کرده و کاری کنند که از کمی پوشش و بدی هوا بامرک دست بگیریان نگرند. با تمام این تفصیل هنوز هم نمیتوان گفت که چه تحولات و تغییراتی در اوضاع ژاپن بوجود خواهد آمد. مطمئناً پس از چند سال باید از تجربیات زمامداران و محافل مسئول متفقین در ژاپن استفاده کرده کشتی آنکشور را به بهترین وجهی هدایت و برای دنیای آزاد نوین آماده ساخت.

## کلیات مصور عشقی

### تألیف جدید مؤلف گل‌های رنگارنگ

که واصله انتشار آنرا داده بودیم در ۵۰۰ صفحه باقیمانده بزرگ و یکصد گراور که از حیث ابتکار تدوین آن و نفایس چاپ نیز جالب توجه میباشد منتشر گردید. مراکز فروش آن در تهران کتابفروشیهای ابن سینا (شاه آباد) و مهر (خیابان فردوسی) و غیره است. در شهرستانها هم بکتابخانه‌های فروش گل‌های رنگارنگ مراجعه شود. بها با کاغذ املی ۱۲۰ ریال و کاغذ متوسط ۱۰۰ ریال است. از هر کتاب ۶ جلد بخواهند و وجه آنرا ارسال دارند یک جلد بلا عوض داده میشود و هزینه ارسال آن بدهنده این بنگاه کمره ناشر آنست خواهد بود.

تهران - بنگاه مهری

## يك جزيره درميان فتوحات ديتار



آبهاي نيلگون درياچه كنستانس مرز ميان دو تيره از نواد  
آلمان است كه يكي در كمال خوشبختي و رفاهيت زندگي ميكند  
ديگري سالهاي دراز است در آتش بدبختي ميسوزد .

اين درياچه دو کشور را كه يكي آلمان و ديگري سوئيس  
است از هم جدا مي سازد .

ولي سكه نقره دو ساحل اين درياچه از نواد (آلمان) هستند  
كه قسمتي از آنها يعني سكه يك طرف كنستانس داراي حكومت  
دموكراسي هستند و سكه طرف ديگر تيمه حكومت بران ميباشند .  
ميان اين دو برادران هم نواد از زمين تا آسمان فاصله است

آلمانهاي سوئيسي از عدالت - مساوات - امنيت اجتماعي  
و آسودگي فردي بهره مند هستند .

مسكي سالم و سرخس ميباشند ولي آلمانهاي تيمه دولت  
بران هالي سال زير بخت است بماند بپسردن بخت بدبختي ايشان  
را لطف آفتاب كه در آسمان سوئيسان كند و بشارتشان از  
نقدان شاهزاده برده ها بماند .

دست و پا كردن در اين دو تيره از زمان قرون وسطا و پيگم وراثت  
براي سواران سواران و كشتن و كشتن بران قرون وسطا و پيگم وراثت  
اين دو تيره را جدا كرد و در آن كره بماند بماند .

آلمان اي آلمان ميباشند و اي آلمان ميباشند و اي آلمان ميباشند  
خدا را اي آلمان ميباشند و اي آلمان ميباشند و اي آلمان ميباشند  
مساوات و عدالت را در يك زانوي تيمه آلمان ميباشند و اي آلمان ميباشند

آلمانیهای سوئیس با عشق دموکراسی و آزادی پرورش یافته و در يك کشور دموکرات تربیت شده اند پرتو عدالت و مساوات افق روحشان را روشن ساخته و از سر چشمه آزادی و بشر دوستی سیراب گردیده اند تفاوت میان این دو تیره یعنی آلمانیهای آلمان و آلمانیهای سوئیس بعدی زیاد است که اگر اشتراك زبان نبود يك مرد بیکانه محال بود تشخیص دهد و باور کند که این دو ملت از يك نژاد هستند اکنون باید دید این تفاوت فاحش از کجا آمده است.

تقریباً ششصد سال پیش، شش قرن قبل از دوره برآشوب کنونی ما، سکنه خود را بر سر دو راهی اساسی یافتند. و خوشبختانه راهی را که بطرف دموکراسی منتهی میشد انتخاب کردند این ملت که از سه نژاد فرانسوی آلمانی ایتالیائی تشکیل شده در این شش قرن همان راه را ادامه داده اند. من شخصاً هر یکی از قصبات سوئیس شاهد جریان روشنی از این دموکراسی ششصد ساله بودم و پنجم خویش طرز انتخابات سالیانه سوئیس را دیدم. این صحنه جذاب که من تماشا کردم مظهر کامل روحیات و مدنیت سوئیس میباشد، روحیات و طرز تفکر اجتماعی هر ملت را از جریان انتخابات آن ملت میتوان تشخیص داد. اکنون آن صحنه را برای شما نقاشی میکنم تا شما هم از تماشای این برده جذاب لذت ببرید و دو تقدیر و تشخیص از این دموکراسی سعادت بخشی با من شریک و هم آواز گردید.

اطراف مبدان بزرگ قصبه را سیم کشی کرده بودند فقط اشخاص وارد محوطه داخل سیم کشی میشوند که حق انتخاب کردن داشته اند. کودکان و زنان دو پشت سیم ها ایستاده بودند. گوشتی این مدرسه ای بود که اصول دموکراسی را بایشان میآموخت.



انتخاب کنندگان آینده از حالا برای شرکت در انتخابات آینده  
 تمرین میکردند. در وسط میدان میزی برای ناظرین گذاشته بودند  
 که دو شمشیر برهنه روی آن دیده میشد این کار بموجب یک سنت  
 باستانی صورت میگرفت و شمشیر علامت آن بود که باید برای  
 حفظ دموکراسی فداکاری کرد مردم جمع شده بودند تا شهردار  
 آینده خود را انتخاب نمایند شهردار که مدت خدمتش منقضی میشد  
 اعمال خود را شرح داد و گزارش جامعی از خدمات خویش به مردم  
 تقدیم نمود دست های مختلف هر يك كانديد خود را معرفی کرده  
 نوبت برای رأی گرفتن رسید مردم با انگشت بلند کردن رأی خود را  
 اعلام نمودند، برخی تغییرات که بایستی در قوانین صورت گیرد،  
 مطرح و بتصویب رسید برای فقرا پول جمع شد و مجلسی اختصاص  
 یافت. خلاصه آنکه مردم جمع شدند و در يك جلسه مستقیماً سریر  
 اوست یکساله خود را تعیین نمودند و با فراغت خاطر این کار خود را رفته  
 دو سال ۱۸۹۱ بود که روش مراجعه عمومی در سوئیس  
 برقرار شد از آن سال تا امروز دولت سوئیس در هر موضوع  
 مهمی که پیش آید حکمیت را بر اصول بازاء عمومی میکند. حقی  
 قوانین هم که بتصویب رسیده باشد اگر کسی هزار نفر از اشراف  
 که حق انتخاب کردن را دارند پیشنهاد کنند، باینکه بازاء عمومی  
 مراجعه شود، در این روش دیگر نقاب و حیل و غش و فریب امکان  
 ندارد. کسی نمیتواند با پول رأی دیگران را خریداری نماید  
 کسی نمیتواند با یک و دو یا بیست و شصت رأی که قرار شده  
 همه در رأی می دهد بازاء عمومی مراجعه نمود عده ای از امریکائیان  
 نسبت باین روش اظهار تمایل کردند و دیگر سران دولت مردم که  
 خیلی زود منتخبات اساسی میشوند و اکثر اهل منطق و برهان  
 هستند قوانین مراجعه باین تصویب کنند و از این رژیم نتایج مضحکی  
 گرفته شود این توانایی بدینهم امریکائیان بدهد ای از اهل سوئیس

هم سرایت کرد و نزدیک بود از این روش چشم ببوشند ولی تجربه نشان داد که ترس و تردیدشان بیجا بوده است. مثلاً در سال های پس از جنگ بین الملل اول که بحران سراسر اروپا را فرا گرفته بود سوئیس هم گرفتار کساد و بحران اقتصادی شد و ملت را بشکر چاره جوئی انداخت.

عده ای از مردم سوئیس پیشنهاد کردند که مالیات تازه ای بر سرمایه های هنگفت بسته شود. با آنکه این مالیات جدید فقط شامل صدی شش نفر میشد که دارای مکنت سرشار بودند در موقع مراجعه بآراء عمومی رد شد و ملت آن را نپذیرفت چون ناطقین و مطالبوعات اظهار داشتند که مالیات تازه ولو آنکه فقط بر صدی شش نفر یعنی يك شانزدهم ملت تعمیل شود خلاف مصلحت است ملت آن پیشنهاد را نپذیرفت و بالتبعه مالیات جدیدی وضع نکردند. با آنکه سوئیس هم مثل امریکای شمالی دارای دو مجلس عوام و سنا است. دولت یعنی قوه اجرائیه خیلی کمتر از امریکا زیر تأثیر پارلمان است. در سوئیس ملت مستقماً حکومت میکند و با آنکه پارلمان دارد همه قضایای مهم باید بآراء عمومی مراجعه گردد. دولت سوئیس مرکب از هفت وزیر است که هر يك بنوبت مقام نخست وزیر را عهده دار میشوند. در سوئیس بنسبت جمعیتش پیش از تمام ممالک دنیا روزنامه منتشر میشود مطبوعات با چشم دقیق مراقب کارمندان دولت هستند و در اعمال ایشان نظارت میکنند. مردم سوئیس پول خود را بیپوده خرج انتخابات نمیکند. مهمترین مبلغی که تا کنون خرج انتخابات شده پنجاه لیره بوده است. با آنهم فقط يك بار اتفاق افتاد که يك حزب در طری انتخابات پنجاه لیره خرج کرد و مورد ملامت ملت واقع شد که چرا اسراف و ولخرجی کرده است.

روزی که جنگ بین الممل اول شروع شد کسانی تصور میکردند شیرازه وحدت ملی سويسها گسيخته خواهد شد .

آلمانيهای سويس بطرف آلمان و فرانسيهای سويس بطرف فرانسه متمایل خواهند شد و در کشور سويس ميان اين دو نژاد جنگ خواهد شد ولي حوادث نشان داد که وحدت ملی سويس بيش از آنچه تصور شود قوی و محکم است نه آلمانيهای سويس و نه فرانسوی های سويس هيچ يك خللی در اساس وحدت ملی راه ندادند .

جنگ بين المملی دوم شروع شد و بيشتر مفسرين اخبار و مصلحتين بمرور سياست معتقد بودند که آلمانيهای سويس فريفته تبليغات آلمان بزرگ ميشوند و برای شرکت در رابش بزرگ با آلمان ميروند . يا قسمتي از سويس را ضميمه آلمان ميسازند ولي باز هم حوادث نشان داد که اشتباه کرده اند .

همه افراد ملت سويس از پير و جوان زن و مسرد چند مخالفت نازيبا و عرام ديكتاتوري بودند و کشور سويس مانند يك جزيره در ميان درياي نورمان بر پاي ايستاده و در مقابل تمايلات آلمانها جز آنچه با حق ملت بود مقاومت کرد .

آلمانها که در سالهاي اول جنگ مانند سون خروشان بهر طرف درازيد ميستادند راجه را در سر داشتند چه ويران ميساختند . سويس را تهديد کردند و نيزوي بودگي در عرض آن کشور تهيئه کردند . براي سويس ها هم قوا و احساس مرزي را تقويت کردند و بوسه ديارا صبح کشاوري نمودند . بيشتر ديد اگر بشود اين کشور سويس بجا که جز شده شده عمارت فرسراباش را بگذاشت دهد سايه مظلومانه بره و انگهي بکشوري دورود خواهد شد که منابع زميني قابل توجهی ندارد و عرضي فقط از

برکت صنعت و در سایه مهربانی و خوش رفتاری با سیاحان خارجی زندگی میکنند چنین کشوری را مسخر کردن کار مفیدی نیست در سوئیس فرماندهی عالی دائمی وجود ندارد. این کشور اصلا محتاج بوجود ژنرال ها نیست و پولش را در این راه صرف نمیکند افسران ارتش سوئیس از درجه سرهنگی بالاتر نمیروند فقط در موقعی که حادثه مهمی پیش آید یا خطری متوجه کشور گردد یک نفر را تا درجه سرتیپی ترقی میدهند که فرمانده کل ارتش گردد وقتی که اوضاع بهال عادی بازگشت نموده پیش کار سابق خود میروند در جنگ اخیر وقتی آلمانها کشور سوئیس را تهدید کردند ژنرال ژوزان که فرمانده کل ارتش شده بود افسران را احضار کرد و گفت «اگر بیگانگان خواه آلمان و خواه ارتش دیگری بکشور ما حمله کردند ما تا آخرین نفس مقاومت خواهیم کرد شما هم خود را برای جانبازی مهیا سازید ۲۰۰۰» مردم سوئیس میدانستند این آقای ژنرال بعضی آنکه اوضاع بهال عادی برگشت و خطر احتمالی مرتفع شد فوراً بشغل سابقش که گله داری است باز میگردد همینطور هم شد. مردم سوئیس بیش از هر ملت دیگری مالیات میپردازند.

سوئیس ها مخصوصاً برای جلوگیری از تورم پول و جلوگیری از ایجاد فاصله میان طبقات ثابت متوسل بوضع مالیاتهای تصاعدی شده اند که نمیشکند افراد سرمایه دار از وضع دوره جنگ سوء استفاده کنند و عواید هنگفت ببرند.

سوئیس هم مانند همه مسائل دنیا مواجه با مشکلات زیاد است ولی ملتی که تا ایندرجه هائیکه زندگانی کرده و بر همه مشکلات غالب گشته سرانجام مشکلات فعلی را نیز مرتفع خواهد ساخت و بار دیگر زندگانی رفاه و پر تنم را از سر خواهد گرفت.

«از معجزات خارجی»

## چگونه بمب پرنده را پرواز دادند ؟ استاد آلمانها از يك نگاه انگلیسی

— ۵۵ —

در دامنه تپه ای که پوشیده از درختان تنومند و بارور بود و دختران زیبا دست بدست هم داده و در کوره راهی که بیابای تپه منتهی میشد قدم میزدند « ایندوژان و فلور » که نوران نامزدی را میگردانند در کنار چاه چمن زاری یافته وزیر سایه دوشی بزمین نشسته و سر گرم راز و نیاز عاشقانه شدند . وقت سرعت میگذاشت بدون اینکه آندو متوجه اطراف خود باشند . در حدود ساعت شش و نیم با آنکه هوا تاریک شده بود آندو همانطور در زیر درخت نشسته بودند که ناگهان صدای پائی توجه آنها را جلب کرد .

زبان از جای برخاسته اطراف را نگاه میکرد موقتیکه نزد فلور بازگشت گفت فردی که همان افسر آلمانی است که برای گرفتن اخبار باستانگیمی که در پادشاهی تپه ساکنند می رود زبان فلور برای اینکه دیده نمیتواند از دور در پناه دوشی کشیده و فریادیک که بارش را از تپه پائین آمدن از کنار آنها عبور کرده و باستانگاه رات .

آندو اندویش گرفته که او را چنان کند و آهسته بدون اینکه حالتش متوجه شود را به راه پست و عمارت رسانند و در آن موقع او در پشت دستگاه امنیتی نشسته و تمام و کمال بین پناهی منتهی درخت فرستاده نگاه میداشت و میسرود . دست یکبار به ساعت بدون آنکه بتواند استفاده ای از عقربش نموده بزرگ از پشت درخت دور شده و از تپه سرازیر شده .

همان وقت در دهکده ای که در زیر آن تپه واقع شده  
و تا ساحل فرانسه بیش از چند میل فاصله نداشت ، عده زیادی  
از دهاتی ها در یگانه مهمانخانه آنجا جمع شده و از هر دری  
صحبت میکردند .

در يك گوشه سالن چند جوان دور میز پیر مردی نشسته  
بودند که از طرز رفتار و گفتارشان معلوم بود که جوانها شاگرد  
مدرسه و پیر مرد استادشان میباشد . یکی از شاگردان میگفت  
من چند روز است که در رفتار فرریک همین شخصی که لباس  
افسران آلمانی بتن دارد دقت میکنم ؛ تا کنون نتوانسته ام  
خود را قانع سازم که او خدمت نظام را انجام داده است ، چندین  
روز و شب متوجه حرکاتش بودم ، هر روز در ساعت معینی  
ببالای تپه رفته مدتی در آنجا باقی میماند و همیشه سمی دارد  
که در آن ساعت خود را با آنجا برساند .

حتی يك روز که ساعتی کار نمیکرد و نمیتوانست درست  
وقت را تشخیص دهد يك وقت از من ساعت را سؤال کرد ،  
چون فهمید که ۸ و پنجاه و پنج دقیقه است بدون آنکه کلامش  
را بردارد از اطاق خارج گردید و بگراست بطرف تپه روان  
شد . من میتوانم قسم بخورم که او افسر نیست ؛ زیرا خوب یاد  
دارم که در فوویه گذشته « فوویه ۱۹۴۱ » که هواپیماهای  
متفقین بمبکده مارا بمباران کردند بدون اینکه در جاده خارج  
شدن از خانه بوده و بشک باشد که دیگران را نجات داده  
و از آمدن هواپیما آنگاه سازد در اطاق خود خوابیده بود .

کتابهایی که در اطاقش مشاهده کردم تمام مربوط به علم  
فیزیک و هواشناسی بوده هیچ یادداشت تاریخی و جنگی دیده نمیشد  
موقعیکه آن جوان باینبار رسید ، در مهمانخانه باز شد و ژان و

فلور وارد شدند. ژان بکراست بطرف میز آن عده آمده  
آنچه را که دیده بود شرح داد و ساعت یازده گذشته بود،  
که همه بی کار خود رفته و مهمانخانه خلوت گردید.  
پیرمرد استاد که جزء دسته میهن پرستان بود، و در  
این دهکده بر علیه آلمانها کارشکنی میکرد، چون بخانه خود رسید  
مدت نیم ساعت در اطاق دفترش مشغول نوشتن بود و آنچه را  
که در مهمانخانه شنیده بود بر کز میهن پرستان ارسال داشت  
آنها هم با وسائلی که در دست داشتند بانگلستان فرستادند زیرا  
مأمورین انگلیسی از آنها خواسته بودند که کوچکترین خبری را  
بآنها اطلاع دهند. برای اینکه بیشتر حوادث و رازهای مهم را از  
روی اخبار بی اهمیت میتوان کشف کرد.

پنج روز بعد اداره جاسوسی انگلستان در باره یک افسر  
آلمانی اطلاعاتی بدست آورد که در ایستگاه گورناده وادرو باخبار  
انگلستان گوش میداد.

اداره ضد جاسوسی پس از دریافت این خبر اقدام باین  
فکر افتاد که شاید آن افسر برای شنیدن اخبار ساعت نه بآنجا  
میروند و ممکن است در ضمن غریبتان اخبار معمولی بر سر راه  
خبرهای دیگری نیز برانند از فرستادن به گورد.

مذاکره شد و روز دو تا روزی که خبرنامه میباید نوشته گردید  
رای میباشند خبری کشف کنند. نهایتاً یکی از مأمورین پیشنهاد  
کرد که خوب است از افسر شوالیهی کشتی که بر آنجا رفته روز  
از ساعت استاز اخبار را پس از ظهر دریافت.

بنگاه پخش اخبار در مخالفت کرد و گفت فرستادن اخبار را  
بناظرین اطلاعات بدست چند روز بعدی شایع نمائی کردند، تا  
از فرستادن خبر رسیده که هرگز آن را آلمانی خبری بر رخ نداده در همان

ساعت هائیکه بایستگاه میرفت و هم اکنون نیز خانه خود را ترک مینماید.  
از رسیدن این خبر به مأمورین اداره ضدجاسوسی واضح  
و آشکار گردید که افسر آلمانی از اخبار استفاده نمیکند؛ پس  
بطور یقین چیز دیگری طرف نظر او میباشد. از این جهت  
بچندین نفر از دانشمندان و اهل خبره رجوع کردند؛ یکی از  
پروفسورهای معروف انگلستان پس از مدتی تحقیق؛ عقیده خود را  
اظهار داشت که بمدها صحت آن معلوم گردید.

دومی گفت: این شخص همانطوریکه فرانسویها میگویند  
افسر نیست بلکه یکی از دانشمندان و مهندسین زبردست آن کشور  
میباشد و از اخبار رادبو لندن هم استفاده نمیکند؛ بلکه مؤسسه  
«بیگ بی» در همان ساعت اوضاع چوئی؛ بخصوص وزیدن بادهای  
مختلف را در انگلستان منتشر میسازد و میداند که آلمانها مشغول  
تهیه اسلحه ای هستند که بدون خلبان پرواز دهند.

هواپیمائی که خلبان داشته باشد، میتواند جریان باد  
مقاومت کرده و بدون انحراف بمقصد برسد؛ ولی این دستگاهی  
که در دست اختراع میباشد باد در آن مؤثر است و خلبان میسرش را  
تغییر میدهد.

این عقیده مورد پسند واقع شد و «بیگ بی» در برنامهای  
خود تغییراتی داد؛ تا در ۱۶ ژوئن ۱۹۴۴ گوینده رادبو لندن  
پرواز اولین بمب پرنده را با اطلاع رسانید در ضمن اظهار داشت  
که «بیگ بی» از این تاریخ بواسطه مشکلات جنگی و ترس  
از بمباران تعلیل خواهد شد.

مردم لندن هرچه فکر میکردند؛ نمیتوانستند رابطه بین  
آنها را پیدا کنند؛ فقط مأمورین اداره ضدجاسوسی و پروفسور  
از علت حقیقی آگاه بودند و میدانستند که چگونه آلمان از بیگ  
بشگاه انگلیسی استفاده مینمود.



## هیتلر را زنده میدانم

«گلوگشتادت» واقع در کنار رود خانه «الب» چهل و پنج کیلومتری «هامبورگ» بطرف دریا حرکت کرده است.

قایق موتوری مزبور در حدود ۹۰ تن وزن ظرفیت داشته بیک موتور باروغن سنگینی مجهز بوده و را کبین آن مواد غذائی برای مصرف چند هفته بادودینگاه فرستند و رادیو همراه داشته اند. بلافاصله کشتی های انگلیسی برای جستجو و تحقیق خط سیر و مبداء این قایق به حرکت آمدند، وای تیممات آنها در جزایر کوچک دریای شمال بی نتیجه ماند و مجبور به رجعت گشتند. اما اداره آگاهی انگلستان همپتان تحقیقات خود را ادامه میدهد.

توضیحات چند دیگر؟

در همین موقع که زمره زنده بودن هیتلر قوت میگیرد: خبر کشف یک توطئه جدید از جنبش های نژادی در آلمان شایع میشود.

رادیوی هامبورگ چندی پیش اعلام کرد که در بنکایان فرانک و سوسی را در شهر فرانکفورت آلمانی کشتی کرده و بر آن آبی چهل نفر از سربازان نازی را نگهداشت نموده و ششصد گلوله گرم نیز در دست آورده اند.

همچنین رادیو فرانکفورت اعلام کرد که سائون وینج از یهود «آری» نامی را در منزل هیتلر در فرانکفورت نگهداری داشته اند.

بالاخره از سربازان آری رسید که سربازان جدیدی از آلمان در آلمان وجود دارد، مقامات متعین هنوز نتوانسته اند به آن سربازان و آ کشتی کنند وای وجود آن را تصدیق نمایند. بنظر میرسد که عده از سربازها تن از نژادهای متعصب

با لباس میل ۱ اکنون در شهر ها و کوچه های آلمان میگردند  
و نقشه تجدید عظمت آلمان را میکشند .

نازیهای مزبور بلباس کارگران خارجی یا اسرای خلع  
سلاح شده درآمده و بفعالیت خود ادامه میدهند . بطوریکه گفته  
میشود این سازمان وسیع ، بوسیله شخص هیتلر اداره میگردد و دارای  
ستادی است که بادسته های مختلف نازیها تماس گرفته و میخواهد  
آلمانی ها را در تشکیلات بازرسی متفقین در آلمان وارد کند .

هنگامیکه (هابزیش بوتگر) یکی از چهل نفر خرابکاران  
نازی در «دورتموند» دستگیر گردید در اطاق وی جامه دانی  
بدست آمد حاوی مقدار زیادی پول و جواهرات بود که چندین  
میلیون مارک قیمت داشت همچنین ۵۰۹ بطری آبکوره در اطاق  
او کشف گردید که نیمی از آنها ساخت کشور های دیگر اروپا  
بود وی مدعی بود که آنها را خریده است .

همین داور موقعی که (ژرژ بویزن) را در «اسن» بازداشت  
مینمودند ، وی خواهش کرد باو اجازه داده شود پیامی باین مضمون  
بجای بگذارد : « تمام وعده های ملاقات فردای مرا برهم بزنید .  
اینها و امثال اینها آیا نشان این نیست که ملت آلمان از رخوتی  
که بلافاصله پس از شکست بدان دچار شده بود میخواهد خارج شود ؟  
مقامات متفقین برای آنکه زیارتگاهی بجهت آلمانیها درست  
نکرده باشند محل ودفن «هیملر» رئیس سابق گشتاپو را از همه  
متفقین نگاهداشته اند ، میخواهند یکمفر ناشناس بر گوری هیملر جوی  
سیاهی قرار داده است و همین هیملر آیا بمنزله علامت و نشانی  
بشمار نیاید ؟

بالاخره آیا ملت آلمان در انتظار حوادث آینده ، خود را  
حاضر نمیکند که در پیرامون سرنگونی گرد آید و فعالیت تازه ای  
برای تجدید قدرت آلمان آغاز کند ؟  
از مطالبات فرانسه



## سلاح ضد بمب اتمی

توپ جدیدی که امریکا برای حفظ نیروی دریائی خود از بمب اتمی میسازد



وزیر دریاداری امریکا اعلام نمود که : اکنون يك توپ جدید و بدیعی در امریکا ساخته و تکمیل گردیده است مقصود از تدارك این سلاح همانا حفظ نیروی دریائی امریکا از حملات هوائی مجهز با بمبهای اتمی میباشد .

برد این توپ دریائی پنجاه هزار پا میباشد و تأثیر آتش آن بواسطه دستگاه مخصوص (راد) را اینستکه تمام اطراف هواپیمای حامل بمب اتمی را بایک باران دائمی آتش از هرسو احاطه میکند .

## اسرار بمبهای تشنه‌ی آلمان

در تابوت مردگان در یک شهر آلمانی کشف گردیده است

در يك مقبره‌ی خارج از شهر «لوبک» در آلمان - حمله فوق -  
الحاده شگرفی که آلمانها برای اختفاء اسرار بمبهای تشنه‌ی آلمان بکار زده بودند کشف گردیده است - از مقبره مذکور شش تابوت بیرون آوردند که در درون آنها تمام تشنه‌های قریب و بمبهای تشنه‌ی آلمان با تفصیل و جزئیات بدست آمده که ... تشنه‌های مذکوره را در درون آن تابوتها پنهان کرده بودند .

هیچکس بیشتر از کشیشی که نماز بر جنازه میت گذارد و اشخاصی که جنازه را شایسته میکردند دچار حیرت و استعجاب نشدند و دسته های گل که برای تزار بر روی جنازه آورده بودند از دست ما افتاده با مال گردید.

اگر اعتراضات شخصی بنام دکتر واشی که خود مدیر اینکار نبود هیچگاه این نقشه های نفیس کشف نمیشد و باین شرط اعتراف کرد که با زنی که در منطقه متصرفی روسها توقف داشت ملاقات نماید ولی ملاقات آنها طولی نگذشت فعلا شخصی مذکور در زندان

2015

[illegible]

## صورت قیام

ایالت «نپال» یکی از استانهای مستقل هندوستان است که طبق قرارداد مخصوص، روابط سیاسی با دولت انگلستان دارد و سربازان بومی آنجا که بنام «گرخاس» نامیده میشوند در ارتش انگلستان مشغول خدمت و بشجاعت و بی‌باکی معروف میباشند. یکی از حکایات شیرینی که از تهور سربازان گرخاس نقل مینمایند این است که عده‌ای از آنها را برای فرا گرفتن تعلیمات هوایی و تمرینات پرشی و فرود آمدن توسط پاراشوت (چترنجات) با هواپیما بوسط آسمان منتقل و چنین در نظر گرفته شده بود که از ارتفاع ۱۵۰۰ متری خود را بزمین پرتاب نمایند. قبل از شروع بمهمات و کیل باشی دسته‌ای که از خود گرخاسها بود نزد افسر فرمانده آمده محکم پاها را بزمین کوفته دست راست خود را بعنوان سلام نزدیک پیشانی بالا برده و گفت: جناب سروان خیلی مہذرت می‌خواهم نه آنکه تصور فرمائید افراد من ترسو و از جانبازی و فداکاری در راه نیل مقصود بیم و هراسی داشته باشند. خیر اینطور نیست ولی چون برای دفعه اول است خواهشمندم اجازه بفرمائید مسافتی که برای آنات در نظر گرفته شده به ثلث تقلیل داده شود. فرمانده مسافتی را که شما برای آنان قائل شده‌اید ممکن است پاراشوت باز نشود... پاراشوت!!! و کیل باشی با حذقه‌های گشاد و دهان باز که منتهای تعجب اورا مدلل می‌ساخت سوال کرد: بی‌شک جناب سروان افراد تصور میکردند ابتدا از این چیزها کار نموده و بایستی بسون اسباب و آلات پرش دست خالی خود را بزمین پرتاب نمایند!

## آیونو یا شوالیه بیخانمان

پیش کدربك رفته و بار گفت : پیر مرد ضعیف و دخترش جوان و زیبا است و رفیق آنها مریض و در خطر مرگ میباشد . بنا بر این اجازه بدهید با ما بیایند . کدربك موافقت کرد و برای اینکه پیودی سوار شود گورث را از اسبی که سوار بود برز آوردند و وامبارا گول زده و گفت که طنابها را شل کنند و بعد دشمنهایش را رها کرده زیبا است و با خنجریده کبی دور شد و فرار کرد .

باز هارا دوباره مرتب کردند و تمام برام افتادند .

ساده بقصری تنك بود که پیش از دو نفر ننگین نبود بهلوی یکدیگر ایست برانند . بعد از آن حاشه از حره باهم رفت و در آنجا رودخانه کوچکی با ساحلهای بوقیع و گل آورد جاری بود و در کنار رود درختان کوچکی روئیده بود . کدربك و اتلس تان که در جای ایست برانند شعل حله کشش را سر آنجایی تنك برای دارند و بعد به سبیل پیش رفتند . سپس از رودخانه گذشته و آن درین بطن نگرانی حله این از جلو و عقب بر آنان سه کردند حله کشم کبی میخواستند بویانند که باقی حله است و فریاد میکردند :  
« من در آن تنك تان بازنده و بقصری حله کشم رسیده بودم که کویچکترین مقاومتی نتوانستند ابراز دارند تمام بعد از او را دستگیر شدند و آن او شمشیری از دست یکی از پیادهها گرفته و کوشش

میکرد بلکه اربابش را آزاد کند . بالاخره فهمید که کاری نمیتواند  
از پیش برد و در میان درختان پریده و فرار اختیار کرد .  
ممدك ، آن مسخره شجاع بمحض آنکه کمی دور شد فکر  
کرد که خوبست برگردد و با اربابش که فوق الماده بوی محبت  
داشت اسیر شود . پیش خود گفت : هر کس تا اسیر است میخواهد  
آزاد شود و چون آزاد شد میخواهد خود را باسارت اندازد .  
بمحض آنکه در میان جنگل مخفی شد صدائی باو گفت : واما !  
صدارا شناخت و گفت : گورث ! بلا فاصله خوك چران از میان  
درختان در آمد و گفت : چه شد که تورا در اینجا میبینم ؟

ارباب و خانم من و تمام دیگران بدست مردانی که ملبس  
بلباس سبز بودند دستگیر شدند .

گورث گفت : تو شمشیر داری و شجاع هم هستی . ما فقط  
شو نفریم ولی بابك حمله ناگهانی ممکن است کار بزرگی بکنیم  
حال آیا برویم .

همانطوریکه داشتند میرفتند شخص سوئی ظاهر شد . از  
لباسش و اما خیال کرد کسه یکی از یاعیان است که اربابش را  
گرفته اند . سپس در نور کهی که آنجا بود قیافه لاکملی را شخص  
داد و او همان کسی بود که در مسابقه تیراندازی جایزه را ربود .  
وی گفت : مقصود از اینکار ها چیست ؟ چه کسی خبر از  
باغبان چرث دارد در این جنگل بغارت مشغول گردد و مردمان را  
اسیر کند .

و اما گفت : ممکن است بروید و ببینید که آنها از مردان  
شود تانند یا نه زیرا آنها بقدری شبیه شماست مثل میمن که نصف  
کرده باشند .

بن الان میروم و میفهمم . همیشه با منید تا برگردم .



بعد از چند لحظه لاکسل مراجعت کرد . و گفت : آنها را دیدم و فهمیدم که از ما نیستند و مقصدشان را فهمیدم . برای ما سه نفر حماقت است که با آنان جمله بریم ولی امیدوارم چندی طول نکشد که نیروئی که با آنان مقابله تواند کرد گردد آورم . کدربک ساکسونی آنقدر حامی دارد که او را کمک کنند .

این را گفت و با قدمهای بلند در میان جنگل براه افتاد و شوکیچران و مسخره هم ویرا تعقیب نمودند .

### فصل یازدهم گردآوری یاغیان برای جنگ

لاکسلی و دو رفیقش بعد از سه ساعت راه رفتن بفضای آزادی رسیدند که در میان جنگل قرار داشت و در مرکزی آن میدان درخت باوخط بزرگی روئیده بود . در زیر آن درخت چهار پنج نفر مرد ملبس لباس سبز خوابیده بودند و چند نفر دیگر اینطرف و آنطرف قدم میزدند و مراقب آنها بودند .

بعضی آنکه تراولان میدانی نزدیک همین بود نفر را شنیدند بدینگران آگاهی داشتند . آنها نیز که خواب بودند از خواب پریده و با کمالی شوق بطرف آیندگان قرار گرفت ولی واقعا آن سه نفر را شناخته بوی خوش آنها گفتند و احترام گذارند و برای رفتن آنها که از میدان خودشانند و به شرفی کردند .

اولین پرسشی این بود : شما کی میآید ؟

پاکشی در جواب از سکوت و اندوهام بزرگ باخبر دست آوردن چیزی نشناخت میگوید .

بعد لا محاله پرسید : آنجا کجاست ؟

یاغیان و آنجا که زندگیشان در واکسل و اتمپت میباشد .

سر دستۀ یاغیان پاسخ داد : بدکاری نیست پس فرایرتاك  
كجا رفته ؟

در كلبه اش در كوما نهورست میباشد . (معلوم شد اسم كشیس  
فرایرتاك است) .

لاكسلی گفت : من اینجا خواهم رفت . شما هم باطراف رفته  
و تمام رفقا و هر کس دیگری را که میتوانید جمع اوری کنید و  
در سیدیه دم همینجا بکشد دیگر را ملاقات خواهیم نمود . دو نفر از شما  
شتابان بطرف جاده ایکه به تورکویشتون قلعه قرائت دیوف میروند  
روان شوید . چند ارد جوان که باباسها شبیه ما مجلس میباشد  
بچند نفری را دستگیر کرده و بقلعه میبرند . برای آنکه نام یاغیان پیدی  
برده نشود باید آنها را تنبیه نمایم .

سیس لاکسلی و دو رفیقش راه خود را بطرف كلبه متروك  
كوما نهورست ادامه دادند . چون بهمان فضای جلو كلبه که آنوقت  
روشن شده بود رسیدند و اما بگوش گورت گفت : آلود مقدس  
تجیب ندادی میخوازد .

دو حقیقت زاهد باهماناش در كلبه داشتند سرودی را میخواندند  
(از ترجمه شعر آن صرف نظر شد) بالاخره لاکسلی با دق البابهای  
مكرر عیش آندو را منقش کرد .

شوالیه با عجله اسلحه اش را در بر کرد و تارك دنیا علامات  
شیش را مخفی میکرد .

صدائی از خاوج گفت : ای كشیس دیوانه ، در را بر روی  
لاكسلی باز کن .

تارك دنیا شوالیه گفت : خطری متوجه نیست . سیس دروا  
باز نمود .

لاكسلی گفت : ای زاهد چرا رفیق باده گساری را زاه  
نمایی ؟ مگر دیوانه شده ای که شوالیه ابرا که نمی شناسی راه

میدهی ؟ مگر وعده های خود را فراموش کرده ای ؟ زود  
نماز را کنار گذار و اسلحه برتن کن زیرا ما بتمام باران خود  
احتیاج داریم .

زاهد سرعت خرقه اش را در آورده و لباس سبزی برتن  
کرد و موقعیکه مشغول آنکار بود لاکسلی شوالیه را بخارج برد و  
چنین خطاب کرد :

شما کسی هستید که در روز دوم مسابقه پیروزی را احراز  
کردید . بیهوده آنکار نکنید .

شوالیه گفت : بالفرض هم که چنین شما راست باشد چه فایده از  
این صرف هاید میشود ؟

در اینصورت من شما را جزو دسته خود خواهم کرد يك  
عده اشخاصی نامی که خود را پیش از آنچه هستند نشان میدهند  
قبیله زاده ما کسوی ( کدویشا ) وادی را و نا و رفیقش اتلس تاین را  
دستگیر کرده و باده ای که تور کوراستون نام دارد در نزدیکی جنگلی  
است برده اند . از شما که يك شوالیه پیرمیان و مرد انگلیسی  
حقانی هستید میپرسم که آیا مارا در نجات دادن آنان یاری مینمائید ؟  
شوالیه جواب داد : برعهده من است که با شما یاری کنم . ولی  
میخواهم بدانم که شما کیستید که از من طلب مساعدت مینمائید ؟  
در دستهای من شمشیر گمشده ایست که در میان رستم و هم پیمانان  
میانم . هر کسی که در میان جویان باشد در دست میبارد . پس بگذار که  
کشته بشویم تا من با شما مقابل دشمنان نمایم . شوالیه جواب داد :  
هرگز پرسشی نخواهد کرد و در آخر این آتش را با شما یاری  
مینمایم و بعد از آن وقتیکه اینکار تمام شد بدین شهر میآئیم .  
تو را در آن از کلیه پیرمیان آند و کتلتا مسورت يك یاقی  
در آورده و با شمشیر و نیزه و نیزه گران مسلح بود . لاکسلی گفت :

بیای زاهد دیگرانهم بیایند که اگر خواهیم قلعه‌نرزی نالذفرانت دوبوف  
را فتح کنیم باید تمام عده قلیل خود را جمع آوریم .

شوالیه سیاه پوش گفت : فرانت دوبوف : کسیکه در جلو  
پادشاه بر عایای وی حمله برد چه شخص پستی است مگر بتازگی دزدیم  
شده است ؟

زاهد گفت : دزد ! بگمان من دزدی که از آن بدتر نباشد  
بر او شرف دارد .

## فصل شانزدهم

### دژ تور کویلیستون

مردان مسلحی که کدریک و همراهانش را دستگیر  
بودند یا عجله پیش میرفتند . تاریکی همه جا را فرا گرفته و جاده‌های  
چنگل بخوبی معلوم نبود . چند مرثیه راه را گم کردند و موفیکه  
طلوع فجر آغاز شده مطمئن شدند که بجاده اصلی رسیده اند .  
بوا - ژیلبرت به دوبراسی گفت : حالا موقعی است که از ما  
جدا شوید . میدانید که بعداً باید نقش شوالیه نجات دهند . را  
بازی کنید .

دوبراسی گفت : نادستگیر شدگان را سلامت بقلعه فرانت دوبوف  
نرسانیم من شما را ترک نخواهم کرد . سپس در آنجا بشکل اصلی  
خود درآمده و در مقابل لیدی راونا حاضر شده و باو خواهد  
گفت که تمام لشکرهايي که گناه آنها بگردن من است برای خاطر  
دشمنی است که بشما دارم .

بوا - ژیلبرت مقدس جوایز داد : دوبراسی ، همه چیز مسبب شده  
است که نقشه خود را تغییر دادید ؟ امید وارم که از من بد گمان  
نشده باشید .

دو براسی گفت : نه . بنابر میل خودم اینکار  
لیدی راونا را برای خود دستگیر کرده ام اگر  
بگیرید کمال بی انصافی است .

مقدس جواب داد : پس حالا خوبست حقیقت  
من به محبوبه شما کاری ندارم و ثروت آی سالک را هم  
قسمت میکنیم زیرا وی در مقابل هیچ قلعه اش را با  
ولی خانم محبوب بهودی را بعنوان غنیمت برای  
دیگر سخنی نگفتند و بمحله پیش میرفتند تا  
خیابانی که درختان عظیم داشت رسیدند و تووگا  
خرات ددیوف نمایان گشت .

وقتی بهادی قلعه رسیدند دو براسی سه در  
داشت دمید و گمانداران که روی سحرآمیزه بودند باز  
قلعه را فرو خاوردند و آنها را بدور قلعه هدایت کرد  
باطلاق بودند و در آنجا غلای حاشری را این یافتند که  
هیچکس بآن آب از . سپس مستحقان قلعه با آنان  
که لیدی راونا بهما شمر و باطریق دیگری برروند هم  
ممکن نبود . باجبار آنها را باطریق که مستحقان این  
ولیدی راونا باطریق دادند بی پرده شد .

دو براسی و لیدی راونا در آنجا رسیدند و او را  
گفتند : در چه کاری را می بینید ؟  
باجاز دوست رسیده اند و با وی رکنجا برده اند  
چیزی نشد .

و به کار او چنانکه باطریق دیگری برده شد .

## فصل هفدهم

### شهادت ربه کا

دو نفر قراول ربه کا را برده و در اطاق کوچکی از برجهای دوردست قلعه انداختند. در آن اطاق پیرزنی را یافت که نهریسی میکرد و یکی از آهنگهای انگلیسی را زیر لب زمزمه میکرد. یکی از قراولان به پیرزن گفت: ای پیرزن! باید از این اطاق بیرون بروی. اربابان امر کرده است که اطاق را خالی کنی و برای این مهمان زیبا بگذاری.

پیرزن گفت: آه، يك موقعی حرقم قدری نفوذ داشت که بهترین مردان مسلح را از میان شما از خدمت خارج میکردم ولی حال بایستی که بفردان پیشخدمتی مثل شما برخاسته و بیرون بروم. قراول دومی گفت: دلریکای مهربان. بس است دیگر و اجمع باینکار دلیل ناور و برخیز و خارج شو. یکوقتی هم دوران تو بود ولی مدتها است خورشید جوانی تو غروب نموده است.

پیرزن گفت: خدا شما را خیر دهد! خدا کند که مثل سگی کشته شوید! ولی من تا نختایی را تمام نکنم از اینجا بیرون نخواهم رفت.

قراولان گفتند: حرفهای خود را باریاب زن. سپس بیرون رفته و پیرزن را باریاب کا بهال خود گذاردند. پیرزن نگاهی باغضب به ربه کا کرده گفت: خدا میداند که دیگر چه عمل شیطانی مخفیانه ای را میخواهند انجام دهند؟ ولی میتوان حدس زد. از چشمان سیاه و گیسوان آنزوسی، پوست بدن سفید، میتوان حدس زد که برای چه کاری اینهمان را باین بشوئه فرستاده اند. اینهمان بیگانه هم میباشد سپس بر صید: شما اهل کجا هستید؟ پیرا جواب داد: میانداید. پیرا گریه میکرد و ولی حرف نمیزنید!



ربه کا هم بزبان فرانسه گفت : پس شما یاغی نیستید . از  
بجایی يك نجیب زاده نورماندی بوده اید آیا بمن رحم خواهید کرد ؟  
آورد که بوا - ژیلبرت بود صورت را آشکار ساخته گفت :  
حدس شما صائب است من یاغی نیستم و در عوض آنکه این جواهرات را  
از شما بگیرم اگر تسلیم من شوید سر و روی شما را با جواهر  
پرخواهم کرد . شما اکنون اسیر من هستید . پس بمن تسلیم شوید  
و شما را به عظمی خواهم رساند که خانمهای نورماندی بیای  
شما نرسند .

ربه کا گفت : بشما تسلیم شوم ! ای شوالیه نا مرد ! من از  
شما متنفرم ! خدای ابراهیم راه فرار را برای من باز کرده است حتی  
اگر از گودال شرمندگی باشد .

وقتی اینطرف را زد پنجره را باز کرده و لحظه ای به بیکنار  
برج چاییکه هیچ فاصله ای بین او و پرتگاه مخوف نبود ایستاد .  
همس گفت : اگر يك قدم آنطرف بگذارم از بالا پرت خواهم  
شد و بدن من در روی سنگهای پائین خورد شده و بیش از آنکه  
تسلیم شما شوم از شکل انسان خارج خواهم شد .

شوالیه کمی مکث کرد و عزم راسخ وی که تاکنون رحم  
و شفقتی بآن راه نیافته بود برای چند لحظه به همین از شجاعت  
وی برداشت .

صدای کرنائی از جلوی درب قلعه شنیده شد آن مرد  
سه مرتبه با چنان قوتی زده شد و اعلام داشت که دشمن در جاوی  
قلعه حاضر شده در لحظه ای میخواهد برج و باروی قلعه را  
مانند پرکاهی از بین بردارد .

بوا - ژیلبرت گفت : آن کرنائیکه زده شد معلوم میکند که  
واقعهای رخ داده که بهشور من احتیاج دارند خدا حافظ . انشاء  
قوی مرا حجت خواهم کرد .



## فصل هجدهم يك كشيش عجيب

موقعيکه بوا - ديلبرت بتلار قلمه وارد شد دوبراسي را که قبلا آنجا بود ملاقات کرد . چندي طول نکشيد که فرانت دوبروف هم باآنان پيوست . فرانت دوبروف گفت : راستي اين صداي اميتي از چه بود . کاغذي از تاراج آورده اند و اگر اشتباه نکرده باشم با حروف ساکسوني نوشته شده . بعد دوبروف نيتوانست کاغذ را بخواند آنرا به دوبراسي داد . دوبراسي که او هم نيتوانست آنرا بخواند گفت : آيا به من خيال ميکنم آنست که اين کاغذ موضوع اسرار انگريزي دربردارد .

بوا - ديلبرت گفت کاغذ را من بدهم . بعد کاغذ را گرفته و چيزي خواند .  
« از طرفه و امپا مسخره نيزب زاده مشهور کدريک دورادرو ودا گورت خوند چران کدريک نامبرده : و متعدين آنها شواليه سباد بول و رابرت لاکسلي »  
به رزنگاله فرانت دوبروف و متعدين ايشان :

« نظر بياييد به دويت سبب ارباب ما کدريک وليدي راونا وائلن تان در کدريک کدريک و ديت کدريک تان در پيوستي مشخص آني ساد کدريک و ديت تان را مشخص کرده اند .  
« بازي اين اتفاقا قاريب که اشخاصي نامبرده را حلي بکسافت آرد اين اشخاص : « در دور و ديت تان در اشخاص شما خواهيم کرد و ديت تان در دور و ديت تان در اشخاص شما خواهيم کرد .  
« کاغذ بياييد به زاده سباد بول و رابرت لاکسلي در اين روز مقدس نوشته شده و در زير ديت تان در اشخاص شما خواهيم کرد .  
« شواليه سباد بول و رابرت لاکسلي »

شوالیه ها آن کاغذ عجیب را خواندند و با تعجب هر چه تمامتر  
بیکدیگر خیره شدند .

دو براسی اولین کسی بود که باشلیک خنده سکوت را شکست  
و بوا - ژیلبرت هم با خنده ویرا جواب گفت فرانت دوبوف معلوم  
بود که از این خنده و خوشحالی به موقع و نابجا اوقاتش تلخ شد .  
سپس گفت : بشما اخطار میکنم که این خنده به موقع را  
بهتر است ترك نموده و به شورت در اطراف این موضوع بپردازید .  
سپس بیکسی از خدمه خود گفت : آیا فهمیده ای که آنها تیکه اعلان  
جنگ بما داده اند چقدر قوه دارند پیش خدمت جواب داد : اقلا دو پست  
نفر در جنگل گرد آمده اند .

فرانت دوبوف گفت : با واگذار کردن قصر خود بشما  
در دمسری برای خود فراهم کردم .

بواژیلبرت گفت : خیلی شرم آورست . آقای شوالیه بشکندارید  
مردان خود را جمع کرده و آنان را شکست دهیم . يك شوالیه  
حتی يك سرباز هم برای بیست نفر از اینجهور اشخاص کفایت میکند  
فرانت دوبوف جواب داد : اگر آنها دهانیهای جنوب بودند  
این حرف راست بود ولی آنها دهقانان انگلیسی هستند که بر آنها  
غیر از قوه مزیتی نداریم ولی همین برتری برایمان کافی است  
بشما گفتید حمله کنیم ؟ ما حتی قشونی که با آن بتوانیم از قلعه  
دفاع کنیم نداریم . قشون اصلی من در شهر بورك است و هر چه  
در اینجا قشون داریم متعلق با آقای دو براسی هستند و تماما چهل پنجاه  
نفر حاضر داریم .

بواژیلبرت گفت : از همسایگان خود امداد بطلبید و  
توانش کینه که مردانش را جمع کرده و نجات سه تن شوالیه که از  
طرف يك مستخره و يك خوک چران در قلعه نجیب زاده فرانت دوبوف  
مورد حمله واقع شده اند بشتابند .

فرانت دوبوف گفت : پیغام مرا که با آنان خواهد رسانید ؟  
حمله کنندگان تمام جاده ما را تحت نظر دارند . آقای بوآ - ژیلبرت  
شما قادرید که این کاغذ را بنویسید پس من دیگته میکنم و شما  
بنویسید . این کاغذ که الان میگویم جواب حمله کنندگان است .  
بوآ - ژیلبرت قلم بردست گرفته و چنین نوشت :

« آقای ژرنالد فرانت دوبوف و متحدین ایشان از غلامان  
قبول مبارزه نمیکند و اگر حقیقتاً شخصی که خود را شوالیه  
سیاه پوش میخواند ادعای افتخار شوالیه بودن را دارد است باید بداند  
که با این اتحاد با غلامان خود را خوار ساخته است و اما راجع  
باسپران ، ما قسم کرده ایم که امروز پیش از ظهر آنان را بقتل  
رسانیم و نابراین خواهش داریم کشیش با اینها بفرستید که آنها  
گناهان خود را در برابر او اقرار نموده و با خدای خود صلح نمایند »  
با این کاغذ آنها خیال داشتند قتلش را بفرستند و وسیله وی  
کافندی با علمایان و آشنایان برای طلب کمک بفرستند .

کافندی را تا کشته و بنامه رسان که بیرون درب منتظر بود  
دادند . وی نامه را پیش حمله کنندگان برد . چونکه در میان دسته  
آنان کسی فرانسوی نبود است شوالیه سیاه پوش آنرا گرفته و خواند  
سپس خلاصه اش را برای رضا شرح داد .

و اما فریاد کرد : کبریا که خوب زانم را بگذاشت و بشما قسم  
که آقای شوالیه شما امروز را خواهید است . شوالیه در پاسخ گفت  
که در این لایحه من برای « من چیزی را که در کاغذ نوشته  
بود کفایت میکند »

تو در وقت کشتن کسی بدانی که ما نامه را با دستهای خود  
فرستادیم و میگوییم :

و اما شما این نامه را چیزی نداریم که با آن ایستاد را  
انجام دهیم .

لاکسلی گفت : این تهدید ایشان فقط حقه ای است که میخواهند فرصتی بدست بیاورند و الا آنها جرئت چنین کاری را ندارند .  
شوالیه سیاه پوش گفت : دلم میخواست که کسی بین ما پیدا شود که قلمه رفته و بشهد که قوه آنان چه اندازه است . راستی آنها کشیش خواسته اند که بفرستیم . شاید این زاهد مقدس بتواند برود و اطلاعاتی را که لازم داریم برایشان تحصیل نماید .  
تارک دنیا در پاسخ گفت : آقای شوالیه ، شما میگویید که موقهسکه لباس مقدس را کتفه و اسلحه در برکردم کشیش بودن و تقدس و دانستن زبان لاتین و تمام این چیزهای من ازین رفته است .  
شوالیه سیاه پوش گفت : میترسم که میان ما کسی نباشد که بتواند نقش کشیش را بازی نماید :

و اما کسی صبر کرده سپس گفت : بهقیده من يك احبب در هر کاری باید احبب باشد و گردن خود را در راه مخاطرات بکند عاقبت از آن روگردانند بگذارد و بنا بر این من حاضرم .  
شوالیه گفت : احسنه ای رفیق خوب بس لباس پوشیده و برو و باربابت پیغام ده که اطلاعی از وضع درون قلمه بما بفرستد .  
عده آنها کم است و احتمال دارد که بایک حمله ناگهانی و ماهرانه ما از پا در آیند . فقط باید مواظب باشیم که کسی خبری از عده ما و سایر اطلاعات قلمه نبرد .

لاکسلی گفت : بقدری مراقب که حتی پرنده ای هم نمیتواند اخباری از ما قلمه ببرد .

و اما بعد از مدت کمی پادشاههای مذهبی دلبسته و آنان گفت :  
پوکس وانی سکوم (۱) سپس با قدمهای موثرانه که شایسته کشیشها میباشد سویی مأموریت خویش رهسپار گشت .

(۱) این جمله بزبان لاتین بمعنی آنست که « آرامش باتو باشد »

## کتابفروشی فردوسی

«اراک»

مرکز فروش کتلهای رنگارنگ و نشریات بهنگاه هری

این کتابفروشی در سال ۱۳۱۰ شمسی در اراک  
تأسیس شده و با تمام کتابفروشی های معتبر مرکز طرف  
معامله و معامله جاری است.

در انجام مراجعات مطالبات سایرین هم (با تشاء جراید  
یومیه) با قید هر گونه تضمینی کف بشوایید حاضر است  
و بغیر از کتابفروشی : معاملات، نوشت افزار، باسکوف  
عکس های مختلف، واردات و صادرات فرشی را انجام میدهم.

مطالع : سید محمد داودی

## چاپ آگهی ها

در گلهای رنگارنگک بنفع اعلان دهند گانست زیرا این کتاب  
هر ماهه در تهران در سه هزار نسخه چاپ میگردد و شماره های آن  
همیشه در دست خوانندگان باقی میماند.

بیکبار آگهی در گلهای رنگارنگک بمنزله صد ها آگهیست که  
بارها در اوراق پندوام چاپ گردیده و در زوایای فراموشی فرو رود.  
دستمزد چاپ آگهی: تمام صفحه ۲۰۰ ریال - نیم صفحه  
۱۰۰ ریال ربع صفحه ۵۰ ریال است. باینهمه مزایا معینا حق الطبع  
آگهی ها در گلهای رنگارنگک ارزاتر از روزنامه هاست.

با آگهی های دائمی تخفیف داده میشود و برای آزمایش هم  
شده یکبار آگهی های خودتانرا برای طبع و نشر در گلهای  
رنگارنگک ارسال دارید.

نشان ملی: خیابان سعدی - روبروی گرمابه ایران - کوچه  
فاریاب - خانه دوم دست راست - شماره تلفن ۵۱۰۸ - پناه مری

## جایگاه فروش گلهای رنگارنگک در تهران.

- |                        |   |
|------------------------|---|
| ۱ - کتابفروشی ابن سینا | شاه آباد ( چهار راه نمبر الدوله )         |
| ۲ - جهان نو            | بین چهار راه شیخ هادی و چهار راه بهلولی . |
| ۳ - زمانی              | خیابان بوزر جمهوری چهار راه گلوندک .      |
| ۴ - یاس                | خیابان امیریه برابر بازارچه شیخ هادی .    |
| ۵ - کتابفروشی خاور     | شاه آباد جنب کوچه حمام وزیر .             |
| ۶ - تهران              | لاله زار جنب کوچه پشت شهرداری .           |
| ۷ - بنگاه دیده بان     | اول کوچه ناموس                            |

مصانع طارخانه

الانسان

مستشفى

طبيب



COFFRE FORTS

INSTRUMENTS TECHNIQUES





CALL No. {

ACC. No.

294A

AUTHOR

TITLE



**MAULANA AZAD LIBRARY**  
**ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY**

**RULES:-**

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

